

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ ایران و جهان (۲)

سال سوم آموزش متوسطه

رشته ادبیات و علوم انسانی

محتوای این کتاب تا پایان سال تحصیلی ۱۳۹۴-۹۵ تغییر نخواهد کرد.

وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب: تاریخ ایران و جهان (۲) - ۲۷۱۳

شورای برنامه‌ریزی گروه تاریخ: فرج الله احمدی، حسین احمدی، یارمحمد بای، عباس پرتوی مقدم، یعقوب توکلی، مسعود جوادیان، حشمت الله سلیمی، فاطمه غدیری و فهیمه فر همندپور

درس بکم تا پایان درس هفتم: محمدعلی علوی کیا

درس هشتم تا پایان درس یازدهم: سیروس غفاریان

درس دوازدهم تا پایان درس شانزدهم و درس بیست و ششم: حسین احمدی، عباس پرتوی مقدم

درس هفدهم تا پایان درس نوزدهم: گروه تاریخ دفتر تألیف کتاب‌های درسی

درس بیستم تا پایان درس بیست و پنجم: غلامعلی حداد عادل

ویراستار: سیداکبر میرجعفری

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۰۹۱۶۱-۱۱۶۱، ۰۹۲۶۶-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۰۹۲۶۶-۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت: www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ: سید احمد حسینی

طراح جلد: طاهره حسن‌زاده

صفحه‌آرا: شهرزاد قنبری، راحله زادفتح الله

حروفچین: فاطمه باقری مهر، زهرا ایمانی نصر

مصحح: زهرا رشیدی مقدم، فاطمه گیتی جبین

امور آماده‌سازی خبر: فاطمه پیشکی

امور فنی رایانه‌ای: حمید ثابت کلاچاهی، پیمان حبیب‌پور

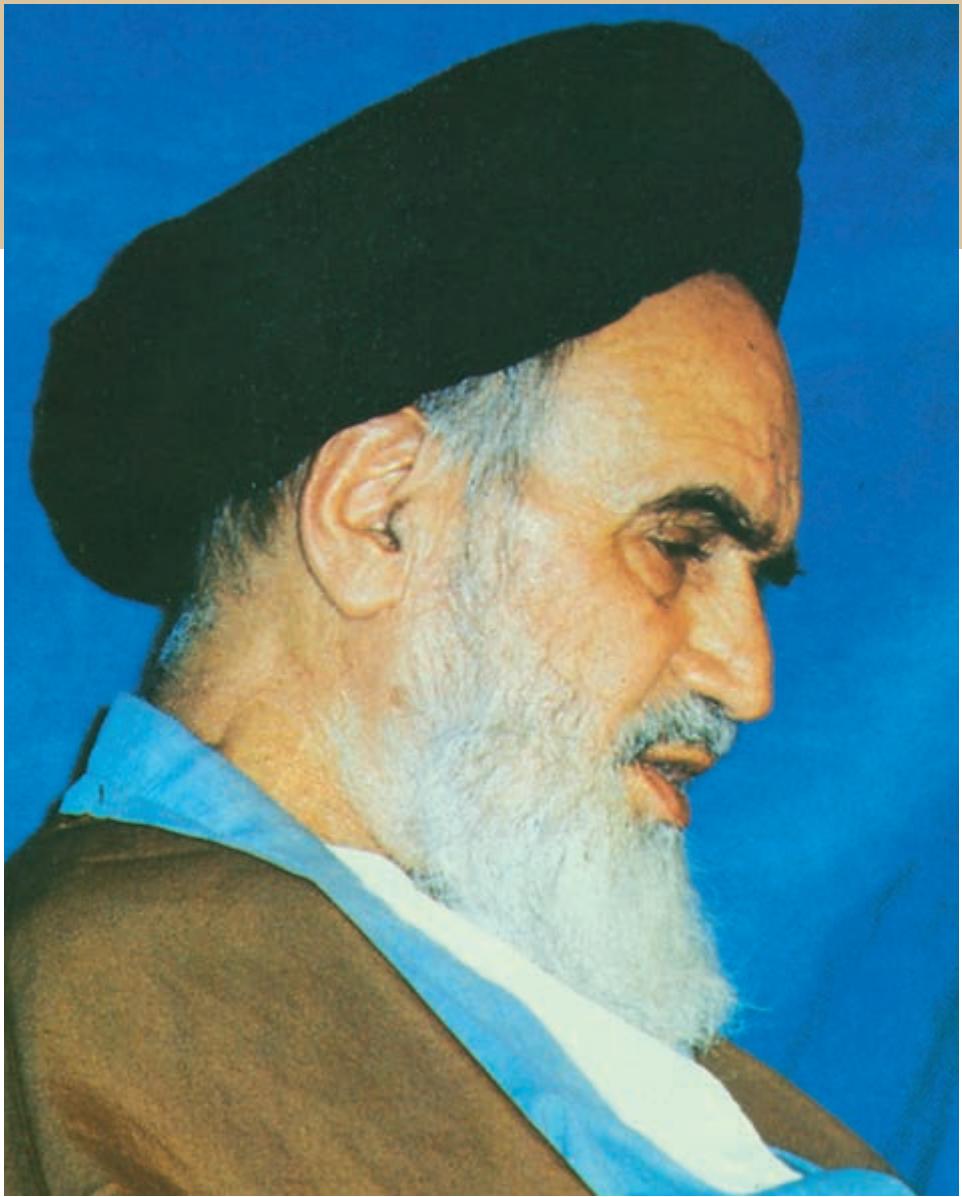
ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (دارویخن)

تلفن: ۰۹۱۶۱-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۰۹۱۶۰-۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ چهاردهم ۱۳۹۳

حق چاپ محفوظ است.



تاریخ معلم انسان‌ها است.

حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیہ)

فهرست

بخش اول: تاریخ جهان در قرون جدید و معاصر

- درس ۱
۲ تحولات مذهبی، فکری و علمی اروپا در قرون جدید
- درس ۲
۱۱ تحولات سیاسی اروپا در قرون جدید (سدۀ های ۱۶ و ۱۷) (۳)
- درس ۳
۲۱ تحولات سیاسی آمریکا و اروپا در قرون جدید (سدۀ ۱۸) (۳)
- درس ۴
۲۹ آخرین امپراتوری‌های مسلمان
- درس ۵
۴۰ اروپا و آمریکا در قرن نوزدهم
- درس ۶
۵۱ آفریقا و آمریکای لاتین در قرن نوزدهم؛ نبرد علیه استعمار
- درس ۷
۶۱ آسیا در قرن نوزدهم؛ مقاومت در برابر استعمار
- درس ۸
۷۲ جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸) (۳)
- درس ۹
۷۹ جهان در میان دو جنگ (۱۹۱۸ - ۱۹۳۹) (۳)
- درس ۱۰
۸۵ جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ - ۱۹۳۹) (۳)
- درس ۱۱
۹۱ عصر جنگ سرد (۱۹۴۵ - ۱۹۸۹) (۳)

بخش دوم: تاریخ ایران در قرون جدید و معاصر

- درس ۱۲
۱۰۲ ایران در عصر صفویه
- درس ۱۳
۱۱۳ ایران از سقوط صفویه تا پایان حکومت زندیه



۱۳۰	اوپرای سیاسی و اداری ایران در عصر قاجار	درس ۱۴
۱۳۱	روابط خارجی ایران در دوره قاجار	درس ۱۵
۱۴۱	اوپرای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران قاجار	درس ۱۶
۱۵۶	زمینه‌های انقلاب مشروطیت ایران	درس ۱۷
۱۶۴	انقلاب مشروطیت ایران	درس ۱۸
۱۷۶	دخالت‌های روسیه و انگلستان در ایران	درس ۱۹
۱۸۶	ایران در دوران سلطنت رضا شاه	درس ۲۰
۱۹۵	اوپرای ایران از اشغال متفقین تا کودتای ۲۸ مرداد	درس ۲۱
۲۰۴	نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)	درس ۲۲
۲۱۲	تداوی مبارزه علیه رژیم پهلوی (۱۳۴۳-۱۳۵۶ اش.)	درس ۲۳
۲۲۰	انقلاب اسلامی ایران	درس ۲۴
۲۳۰	ایران در دوران جمهوری اسلامی	درس ۲۵
۲۳۹	هشت سال دفاع مقدس	درس ۲۶
۲۵۰	فهرست منابع و مأخذ	

سخنی با دبیران گرامی

کتاب حاضر دومین کتاب از کتاب‌های درسی رشته ادبیات و علوم انسانی است. عنوان‌ها و مباحث مورد نظر این کتاب، همچون کتاب تاریخ ایران و جهان^(۱) در شورای برنامه‌ریزی گروه تاریخ بارها مطرح شده و بارها مورد بحث قرار گرفته است. سپس در فصل نامه رشد آموزش تاریخ شماره^(۲) آن را درج کردیم تا قبل از آغاز تالیف از نظریات اصلاحی همکارانمان در این خصوص در سراسر کشور آگاهی یابیم. در سال‌های اخیر همواره با اعتراضات شماری از همکارانمان درباره حجم زیاد کتاب‌های درسی مواجه بوده‌ایم؛ به همین دلیل در گزینش و سازماندهی مطالب کتاب حاضر کوشیده‌ایم به گونه‌ای عمل کنیم که حاصل کار کتابی مناسب با ساعات تدریس باشد. این کار، بسیار مشکل و بحث برانگیز بود؛ زیرا جریان تاریخ جهانی هرچه رو به معاصر پیش می‌رود، دارای مباحث پیچیده‌تر و درهم تبیده‌تر می‌شود که در عین اینکه آموزش آن را جالب‌تر می‌سازد، فرصت و امکان پیشتری را می‌طلبید تا مؤلف بتواند به خوبی از شرح و تفہیم مطالب برآید؛ این خود نشان دهنده سختی و حساسیت کار مؤلفان کتاب حاضر است. از آنجا که مسائل عصر ما ارتباط پیشتری با مسائل و تحولات دو قرن اخیر دارد، تدریس و تفهم کتاب حاضر می‌تواند آموزشی عالمانه، مفید و به اصطلاح کاربردی به دانش آموزان ارائه دهد و نگرش آنان را نسبت به دنیای پیرامونشان عمیق و دقیق بسازد. این مهم تنها در صورتی امکان‌پذیر است که دبیران گرامی، خود نسبت به موضوع درس هم علاقه و آگاهی داشته باشند و هم با مطالعه مستمر با آمادگی لازم در سرکلاس حاضر شوند.

در شماره‌هایی از تشریه رشد آموزش تاریخ، مقالاتی مرتبط با مفاهیم و مطالب کتاب حاضر درج شده است که همکاران محترم را به مطالعه آن توصیه می‌کنیم. در پایان، یادآوری چند نکته خالی از فایده نیست:

۱- به خاطر داشته باشید که دبیران سراسر کشور، از سلیقه‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی برخوردارند و چه بسا، هریک از ایشان نسبت به یک یا چند موضوع، متفاوت از دیگران بینشید. ارائه کتابی منطبق با همه سلیقه‌ها و دیدگاه‌ها کاری بس مشکل با محال است.

۲- توصیه می‌شود در آغاز سال تحصیلی و در ابتدای هر درس تازه، اهداف کتاب و درس را برای دانش آموزان بیان کنید. اهداف تفصیلی تمامی درس‌ها در بیگانه گروه تاریخ به نشانی: <http://history-dept.talif.sch.ir>: بیان شده است.

۳- در جریان تدریس و ارزشیابی، جیوه‌های فراداشی نیز مورد توجه قرار گیرد و به جای بررسی رویدادهای تاریخی به صورت واقع منفرد و مجزا، پدیده‌های تاریخی در قالب فرایندی از تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ارزیابی و تحلیل شوند تا امکان شناخت و فهم آن‌ها برای دانش آموزان فراهم آید.

۴- در تدریس این کتاب، می‌توانید از شیوه‌های مختلف تدریس، بهره جویید. در این باره مقالاتی در شماره‌های مختلف رشد آموزش تاریخ به چاپ رسیده که مطالعه آنها را به شما توصیه می‌کنیم.

۵- در پایان هر درس، فعالیت‌هایی برای داشن آموزان درنظر گرفته شده است. توجه داشته باشید که انجام تمامی این فعالیت‌ها ضروری و اجباری نیست، بلکه به مقتضیات و امکانات محلی بستگی دارد. می‌توانید برخی از این فعالیت‌ها را انتخاب کنید یا با گروه‌بندی دانش آموزان انجام هریک را از یکی از گروه‌ها بخواهید.

۶- تدریس شایسته این کتاب از عهده دبیران متخصص در رشته تاریخ برمی‌آید؛ بنابراین، تقاضامندیم که مدیران محترم تدریس این کتاب را به عهده دبیران متخصص واگذارند.

۷- هدف از لحاظ کردن فعالیت‌هایی ضمن درس‌ها، واداشتن دانش آموزان به اندیشیدن و نیز بحث و اظهارنظر درباره وقایع و تحولات تاریخی است نه بیان صحیح پاسخ‌ها؛ بنابراین، هیچ ابرادی ندارد که دانش آموزان تحلیل‌ها و پاسخ‌هایی غیرصحیح بیان کنند. به علاوه، لحاظ نکردن زمان کافی برای اظهارنظر، شمارا از این هدف دور خواهد ساخت.

۸- مطالبی که با عنوان «بیشتر بدانید»، «یک توضیح» و «فکر کنید و پاسخ دهید» آمده است و مطالب داخل جدول‌ها و کادرها، برای تعمیق بادگیری است و در آزمون‌های نوبت اول و دوم نباید از آنها پرسشی طرح شود.

گروه تاریخ دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

سخنی با دانشآموزان گرامی

این کتاب دنباله حوادث و تحولات سیاسی جهان از حدود قرن شانزدهم تا حاضر است. پدیده‌ها و جریان‌های تاریخی، علاوه بر ارتباط با مسائل و پدیده‌های عصر خود، اغلب نتیجهٔ جریان‌های قبل هستند؛ بنابراین، برای درک بهتر مطالب این کتاب لازم است مطالب کتاب تاریخ ایران و جهان^(۱) را در ذهن خود مرور کنید. همچنین، به یاد داشته باشید که به دلیل محدودیت ساعات تدریس، مطالب کتاب حاضر به طور خلاصه بیان شده است؛ بنابراین برای درک بهتر و عمیق‌تر آن می‌باشد علاوه بر طرح پرسش‌ها در کلاس درس، به کتاب‌های کمک درسی رجوع کنید؛ برای مثال، مطالعهٔ برخی از کتاب‌هایی که در فهرست منابع آمده می‌توانند به شما کمک زیادی کنند. به یاد داشته باشید که برخی هدف‌های آموزش تاریخ عبارت است از آشنایی با اصلی‌ترین جریان‌های تاریخی، آشنایی با میراث فرهنگی، علاقه‌به میهن و آشنایی با بزرگان و مفاخر آن، درک علل و نتایج انقلاب اسلامی ایران و نقش رهبری امام خمینی (ره)، درک مفهوم تغییر و استمرار در تاریخ.

بنابراین، هدف از آموزش کتاب حاضر فقط کسب نمره یا قبولی در کنکور نیست بلکه اینها نتیجهٔ فرعی آن است.

از مطالب «یک توضیح»، «بیشتر بدانید»، «فکر کنید و پاسخ دهید» و «اندیشه و جست و جو» امتحان به عمل نخواهد آمد اما مطالعه آن را به شما توصیه می‌کنیم؛ زیرا هم اطلاعات جالبی به شما ارائه می‌دهد و هم خستگی مطالعه کتاب را کمتر می‌کند. به یاد داشته باشید که قضاوت در تاریخ و شناخت پدیده‌های مربوط به گذشته همیشه نسبی است و این امر همواره به میزان آشنایی مورخان با آن و دسترسی به اسناد و منابع لازم بستگی دارد. گفتنی است که تاریخ - برخلاف تصور برخی - تنها شرح جنگ‌ها و کارهای پادشاهان نیست، بلکه شناخت زندگی اجتماعی گذشته است و در بسیاری از رشته‌های علمی، بدان نیازمند هستند. تاریخ ما را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازد. در تربیت اخلاقی و رشد عقلانی ما بسیار مؤثر است. در مطالعهٔ تاریخ لذتی حاصل می‌شود که تجربی است و توصیف آن مشکل است. در این میان، مطالعهٔ بخش دوم کتاب اهمیتی دوچندان دارد؛ زیرا شما را با ریشه‌های بسیاری از مسائل عصر حاضر ایران آشنا می‌سازد.

احماد محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آمان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطابق
این کتاب از طبق نامه به شانی تهران - صندوق پستی ۳۶۲، ۱۵۸۵۵ - کروه درسی مربوط و یا سایم نگار (Email)
ارسال نایند.
talif@talif.sch.ir

و قرئایت کتاب با می درس ابتدایی و متوسط نظری

بخش اول

تاریخ جهان در قرون جدید و معاصر

درس ۱

تحولات مذهبی، فکری و علمی اروپا در قرون جدید

مقدمه

در درس تاریخ ایران و جهان (۱) با تاریخ اروپا در قرون وسطا و سپس عصر رنسانس آشنا شدید و دانستید که چگونه اروپاییان این دوران را پشت سر نهادند. در عصر رنسانس، شهرنشینی توسعه یافت و همراه با زوال فئودالیسم، بر قدرت پادشاهان افزوده شد؛ اکتشافات جغرافیایی دانش بشری را وسعت بخشید. همچنین دولتهای اروپایی با مستعمره کردن سرزمین‌های نو یافته، ثروت و ذخایر آنها را به غارت برداشتند.

در این درس با تحولات مذهبی و علمی اروپا در «قرون جدید» آشنا می‌شویم.

زمینه‌های نهضت پروتستان^۱

حاکمیت کلیسا، در قرون وسطا، بر چند اصل اساسی استوار بود. نخست آن که بیرون از آیین مسیحیت، داشن و رستگاری وجود ندارد؛ دوم این که مسیحیان، از مردم عادی گرفته تا پادشاهان، رعایای کلیسا یاند که رهبری و هدایت آنها توسط حضرت عیسی (ع) به پاپ (عالی‌ترین مقام کلیسا) کاتولیک) واگذار شده است و بالاخره اینکه، هرگونه تفسیر و توضیح کتاب مقدس، آیین‌ها و احکام مسیحیت جز از طریق کلیسا و رهبران آن نباید صورت گیرد.

براساس این اصول، هیچ داشن و معرفتی خارج از حوزه آموزش‌های رسمی مدارس مذهبی اعتباری نداشت و دخالت در امور سیاسی کشورهای مسیحی و تعیین اسقف برای آنها، حق پاپ تلقی می‌شد. کلیسا برای تحکیم سلطه خویش و نابودی مخالفان، از دو حربه تکفیر و بریایی دادگاه تفتیش عقاید (انگریزی: "Inquisition") استفاده می‌کرد.

۱— Protestant

۲— Inquisition

ارتباط اروپاییان با مسلمانان در اوخر قرون وسطاً افزایش یافت و کتاب‌های علمی و فلسفی مسلمانان به لاتین ترجمه شد. اندیشمندان اروپایی که به دنبال راه چاره برای خروج از بن‌بست قرون وسطاً بودند، این آثار را با شعف و شوق فراوان مطالعه کردند. علاقه به پژوهش، آزمایش و تجربه افزایش یافت و نقادی رهبری کلیسا شروع و نهضت رنسانس آغاز شد. پس از آن، به تدریج اعتراضاتی علیه حاکمیت کلیسا در جامعه مسیحی پدیدار شد.

یک توضیح

ژان هووس^۱؛ مرگ در آتش

ژان هووس (۱۳۶۹-۱۴۱۵)، استاد دانشگاه پراگ، یک مصلح دینی بود که مردم پراگ را به قیام علیه سلطه آلمان‌ها و کلیسای کاتولیک رومی برانگیخت. او بر ضد مال اندوزی کشیشان کاتولیک و بخشش گناهان توسط آنان تبلیغ می‌کرد و می‌گفت که اراضی کلیسا باید مصادره شود، او خود کتاب‌های مذهبی را که به زبان لاتین و برای مردم نامفهوم بود، به زبان چک ترجمه کرد و پاپ را «ضد مسیح» خواند و اعتقاد به معصوم بودن پاپ را کفر نامید. سرانجام، مجمع کشیشان عالی رتبه کلیسای کاتولیک، هووس را به محکمه کشاندند و در حالی که به او اجازه ندادند، حتی یک کلمه سخن بگویید، به مرگ در آتش محکوم شدند. پیش از مرگ از هووس خواسته شد تا توبه کند و حرف‌های خود را پس بگیرد اما او حاضر به این کار نشد و مرگ در آتش را ترجیح داد. ایمان، فقط ایمان، برای نجات انسان کافی است. «لوتر»

رهبران نهضت پروتستان

(الف) مارتین لوتر^۲ : با گذشت چند دهه، دامنه اعتراضات علیه پاپ و افکار رسمی کلیسا گسترش یافت. یکی از معارضان، کشیشی آلمانی به نام مارتین لوتر (۱۴۸۳-۱۵۴۶ م.)^۳ بود که ابتدا بخشش گناهان در آئین کاتولیک را مورد اعتراض قرار داد و نظریات پیشنهادی خود را که در ۹۵ اصل تنظیم

۱— John Huss

۲— ۷۴۸-۷۹۴ ش.

۳— Martin Luther

۴— ۸۶۱-۹۲۴ ش.

شده بود، بر در کلیساي آويخت. لوتر نه تنها بخشش گناه توسط کلیسا را مردود شمرد، تجرّد کشیشان و زیارت مزار قدیسان و تقدیس حضرت مریم و دیگر اولیائی مسیحی را نیز خلاف شریعت مسیح دانست. او همچنین اعلام کرد که مسیحیان به پاپ نیازی ندارند و فقط کافی است که هر کشور یک اسقف داشته باشد. سخنان لوتر مورد استقبال شاهزادگان آلمانی قرار گرفت.



مارتن لوتر

در واکنش به عقاید و اعتراضات لوتر، پاپ به امپراتور مقدس روم دستور داد که جلوی تبلیغات او را بگیرد، اما چون امپراتور در صدد این کار برآمد، شاهزادگان آلمانی از لوتر حمایت کردند. پاپ، لوتر را تکفیر کرد و لوتر در مقابل، فرمان پاپ را در آشن افکند (۱۵۲۰م.).^۱ و به دنبال آن، طرفدارانش نیز به تصمیمات مجلس امپراتوری اعتراض کردند؛ بدین ترتیب، آنان را پروتستان (معترضان) نامیدند. پس از این، جدایی و انشعاب در مسیحیت کاتولیک قطعیت یافت و نهضتی به نام پروتستان در تاریخ این دین متولد شد.

ژزوییت‌ها

در قرن ۱۶م/۱۰ق. درست در همان زمان که مارتین لوتر قدرت پیدا می‌کرد، یک قدیس اسپانیایی به نام دولویولا^۱ فرقه‌ای تازه در داخل کلیسا کاتولیک به وجود آورد. این فرقه، **ژزوییت‌ها** (یسوعیان)^۲ نامیده شدند. هدف ژزوییت‌ها این بود که افراد را برای فدکاری و خدمت‌بی‌چون و چرا در راه اهداف کلیسا تربیت کنند. آنان سه اصل فقر، تقوا و اطاعت از پاپ - به عنوان نایب خدا در روی زمین - و اجرای دستورات اورا بر خود واجب می‌دانستند. این فرقه توانست، با تکیه بر روش‌های تربیتی سخت، انضباط شدید و شور و شوق جانباز اند در راه مقصود، موج مهاجم پروتستان را تا حدود زیادی به عقب براند. رهبران آن می‌کوشیدند مدارس را در اختیار خود بگیرند تا نسل جوان را تحت تعالیم کاتولیک پرورش دهند. به رغم آن‌که یکی از اصول ژزوییت‌ها فقر بود، آنان بعد‌ها سازمان خود را در راه کسب ثروت سوق دادند. بسیاری از آنان با کلاه برداری از ثروتمندان، رباخواری و سفتهداری، صاحب املاک وسیع، کارخانه‌ها و کشتی‌های خصوصی شدند. آنان چنان‌به تقلب و تزویر آگوده شدند که سرانجام پاپ این فرقه را منحل کرد (۱۷۷۳م).^۳

ب) **جان کالون**^۴ : با اوج گیری نهضت پروتستان در آلمان، دیگر کشورهای اروپایی نیز در صدد پیروی از این نهضت برآمدند. به دنبال آن، در سوئیس نهضتی تحت رهبری جان کالون (۱۵۶۰م-۹۱م.) شکل گرفت. کالون نیز مانند لوثر رهبری پاپ را قبول نداشت اما به جای حکومت شاهزادگان به حکومت شورایی، مشکل از کشیسان و مؤمنان مسیحی، برای اداره شهر و کلیسا معتقد بود. او در واقع به حکومت دینی اعتقاد پیشتری داشت. کالون کوشید جامعه‌ای کوچک اما منظم و متحده وجود آورد؛ از این‌رو، به پیروان خود ساده‌زیستی همراه با تلاش و کوشش اقتصادی را توصیه می‌کرد.

۱ – De Loyola

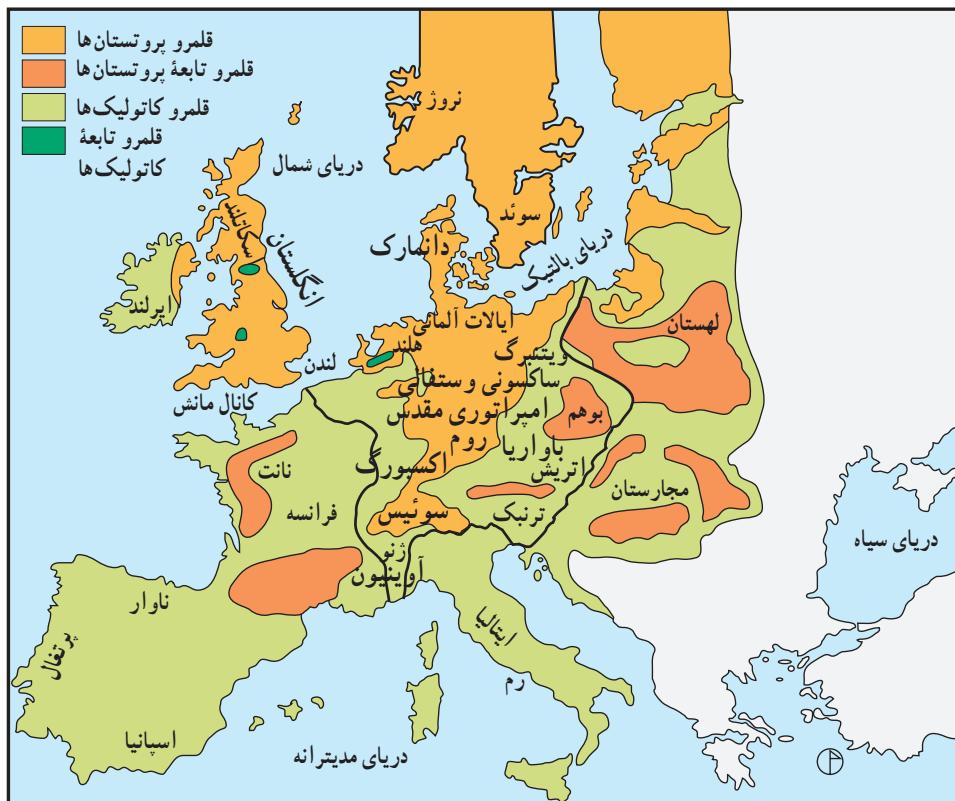
۲ – منظور از سویع، معلمان مسیح است).

۳ – ۱۱۵۲ ش. (این فرقه در سال ۱۸۱۴م. دوباره مجاز به فعالیت شد).

۴ – John Calvin

پیدایش و رشد مذهب پروتستان در اروپا به تقویت حکومت‌های ملی و پادشاهی، از بین رفتن وحدت مذهبی در اروپا، بروز جنگ‌های مذهبی (میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها)، رشد احساسات ناسیونالیستی و شکل‌گیری کلیساهای ملی منجر شد.

پادشاهان انگلستان و فرانسه اعلام کردند که دیگر از پاپ پیروی نمی‌کنند و هر کدام اسقفی تعیین کردند که مطیع دستوراتش بود. به این ترتیب در انگلستان و فرانسه، کلیساهای ملی تأسیس شد.

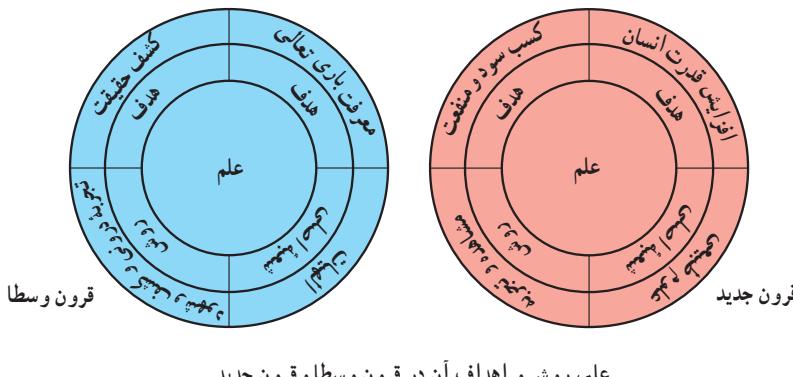


قلمرو پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها در حدود ۱۶۰۰ م.

تحولات فکری و علمی اروپا در قرون جدید

(الف) تحول در هدف و روش علم : آشنایی اروپاییان با دستاوردهای فرهنگ و تمدن اسلامی و تحولات اجتماعی و مذهبی اروپا در قرون جدید، نگرش علمی اروپایی‌ها را نیز دگرگون ساخت؛ اما این دگرگونی که در بستر مبارزه با کلیسا اتفاق افتاد، سبب پیدایش نگرش‌های جدید

درباره دین، عقاینت و علم شد؛ چنین القاء می‌شد که خردمندی و علم با ایمان دینی منافات دارد. فرانسیس بیکن^۱، دانشمند انگلیسی، برخلاف دانشمندان پیشین اعلام کرد که «هدف علم افزایش قدرت انسان است».^۲ در نتیجه این نگرش، از آن پس، تنها به علومی توجه شد که برای انسان سود و منفعتی مادی به همراه می‌داشت و لذا بیش از همه، علوم تجربی (طبیعی) مورد توجه قرار گرفت. از آنجا که پادشاهان مایل به افزایش قدرت خود، و نیز شهرنشینان سوداگر (بورژواها)^۳ خواستار افزایش ثروت خوش بودند، به این دسته از علوم، که درواقع موجود و مولد قدرت و ثروت بود، توجه خاص داشتند. به طور کلی، یکی از خصوصیات مهم علوم جدید در این دوران، قابلیت تبدیل آن به صنعت، فناوری و افزایش تولید بود.^۴



به نظر شما دستاوردهای علمی و تمدنی مسلمانان چه سهمی در تحول نگرش علمی اروپاییان داشت؟

۱—Francis Bacon

۲—بورژوا از کلمه فرانسوی Bourg به معنای «شهر» گرفته شده است و به سرمایه‌داران متواتسط شهروی گفته می‌شد.

۳—نگرش جدید به علم، با گذشت زمان، نتایجی منفی چون تخریب طبیعت و محیط‌زیست، تولید و انباشت سلاح‌های مخرب و فاصله طبقاتی را به دنبال داشت.

ب) پیشگامان علوم جدید : در قرون جدید، چهار دانشمند پیشگام علم جدید شدند؛ کوپرنیک^۱، کپلر^۲، گالیله^۳ و نیوتون^۴. این دانشمندان دو ویژگی مهم داشتند؛ یکی، صبر و حوصله بسیار در مشاهده‌های طبیعی و دیگری، هوش فراوان و جسارت بسیار در ساختن فرضیه‌های علمی؛ به همین دلیل نیز مورد بی‌رحمانه ترین حملات و انتقادات مخالفان و طرفداران دانش‌های کهن قرار گرفتند.

یک توضیح

این احمق می‌خواهد علم نجوم را زیر و رو کندا

اگرچه مارتین لوتر یکی از پیشگامان نهضت اصلاح مذهبی در قرون جدید بود، ولی به لحاظ فکری، به دانش‌های کهن و نظریات علمی قرون وسطاً سخت دل بسته بود؛ از این‌رو، وقتی نظریات کوپرنیک، مبنی بر این‌که خورشید مرکز جهان است را شنید به سختی برآشافت و گفت: «مردم سخنان این طالع بین تازه رسیده را که می‌کوشند نشان دهد زمین می‌چرخد نه قبة‌فلکی و خورشید و ماه، گوش نکنند!» سپس گفت: «گویا در زمانهٔ ما هر کس بخواهد خود را زیر کنشان دهد برای خود دستگاهی از نظریات تازه اختراع می‌کند. کوپرنیک، این احمق(!) می‌خواهد علم نجوم را زیر و رو کند. در حالی‌که کتاب مقدس به مامی گوید که یوشع به خورشید فرمان ایستادن داد تا ب حرکت بایستد، نه به زمین!»

در اوایل قرون جدید هنوز علوم مانند امروز تخصصی نشده بود؛ در نتیجه، هر دانشمند در چندین رشته علمی فعالیت می‌کرد؛ مثلاً، گالیله ستاره‌شناس و پاسکال^۵ ریاضیدان، در علم فیزیک نیز فعالیت داشتند. نیوتون، دانشمند انگلیسی، هم ریاضیدان بود و هم فیزیک‌دان، و توانست قانون جاذبه را کشف کند.

در قرون جدید، علم شیمی نیز به دستاوردهای تازه‌ای رسید؛ مثلاً، لاوازیه^۶ فرانسوی توانست تجزیه و ترکیب آب و ترکیب اشیا با اکسیژن را نشان دهد. همچنین در آن زمان، در مورد خواص مواد و طبقه‌بندی عناصر، تلاش‌های وسیعی صورت گرفت.

۱—Coper nicus

۲—Kepler

۳—Galile

۴—Newton

۵—Pascal

۶—Lavoaziye



یکی از نخستین میکروسکوپ‌هایی که در قرن ۱۷ میلادی ساخته شده است.

سوم: به جای ذکر حوادث سیاسی – نظامی تلاش شد تا علل و نتایج آن حوادث مورد بررسی قرار گیرد و قواعد کلی حاکم بر سیر تحولات جوامع بشری کشف شود.
چهارم: استفاده از نوآوری دانش‌های جدید به ویژه باستان‌شناسی و سکه‌شناسی به مورخان کمک کرد تا نسبت به گذشتۀ تاریخی ملت‌ها، شناخت واقع‌بینانه‌تری پیدا کنند.
 کتاب تاریخ انحطاط و سقوط امپراتوری روم اثر گیبون^۶ نمونه برجسته تاریخ‌نگاری به شیوهٔ جدید بود.

ج) دگرگونی اندیشه‌های فلسفی: فلاسفهٔ بزرگ اروپا در قرون جدید، توماس هابز^۱ (انگلیسی) رنه دکارت^۲ (فرانسوی) اسپینوزا^۳ (هلندی) و لایب نیتس^۴ (آلمانی) بودند که دستگاه فلسفی خود را براساس اعتبار بخشیدن به خرد و عقل بشری استوار ساختند. اینان خواستار آزادی اندیشه و خرد انسانی از قید و بند سنن و عقاید پیشینیان، احکام کلیسا و امر و نهی دولت‌ها بودند.
د) تغییر در نگرش مورخان: در این دوره، در نگرش‌های مورخان نیز دگرگونی‌های اساسی رخداد که موجب چند تحول مهم در سیر مطالعات تاریخی شد؛ از جمله:

نخست: به آثار فرهنگی و تمدنی دوران‌های گذشتۀ اروپا مانند یونان و روم باستان توجه شد.
دوم: مورخان به جای توجه به شرح حوادث زندگی پادشاهان و فرمانروایان، بیشتر به وضع زندگی اجتماعی و اقتصادی عامهٔ مردم توجه کردند.

۱—Hobbes **۲—Descartes** **۳—Spinoza** **۴—Leibniz (Leibnitz)**
 ۵—اما از آنجا که هدف اصلی انسان در دورهٔ جدید، کسب قدرت، سلطه بر طبیعت، بهره‌مندی و رفاه مادی و رسیدن به تمتعات دنبیوی بود، خردمندی و اندیشه‌ورزی به ابزاری برای این امور تبدیل شد و همین امر به تدریج سبب پیدایش اندیشهٔ سلطه‌گری، استعمار قدیم و جدید و جنگ‌های ویران کننده در جهان شد.
 ۶—Gibbon (۱۷۹۴—۱۷۳۷ م.)

پرسش‌های نمونه

- ۱ - حاکمیت کلیسا در اروپای قرون وسطا بر چه اصولی استوار بود؟
- ۲ - مهم‌ترین نتایج پیدایش مذهب پرتوستان چه بود؟
- ۳ - وضعیت علم در قرون وسطا و قرون جدید را از لحاظ شعبه اصلی، روش و هدف، مقایسه کنید.
- ۴ - در نتیجه دگرگونی در نگرش مورخان در قرون جدید، چه تحولات مهمی در سیر مطالعات تاریخی رخ داد؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱ - ویژگی‌های قرون وسطا و قرون جدید را در یک جدول ترسیم و آنها را با یکدیگر مقایسه کنید.
- ۲ - درباره یکی از متفکرانی که در این درس به آن اشاره شده است (دانشمندان، فلاسفه و مورخان) مقاله‌ای تهیه کنید.
- ۳ - لئوناردو داوینچی، شاخص‌ترین چهره عصر رنسانس است. درباره او مقاله‌ای تهیه کنید.

درس ۲

تحولات سیاسی اروپا در قرون جدید (سدهای ۱۶ و ۱۷ م.)

مقدمه

اوضاع سیاسی اروپا در قرون جدید ثبات نداشت و دائمًا در حال تغییر بود. قلمرو دولت‌ها و مرز کشورهای اروپایی به سرعت دگرگون می‌شد. کشورهای انگلستان، فرانسه، اسپانیا و امپراتوری مقدس روم به همراه دیگر کشورهای کوچک اروپا، اغلب در جنگ و یا در اتحاد با یکدیگر به سرمی برندند. اختلافات مذهبی کاتولیک‌ها و پرووتستان‌ها بر دامنه درگیری‌های سیاسی می‌افزود. در این درس مهم‌ترین تحولات سیاسی اروپا در قرون ۱۶ و ۱۷ م. بررسی می‌شود.

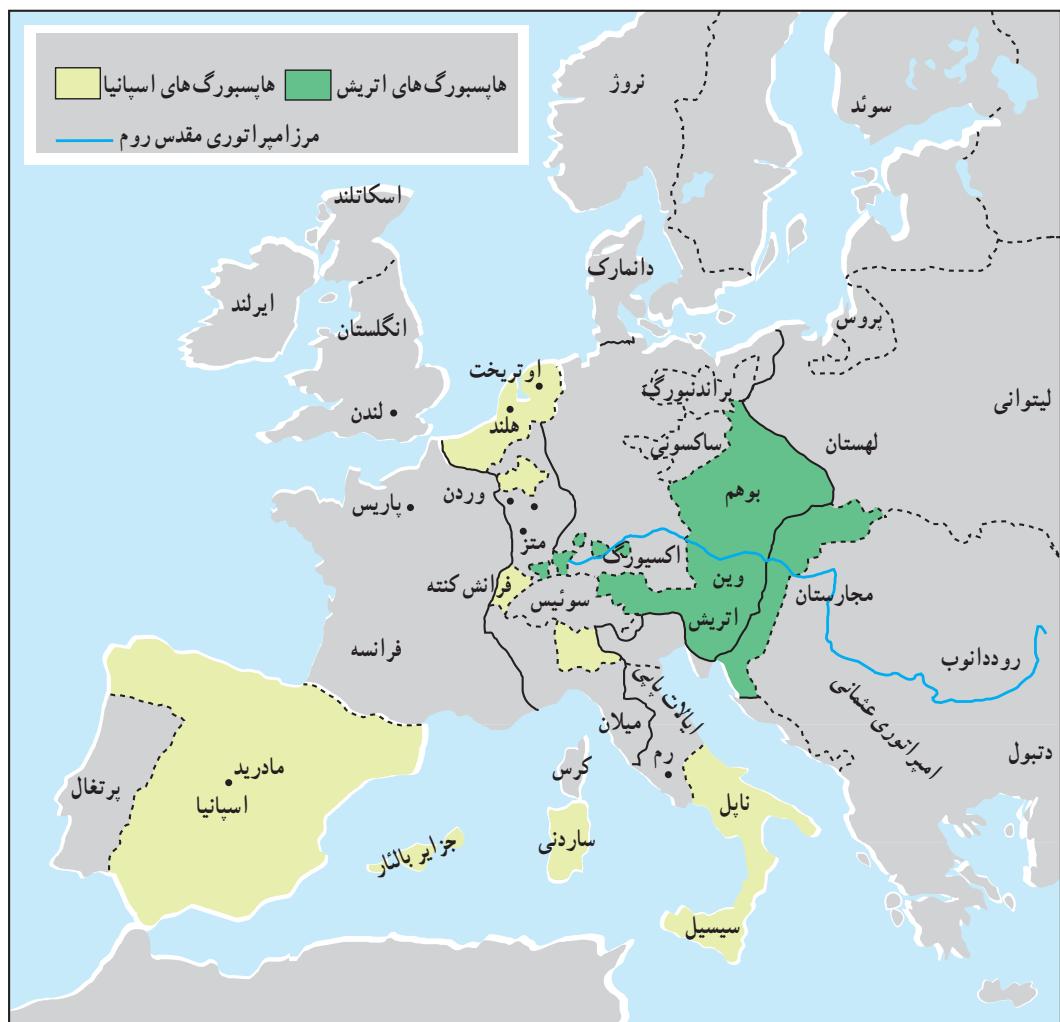
اسپانیا، فراز و فرود قدرت

پس از شکست مسلمانان اندلس (اسپانیا و پرتغال) در سال ۱۴۹۲ م.^۱، اسپانیا بار دیگر به دست مسیحیان افتاد. در همان سال، قاره آمریکا نیز کشف و سیل ثروت آن روانه اسپانیا شد. در قرن ۱۶ م. اسپانیا تحت فرمانروایی خاندان اتریشی هapsburg گرفت و تبدیل به قدرتی بزرگ در اروپا شد. شارل‌لکن^۲ مشهورترین فرمانروای این خاندان بود که به عنوان شاه اسپانیا، هند و... و نیز امپراتور مقدس روم، بر بخش‌های وسیعی از اروپا و مستعمرات اسپانیا در قاره آمریکا تسلط یافت. شارل‌لکن قلمرو گسترده خود را به دو قسمت تقسیم کرد. اتریش و نواحی مختلف آلمان (قلمرو

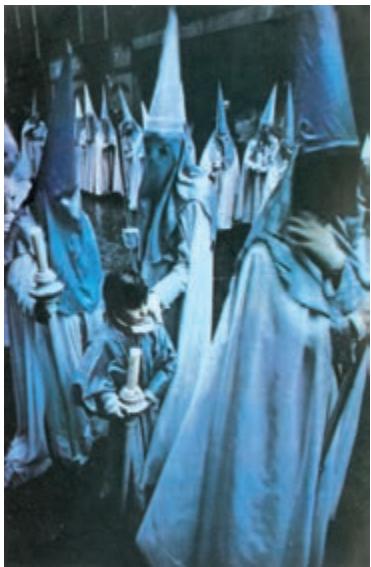
۱ - ۸۷۱ ش.

۲ - شارل‌لکن حاصل ازدواج جوان دختر پادشاه اسپانیا با فیلیپ از خاندان هapsburg بود. از این رو، سلطنت اسپانیا و مستعمراتش در قاره آمریکا و نیز بخش‌هایی از جنوب ایتالیا را از ارث برداشت. حکومت هلنند، لوگرامبورگ و ایالتی در شمال فرانسه میراث پدرش بود و مقام امپراتوری نیز ارثی بود که پدر بزرگش برای او باقی گذاشته بود.

امپراتوری مقدس روم) و مجارستان را به برادرش فردیناند داد که پس از او مقام امپراتور مقدس روم را نیز به دست آورد. اسپانیا و هلند را نیز به همراه بخش‌هایی از جنوب ایتالیا به پسرش واگذار کرد که با عنوان فیلیپ دوم به سلطنت رسید. اگرچه با این اقدام شارلکن، قلمرو خاندان هاپسبورگ تجزیه شد، اما هر دو شعبه سیاست مشترکی را تعقیب می‌کردند.



قلمرو هاپسبورگ‌ها در حدود ۱۵۶۰ م.



پادشاهان اسپانیا عموماً کاتولیک‌های متعصبی بودند که با مخالفان پاپ مانند پروتستان‌ها، مسلمانان و یهودیان به سختی و خشونت رفتار می‌کردند. پاپ هم از پادشاهان اسپانیا به طور وسیعی حمایت می‌کرد. اما اقتدار اسپانیا چندان به درازا نکشید و به تدریج اسپانیا رو به انحطاط رفت. بروز چند واقعه مهم در اروپا زمینه‌ساز این انحطاط شد که عبارت بود از پیروزی نهضت پروتستان در اروپای مرکزی، اخراج مسلمانان از اسپانیا، قیام مردم هلند و شکست نیروی دریایی اسپانیا از انگلستان.

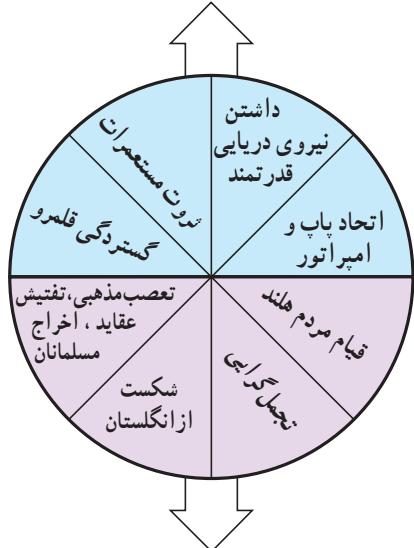
در باره نهضت پروتستان توضیح دادیم اما در باره اخراج مسلمانان باید گفت که خشونت مذهبی مسیحیان اسپانیا نسبت به مسلمانان و برپایی دادگاه‌های تفتیش عقاید در این کشور موجب اخراج یا مهاجرت اجباری حدود یک میلیون از سکنه مسلمان این سرزمین شد. از آنجا که مسلمانان اسپانیا کارآمدترین و قابل ترین صنعتگران، هنرمندان و کشاورزان آن سرزمین بودند، کوچ اجباری آنان اسپانیا را از تجربیات و قابلیت‌های این طبقه کارآزموده و فعال محروم ساخت.

یک توضیح

گناه مسلمانان!

جواهر لعل نهرو، نخست وزیر فقید هند، در کتاب «نگاهی به تاریخ جهان» اخراج مسلمانان از اسپانیا را یکی از عوامل انحطاط اسپانیا می‌داند. او می‌نویسد: «حکومت اسپانیا پس از شکست دادن مسلمانان اندلس، دادگاه تفتیش عقاید (انگیزیسیون) برپا ساخت. این دادگاه‌ها مسلمانان را مجبور می‌ساختند که دین خود را تغییر دهند. لباس‌هایشان را عوض کنند و لباس فاتحان را بپوشند. حتی از آنها می‌خواستند اسم خودشان را عوض کنند و به زبان اسپانیایی حرف بزنند. مسیحیان اسپانیا با شستشو و حمام رفتن مخالف بودند و آن را از آداب مسلمانی

می‌دانستند؛ لذا دستوری صادر کردند که مسلمانان حق ندارند در منزل خود یا جایی دیگر حمام کنند و تمام گرمابه‌ها را ویران کردند. صرف نظر از گناه بزرگ «شست و شو و حمام رفتن»، گناه دیگر مسلمانان آن بود که آنان نسبت به مذاهب دیگر با مدارا و تساهل رفتار می‌کردند و این برای کاتولیک‌های متخصص عجیب بود؛ لذا استقْفَ شَهْرُ وَ النَّسِيَا در سال ۱۶۰۲م، فرمان صادر کرد که براساس آن، همه مسلمانان می‌باید از اسپانیا رانده می‌شدند».



برتری و انحطاط اسپانیا در قرن ۱۶ میلادی

جنگ‌های سی‌ساله

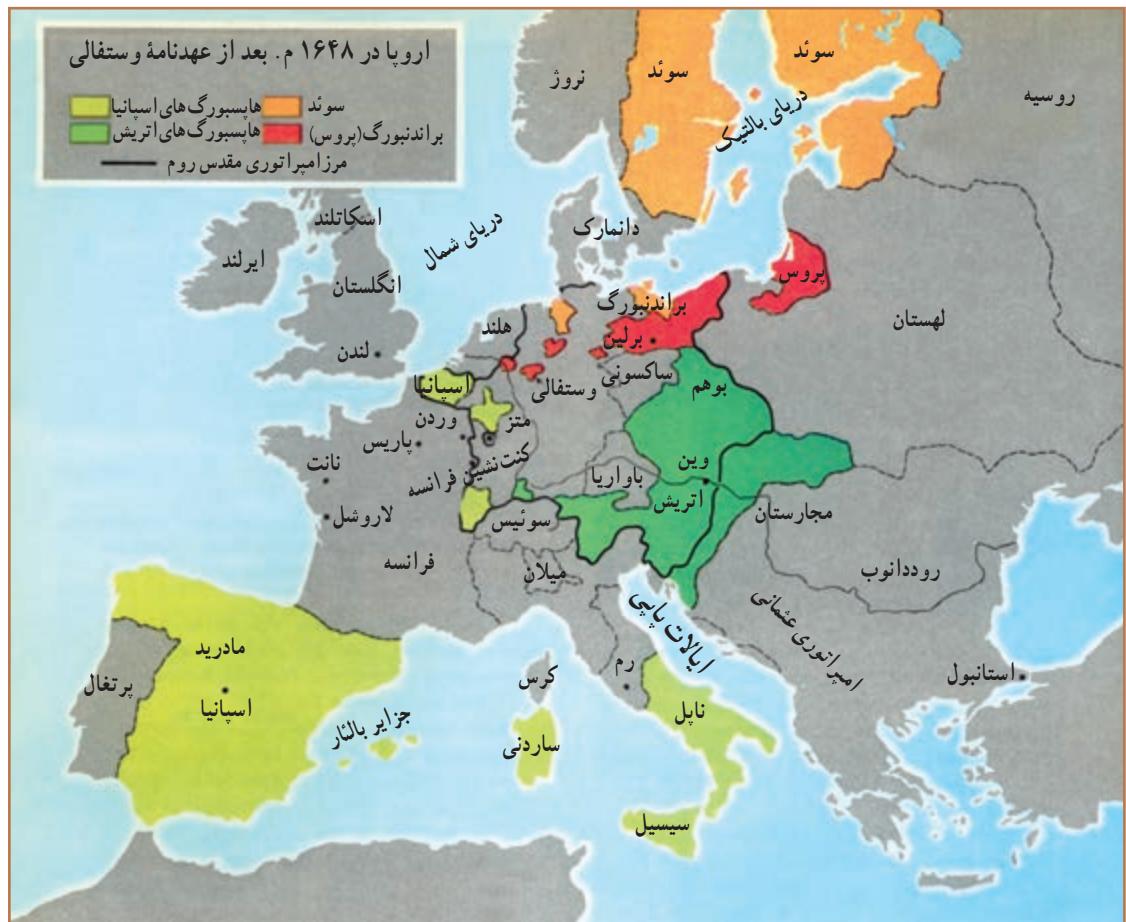
این جنگ‌ها از سال ۱۶۱۸م. به مدت سی سال بخش وسیعی از اروپای مرکزی را در بر گرفت. اگرچه دشمنی و نزاع کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در چک – اسلواکی باعث شروع این جنگ‌ها شد، اما رقابت و توسعه طلبی دولت‌های بزرگ و کوچک اروپایی دلیل اصلی این جنگ‌ها بود. امپراتوری مقدس روم به رهبری خاندان هابسبورگ، دولت اسپانیا و پاپ رهبر کاتولیک‌ها در یکسو؛ فرانسه، انگلستان، هلند، سوئد و شاهزادگان آلمانی در سوی دیگر این میدان جدال و ستیز بودند. سرانجام با شکست خاندان هابسبورگ این جنگ‌ها پایان یافت و عهدنامه صلح وستفالی^۳ منعقد شد.

^۱ ۹۴۵ ش. – ۲ ۹۸۰ ش.

^۲ Westphalia

مهم‌ترین نتایج عهدنامه صلح وستفالی عبارت است از :

- ۱- اقتدار بیشتر فرانسه در اروپا
- ۲- تضعیف امپراتوری مقدس روم و اسپانیا
- ۳- استقلال کامل هلند و سوئیس
- ۴- استقلال ایالت‌های آلمانی نشین امپراتوری مقدس روم



اروپا در ۱۶۴۸ م.

فرانسه در عصر لویی چهاردهم

به تدریج که اسپانیا ضعیف می‌شد، دیگر کشورهای اروپایی مانند هلند، فرانسه و انگلستان بر قدرت خود می‌افزودند. در ابتدای قرن هفدهم، فرانسه قدرت برتر اروپا بود. این قدرت و برتری

معلوم عوامل زیر بود :

- ۱- قدرت و ثروت فرانسه، بر عکس اسپانیا که ناشی از ثروت و طلاهای بادآورده قاره آمریکا بود، بر پایه توسعه فعالیت‌های تولیدی و تجاری استوار بود.
- ۲- پادشاهان فرانسه از رأی و تدبیر مشاوران آگاه و صدراعظم‌های با کفایتی چون ریشیلیو و مازارین^۱ استفاده می‌کردند.
- ۳- سیاست آزادی مذهبی در فرانسه، اختلافات و جنگ‌های مذهبی میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها را کاهش داد.
- ۴- پادشاه فرانسه مدعی بود که منشأ سلطنت او «موهبت الهی» است ولذا خود را بی‌نیاز از حمایت اشراف یا تأیید پاپ می‌دانست و در برابر درخواست‌های آنان با استقلال رأی ایستادگی می‌کرد. قدرت و برتری فرانسه در قرن هفدهم، در زمان پادشاهی لویی چهاردهم – که حدود هفتاد سال حکومت کرد – به اوج خود رسید. اگرچه در آخرین سال‌های حکومت او، قدرت فرانسه به سرعت کاهش یافت؛ زیرا ثروت کشور را صرف تجملات درباری و ساختن عمارت‌های زیبا می‌کرد. علاوه بر این، جنگ‌های خانمان سوز با انگلستان، مردم فرانسه را در این زمان به ستوه آورده بود. لغو فرمان نانت (که براساس آن پروتستان‌ها از آزادی مذهب برخوردار بودند) نیز موجب آوارگی و مهاجرت پروتستان‌های فرانسه، که بیشتر صنعتگر و بازرگان بودند، شد. این مستله اقتصاد فرانسه را ضعیف ساخت در حالی که رقبی اصلی آن کشور، یعنی انگلستان، نیروی دریایی و مستعمرات خود را روزبه روز گسترش می‌داد.



آیا می‌توانید نکات و موارد مشابه در انحطاط اسپانیا (در قرن ۱۶، ۱۷، ۱۸ ق.) را در فرانسه (قرن ۱۷، ۱۸، ۱۹ ق.) بیایید؟ نموداری شبیه نمودار «برتری و انحطاط اسپانیا در قرن ۱۶، ۱۷، ۱۸ ق.» (ص ۱۴) برای فرانسه رسم کنید.

انگلستان پادشاه خود را به گیوتین می‌سپارد!

در آغاز قرون جدید، انگلستان از یک سو صحته کشاکش میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها و از سوی

دیگر میدان جدال پادشاه و پارلمان بود. در این ماجرا، شاخه‌ای از پروتستان‌ها در انگلستان پیروز شدند اما موضوع مهم‌تر، جدال پادشاه و پارلمان بود که اساسی‌ترین عامل تحولات نظام سیاسی در انگلستان در این قرون بهشمار می‌رود. در سال ۱۶۲۸ م.^۱ پارلمان انگلستان لایحه «دادخواست حقوق» را به تصویب رساند که به موجب آن به چارلز اول، پادشاه انگلستان، تذکر داده می‌شد که او دارای اختیار مطلق نیست و حق ندارد برخلاف قانون از کسی مالیات بگیرد یا اشخاصی را به زندان افکند. این امر موجب اختلاف و بروز جنگ‌های داخلی انگلستان شد که سرانجام با پیروزی پارلمان پایان یافت. رهبری این حرکت در دست یک سیاستمدار هوشمند و فرمانده نظامی با اراده به نام کرامول^۲ بود که ارتش تازه‌ای به نام «رویین تنان» به وجود آورد و توانست ارتش سلطنت را شکست دهد؛ در نتیجه، چارلز اول دستگیر، زندانی و اعدام شد. سپس کرامول در کشور، نظام جمهوری برقرار کرد. پس از مرگ کرامول، اولین و آخرین نظام جمهوری در انگلستان خاتمه یافت و بار دیگر نظام سلطنتی برقرار شد.



أُليور كرامول

روسیه؛ پتر کبیر رؤیاهاش را به واقعیت تبدیل می‌کند!

یکی از امپراتوران روسیه به نام پتر کبیر (۱۶۷۲-۱۷۲۵ م.). تصمیم گرفت تا روسیه را به یک دولت قدرتمند تبدیل کند. برنامه‌های او برای قدرتمند ساختن روسیه عبارت بودند از：

- ۱— تجهیز ارتش به سلاح‌های جدید و آشنا ساختن سربازان با فنون جنگی نوین
- ۲— گسترش تجارت و دریانوردی و تلاش برای دست‌یابی به آب‌های آزاد و گرم
- ۳— غربی کردن روسیه.

.۱۰۰۷ ش.

^۱— Cromwell

فرمان ریش

پتر کبیر برای غربی کردن روسیه برانداختن سنن قومی و آداب و رسوم دیرینه مردم کشورش را، به غلط، وجهه همت قرار داده بود، از جمله، وی گمان می کرد علت عقب ماندگی مردم روسیه نوع آرایش سر و صورت، پوشش لباس و آداب و مراسم خامن آتان است؛ به همین دلیل، «فرمان ریش» را صادر کرد، به موجب فرمان ریش همه مردم روسیه (به غیر از روحانیون مسیحی) می باید ریش خود را می تراشیدند، البته او بزرگوارانه (!) به آتان اجازه داده بود که سبیل های خود را همچنان نگه دارند، از دیگر نشانه های عقب ماندگی روسیه در نظر پتر، قبای بلند مردان بود؛ از این رو، دستور داده بود هر کس که به مسکو می آید، یا قبایش را تازانو ببرد یا جرمیه بلندی آن را پردازد. زنان را نیز وادر ساخته بود لباس غربی بپوشند، سیگار بکشد و با مردان معاشرت کنند.

پیدایش دولت های جدید پروس و اتریش

چنان که اشاره کردیم، یکی از تحولات مهم سیاسی قرون جدید در اروپا تأسیس دولت های نیرومند جدید بود. از جمله این دولت ها، دولت پروس بود. این دولت در قسمت شمال امپراتوری مقدس روم به وجود آمد و با تصرف تدریجی لهستان، بر قلمروش افزوده شد و طولی نکشید که به یک کشور مهم تبدیل شد.^۱

اتریش نیز، که در اصل یکی از ایالات جنوبی امپراتوری مقدس روم بود، به تدریج بر قلمرو خود افزود و به یک امپراتوری تبدیل شد. کشور عثمانی مهم ترین همسایه اتریش بود. اتریش پس از ضعیف شدن آن، در قرن ۱۸ م. / ۱۲ ق.، قسمت های وسیعی از متصروفات عثمانی را تصاحب کرد و خود به یکی از کشورهای بزرگ اروپا تبدیل شد.

۱- در قرن ۱۹ م. / ۱۳ ق. دولت پروس به آلمان تغییر نام داد.

بیشتر بدانیم

مرکانتلیسم^۱ (مکتب سوداگری)

در قرون ۱۶ و ۱۷ م/ ۱۰ و ۱۱ ق. دولت‌های اروپایی به منظور افزایش قدرت و

ثروت خود، برنامهٔ خاصی را که بر در دست داشتن تجارت یا مرکانتلیسم (سوداگری) استوار بود، دنبال می‌کردند. مرکانتلیست‌ها بر این اعتقاد بودند که ثروت واقعی یک کشور عبارت است از میزان ذخیرهٔ پول و فلزات گران‌بهایی که نزد حکومت یا مردم آن کشور موجود است؛ به عبارت دیگر، هر کشوری که طلا و نقرهٔ بیشتری داشت، قدرتمندتر محسوب می‌شد. براین اساس، دولت‌ها می‌کوشیدند از خروج طلا و نقرهٔ از قلمرو خود جلوگیری کنند و نیز از خارج طلا و نقرهٔ به داخل کشور خویش وارد کنند. لازمهٔ این کار، ایجاد مرزهای اقتصادی و تأسیس گمرک بود. دولت‌ها می‌کوشیدند در قبال صدور یک کالا، کالایی با ارزش‌تر وارد کنند یا در مقابل صدور کالای خود، پول دریافت کنند یا با در پیش گرفتن سیاستی مبتنی بر خود بسندگی، کشور خود را از کشورهای دیگر بی‌نیاز سازند.

از آنجا که در پیش گرفتن سیاست مرکانتلیستی در اروپا، به سبب این که همهٔ دولت‌ها خواستار آن بودند، دشوار بود، اروپایی‌ها متوجه مستعمرات شدند. خارت مستعمرات، دزدی دریایی، چپاول بومیان، برقراری روابط تجاری کامل‌اً ظالمانه با مردم مستعمرات و اقداماتی از این قبیل به کشورهای استعمارگر اروپایی امکان داد که به قیمت فقیر ساختن دیگران، خود را ثروتمند و قدرتمند کنند. در پیش گرفتن سیاست اقتصادی مرکانتلیستی به افزایش قدرت و ثروت ملل اروپایی کمک فراوانی کرد اماً اثر پایدار آن، فقر روز افزون ملل مستعمره و عقب‌ماندگی آنها برای سالیان متمادی بود.

پرسش‌های نمونه

- ۱- خشونت مسیحیان اسپانیا نسبت به مسلمانان چه پیامدهایی داشت؟
- ۲- چه عواملی موجب بروز جنگ‌های سی‌ساله شد؟
- ۳- در اروپای قرن ۱۷ م. چه عواملی موجب برتری سیاسی فرانسه بر کشورهای دیگر شد؟
- ۴- درباره لایحه «دادخواست حقوق» در انگلستان، چه می‌دانید؟
- ۵- برنامه‌های پتر کبیر برای قدرتمند ساختن روسیه چه بود؟

اندیشه و جستجو

- ۱- مقاله‌ای درباره روابط ایران و روسیه در قرون ۱۷ و ۱۸ م. تهییه کنید.
- ۲- به نظر شما، مهم‌ترین عوامل پیشرفت اروپا در قرون جدید چه بود؟

درس ۳

تحولات سیاسی آمریکا و اروپا در قرون جدید (سدۀ ۱۸۰م)

مقدمه

قرن هیجدهم به دلیل یک جنگ و دو انقلاب مهم، در تاریخ جهان اهمیت ویژه‌ای دارد:

- ۱- جنگ استقلال آمریکا
- ۲- انقلاب صنعتی انگلستان
- ۳- انقلاب کبیر فرانسه.

این سه رویداد پیامدهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مهمی داشتند که همهٔ جهان از آنها تأثیر پذیرفت (گرچه مصحنهٔ اصلی بروز آنها دو قارهٔ آمریکا و اروپا بود). در این درس با علل، چگونگی و نتایج این سه واقعهٔ بزرگ آشنا می‌شویم.

جنگ استقلال آمریکا

کشف قارهٔ آمریکا، دنیای جدیدی از ثروت و امکانات طبیعی را به روی کشورهای اروپایی گشود و موجب مهاجرت عده‌ای از اروپایی‌ها به قارهٔ آمریکا شد. دلایل این مهاجرت عبارت بود از:

- ۱- محدودیت‌های مذهبی در بعضی از کشورهای اروپایی
- ۲- جنگ‌های داخلی اروپا
- ۳- وجود امکانات طبیعی نظیر جنگل‌ها، مراتع و مزارع حاصل‌خیز، و سواحل مناسب برای کشتیرانی و ماهی‌گیری در قارهٔ آمریکا
- ۴- وجود معادن طلا و نقره در قارهٔ آمریکا

در بی‌هجموم اروپاییان به قارهٔ جدید، سکنیه بومی آن – یعنی سرخ‌بوستان – یا در جنگ با مهاجران اروپایی کشته یا به مناطق دیگر کوچانده شده بودند. بیشترین مهاجران، انگلیسیانی بودند که

در سواحل غربی اقیانوس اطلس سیزده مهاجرنشین را تشکیل دادند و به همین جهت، بخشی از این سرزمین را انگلستان نو^۱ می‌نامیدند.

دولت انگلستان مناطق تحت سلطه خود را به صورت مرکز تولیدات کشاورزی و نیز، محلی برای فروش محصولات صنعتی خود در آورده بود. وضع مالیات‌های تازه اعتراضات مهاجرنشین‌ها را برانگیخت. دولت فرانسه از مهاجران حمایت می‌کرد. سرانجام، مهاجرنشینان توانستند به رهبری



متصرفات اروپایی‌ها در آمریکا در آغاز قرن ۱۸ م.

جرج واشنگتن نیروهای انگلیس را شکست دهنده بود. به دنبال این شکست، سیزده مهاجرنشین اعلام استقلال کردند و سرزمین خود را ایالات متحده نام نهادند (۱۷۷۶م).^۱ و جرج واشنگتن را نیز به عنوان نخستین رئیس جمهور آمریکا برگزیدند.



اعلامیه استقلال آمریکا

در سال ۱۷۷۶م. یکی از روشنفکران آمریکایی به نام توماس پین^۲ رساله‌ای به نام «عقل سالم» نوشت که مورد استقبال قرار گرفت و در ۱۰۰ هزار نسخه به فروش رسید. او در این رساله به مهاجران هشدار داد تا زمانی که تحت سلطهٔ حکومت انگلیس هستند، کسب آزادی و استقلال برای آنها رؤیایی بیش نیست. اتفاقاً در همان سال، این اندیشهٔ توماس پین در اعلامیه استقلال آمریکا (۴ ژوئیه ۱۷۷۶) نمود یافت. پاره‌ای از اصول اعلامیه استقلال چنین است:

- ۱- همهٔ انسان‌ها با هم برابر و دارای حقوق یکسان‌اند.
 - ۲- همهٔ انسان‌ها دارای حق زندگی و آزادی‌اند.
 - ۳- حکومت برخاسته از ارادهٔ ملت بوده و برای تأمین حقوق مردم به وجود آمده است. در صورتی که حکومتی قادر به تأمین حقوق مردم نباشد، مردم می‌توانند با توجه به حق طبیعی و قانونی خود، آن را برکنار کنند و حکومت مطلوب خود را مستقر کنند.
- به نظر شما، دولتمردان آمریکایی تاچه حد اصول مندرج در این اعلامیه را در مناسبات آیندهٔ خود با ملت‌ها، اقوام و نژادهای دیگر مراعات کرده‌اند؟

مهاجران پس از استقلال، بپیشوی در غرب قارهٔ آمریکا و با کشتار گستردهٔ سرخ‌بوستان، سرزمین‌های وسیع آنها را به تملک خود درآوردند و تعداد ایالات آمریکا را به پنجاه رساندند؛ بدین ترتیب، کشور ایالات متحده که از سواحل اقیانوس اطلس شروع می‌شد تا سواحل اقیانوس آرام گسترش یافت.

.۱۱۵۴

۱— Thomas Pain

انقلاب صنعتی جهان را دگرگون می‌سازد

تا اواخر قرن هیجدهم، عامل اصلی تولید، نیروی دست یا بازوی انسان بود اما در اواخر این قرن، با بروز انقلاب صنعتی، ابتداء نیروی حرکة آب و سپس نیروی بخار در خدمت تولید قرار گرفت. انقلاب صنعتی، که عبارت بود از استفاده از نیروی ماشین به جای نیروی انسان، ابتداء از انگلستان شروع شد و به تدریج در دیگر کشورهای اروپایی گسترش یافت. با اختراع ماشین بخار، سرعت تولید بالا رفت، هزینه تولید کاهش یافت و بر سطح رفاه عمومی در کشورهای صنعتی افزوده شد.

فکر گنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، چرا انقلاب صنعتی ابتداء در انگلستان اتفاق افتاد؟

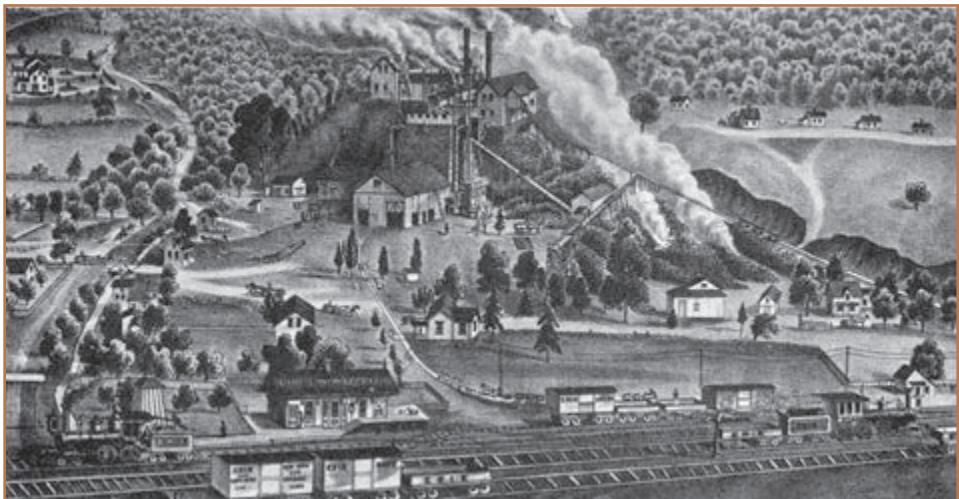
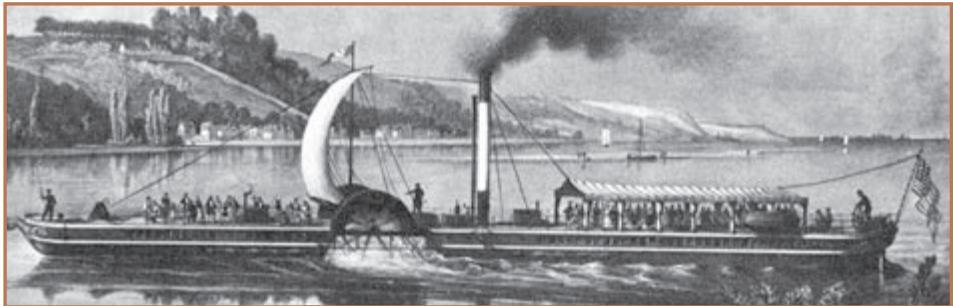
با صنعتی شدن کشورهای اروپایی به عواملی چون منابع طبیعی کافی، نیروی انسانی ارزان، سرمایه مادی فراوان، نیروی متخصص، حمایت دولت و بازار فروش نیاز پیدا شد و از آنجا که در این کشورها تمام آن عوامل در اختیار نبود، دولتهای اروپایی به یک رشته اقدامات توسعه طلبانه و استثمارگرانه دست زدند؛ به همین دلیل، انقلاب صنعتی خود موجب ظهور و توسعه دو پدیده اقتصادی-اجتماعی دیگر شد که عبارت اند از :

۱- توسعه استعمار و غارت ملل آسیایی و آفریقایی (در خارج)

۲- افزایش استثمار و بهره‌کشی از کارگران (در داخل).

در نتیجه انقلاب صنعتی، کارخانه‌های متعددی پدید آمد که سرانجام به شکل‌گیری شهرهای صنعتی زیادی انجامید. اکثر ساکنان این شهرها را کارگران تشکیل می‌دادند. این شهرها معمولاً بدون نقشه و نامنظم ساخته می‌شدند. آلودگی هوا و اباشته شدن زباله‌های صنعتی از جمله ویژگی‌های این شهرها بود. انقلاب صنعتی موجب شد که صنایع دستی و کارگاه‌های کوچک به تدریج از بین بروند و استاد کاران آنها به کارگران مزد بگیر کارخانه‌ها تبدیل شوند. کارگران مزد کمی می‌گرفتند و ناچار بودند زن و فرزندان خود را هم در کارخانه‌ها مشغول کار کنند.

روز به روز با اختراعات جدید، ماشین‌های تازه جای کارگران را در کارخانه‌ها می‌گرفتند. کارگرانی که بیکار می‌شدند، ماشین‌ها را عامل بیکاری و فقر خود می‌دانستند؛ اما به تدریج متوجه شدن نظام جدید اقتصادی و صنعتی که در آن افزایش تولید و سود بیشتر اهمیت داشت، مسئول فقر و بیکاری آنها است.



تحول در حمل و نقل از جمله مظاهر انقلاب صنعتی بود.

فرانسه؛ تلاش برای آزادی و برابری

جامعهٔ فرانسه در آستانهٔ انقلاب به سه طبقهٔ اصلی تقسیم می‌شد:

طبقهٔ ممتاز، شامل اشراف و نجایی درباری و روحانیون عالی رتبه بود. اینان به رغم آن که اقليتی اندک بودند، منابع اصلی قدرت و ثروت را در دست داشتند؛ وسیع‌ترین اراضی و مهم‌ترین مناصب حکومتی به آنان تعلق داشت و از معافیت مالیاتی برخوردار بودند.

طبقهٔ متوسط، عمدتاً شهرونشین بودند. اینان به تجارت، وکالت، نویسنگی و صنعت اشتغال داشتند. مردمانی روشنفکر و تحصیل کرده بودند که با افکار جدید آشنایی داشتند اما اشرافیت حاکم، یعنی همان طبقهٔ ممتاز، آنان را در ادارهٔ سیاسی کشور سهیم نمی‌کرد و با محدودیت‌های گمرکی و مالیاتی مانع فعالیت‌های آزاد اقتصادی آنان بود؛ به همین دلیل، مردم طبقهٔ متوسط اغلب از نظام سلطنت استبدادی ناراضی بودند.

طبقه سوم، مرکب از دهقانان فقیر و طبقه‌ای در حال ظهرور، یعنی کارگران صنعتی بود. اینان اکثریت جامعه فرانسه را تشکیل می‌دادند. این مردم نیروی اصلی کار و تولید بودند ولی در عین حال فقیرترین مردم بودند و لذا در بی‌سواندگی و گرسنگی زندگی می‌کردند و اشراف و رژیم حاکم را مسبب اصلی تیره‌روزی خود می‌دانستند.

بی‌نوایان

اثر و یکتور هوگو

ترجمه

حسینقلی مستغانم

ویکتور هوگو نویسنده فرانسوی عصر انقلاب کبیر،
در کتاب بی‌نوایان، اوضاع جامعه فرانسه آن زمان و
پس از آن را به خوبی توصیف کرده است.

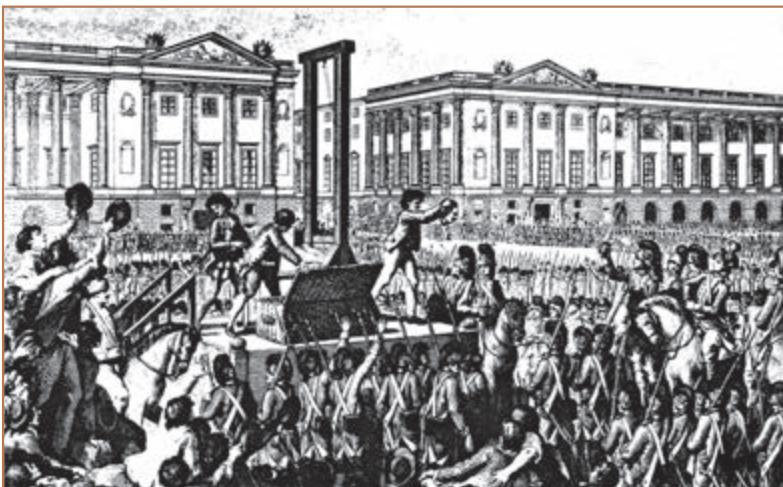
فرانسه در جنگ با انگلستان در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ م. به آستانه ورشکستگی کشانده شد. تجملات و اسراف شاه و دربار و مداخله فرانسه در جنگ‌های استقلال آمریکا موجب اتلاف ثروت ملی آن شد. در این زمان، بیدادگری‌های مالیاتی موجب عصیان توده‌های مردم شده و برای اکثریت جامعه، بی‌کفایتی سلطنت لویی شانزدهم، آشکار شده بود. آتش خشم و نفرت مردم سرانجام در سال ۱۷۸۹ م. به صورت «انقلاب کبیر فرانسه» زبانه کشید.



نهضت روشنگری

پیدایش نهضت روشنگری در اروپای قرن هجدهم پایه‌های نظام سیاسی – اقتصادی رژیم‌های حاکم را به شدت متنزلزل ساخت و در نهایت به انقلاب کبیر فرانسه متوجه شد. روشنفکران فرانسوی سهمی در شکل‌گیری این انقلاب داشتند، حملات تند و گزندۀ ولتر به حکومت‌های استبدادی و خرافات‌کلیسا از یک سو، تبلیغ حکومت مشروطه سلطنتی انگلستان توسط جان لک و منتسبکیو از سوی دیگر و مهم‌تر از همه، طرح نظریه «حاکمیت مردم» از سوی ژان ژاک روسو، زمینه‌های انقلاب را فراهم کرد و رسیدن به آزادی و حقوق اجتماعی، خواست ملّی مردم فرانسه شده بود.

مبازرات آزادی خواهانه فرانسویان، لویی شانزدهم را به تسلیم واداشت و سبب شد انقلابیون در سال ۱۷۸۹م. نظام مشروطه سلطنتی را برقرار سازند اما تلاش‌های نافرجام لویی شانزدهم برای بازگرداندن رژیم سابق، انقلابیون را بر آن داشت تا چند سال بعد، ضمن لغو نظام سلطنتی، رژیم جمهوری را برقرار سازند. (۱۷۹۲م).^۱ در جریان انقلاب، لویی شانزدهم و همسرش ماری آنوانت دستگیر و اعدام شدند.



مراسم اعدام لویی شانزدهم در یکی از میدان‌های شهر پاریس

پرسش‌های نمونه

- ۱- دو انقلاب مهم جهان را در قرن هیجدهم نام ببرید.
- ۲- چه عواملی به مهاجران اروپایی در راه کسب استقلال آمریکا کمک کرد؟
- ۳- انقلاب صنعتی چه پیامدهایی داشت؟
- ۴- چرا طبقهٔ متوسط از حاکمیت رژیم پادشاهی در فرانسه ناراضی بودند؟

اندیشه و جستجو

- ۱- مقاله‌ای دربارهٔ یکی از رهبران انقلاب کبیر فرانسه تهیه کنید.
- ۲- مقاله‌ای دربارهٔ مبارزات سرخ پوستان آمریکا و رفتار مهاجران اروپایی با آنها بنویسید.
در این باره می‌توانید از فیلم یا داستانی که گویای موضوع فوق باشد، استفاده کنید.

درس ۴

آخرین امپراتوری‌های مسلمان

مقدمه

مهماز ترین دولت‌های مسلمان در قرون جدید، دولت‌های صفویه در ایران، عثمانی در غرب آسیا و اروپای شرقی و گورکانیان یا مغولان کبیر در هند بودند. در این درس با امپراتوری عثمانی و دولت مغولان کبیر هند آشنا می‌شویم. با دولت صفویه نیز در درس ۱۲ آشنا خواهیم شد.

تشکیل دولت عثمانی

پیروزی ترکان سلجوقی بر امپراتوری روم شرقی در نبرد ملازگرد، پیامدهایی به همراه داشت که گسترش اسلام در آسیای صغیر و بروز جنگ‌های دویست سالهٔ صلیبی بین مسلمانان و مسیحیان از مهم‌ترین آنها بود. در ضمن، با کوچ قبایل ترک مسلمان از شرق ایران به آسیای صغیر، به تدریج دولت‌های کوچک محلی در این منطقه به وجود آمدند که برای بقا و گسترش خود، به جنگ با همسایگان مسیحی می‌پرداختند. یکی از معروف‌ترین این قبایل، قبیلهٔ قایی بود که در حدود آنقره (آنکارای امروزی) سکونت گزید. رهبر این قبیلهٔ ارطغرل بود که بر قدرت خویش افزود. پس از او فرزندش، عثمان، در سال ۶۹۹ ق.^۱ دولتی تأسیس کرد که به نام خودش عثمانی خوانده شد. این دولت، که تا اوایل قرن بیستم دوام یافت، آخرین امپراتوری قدرتمند جهان مشرق بود که نام و آوازه‌اش برای قرن‌ها موجب هراس اروپاییان شده بود، لذا برای نابودی آن تلاش بسیاری کردند.

۱- ۶۷۸ ش.

سلطانی عثمانی

در میان سلطانی عثمانی، چند تن از شهرت جهانی برخوردار بودند:

۱- سلطان محمد فاتح: سلطان محمد که از مشهورترین سلطانی عثمانی بود، توانست به حیات سیاسی امپراتوری هزارساله بیزانس (روم شرقی) خاتمه دهد. فتح درخشان او فتح قسطنطینیه^۱ پا یاخت امپراتوری روم شرقی بود (۱۴۵۳ م.). که از آن پس به نام اسلامبول (شهر اسلام) نامیده شد و سلطان محمد نیز لقب فاتح گرفت. این فتح منشأ تحولات متعددی در تاریخ جهان گردید و مبدأ قرون جدید در تاریخ اروپا شناخته شد.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، چرا اروپاییان شکست نظامی و سقوط روم شرقی توسط سلطان عثمانی را آغاز قرون جدید در تاریخ اروپا قرار داده اند؟ در این باره با دوستان خود بحث کنید.

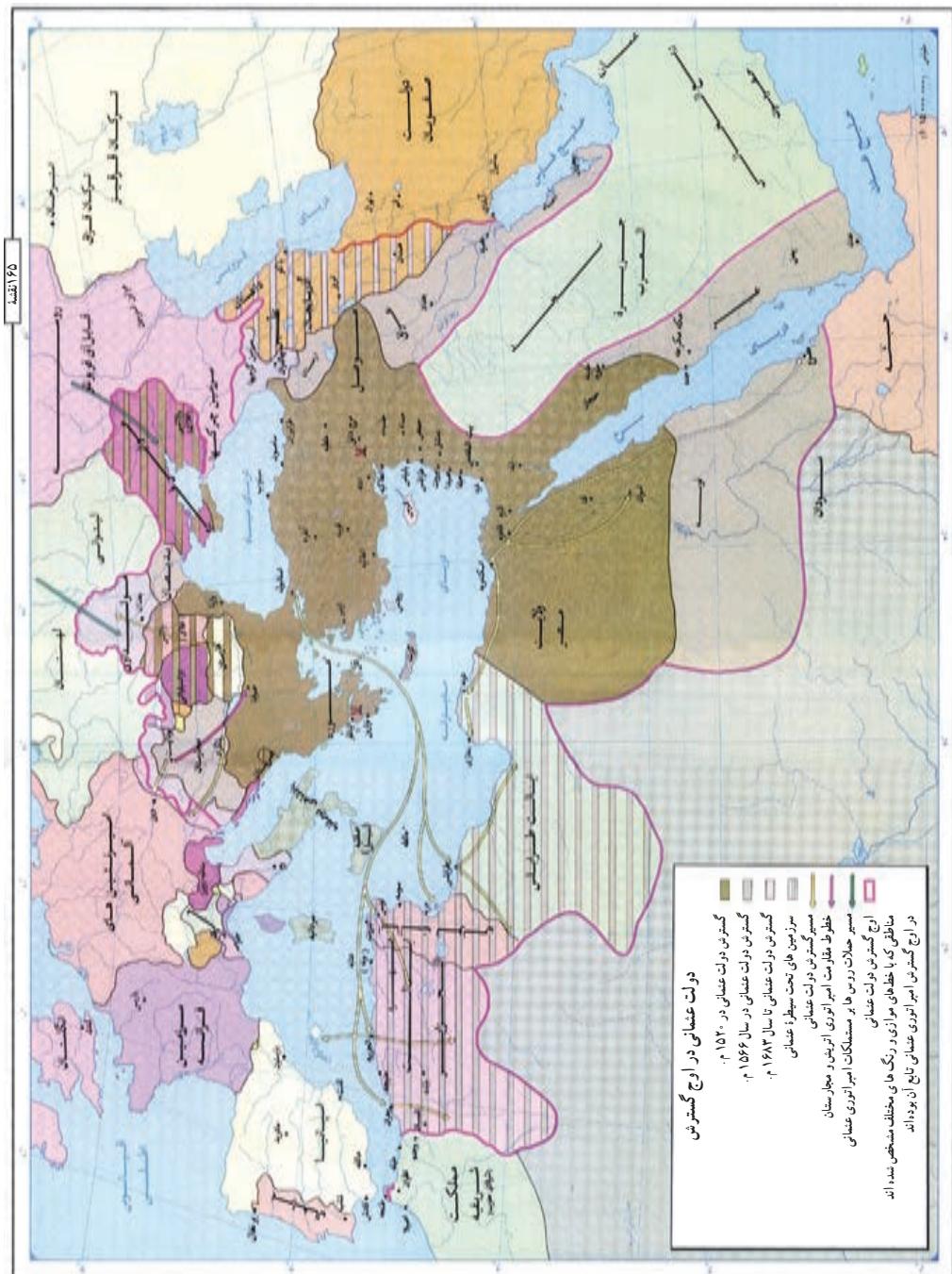
۲- سلطان سلیم: این سلطان که معاصر شاه اسماعیل صفوی بود، با تجاوز به مرزهای ایران توانست در جنگ چالدران (۹۲۰ ق.) سپاه صفوی را با نیروی توپخانه و سلاح آتشین شکست دهد. او عراق و شام را نیز فتح کرد و با لشکرکشی به مصر دولت ممالیک را منقرض ساخت و به خلافت عباسیان مصر نیز پایان داد. پس از آن، اداره مکه و مدینه را در دست گرفت. خود را خلیفه خواند و مدعی حکومت بر تمام مسلمانان شد.

یک توضیح

پادشاهی بی‌رحم و متعصب

سلطان سلیم پادشاهی بی‌رحم و سنگدل، و لقبش یاواوز (مهیب) بود. در آغاز سلطنت خود، دو برادرش را با ریسمان خفه کرد. او که پیرو مذهب تسنن بود به نام دفاع از مذهب تسنن و مقابله با تهدیدات شیعیان، به کشتار بی‌رحمانه چهل هزار تن از شیعیان آناتولی پرداخت؛ با وجود این، از طرف روحانیون درباری به عنوان «عادل» داده شد!

۱- شهر کنستانتین (Constantinople)





سلطان سلیمان امپراتور مقتدر عثمانی

۳—سلیمان قانونی(باشکوه) : مشهورترین پادشاه عثمانی در قرن ۱۶ م. ۱۰ ق. سلطان سلیمان، فرزند سلطان سلیم، بود. در زمان او قلمرو امپراتوری عثمانی به اوج گسترش خود رسید؛ چنان که سپاهیان عثمانی شهر وین، پایتخت اتریش کنونی، را نیز به محاصره خود درآوردند. نیروی دریایی عثمانی در این زمان در مهم‌ترین راه‌های آبی در مدیترانه و اقیانوس هند حضور داشت. این نیروی دریایی در سال ۱۵۳۸ م.^۱ به فرماندهی خیرالدین بربروس نیروی دریایی متحдан اروپایی را درهم شکست. ترک‌ها سلیمان را به واسطهٔ تشکیلات منظم و قوانین مدقونی که برقرار ساخت، «سلیمان قانونی» و اروپائیان او را به واسطهٔ قدرت و عظمت امپراتوری اش، «سلیمان باشکوه» نامیدند.

امپراتوری عثمانی در سراشیبی زوال

امپراتوری عثمانی پس از فتوحات عظیم در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ م. به نهایت گستردگی قلمرو و قدرت سیاسی رسید و بر سرزمین‌های وسیعی در آسیا، آفریقا و اروپا تسلط یافت اما از قرن هجدهم روند ضعیف این امپراتوری آغاز شد و به تدریج عوامل متعدد داخلی و خارجی آن را تشدید کرد. دسته‌ای از عوامل تضعیف امپراتوری عثمانی، مربوط به مسائل و مشکلات داخلی بود که از جمله آنها می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

- ۱—ضعف ساختار سیاسی، اداری و نظامی امپراتوری و غفلت از امور علمی و فرهنگی
- ۲—توقف فتوحات نظامی و بی‌کاری نظامیان؛ از آن پس نظامیان که اغلب صاحب زمین‌های کشاورزی بودند، ستم خود را بر رستاییان افزایش دادند و با دخالت در امور سیاسی، کشور را با مشکلات مختلف مواجه کردند.
- ۳—به قدرت رسیدن سلاطین ضعیف؛ بعد از سلاطین مقتدری نظیر سلطان سلیمان، کسانی در

.۱—۹۴۵ ق. ۹۱۷ ش.

عثمانی به حکومت رسیدند که از نظر مدیریت سیاسی توان اداره قلمرو گستردۀ امپراتوری را نداشتند. برخی از این سلاطین بیشتر به آسایش و خوش گذرانی خود اهمیت می دادند.

۴- مخالفت اشراف و درباریان با انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی؛ علت مخالفت آنان با اصلاحات این بود که انجام اصلاحات منافع و موقعیت آنها را به خطر می انداخت.

علاوه بر مسائل و مشکلات داخلی، امپراتوری عثمانی با دشمنان خارجی و رقیبان سرسرخ در عرصه سیاسی و نظامی مواجه شد. دشمنی و رقابت آنها با عثمانی به شکل جنگ‌های متعدد و دخالت در امور داخلی آن امپراتوری خود را نشان داد. مهم‌ترین مسائل و مشکلات خارجی را که در تضعیف امپراتوری عثمانی نقش داشت، می‌توان در عوامل زیر خلاصه کرد :

۱- جنگ‌های طولانی با ایران؛ امپراتوری عثمانی از ابتدای تأسیس حکومت صفوی با ایران درگیر جنگ شد. این جنگ‌ها در دوره حکومت صفوی چند بار تکرار شد و در دوره حکومت‌های افشاریه، زندیه و قاجاریه هم ادامه یافت. هر چند در دوره‌هایی دو کشور مسلمان در صلح و آرامش به سر می‌بردند، اما همواره جوئی از بی‌اعتمادی و خصومت بر مناسبات آنها حاکم بود. این جنگ‌ها در فرسوده کردن توان نظامی و مالی امپراتوری عثمانی نقش زیادی داشت.

۲- جنگ‌های متعدد و طولانی با روسیه، اتریش و دیگر ممالک اروپایی

۳- دخالت کشورهای اروپایی در امور داخلی امپراتوری عثمانی به بهانه حمایت از اقلیت‌های قومی و مذهبی؛ در شبه جزیره بالکان و دیگر مناطق قلمرو عثمانی، اقلیت‌های قومی مانند صرب‌ها و اسلواها و اقلیت‌های مذهبی (مسیحیان) زندگی می‌کردند، که از حاکمیت دولت عثمانی ناراضی بودند و علیه آن شورش می‌کردند. کشورهای اروپایی به بهانه حمایت از این اقلیت‌ها در امور داخلی عثمانی دخالت می‌کردند. این دخالت‌ها به مسئله شرق معروف شده بود.

مجموعه این عوامل داخلی و خارجی موجب شد که امپراتوری عثمانی در قرن نوزدهم به کشوری ضعیف تبدیل شود و کشورهای اروپایی به آن لقب «مرد بیمار اروپا» بد亨ند. در این دوره، بخش‌هایی از مناطق تحت حاکمیت عثمانی شامل یونان، صربستان، آلبانی، بلغارستان و رومانی از آن جدا شدند.

عصر تنظیمات؛ تلاش برای بقای امپراتوری عثمانی

دولتمردان عثمانی برای حل مشکلات داخلی و احیای قدرت و شکوه گذشته امپراتوری اصلاحاتی انجام دادند که از آن جمله می‌توان به افزایش حقوق اجتماعی اقلیت‌های قومی و مذهبی، توسعه عدالت اجتماعی و گسترش آزادی‌های فردی و جمعی اشاره کرد. این دوره از تاریخ عثمانی

را که از حدود سال ۱۸۳۰ م. ۱۲۴۶ ق. آغاز شد و تا اواخر قرن نوزدهم ادامه داشت، عصر تنظیمات می‌نامند.

در دوره تنظیمات، دوگرایش متضاد در عثمانی به وجود آمد؛ یکی، گرایش به «اتحاد اسلام» بود که وحدت و یکپارچگی پیروان مذاهب اسلامی و پرهیز از اختلافات قومی و فقهی ای را رمز پیشرفت مسلمانان برای بهبود زندگی اجتماعی آنان می‌دانست و خواهان احیای عظمت گذشته مسلمانان بود و شعار «بازگشت به اسلام تختین» را مطرح می‌کرد. رهبر برجسته این جریان فکری، سید جمال الدین اسدآبادی بود.

دوم، گرایش به اتحاد ترکان بود که به «پان‌ترکیسم» معروف شد. این جریان خواستار تجدید حیات عثمانی با اتکا به تزاad ترک بود. تحت تأثیر این جریان، گروهی از نظامیان و روشنفکران ترک، نهضتی به نام «ترکان جوان» به وجود آوردند. این جریان موفق شد پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی در طی جنگ جهانی اول، رهبری کشور ترکیه را به دست گیرد.

اجرای اصلاحات و تداوم آن در امپراتوری عثمانی با موانع و مشکلات چندی روبرو شد که مهم‌ترین دلایل آن، عقب‌ماندگی علمی و فنی، حاکمیت نظام استبدادی و تقليدی بودن اصلاحات بود. علاوه بر اينها، مخالفت اشراف نظامی^۱ با اصلاحات نیز روند اصلاحات را بسیار کند می‌کرد.

یک توضیح

فرمان خط شریف گلخانه

در سال ۱۸۳۹ / ۱۲۵۵ ق. سلطان عبدالجبار فرمان معروف خط شریف گلخانه را صادر کرد. این فرمان در ادامه اصلاحاتی بود که پیش از آن آغاز شده بود. بر اساس این فرمان، دولت عثمانی حفظ امنیت جان و مال و ناموس مردم را تعهد کرد، نظام مالیات‌گیری اصلاح شد و مدت خدمت سربازی به ۴ یا ۵ سال تقلیل یافت.

در بخشی از این فرمان آمده بود: «از این پس متمهان دادگاه‌ها طبق شرع مقدس و پس از بازپرسی، به طور علنی محاکمه خواهند شد و تازمانی که رأی عادلانه صادر نشده است، هیچ‌کس حق ندارد دیگری را به نحوی از انحصار در تعریض قرار دهد».

۱- بنی چری‌ها

دولت گورکانیان هند (مغولان کبیر)

در اوایل قرن ۱۶ م. / ۱۰ ق. یکی از نوادگان تیمور به نام ظهیر الدین با بر به شمال هند حمله کرد. با بر ابتدا بر قسمتی از مaurae النهر حکومت می کرد اما چون از بکان به قلمرو او هجوم آوردند، شکست خورد و به منطقه کوهستانی کابل پناه برد. تلاش های با بر برای به دست آوردن حکومت از دست رفته بی ثمر بود؛ بنابراین، در صدد برآمد به سرزمین همسایه، یعنی هندوستان، حمله کند و حکومتی مستقل تشکیل دهد. او توانست طی چند جنگ، امرای افغانی شمال هند را شکست دهد و دهلی را تصرف کند؛ بدین ترتیب، سلسله گورکانیان هند تأسیس شد^۱. این تحولات، همزمان با تشکیل دولت صفوی در ایران، یعنی پادشاهی شاه اسماعیل، بود.

پس از درگذشت ظهیر الدین با بر، فرزندش همایون به سلطنت نشست. او مردی دانشمند و با فرهنگ بود اما مانند پدرش لیاقت و درایت نظامی نداشت و توسط یکی از امرای افغانی شکست خورد و از هند بیرون رانده شد.



ظهیر الدین با بر در یک مجلس با کارگزاران حکومتی اش

۱- عنوان گورکانی به خاطر لقب تیمور جد این سلسله بود.

پس از آن، همایون به دربار شاه تهماسب صفوی پناهنده شد و بعد از ۱۶ سال، با کمک نیروی قزیلشان صفوی بار دیگر بر تخت سلطنت خود در هند نشست. پس از همایون، فرزنش محمد معروف به اکبر، به سلطنت رسید و یکی از بزرگ‌ترین امپراتوران هند شد.

اوج اقتدار گورکانیان

اکبر در چهارده سالگی به پادشاهی رسید و حدود ۵۰ سال سلطنت کرد. او پادشاهی سیاستمدار و جنگجوی قابل بود که با تأسیس ارتش دائمی، دولت‌های کوچک مسلمان هند را شکست داد و قلمرو آنان را ضمیمهٔ متصرفاتش کرد. به علاوه، سلطهٔ خود را بر نواحی وسیعی از جنوب و مرکز هند نیز گسترش داد. از مدت‌ها قبل، اسلام در میان طبقات پایین جامعهٔ هند رواج یافته بود و اکبر با به رسمیت شناختن حقوق و اختیارات اشراف هندی (مهراجه‌ها) و برگزیدن همسری از میان آنان، موفق به گسترش نسبی اسلام در میان آنها نیز شد. او همچنین با پارسیان هند که پیرو آیین زردشتی بودند، روابط دوستانه برقرار کرد.

اکبرشاه گورکانی با نظم، وحدت و امنیتی که برقرار ساخت و اصلاحاتی که در امور قانونی و اداری و مالی دولت گورکانی به وجود آورد به گسترش اسلام، روتق معماری، هنر و ادبیات و اقتصاد کمک فراوانی کرد. در این دوره، فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی در هندوستان گسترش یافت. از جمله اقدامات مفید اکبر، لغو رسم غیرانسانی ساتی (خودسوزی زنان هندو پس از مرگ شوهرانشان) بود. البته این رسم به طور کامل برینفتاد و تا زمان استقلال هند کمایش برقرار بود.

یک توضیح

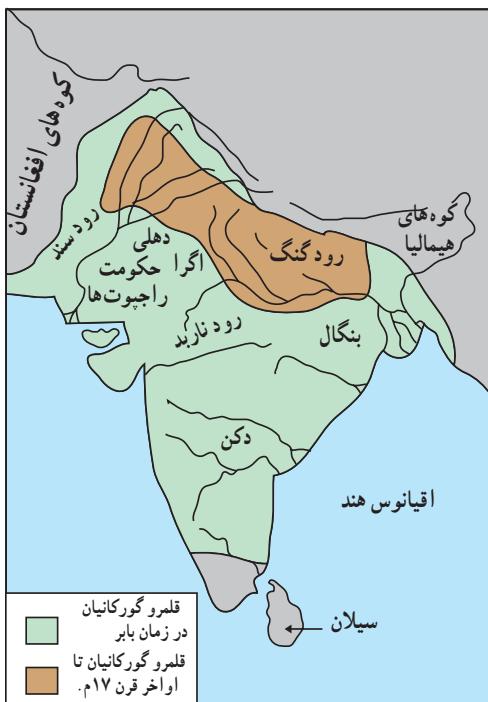
جانشینان اکبر

پس از اکبر پسرش، جهانگیر، به شاهی رسید. او پادشاهی هوسران و سنگدل بود و مخارج سنگین دربار خود را به مردم تحمیل می‌کرد. پس از جهانگیر، شاهجهان به سلطنت رسید و مدت ۳۵ سال (۱۶۲۸- ۱۶۵۸)^۱ حکومت کرد. او برای جلوس بر تخت سلطنت، دستور داد تختی از جواهرات گران‌بهای را بسازند (تخت طاووس). وی بر مزار همسر محبوبش، ممتاز محل، بنای زیبا و بهیاد ماندنی

^۱ ۱۰۳۷ - ۱۰۶۹ - ۱۰۰۷ / آق. ۱۰۰۷ - ۱۰۳۷ .

«تاج محل» را که نشانه تلفیق هنر ایران و هند است، ساخت. با این همه، نسبت به فقر مردم و زندگی سخت آنها بی اعتنا بود؛ چنان‌که در قحطی بزرگی که در نواحی دکن و گجرات رویداد، هیچ اقدام برای کمک به مردم نکرد. به امر او، رهبر سیک‌ها به قتل رسید و این آغاز شورش سیک‌ها علیه دولت گورکانیان هند بود.

اورنگ زیب، بالقب عالم‌گیر، شاه دیگری از سلسله گورکانیان هند بود که پس از زندانی ساختن پدرش، شاه جهان، به سلطنت رسید. او نه مانند جدش، اکبر، به هنر و ادبیات علاقه داشت و نه مانند پدرش، شاه جهان، به معماری. در زمان او، قلمرو گورکانیان هند به وسیع‌ترین حد خود رسید اما در همین دوره، زوال قریب الوقوع آنها نیز قطعی شد. اورنگ زیب با وجود آن‌که دربار باشکوهی داشت، خود بسیار ساده زندگی می‌کرد و حتی می‌کوشید با دسترنج خود زندگی کند. او سیاست خشنی را علیه مذاهبان غیراسلامی آغاز کرد و بسیاری از معابد هندوها را ویران کرد.



قلمرو گورکانیان

انحطاط و زوال گورکانیان

بروز نشانه‌های ضعف در حکومت گورکانیان، امرای نواحی داخلی و حکومت‌های خارجی را به طمع دست‌اندازی بر هند انداخت. سیاست‌های خشن مذهبی شاهان گورکانی نیز موجب عصیان هندوها و سیک‌های ناراضی شد؛ به گونه‌ای که به تدریج قلمرو دولت گورکانی به دهلی و نواحی اطراف آن محدود شد و مقام پادشاه گورکانی به صورت تشریفاتی درآمد. سرانجام، در دوره سلطنه انگلیسی‌ها بر هند، دولت گورکانی از بین رفت.

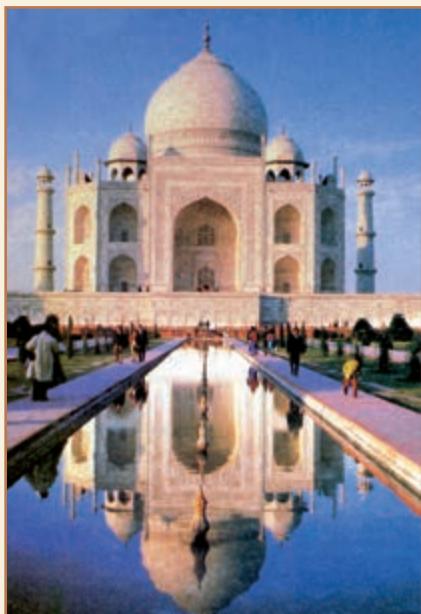
بیشتر بدانیم

تاج محل

در شهر آگرا بر مزار شاه جهان و همسر محبوش، ممتاز محل، بنای بزرگ و مجللی وجود دارد که یکی از زیباترین بناهای جهان و نیز عالی ترین نمونه معماری اسلامی در هندوستان است. برپایی بنای تاج محل پس از وفات ممتاز محل (۱۶۳۱م)^۱ و به دستور شاه جهان آغاز شد. برای این کار شورایی از بهترین معماران تشکیل شد و سرانجام طرح استاد عیسی شیرازی انتخاب شد. کار احداث ساختمان و بناهای وابسته به آن بیش از ۲۲ سال طول کشید و در این مدت ۰۰۰۰۰ کارگر به خدمت گرفته شدند.

تاج محل در باغی بنا شده است که فواره‌ها و خیابان‌های مرمرپوش آن را زینت داده‌اند. درختان سرو از سه جانب عمارت را در میان گرفته‌اند. تصویر بنا در استخری

مستطیل شکل می‌افتد. نمای بیرونی بنا با سنگ‌های مرمر تزئین شده است. بر گند پیازی شکل آن، میله‌ای قرار گرفته که هلالی نیز بر فراز آن نصب شده است. ارتفاع این گند، $۵/۲۴$ متر و قطر آن، بیش از ۱۵ متر است. چهار مناره در چهار طرف بنا قرار دارد. آرامگاه شاه جهان در زیر گند و آرامگاه ممتاز محل در اتاق هشت گوش‌ای قرار دارد.



پرسش‌های نمونه

- ۱- از نظر داخلی چه عواملی موجب انحطاط و عقب‌ماندگی عثمانی شد؟
- ۲- مسئلهٔ شرق به چه مسئله‌ای گفته می‌شد؟
- ۳- مهم‌ترین موافع و مشکلات اجرای اصلاحات در دولت عثمانی چه بود؟
- ۴- چهار اقدام مهم‌اکبر شاه گورکانی را بنویسید.

اندیشه و جستجو

- آیا می‌دانید نادرشاه برای حل اختلافات مذهبی ایران و عثمانی چه پیشنهادی داشت؟ در این باره مقاله‌ای بنویسید.

اروپا و آمریکا در قرن نوزدهم

مقدمه

در قرن ۱۹. تعدادی دیگر از ملت‌های اروپایی، موفق به تشکیل کشورهای مستقل شدند. در همان حال، سیاست‌های استعماری اروپاییان در بسیاری از نقاط جهان نفوذ و گسترش یافت؛ به طوری که باید قرن نوزدهم را دورهٔ غلبهٔ اروپاییان بر سیاست جهان دانست.

تمدن اروپایی در این قرن رشد و گسترش فوق العاده‌ای یافت، مکاتب فکری و سیاسی گوناگون پدید آمد و اندیشه‌ها و نظریات علمی جدیدی به ظهور پیوست.

عصر ناپلئون^۱ (۱۷۹۹-۱۸۱۴ م.)^۲

به دنبال وقوع انقلاب کبیر فرانسه پادشاهان و دولت‌های اروپایی که از گسترش تأثیر آن انقلاب به وحشت افتاده بودند با یکدیگر متحد شدند و فرانسه را به صحنهٔ جنگ‌های خونین کشاندند. در جریان همین جنگ‌ها بود که فرمانده‌ای فرانسوی به نام ناپلئون بناپارت نبوغ و استعداد نظامی خاص خود را نشان داد.



چرا پادشاهان و دولت‌های اروپایی از گسترش انقلاب فرانسه وحشت داشتند؟

^۱—Napoleon

^۲—۱۷۸۸-۱۹۳۱ ش.

مشکلات داخلی و اختلاف میان دولتمردان موجب نارضایتی عمومی شده بود. در چنین شرایطی، ناپلئون که هوای حکمرانی درسر داشت، از طریق کودتا قدرت را دردست گرفت. البته او، پس از کودتا، تا چند سال با عنوان کنسول، فرانسه را اداره کرد و جنگ با دولت‌های اروپایی را ادامه داد. در این مدت نیز به پیروزی‌های جدیدی دست یافت و بیش از پیش مورد توجه مردم قرار گرفت. وی سرانجام در سال ۱۸۰۴ م.^۱ با عنوان امپراتور تاج‌گذاری کرد.

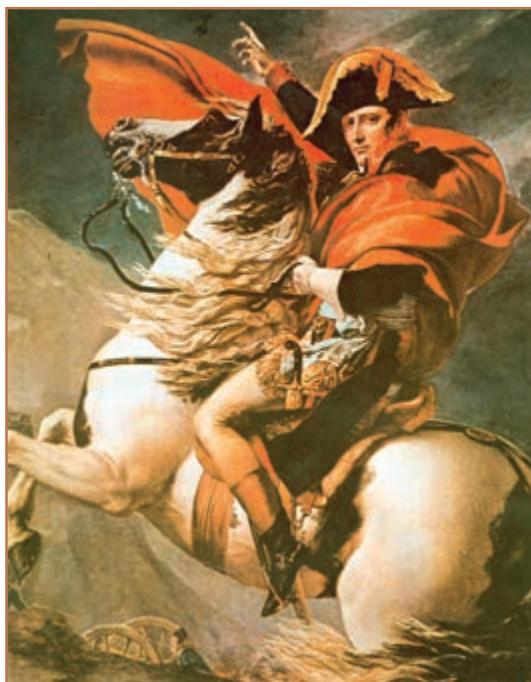
یک توضیح

کنسول

کنسول یکی از عنوان‌های فرماتروایی در روم باستان است که در فرانسه نیز پس از کودتای سال ۱۷۹۹ م، ناپلئون، از آن استفاده شد. پس از کودتای مذکور سه نفر – یعنی ناپلئون، سیسیوس و روژر دوکور – به عنوان کنسول های موقتی عهدده دار حکومت فرانسه شدند و با کمک کمیسیون پارلمان، قانون اساسی چهارم فرانسه را تدوین کردند که به قانون سال هشتم معروف شد. این قانون در سال ۱۸۰۰ م به تأیید مردم فرانسه رسید. بر اساس قانون مذکور، قوه مجریه برای مدت ده سال به سه کنسول واگذار شد: ناپلئون کنسول اول، کامبارس کنسول دوم و لوبرون کنسول سوم، قدرت اصلی در اختیار کنسول اول یعنی ناپلئون بود که اختیارات زیادی از جمله عزل و نصب وزیران و مشاوران دولتی و اجازه تهیه و اجرای قوانین داشت. ناپلئون با تکیه بر اختیاراتی که داشت، در ماه اوت ۱۸۰۲ خود را به عنوان **کنسول مادام‌العمر معرفی** کرد و سپس در ماه مه ۱۸۰۴ خود را امپراتور نامید. دوره زمامداری ناپلئون از سال ۱۷۹۹ تا ۱۸۰۵ م. در تاریخ فرانسه به دوره حکومت کنسولی معروف است.

ناپلئون از سال ۱۸۱۴ تا ۱۸۱۵ م. امپراتور بود. او در این مدت، فرانسه را از نظر سیاسی – نظامی به قدر تمندترین کشور اروپایی تبدیل کرد. دولت‌های اروپایی مانند انگلستان، اتریش و پروس (آلمان) بارها علیه فرانسه با یکدیگر متحد شدند اما ناپلئون تو انتست چندین بار بر آنها پیروز شود و سرزمین‌های بسیاری

را به تصرف درآورد. با وجود این، جنبش‌های آزادی خواهانه و استقلال طلبانه مردم از یک سو و شکست هولناک، ارتش بزرگ ناپلئون در روسیه، از سوی دیگر، به دوران اقتدار او در تاریخ اروپا خاتمه داد.



ناپلئون بنایپارت

پایان کار ناپلئون

مورخان ورود ارتش فرانسه به خاک روسیه^۱ را سرآغاز سقوط ناپلئون می‌دانند. وسعت خاک روسیه، سرما و برف سنگین آن، استراتژی جنگ غیرمنظم روس‌ها، تخریب پل‌ها و آتش‌زنی شهرها و روستاهای توسط آنان، باعث تضعیف بنیه نظامی ناپلئون و سرانجام شکست او شد. ناپلئون در این جنگ تعداد زیادی از سربازان و افسران خود را از دست داد.

ناپلئون، پس از شکست خوردن از متحده‌ین، به جزیره ^۲Elb^۳ تبعید شد؛ اما از تبعیدگاه گریخت و به فرانسه بازگشت ولی تلاش‌هایش برای کسب قدرت با شکست مواجه شد. این بار او را به جزیره‌ای دورافتاده در اقیانوس اطلس، به نام سنت هلن^۴، تبعید کردند و همان‌جا درگذشت.

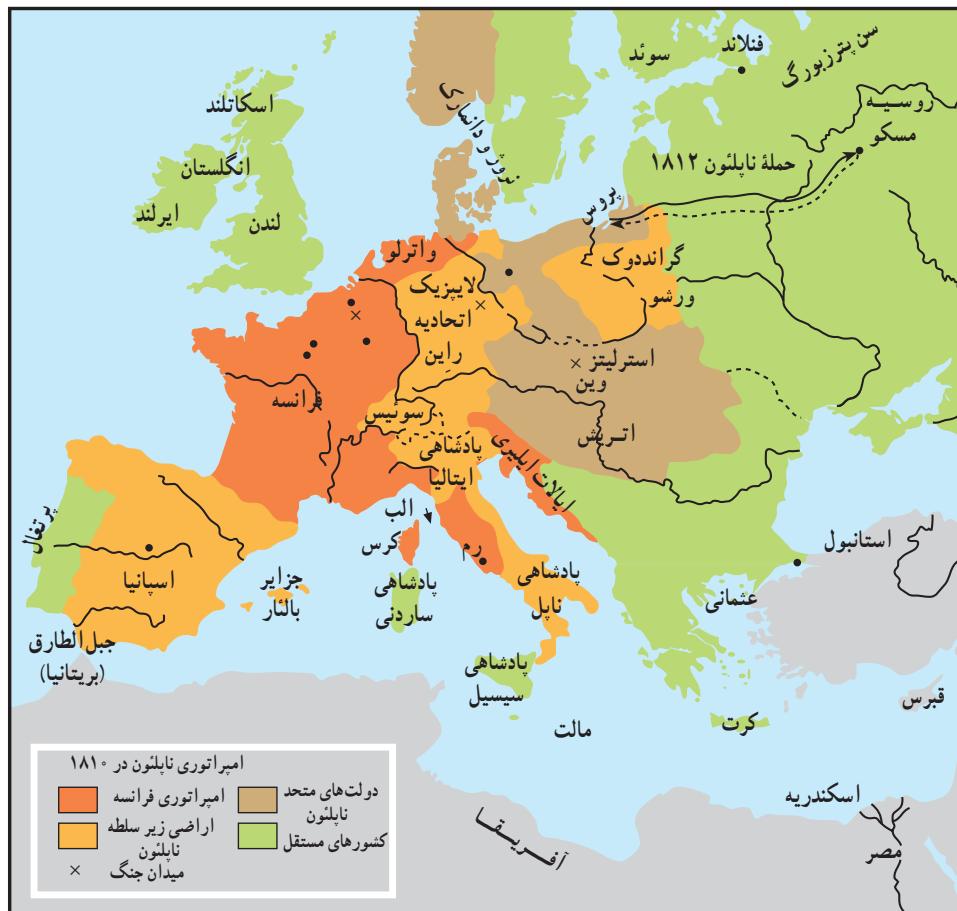
^۱-۱۸۱۲ م. ش.

^۲- Elbe

^۳- Saint Helena

کنگره وین

پس از آن که پادشاهان اروپایی از کابوس دشمن بزرگ خود، ناپلئون، رهایی یافتند، برای تعیین تکلیف کشور شکست خورده فرانسه، کنگره وین را برگزار کردند. مهم‌ترین کشورهای شرکت کننده در این کنگره، انگلستان، روسیه، اتریش، پروس و خود فرانسه بودند. در این کنگره تصمیم گرفته شد که فرانسه باز دیگر با رژیم سلطنتی اداره شود؛ کلیه متصروفات ناپلئون از فرانسه پس‌گرفته شود و مرزها و رژیم‌های سیاسی دولت‌های اروپایی نیز مشخص شود.



۱- نماینده فرانسه در این مذاکرات تالیران بود که توانست از تجزیه فرانسه جلوگیری کند.



تالیران^۱

در میان سیاستمداران فرمت طلب و ثروت اندوز اروپا، تالیران، سیاستمدار فرانسوی، یک نمونه قابل توجه بود، او که در دوران سلطنت لویی شانزدهم یک اسقف اشرافی بود، در دوران انقلاب، یک انقلابی تمام عیار شد. سپس، در دوران دیکتاتوری ناپلئون، چنان تغییر روش داد که وزارت خارجه ناپلئون رسید و آن‌گاه، پس از شکست ناپلئون و روی‌کار آمدن دوباره رژیم سلطنتی، باز هم وزیر خارجه شد. تالیران از هر کس رشوه می‌گرفت؛ برای مثال، در عین وزارت ناپلئون، برای مترنیخ، صدراعظم اتریش، و الکساندر اول، امپراتوری روسیه، در مقابل پول جاسوسی می‌کرد. زمانی در یک جمله کوتاه گفته بود: «برای من این سکه زرین که بر آن تصویر لویی شانزدهم یا ناپلئون ضرب شده است، از خود لویی یا ناپلئون قابل اعتمادتر است؛ زیرا آنها می‌روند و این می‌ماند».

انقلاب‌های اروپا

در حالی که رژیم‌های استبدادی می‌کوشیدند مانع رشد اندیشه دموکراسی – که حاصل انقلاب فرانسه بود – در کشورهای خود شوند، آزادی‌خواهان بردامنه فعالیت‌های خود می‌افزوند. در سال‌های ۱۸۴۸^۲ و ۱۸۴۹^۳ م. دو موج انقلاب، اروپا را فراگرفت که در اثر این انقلاب‌ها، مردم بلژیک خود را از سلطه هلنن نجات دادند و به استقلال رسیدند.^۴ در فرانسه نیز دوباره رژیم جمهوری برقرار شد.^۵ در اتریش، آزادی‌خواهان، صدراعظم (مترنیخ) آن کشور را مجبور به فرار کردند و در اسپانیا، هلنن، سوئد و دانمارک مردم علیه سلطنت استبدادی قیام کردند و تو انسنند رژیم سلطنتی مشروطه برقرار سازند. این قیام‌ها مستبدانی را که می‌کوشیدند تا جسم و روح ملت‌هارا به زنجیر کشند، در برابر اراده آزادی‌خواهانه ملت‌ها، وادرار به تسليیم کرد.

۱_Tallyrand

۲_۱۲۰۹ و ۱۲۷۷ ش.

۳_۱۸۳۰ م.

۴_۱۸۴۸ م.



صحنه‌ای از جنگ‌های خیابانی در پاریس در سال ۱۸۴۸ م.

وحدت ایتالیا

یکی از نتایج موج انقلابی ۱۸۴۸ م. در اروپا، سست‌شدن پایه‌های دولت مقتدر اتریش بود که بر قسمت‌های وسیعی از خاک ایتالیا چنگ انداخته بود. در آن زمان، ایتالیا کشوری چند پاره بود و بر هر بخش آن، امیر یا شاهزاده، یا کشوری بیگانه تسلط داشت. در این دوره، رشد اندیشه ملیّت‌گرایی (ناسیونالیسم) در ایتالیا موجب طیان مردم علیه بیگانگان و تجزیه طلبان شد. سرانجام، قیام استقلال طلبانه این ملت با کوشش سه چهره نامدار جوزپه مازینی^۱، کاور^۲ و گاریبالدی^۳ به پیروزی رسید. مازینی نظریه پرداز این جنبش، کاور سیاستمداری کاردان و موقعیت‌شناس و گاریبالدی رهبر ارتش استقلال طلبان، به نام سرخ‌جامگان، بود.

۱— Giuseppe Mazzini

۲— Cavour

۳— Garibaldi

من شمارا به رنج و دشواری پیکار فرامی خوانم،
گاریبالدی»

یک توضیح

گاریبالدی

افراد نخستین واحد تحت فرمان گاریبالدی فقط شمشت نفر بودند. تاکتیک او در تسليم‌نشدن بود و همین تاکتیک او را پیروز کرد. او که مدت‌هادر آمریکای لاتین دوش به دوش آزادی خواهان آن سرزمین با استعمار اسپانیا جنگیده بود و در جنگ‌های غیر منظم تجربه و مهارت فراوان داشت. با واحدهای بسیار کوچک غیر منظم خود - مرکب از مبارزان وطن‌پرست - ارتش‌های فرانسه و اتریش را که دهها برابر نیرومندتر از او بودند، از ایتالیا بیرون راند. سپس به درهم کوبیدن قدرت حکام مستقل داخلی پرداخت تا توانست در ایتالیا یک دولت متمرکز و نیرومند مستقر سازد.



گاریبالدی پس از وحدت ایتالیا، بقیه کارهارا به کاور سیاستمدار سپرد. کاور نیز با درایت و کارداری سیاسی و استفاده از موازنۀ سیاسی اروپا و شرکت در بازی‌های دیپلماتیک، ایتالیا جدید را بر ویرانه‌های امپراتوری کهن روم تأسیس کرد.

مساطل بزرگ زمان جز با آهن و خون حل نمی‌شود.
«بیسمارک»

تأسیس امپراتوری آلمان

در اواسط قرن نوزدهم، بیسمارک^۱ صدراعظم پروس شد. بیسمارک سیاستمداری توانا و مقتدر بود که به صدراعظم آهنین معروف شد. او می‌گفت: «حرف حق را باید از دهانهٔ توپ شنید». وی ابتدا ایالت‌های اتحادیه راین را با عنوان کنفراسیون آلمان شمالی، با پروس متحد کرد و سپس با تقویت ارتش پروس برنامه‌های خود را گام به گام در جهت وحدت آلمان پیش برد. او پس از شکست دانمارک، اتریش و سرانجام فرانسه، تأسیس امپراتوری آلمان (رایش) را اعلام کرد. از آن زمان به بعد، پروس و ایالات ژرمنی را آلمان نامیدند.



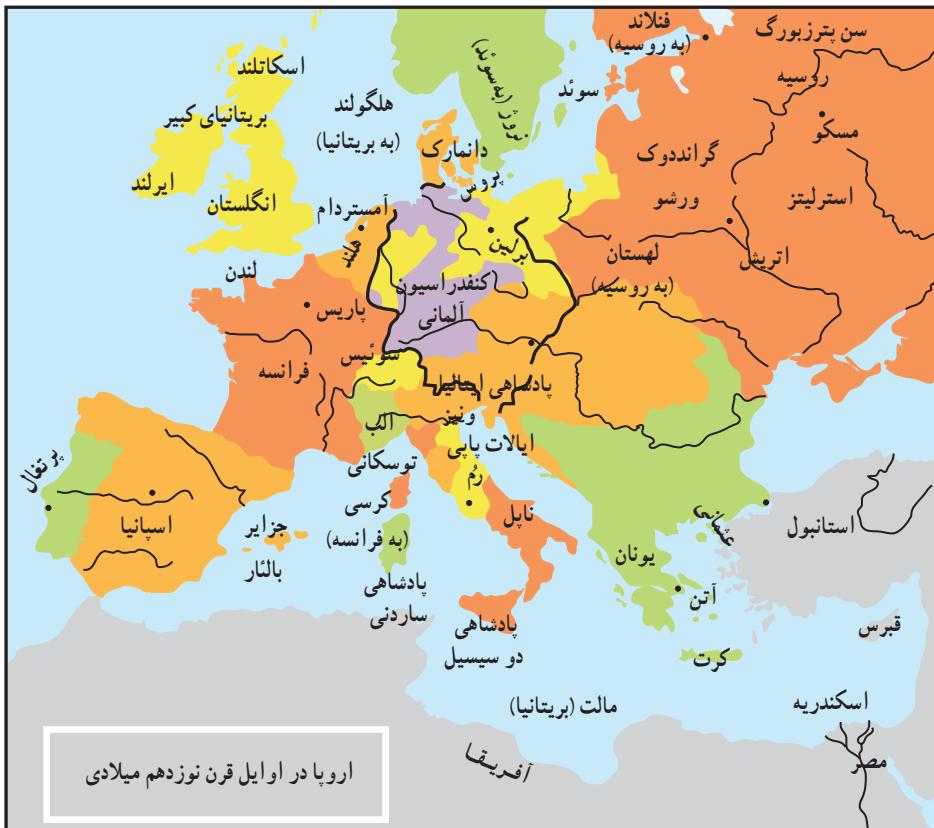
بیسمارک به دموکراسی و نظام پارلمانی اعتقاد نداشت. نویسنده‌ای دربارهٔ سیاست‌های او چنین گفته است: «بیسمارک آلمان را بزرگ ولی آلمانی‌ها را حقیر می‌سازد». از این عبارت چه می‌فهمید؟

آلمان به دلیل برخورداری از نیروی انسانی ماهر و توانمند و منابع اقتصادی و صنعتی گوناگون خیلی زود به کشوری ثروتمند و مقتدر تبدیل شد. میزان تولیدات صنعتی آن کشور افزایش یافت و به همین دلیل، خواهان منابع مواد اولیه و بازار فروش برای کالاهای صنعتی خود بود؛ از این‌رو، آلمان در اواخر قرن نوزدهم تلاش خود را برای کسب مستعمرات آغاز کرد.

موقعیت امپراتوری روسیه

در اوایل قرن نوزدهم، تزارهای روس در تعقیب سیاست پتر کبیر مبنی بر توسعهٔ قلمرو روسیه و رسیدن به دریاهای آزاد، قسمت‌هایی از امپراتوری عثمانی را تصرف کردند و طی قراردادهای گلستان، ترکمنچای و آحال، قسمت‌های شمالی ایران را نیز به زیر سلطهٔ کشیدند. روس‌ها همچنین در سیبری پیشروی کردند و خود را به مرزهای چین رساندند و قلمرو روسیه را تا سواحل اقیانوس آرام گسترش دادند.

^۱—Bismarck



گسترش قلمرو تزارها به قیمت سرکوب مردمان نواحی تصرف شده، برقراری حکومت استبدادی، فقیر شدن اکثر مردم روسیه و سرکوب حرکت های آزادی خواهانه صورت می گرفت. جامعه روسیه و اقتصاد آن در قرن نوزدهم عقب مانده بود و دهقانان برای فتوval ها حکم برده را داشتند. دستگاه پلیس تزاری هرگونه حرکت روشنفکری و مخالفان سیاسی را به شدت سرکوب و از اصلاحات جلوگیری می کرد. به علاوه، روسیه به سبب تلاش برای توسعه قلمرو و کسب امتیازات سیاسی - نظامی و اقتصادی در کشورهای آسیایی مانند عثمانی، ایران و چین، درگیر رقابت با انگلستان بود.

گستردگی مستعمرات انگلستان

اگرچه روسیه مهم ترین رقیب سیاسی امپراتوری انگلستان در قرن نوزدهم بود اما دولتهای آلمان، ایتالیا و فرانسه نیز در مستعمرات آسیایی و آفریقایی با انگلستان، رقابت می کردند. در مقابل، انگلستان

هم که با کشورهای اروپایی مرز زمینی نداشت، تمام نیروی خود را صرف توسعه و تقویت نیروی دریایی، توسعه مستعمرات خود و پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی می‌کرد. مستعمرات انگلستان در این قرن بسیار گسترده بود، چنان‌که گفته می‌شد: «افتاد در امپراتوری بریتانیا غروب نمی‌کند».

اوج قدرت استعماری انگلستان در قرن نوزدهم و در دورهٔ ملکه ویکتوریا بود که ۶۴ سال حکومت کرد؛ به همین سبب، این دوره از تاریخ انگلستان را «عصر ویکتوریا» نامیده‌اند. در عصر ویکتوریا، انگلستان از نظر اقتصادی و صنعتی پیشرفت بسیار کرد. این کشور با غارت ثروت مستعمرات، ثروتمندترین کشور جهان شد و از نظر صنعتی نیز فقط آلمان با آن برابری می‌کرد. مهم‌ترین مشکل داخلی بریتانیا در آن زمان، مبارزات استقلال طلبانه مردم ایرلند بود.

ایالات متحده آمریکا در مسیر استعمارگری

همان‌طورکه در درس سوم خواندید، ایالت‌های مهاجرنشین آمریکا در سال ۱۷۷۶ م.^۱ به استقلال رسیدند و دولت ایالات متحده آمریکا را ایجاد کردند. این دولت به سرعت در مسیر استعمارگری گام نهاد و به فکر توسعهٔ نفوذ و سلطهٔ سیاسی و اقتصادی خود بر فراسوی مرزهای ایالات متحده افتاد. مداخله در امور کشورهای قاره آمریکا، نخستین گام استعماری آن دولت بود. بدین‌منظور مونرو، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در سال ۱۸۲۳ م.^۲ با انتشار اعلامیه‌ای به دولت‌های اروپایی هشدار داد که در امور قاره آمریکا مداخله نکنند. این کشور در نیمهٔ دوم قرن ۱۹ م. به‌طور منظم و مستمر دامنهٔ نفوذ و سلطهٔ خود را بر کشورهای آمریکای لاتین افزایش داد.

در اواسط قرن نوزدهم محروم‌ترین مردم آمریکا، سیاه‌پوستان بودند که به صورت بردۀ زندگی می‌کردند. بردگان سیاه‌پوست که از آفریقا آورده می‌شدند، در جنوب ایالات متحده، در مزارع پنبه و نیشکر به بیگاری گرفته می‌شدند و از حقوق انسانی محروم بودند. مردم نواحی شمالی آمریکا که صنعتگر و روشنفکر بودند و به لحاظ اقتصادی نیاز چندانی به نیروی کار بردگان نداشتند، با برده‌داری مخالفت می‌کردند. سرانجام در سال ۱۸۶۱^۳، در زمان ریاست جمهوری آبراهام لینکلن، میان مردم شمال و جنوب ایالات متحده جنگ درگرفت. این جنگ که به جنگ انصصال یا «جنگ الغای بردگی» معروف شده است، پس از چهار سال به پیروزی ایالات شمالی و طرفداران لغو بردگی منجر شد.

۱۲۴۰ ش. – ۳

۱۲۰۲ ش. – ۲

۱۱۵۴ ش. – ۱

یک توضیح

در سپتامبر سال ۱۸۶۳^۱ فرمان آزادی بر دگان، در آمریکا، صادر شد. با این فرمان ۴۰۰,۰۰۰ بردگه در ایالت جنوبی آزاد شدند اما در وضع اقتصادی آنان تغییری به وجود نیامد. در واقع تمام سیاهان آزاد شده فقیر بودند و هیچ ملک و زمینی نداشتند؛ از این رو، بعضی از آنان به شهرهای شمالی مهاجرت کردند ولی اکثر آنها، مثل سابق، زیر سلطه و فرمان مالکان قرار گرفتند؛ منتهی به صورت کارگران مزدور.

از طرف دیگر، سفیدپوستان جنوب سازمان‌هایی به وجود آوردند تا بتوانند سیاهپوستان را به انواع وسایل و از راه ترور و ایجاد ترس، مطیع و زیر تسلط نگاه دارند. از آن جمله سازمان نیمه‌مخفي «کوکلس کلان»^۲ بود که اعضای آن با ماسک و نقاب به ترور و کشتن سیاهپوستان می‌پرداختند و حتی مانع آن می‌شدند که سیاهان در انتخابات رأی دهند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- مهم‌ترین تصمیمات کنگره وین چه بود؟
- ۲- اینالیا چگونه به صورت یک کشور آزاد و متحد درآمد؟
- ۳- جنگ‌های افغانستان به چه جنگ‌هایی گفته می‌شد و چه پیامدهایی داشت؟

اندیشه و جست‌وجو

- مقاله‌ای درباره روابط ایران و فرانسه در عصر ناپلئون تهیه کنید.

۱۲۴۲- ش.

درس ۶

آفریقا و آمریکای لاتین در قرن نوزدهم؛ نبرد علیه استعمار

مقدمه

استعمار در لغت به معنای طلب عمران و آبادی است. این واژه زمانی به کار برده شد که اروپاییان اعلام کردند که هدفشان از رفتن به آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا آباد کردن این کشورها و متعدد ساختن مردم این نواحی است؛ اما از همان آغاز معلوم بود که هدف اصلی آنها دست اندادختن به منابع ثروت این سرزمین‌ها و ساقط کردن حکومت‌های ملی و مردمی و روی کار آوردن حکومت‌های وابسته است. استعمار شکل‌های گوناگون داشت؛ از جمله حمله نظامی و تصرف خاک یک کشور، تحت‌الحمایه کردن آن، اخذ امتیازات سیاسی-اقتصادی و برقراری روابط غیرعادلانه اقتصادی و تجاري و



در این درس، روند گسترش استعمار در قاره آفریقا و آمریکای لاتین و مبارزات استقلال طلبانه در این دو قاره را پی‌خواهیم گرفت.

الف) آفریقا در چنگال استعمار

مصر؛ آغاز یک هجوم دیگر

در قرن نوزدهم، مصر جزئی از قلمرو دولت عثمانی به‌شمار می‌رفت و به دلیل آن که از راه کوتاه خشکی، دریای مدیترانه را به دریای سرخ متصل می‌ساخت، برای اروپایی‌ها اهمیت زیادی داشت.

کشتی‌های اروپایی در سواحل شمالی مصر لنگر می‌انداختند و کالاهای خود را از راه خشکی به ساحل دریای سرخ منتقل می‌کردند^۱. سپس آنها را با کشتی به سوی ایران، هند و دیگر نواحی جنوب آسیا می‌فرستادند.

در سال ۱۷۹۸م. ناپلئون برای ضربه زدن به انگلستان در صدد لشکرکشی به هند برآمد اما ابتدا به مصر لشکرکشی و آنجا را تصرف کرد.

ناپلئون در مصر خود را طرفدار مردم و دشمن مالکان (طبقه حاکم زمین دار در مصر) معرفی کرد اما مصریان فریب ظاهرسازی او را نخوردن و دست به قیام زدند. انگلیسی‌ها نیز به مصر حمله کردند و با نیروهای فرانسوی در آنجا درگیر شدند. در این حال، دولت عثمانی یکی از سرداران مشهور خود به نام محمدعلی پاشا را برای باز پس گیری مصر به آن سرزمین اعزام کرد. محمدعلی توانست با کمک مردم، فرانسویان را از مصر بیرون براند و نیز مانع دست اندازی انگلیسی‌ها بر کشور مصر شود. او در یک نبرد سنگین نیروهای انگلیسی را تار و مار کرد و حاکمیت خود را بر مصر تحکیم بخشید. محمدعلی سرانجام با جلب رضایت سلطان عثمانی، سلسله خدیویان مصر یا خاندان محمدعلی پاشا را تأسیس کرد.

یک توضیح

ناپلئون و طرفداری از اسلام!

ناپلئون در طول سفر با کشتی، با قرآن، زبان عربی و فرهنگ اسلامی مصر آشنا شد و به منظور جلب اعتماد رؤسای شهر، علمای مذهبی و توده مردم خود را علی پاشا نامید و بیانیه‌ای نیز به زبان عربی انتشار داد که با جملات «بسم الله الرحمن الرحيم» و «الله أكbar» شروع می‌شد. در این بیانیه، ناپلئون خود را طرفدار اسلام، مسلمانان، مردم مصر و سلطان عثمانی، به عنوان خلیفه مسلمین، قلمداد کرد و علت حمله به مصر را ظلم و ستم ممالیک به مردم مصر و عدم اطاعت شان از سلطان عثمانی و بد رفتاری آنان با بازارگانان فرانسوی برشمرد. در خاتمه بیانیه، ناپلئون از مصریان خواسته بود که برای نجات از شرّ ظلم و ستم ممالیک، با این جملات ارتش فرانسه را در مساجد دعا کنند؛ پاینده باد دولت عثمانی، زنده باد ارتش فرانسه لعنت خدا بر ممالیک و کامروها باد ملت مصر.

۱- در آن زمان هنوز کanal سوتر حفر نشده بود.

اصلاحات محمدعلی پاشا

تهاجم استعمارگران فرانسوی و انگلیسی به مصر، محمدعلی پاشا را متوجه دو نکته اساسی کرد؛ نخست ارزش و اهمیت نظامی – سیاسی مصر، به ویژه برای استعمار انگلستان، و دوم عقب‌ماندگی مسلمانان از جمله مصریان نسبت به اروپاییان؛ به همین دلیل، او در صدد اصلاح و نوسازی ارتش و اقتصاد مصر برا آمد. محمدعلی پاشا به مبارزه با زمین‌دارانی پرداخت که برای سالیان دراز دهقانان فقیر مصری را استثمار و از آنها بهره‌کشی می‌کردند. علاوه بر اینها وی امور مالی آن کشور را تنظیم کرد، راه‌های ارتباطی را توسعه داد و گروهی از جوانان مصری را برای فرائیکری علوم جدید به اروپا فرستاد. اما با طرح احداث کanal سوئز، که از سوی اروپاییان پیشنهاد شد، مخالفت کرد.



به نظر شما، چرا محمدعلی پاشا با طرح احداث کanal سوئز توسط اروپاییان

مخالف بود؟

سلطه استعمارگران انگلیسی بر مصر

جانشینان محمدعلی پاشا مانند خود او لایق و کاردار نبودند؛ آنان اگرچه اصلاحات محمدعلی را ادامه دادند ولی با گرفتن وام از خارجیان، مصر را به صورت کشوری بدھکار درآوردند تا آنجا که سعید پاشا به امید کسب درآمد با ساختن کanal سوئز موافقت کرد.

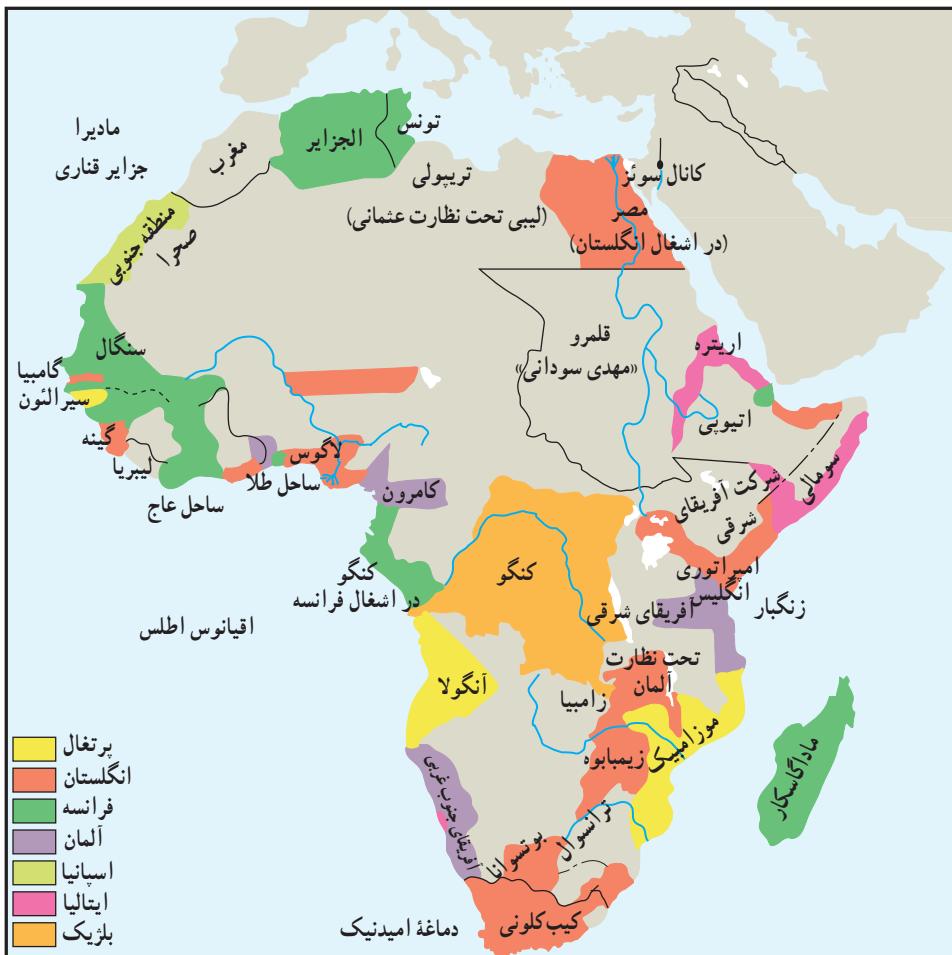
پس از افتتاح کanal سوئز، دولت مصر به علت بدھکاری سنگین خود به بانک‌های اروپایی مجبور به فروش سهام خود به انگلیس شد و بدین ترتیب، اداره کanal سوئز و بهره‌برداری از منافع آن به دست استعمارگران انگلیسی افتاد. پس از آن، دولت استعماری انگلستان به سبب اهمیت ویژه کanal سوئز، بیش از پیش به مداخله در امور آن کشور پرداخت. در اوآخر قرن نوزدهم، مصر زیر سلطه انگلستان رفت و سرانجام در اوایل قرن بیستم به رغم مبارزات مردم، این کشور تحت الحمایه انگلیس شد.

در طول دوران حاکمیت استعمار، مبارزان مصری دست از تلاش برای آزادی کشور خود برنداشتند. قیام غُرابی پاشا مهم‌ترین جنبش سیاسی – نظامی مصریان علیه استعمار انگلیس بود که

در هم شکسته شد. از آن پس، مبارزان به فعالیت‌های فرهنگی روی آوردند. از جمله آنان باید از محمد عبدُه و عبدالرحمان کواکبی نام برد.

دیگر مستعمرات انگلستان در آفریقا

به موازات تصرف مصر، انگلیسی‌ها در صدد توسعه قلمرو خود در آفریقا برآمدند و سودان را نیز به زیرسلطه گرفتند. ظلم و ستم انگلیسی‌ها در سودان، از جمله گرفتن مالیات‌های فراوان از مردم موجب شعله‌ور شدن قیامی شد که رهبری آن را شخصی به نام محمد احمد برعهده داشت. او برخود لقب المهدی نهاده بود و به مهدی سودانی معروف شد، لذا پیروانش را «مهدیون» می‌گفتند. مهدیون



سلطه استعمارگران اروپایی بر آفریقا

توانستند نیروهای مشترک مصر و انگلیس را شکست دهند و حکومتی مستقل را پایه ریزی کنند. با این حال، چند سال بعد انگلیسی‌ها با کمک فرانسویان و با صرف هزینه و تلفات سنگین، این قیام را سرکوب کردند. از آن پس، بار دیگر سودان با عنوان سودان مصر و انگلیس به صورت مستعمره درآمد. انگلستان علاوه بر مصر و سودان، سلطه استعماری خود را بر مناطق وسیعی از شرق، جنوب، مرکز و حتی غرب قاره آفریقا گستراند (نگاه کنید به نقشه صفحه ۵۴).

در اوآخر قرن نوزدهم، مقاومت قبایل سیاه‌پوست زولو در مناطق جنوبی آفریقا، انگلستان را به زحمت انداخت. همچنین، بوئرها که دهقانان مهاجر هلندی بودند، با سلطه انگلیسی‌ها مخالفت کردند و تا چندین سال به مخالفت خود ادامه دادند.

استعمار فرانسه در آفریقا

الجزایر تحت سلطه استعمار فرانسه

در قرن نوزدهم رقابت دولت‌های اروپایی برای سلطه بیشتر بر مستعمرات، به دریای مدیترانه و شمال آفریقا نیز کشیده شد. فرانسویان توجه خاصی به شمال آفریقا به ویژه الجزایر داشتند. در این زمان، الجزایر بخشی از امپراتوری عثمانی بود و عثمانی‌ها حاکمان آن را منصوب می‌کردند اما ضعف دولت عثمانی و عدم اطاعت قبایل از حاکمان الجزایر موجب شد تا فرانسویان به تدریج زمینه را برای اعمال نفوذ خود مساعد بینند. آنان سرانجام در سال ۱۸۳۰ م. بهانه لازم را برای حمله به الجزایر به دست آوردند؛ بدین ترتیب که فرانسه، به دلیل خرید اقلام عمدہ‌ای از مواد غذایی، به دولت الجزایر بدھکار بود؛ بنابراین، حاکم الجزایر از دولت فرانسه خواستار پرداخت بدھی‌های خود شد. فرانسویان با این بهانه که کشتی‌های آنان مورد هجوم دزدان دریایی قرار می‌گیرد، از پرداخت آن سرباز زدند. این مسئله بهانه‌ای مناسب برای حمله ناوگان دریایی فرانسه به الجزایر شد.

ارتش فرانسه به الجزایر حمله ور شد و بخش‌هایی از سرزمین الجزایر را اشغال کرد؛ اما مردم الجزایر از همان ابتدا علیه آنها به پا خاستند. در این مبارزات، امیر عبدالقادر رهبر و فرمانده نیروهای آزادی خواه الجزایر بود. او به کمک نیروهای خود، مدت‌ها در مقابل اشغالگران مقاومت کرد ولی فرانسویان با استفاده از امکانات و تجهیزات برتر در سال ۱۸۴۳ م. بر عبدالقادر پیروز شدند و او را وادار به تسليم کردند. فرانسویان عبدالقادر را مدتی به زندان انداختند و سپس او را به دمشق تبعید کردند؛

بدین ترتیب، سراسر الجزایر به تصرف استعمارگران فرانسوی درآمد. این وضع پایدار ماند تا در اواسط قرن بیستم که الجزایری‌ها دور تازه‌ای از مبارزات ضداستعماری را شروع کردند و سرانجام در سال ۱۹۶۲ م. به استقلال دست یافتند.



عبدالقدیر الجزایری

یک توضیح

تحت‌الحمایگی

به سرزمین‌هایی که جزء قلمرو کشور دیگری به شمار نمی‌آیند اما زیر چتر «حمایت» و به‌واقع «نفوذ» یک دولت قدرتمند قرار می‌گیرند و آن دولت در آن سرزمین، حق حاکمیت (گاهی محدود و مشروط) و قضایوت دارد «تحت‌الحمایه» گفته می‌شود. کشور تحت‌الحمایه در امور داخلی خودگردان اما در امور خارجی، تابع کشور حامی خود است.



هجوم نظامی استعمارگران به کشورهای آفریقایی

استعمارگران جدید

در نیمه دوم قرن نوزدهم دورقیب تازه، یعنی آلمان و ایتالیا، در صحنه رقاتهای استعماری پیدا شدند. پس از تشکیل امپراتوری آلمان، توازن قوا در اروپا درهم ریخت. آلمان با اتکا به قدرت نظامی خود به توسعه طلبی در اروپا پرداخت. مهم‌ترین خواسته این کشور داشتن مستعمرهایی در جهان بود. آلمان که دیرتر از دیگران پا به عرصه رقاتهای استعماری گذاشته بود، نیازهای صنعتی، رشد جمعیت و محدودیت خاک خود را دلیل بر این ادعا می‌دانست و سرانجام، پس از کشمکش‌ها و درگیری‌های نظامی، توانست چند کشور آفریقایی^۱ را تصرف کند.

ایتالیا نیز پس از آن که به وحدت سیاسی رسید، در اندیشه کشورگشایی برآمد. ایتالیایی‌ها برای کشورگشایی و کسب مستعمره، روم باستان را الگوی خود قرار دادند؛ از این رو، دریای مدیترانه را دریای ایتالیا (دریای روم) نامیدند و شمال آفریقا را نیز متعلق به خود دانستند، اما لشکرکشی ایتالیا به حبسه (ایتوپی) در سال ۱۸۹۶ م. و شکست آن کشور از حبسه، به رغم داشتن سلاح‌های جدید و ارتش منظم، موجب شکفتی فراوان جهانیان و باعث سرافکندگی آن دولت شد.

بلژیک نیز از جمله کشورهای اروپایی بود که به استعمار روی آورد. این کشور توانست کشور کنگو را، با توصل به حیله و زور، به تصرف درآورد.

ب) استعمار در آمریکای لاتین^۲

نخستین استعمارگرانی که به قاره آمریکا وارد شدند، پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها بودند. این دو قدرت استعماری بیش از سیصد سال بر آمریکای لاتین سلطه داشتند. آنها در این سه قرن توانستند ترکیب جمعیتی کشورهای آمریکای لاتین را به نفع خود تغییر دهند؛ تجارت خارجی را در انحصار خود درآورند و املاک وسیعی را تصرف کنند. آنان همچنین نظام حقوقی تبعیض‌آمیزی را برقرار کردند که در نتیجه آن سرخپوستان – ساکنان اصلی سرزمین آمریکا – به عنوان طبقه فروdest، مورد استمار و در معرض رفتار توهین‌آمیز قرار گرفتند.

۱- تانزانیا، نامیبیا، کامرون و توگو

۲- از مکزیک تا جنوبی‌ترین نقطه قاره آمریکا بیست کشور وجود دارد. از میان این کشورها بزرگ‌تر دارای زبان پرتغالی و بقیه دارای زبان اسپانیایی هستند. از آنجا که زبان پرتغالی و اسپانیایی از شاخه‌های زبان لاتینی محسوب می‌شوند، این کشورها را «آمریکای لاتین» می‌نامند.



سیمون بولیوار

در آغاز قرن نوزدهم مردم آمریکای لاتین برای کسب استقلال به پاخته استند. عمدترين عواملی که به اين جنبش استقلال طبلانه منجر شد، عبارت بود از:

۱- استعمارگران اسپانیایی و پرتغالی با مردم رفتاری تحقیرآمیز داشتند.

۲- مردم آمریکای لاتین به ویژه روشنفکران و تحصیل کرده های آن تحت تأثیر اندیشه های انقلاب فرانسه مانند آزادی و برابری قرار داشتند و از نظام های استبدادی کشورهایشان به شدت ناراضی و خواستار استقرار حکومت های مردم سالار بودند.

۳- در عصر ناپلئون و پس از فتح اسپانیا توسط نیروهای فرانسه، خاندان سلطنتی اسپانیا به طور موقت از کار برکنار

شدند؛ این موضوع زمینه ای مساعد برای شورش آزادی خواهان فراهم کرد.

۴- فاصله طبقاتی و قرار گرفتن تمامی مناصب و مقامات مهم حکومتی و زمین های وسیع در دست تعدادی از خاندان های اشرافی وابسته به استعمارگران موجب فقر عمومی مردم آمریکای لاتین و نارضایتی شدید آنان شده بود.

سیمون بولیوار^۱ قهرمان جنبش استقلال طلبی مردم آمریکای لاتین بود. او با مبارزات خود، کشورهای ونزوئلا، کلمبیا، پرو، اکوادور و بولیوی را از چنگال استعمارگران آزاد کرد و به آنها استقلال بخشید. کشور بولیوی نام خود را از سیمون بولیوار گرفته است.

امپریالیسم آمریکا

در اواخر قرن نوزدهم، ایالات متحده آمریکا به کشوری ثروتمند و صنعتی تبدیل شده بود. از این رو این کشور بر شدت مداخلات اقتصادی و سیاسی در آمریکای لاتین و کشورهای دیگر افزود و در صدد برآمد مانند دیگر استعمارگران مناطق نفوذی به دست آورد. شیوه استعمارگری آمریکا به این صورت بود که کالاهای خود را به کشورهای دیگر صادر می کرد، سرمایه های خود را در راه آهن و معادن و سایر مؤسسات اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین به کار می انداخت و به دولت های آنها نیز وام می داد. به تدریج، این

^۱ Simon Bolivar

سرمایه‌داران و بانکداران آمریکایی که توسط دولت ایالات متحده حمایت می‌شدند، دولت‌های آمریکای لاتین را زیر سلطه خود درمی‌آوردند و به گروه‌ها و احزاب طرفدار خود کمک مالی یا سیاسی می‌کردند. دولت آمریکا نیز هرگاه لازم می‌شد، نیروهای نظامی خود را به بهانه برقراری نظم و آرامش با مقابله با تهدیدات وارد عمل می‌کرد. این شیوه جدید در استثمار ملت‌ها همان است که در اصطلاح به آن «استعمار نو» می‌گویند.



شیوه استعمار قدیم و جدید و پیامدهای هر کدام را با یکدیگر مقایسه و تفاوت‌های این دو را بیان کنید.

بیشتر بدانیم

کanal سوئز

بنابراین اطلاعات موجود تاریخی، نخستین بار در سال ۱۶۰۹ م.نکوس (نخاؤ)، فرزند پسامتیک فرعون مصر، در صدد برآمد تا با حفر کanalی رود نیل و دریای سرخ را به یکدیگر متصل کند اما با وجود تحمل تلفات سنگین، به این امر توفيق نیافت. در سال ۱۶۵۰ م. داریوش اول هخامنشی همین اقدام را تعقیب کرد و توانست در عرض دو سال کanal مزبور را حفر کند؛ در نتیجه، رود نیل به دریای سرخ متصل شد و امکان رفت و آمد دریایی از طریق این کanal فراهم شد. پس از قسلط رومیان بر این منطقه، استفاده از کanal به تدریج متزوک شد و آنها کوششی برای بازگشایی آن انجام ندادند. در اوایل قرن نوزدهم، اروپاییان که به اهمیت ارتباط دریای مدیترانه و دریای سرخ واقف بودند، در صدد حفر کanal بین این دو دریا برآمدند. لذا در سال ۱۸۵۴ م. کنسول فرانسه، به نام فردینان دولسیس^۱، که مهندس حفار بود، تصمیم گرفت کanal سوئز را ایجاد و ارتباط بین دریای مدیترانه و دریای سرخ را برقرار سازد. او کار را شروع کرد ولی در نهایت آمریکاییان آن را به پایان رساندند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- تهاجم استعمارگران فرانسه و انگلستان به مصر محمدعلی پاشا را متوجه چه نکات اساسی کرد؟
- ۲- علت شکست امیر عبدالقادر از فرانسوی‌ها چه بود؟
- ۳- مهم‌ترین خواسته آلمان‌ها پس از تشکیل رایش دوم چه بود؟ آنان خواسته خود را چگونه توجیه می‌کردند؟
- ۴- شیوه استعمارگری آمریکا در قرن نوزدهم چگونه بود؟

اندیشه و جستجو

- ۱- مقاله‌ای درباره مبارزات مردم کنگو علیه استعمار بلژیک تهیه کنید.
- ۲- مقاله‌ای درباره سیر آزادی و استقلال یکی از کشورهای آمریکای لاتین بنویسید.

درس ۷

آسیا در قرن نوزدهم؛ مقاومت در برابر استعمار

مقدمه

در درس گذشته، با روند گسترش استعمار در قاره‌های آفریقا و آمریکای لاتین و مبارزات ملت‌ها برای آزادی و استقلال آشنا شدیم. مهم‌ترین موانع و مشکلات آزادی و استقلال این ملت‌ها چه بود؟ آیا پدیده استعمار محصول خاص تمدن و فرهنگ غرب بود؟ استعمارگران و استعمارشده‌گان چه تأثیرات متقابلي برهم نهادند؟ اينها موضوعاتی است که می‌توانید درباره آن بينديشيد. در اين درس، روياوري استعمار غرب و ملت‌های آسيايی را پي‌خواهيم گرفت.

هند زير سيطره استعمارگران اروپايی

در درس تاریخ ایران و جهان (۱) خواندید که تجارت شرق، به ویژه ابریشم چین و ادویه هند، یکی از پرسودترین تجارت‌ها در جهان و مخصوصاً اروپا بود. راه‌های زمینی تجارت از سرزمین‌های اسلامی می‌گذشت و بخش عمده آن در نواحی مدیترانه، در دست دولت عثمانی بود که بر شاهراه‌های تجارت غرب آسیا مسلط شده بود. در این دوره، مقررات گمرکی خاص و عوارض سنگین حمل و نقل، موجب بالارفتن هزینه مبادلات بازارگانی برای اروپاییان شد. از آن پس، اروپاییان در جست‌وجوی راه دریایی شرق برآمدند. دستاورد این جست‌وجو، اکتشافات جغرافیایی بود که در بی آن، اروپا توانست بر بازرگانی جهان مسلط شود. نخستین گروه استعمارگران اروپایی بود که قدم به خاک هند گذاشتند، پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها بودند و پس از آن، انگلیسی‌ها و فرانسویان با تأسیس شرکت‌هایی به نام «کمپانی هند شرقی» وارد هند شدند.

استعمارگران اروپایی بر سر تصاحب هند رقابت شدیدی داشتند. در اواسط قرن هجدهم جنگ‌های میان آنان در گرفت که سرانجام با پیروزی انگلیسی‌ها به پایان رسید.

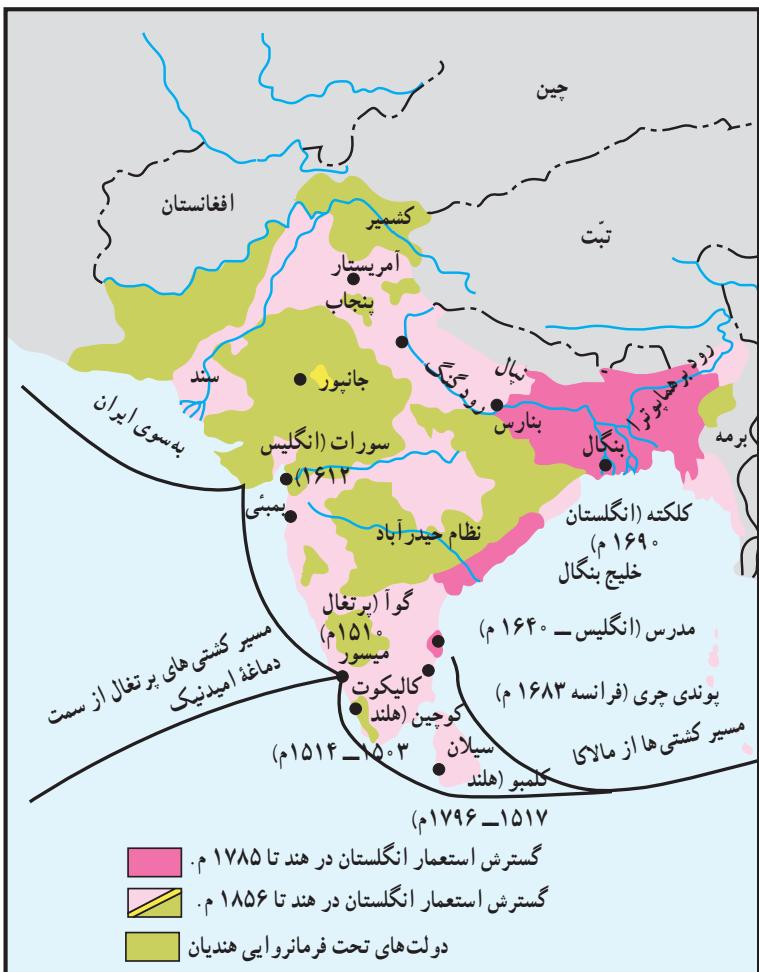
آیا می‌دانید چرا این شرکت‌ها را «هند شرقی» می‌نامیدند؟

سلطه استعماری انگلستان بر هندوستان

سلطه کامل انگلستان بر هند به آسانی صورت نگرفت. آنان شیوه‌های گوناگونی از قبیل تزویر، تعطیع و کشتار را در پیش گرفتند تا سرانجام بر هند سلطه یافتند ولی حفظ هندوستان دشوارتر از فتح آن بود. تنوع قومی، نژادی، زبانی و دینی، هندوستان را به صورت هزاران سنگر - هر چند کوچک - درآورده بود و دوری آن از انگلستان وجود رقیبان سرخست اروپایی نیز بر مشکلات آن می‌افزود. حفظ هند برای انگلستان اهمیت حیاتی داشت؛ زیرا دارای جمیعت فراوان، منابع طبیعی و معدنی غنی و کشاورزی پربرکت بود و کمپانی هند شرقی انگلیس با غارت این منابع و استثمار هندی‌ها، ثروت فراوانی کسب می‌کرد.

انگلیسی‌ها برای اداره کردن هند، مقام عالی رتبه‌ای را با عنوان فرماندار کل به هندوستان اعزام کردند. این فرمانداران مأموریت داشتند به هر وسیله ممکن هندوستان را حفظ کنند؛ به همین دلیل، اقدامات گوناگونی را انجام دادند؛ از جمله: نظام اداری گستردۀ‌ای در هند به وجود آوردند، زبان انگلیسی را در آن کشور ترویج کردند و جمعی از هندی‌هارا به منظور تربیت براساس فرهنگ غربی به دانشگاه‌های انگلیس فرستادند. همچنین بر سرزمین‌های اطراف هند مسلط شدند؛ در شرق، کشور برمه را تصرف کردند و در غرب، بانیرنگ و اعمال زور افغانستان و بخش‌هایی از سیستان و بلوچستان را از ایران جدا کردند و تحت سلطه و نفوذ خود درآورдند.

شورش بزرگ سپاهیان : انگلیسی‌ها تعدادی از هندوها را به استخدام خود درآوردند که اینان مهم‌ترین وسیله قدرت انگلیس برای سرکوب شورش‌های داخلی و مقابله با تهدیدات نظامی خارجی به هند بودند و حتی به عنوان مزدور به کشورهای دیگر اعزام می‌شدند.



فرمانروایی اروپاییان بر شبه‌قاره هند

در اواسط قرن نوزدهم، غارت هند و تحیری که استعمارگران انگلیسی نسبت به هندوها اعمال می‌کردند، موجب عصیان سپاهیان شد.^۱ در این شورش که شمار زیادی از انگلیسی‌ها کشته شدند، سورشیان یک هدف داشتند و آن، پیرون راندن انگلیسی‌ها و کسب استقلال هند بود ولی سرانجام، انگلیسی‌ها توانستند با کمک مزدوران خائن محلی و با ایجاد دودستگی در میان مسلمانان و هندوها، قیام را به طور وحشیانه‌ای سرکوب کنند. آنان بسیاری از سورشیان را تیرباران کردند یا به دهانهٔ توپ بستند.

^۱. م. ۱۸۵۷

بانو لکشمی بای

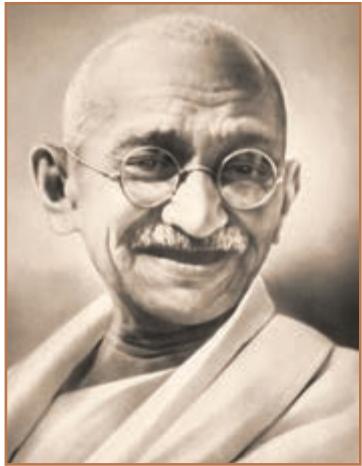
در میان قهرمانانی که به مبارزه علیه استعمارگران انگلیسی در هند پرداختند، یک نام بسیار می‌درخشد و همیشه در خاطره مردم هند عزیز و محترم است و آن نام لکشمی بای است. لکشمی بای زن دلیری بود که بیست سال بیشتر نداشت ولی لباس مردانه به تن کرد و در صف مبارزه علیه انگلیسی‌ها جنگ کشته شد، به گفتهٔ یک سردار انگلیسی که در مقابل او جنگیده بود «این زن جوان، بهترین دلیرترين سران شورشی بود».

با شکست قیام سپاهیان، اگرچه بساط دولت گورکانیان هند بر چیده شد ولی انگلستان برای ادامه سلطهٔ خود، کمپانی هند شرقی را منحل و وزارت خانه مخصوص اداره هند را تأسیس کرد و شخصی را با عنوان نایب‌السلطنه بر آن گمارد. در واقع، شورش بزرگ سپاهیان، انگلستان را متلاعده کرد که سیاست خود را در هند تا اندازه‌ای تغییر دهد.

مسلمانان هند؛ تلاش برای حفظ هویت دینی

سلطهٔ انگلیسی‌ها بر هند به منزلهٔ پایان اقتدار سیاسی مسلمانان بر هندوستان نیز بود؛ از این‌رو، بیرون راندن انگلستان برای مسلمانان هند، هم یک وظیفهٔ دینی و هم یک وظیفهٔ ملی، تلقی می‌شد. قیام حیدرعلی و تیپوسلطان از جملهٔ تکاپوهای مسلمانان علیه استعمار انگلستان بود. پس از سرکوب شورش سپاهیان، که مسلمانان در آن مشارکت گسترده‌ای داشتند، دیگر ادامهٔ مبارزه مسلحانه ممکن نبود؛ بنابراین، مسلمانان از آن پس فعالیت‌های فرهنگی را در برنامهٔ مبارزات خود قرار دادند. تأسیس مدرسهٔ دیوبند^۱ یکی از اقداماتی بود که بنیانگذاران آن می‌کوشیدند ضمن توسعهٔ معارف اسلامی و ایجاد پیوند و ارتباط بین مسلمانان، موقعیت ایشان را در برابر هندوها و انگلیسی‌ها حفظ کنند و مانع از خود بیگانگی مسلمانان در قبال فرهنگ غربی شوند.

۱- دیوبند شهری است واقع در ۱۵۰ کیلومتری شمال شرقی دهلی



مهاتما گاندی رهبر جنبش ضد استعماری هندوستان

تأسیس کنگره ملی هند : در سال ۱۸۸۵ م. گروهی از روشنفکران هند با استفاده از آزادی محدودی که وجود داشت، به تأسیس کنگره ملی هند اقدام کردند. این کنگره می کوشید با استفاده از ظرفیت های قانونی و پر هیز از روش های خشونت آمیز، راه هند را به سوی استقلال هموار کند. درخواست های اولیه بانیان کنگره عبارت بود از : رسمیت یافتن زبان هندی در کنار زبان انگلیسی و انتخابی شدن نیمی از اعضای مجلس مقننه و مجاز بودن به اظهار نظر در مورد بودجه کشور. سرانجام ادامه مبارزات منجر به استقلال هند شد.^۱. مهاتما گاندی رهبر هند، در این مبارزات نقش بسیاری داشت.

استعمارگران در چین

در دوره حاکمیت خاندان منجو بر چین، بهره کشی مالکان بزرگ، ظلم، فساد و رشوه خواری حکام محلی موجب فقر و فلاکت مردم شده بود. اما مصیبت بدتر از این برای چینی ها، ورود استعمار غرب به کشورشان بود.

حکومت چین در قرن شانزدهم، به پرتغالی ها اجازه داد تا منحصراً از طریق بندر کانتون^۲ به تجارت بپردازنند و مبلغان مسیحی نیز اجازه یافتدند در این کشور فعالیت کنند. در قرن نوزدهم، کشورهای اروپایی از جمله انگلستان روابط تجاری محدودی با چین برقرار کردند. انگلیسی ها کالاهای مختلفی - از جمله تریاک - به چین وارد می کردند. افزایش مصرف تریاک و بالا رفتن شمار معتادان و نیز خروج مقدار زیادی پول از کشور، دولت چین را برآن داشت تا فرمان ممنوعیت خرید و فروش تریاک را صادر کند. این اقدام دولت چین با خشم دولت انگلیس روبرو شد؛ به همین دلیل در سال ۱۸۳۹ م. نیروی دریایی انگلستان به سواحل چین حمله ور شد. این جنگ که به جنگ اول تریاک معروف است، به انعقاد قراردادی استعماری انگلیسی که به موجب آن، چین بندر هنگ کنگ را به انگلیسی ها واگذار کرد و پنج بندر دیگر را نیز برای تجارت خارجی به آنها اختصاص داد. همچنین حق کاپیتولا سیون برقرار و ممنوعیت مصرف تریاک لغو شد.

۲- شهری در تزدیکی هنگ کنگ

- ۱۹۴۷ م.

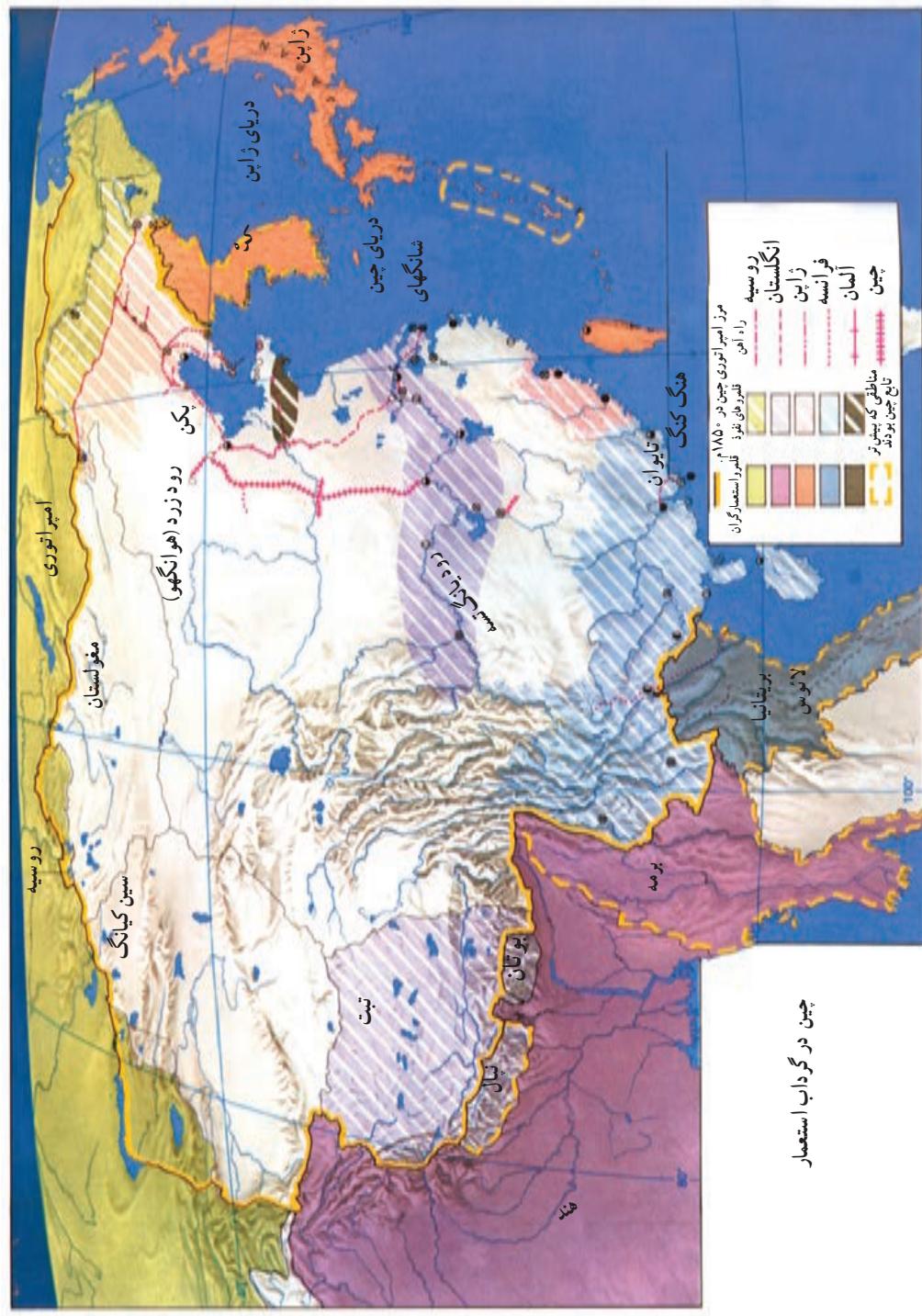
یک مورخ انگلیسی گفته است: «چینی‌ها سیر و رود استعمار به کشور خود را چین می‌بینند که ابتدا مبلغان مسیحی وارد می‌شوند؛ به دنبال آنها کشتی‌های جنگی می‌آیند و بعد اشغال اراضی شروع می‌شود». شما با این سخن موافقید یا مخالف؟ دلایل خود را بیان کنید.

جنگ اول تریاک، ضعف و فساد دولت چین را آشکار کرد و اعتیاد به تریاک موجب افزایش مفاسد اخلاقی و اجتماعی شد؛ ولی این امر، خود موجب شورش‌هایی شد که گسترده‌ترین آنها شورش تای پینگ بود.

با آشکار شدن ضعف و انحطاط حکومت چین، دیگر استعمارگران نیز چشم طمع به خاک چین دوختند. از سال ۱۸۴۰ م. به بعد علاوه بر انگلیسی‌ها، فرانسویان، آلمانی‌ها، روس‌ها و آمریکائیان نیز به تدریج امتیازات بازرگانی و حقوقی متعددی برای خود به دست آوردند؛ در نتیجه، نواحی ساحلی چین،



در اعتقادات مردم چین، اژدها تشنانهٔ فراواتی و برکت است؛ از این‌رو، چینی‌ها اژدها را مظہر کشور خود می‌دانند. در این تصویر از پایی در آمدن اژدهای چین در مقابل استعمارگران مختلف نمایش داده شده است.



از بندر هنگ کنگ تا آرتور، تحت نظارت و کنترل استعمارگران درآمد. در سال ۱۸۹۴م. ژاپن نیز پس از پیروزی بر چین، فُرمز (تایوان) را از خاک آن کشور جدا کرد؛ همچنین به نفوذ و سلطه چین بر شبه جزیره کره پایان داد و دولتی دست نشانده در آنجا بر سرکار آورد. بدین ترتیب، دولت‌های استعمارگر، چین را به مناطق تحت نفوذ خود تقسیم کردند و به غارت آن کشور پرداختند.^۱

همزمان با تجاوزات غارتگرانه استعمارگران اروپایی، صدھا تن از مبلغان مسیحی نیز در سراسر چین به تبلیغ مسیحیت مشغول بودند.

در اعتراض به وضع موجود؛ قیام‌های چندی صورت گرفت که مهم ترین آنها قیام باکسرها^۲ در سال ۱۹۰۰م. بود. باکسرها حملات متعددی را به تأسیسات اروپایی ترتیب دادند و بسیاری از اروپاییان و چینی‌های خائن را به قتل رساندند و سفارت‌خانه‌های خارجی را تهدید کردند. این قیام اگرچه با قوای مشترک دولت‌های اروپایی با همکاری ژاپن، آمریکا و حکومت چین، سرکوب شد اما آزادی خواهان و استقلال طلبان چینی دست از قیام برنداشتند و سرانجام در سال ۱۹۱۱م. با سرنگون کردن دولت چین، در آن کشور نظام جمهوری به وجود آوردن. رهبر این قیام استقلال طلبانه سون یات سن^۳ بود که به ریاست جمهوری چین رسید.

طغیان ژاپن علیه استعمارگران

پرتغالی‌ها نخستین اروپاییانی بودند که در قرن شانزدهم میلادی برای تجارت به ژاپن رفتند. برادران فعالیت وسیع مبلغان مسیحی، آین مسیحیت در این کشور اشاعه یافت و وحشت و خشم ژاپنی‌ها را برانگیخت؛ به همین دلیل پرتغالی‌ها را اخراج و ژاپنی‌های مسیحی شده را قتل عام (۱۶۴۰م.) کردند. از آن‌پس، این کشور دروازه‌های خود را به روی اروپاییان بست و اتزوابی ژاپن آغاز شد که بیش از دو قرن به طول انجامید. در این مدت، استعمارگران اروپایی که سرگرم غارت سایر کشورهای آسیایی و قاره آفریقا بودند، توجه چندانی به ژاپن نداشتند.

۱- تقسیم مناطق بدین قرار بود؛ فرانسوی‌ها کنترل نواحی جنوبی را به دست گرفتند. ژاپنی‌ها در حوالی فُرمز و اطراف آن مستقر شدند. انگلیسی‌ها نیز در اطراف شانگهای، آلمان‌ها در شرق و روس‌ها در منچوری و مغولستان حاکم شدند.

۲- این جنبش توسط گروهی از روشنفکران چینی که بر خود نام «فرقة میهن پرستان مشت های هماهنج» گذاشته بودند، بربا شد. غربیان از سر طعنه به آنها لقب مشت زنان (باکسرها : Boxer) داده بودند.

۳- Sun yat sen



به نظر شما، چرا استعمارگران اروپایی به مجمعالجزایر ژاپن توجه چندانی نداشتند؟

از اواسط قرن نوزدهم به بعد، ابتدا آمریکا و سپس دیگر کشورهای استعمارگر با دولت ژاپن ارتباط برقرار کردند و حکومت شوگونی ژاپن نیز امتیازاتی به دولت‌های استعمارگر داد. اما احساسات ضدیگانه در ژاپن علیه این امتیازات، موجب بروز طغیان‌هایی شد که طی آن، تعدادی از خارجیان به قتل رسیدند؛ درنتیجه، کشورهای خارجی به ژاپن حمله کردند که این امر موجب کناره‌گیری حکومت شوگونی شد.

انقلاب میجی^۱ و پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن

امپراتوری موتسوهیتو^۲ آغاز دوران جدیدی از تاریخ ژاپن به حساب می‌آید؛ موتسوهیتو مدت ۴۵ سال حکومت کرد. در دوران او که دوران میجی (حکومت روشن) نامیده شده است، اقداماتی صورت گرفت. اقدامات موتسوهیتو عبارت بود از :

- ۱- اقتباس علوم و فنون جدید غربی با حفظ سنن دینی و ملی خود
- ۲- تأسیس مراکز تمدنی جدید و استفاده از صنایع
- ۳- آموزش نیروهای متخصص و تشکیل ارتش به شیوهٔ جدید.

مجموعهٔ این تحولات که به انقلاب میجی معروف شده است، موجب سرعت پیشرفت ژاپن شد. در پی انقلاب میجی، ژاپن تا پایان قرن نوزدهم به یک کشور صنعتی و قدرتمند تبدیل شد. این سرزمین کوچک که از عهدۀ تأمین احتیاجات صنعتی خود عاجز بود، ناچار، مانند کشورهای اروپایی به فکر استعمارگری افتاد؛ به‌این منظور، در اواخر این قرن به سرزمین کره حمله برد و با تصرف آن، شروع به دست‌اندازی به خاک چین کرده و قسمت‌هایی از خاک آن کشور را نیز تصرف کرد؛ اما چون روس‌ها نیز از سمت شمال در حال پیشروی در خاک چین بودند، در سال ۱۹۰۴م. میان روسیه و ژاپن جنگ درگرفت. در این جنگ انگلستان از ژاپن حمایت کرد و سرانجام، جنگ با شکست روسیه خاتمه یافت.^۳. این واقعه، یعنی پیروزی یک دولت کوچک آسیایی بر یکی از قدرت‌های اروپایی، بسیار مهم بود و باعث شگفتی جهانیان شد.

بیشتر بدانیم

سیاستمداران پیر

وقتی ژاپنی‌های مخالف استعمار با گلوله باران ناوهای جنگی استعمارگران مواجه شدند، ژاپنی‌ها به ضعف و ناتوانی کشور خود پی برند و خود را تحقیر شده دیدند؛ بنابراین، تصمیم گرفتند از آن شکست و تحقیر درس بیاموزند. در پی آن، گروهی از مردان مجرم به نام «سیاستمداران پیر» یک برنامهٔ دقیق اصلاحی را طراحی کردند و به اجرای آن همت گماشتند. آنان نخست سلسلهٔ مراقب فئودالی را از بین برندند. پایتحت امپراتوری را از کیوتو به «یدو» منتقل کردند و آن را «توکیو» نامیدند. همچنین اطرافیان امپراتور را از عناصر متملق و خودخواه پاک ساختند. دو تن از بزرگان ژاپن را برای مطالعه در مورد صنعت غرب و عوامل پیشرفت آنان به اروپا فرستادند. قانون اساسی جدیدی نیز تهیه شد که یک نظام پارلمانی دو مجلسی را پیش‌بینی می‌کرد. اعضای مجلس اول از طرف مردم انتخاب می‌شدند و اعضای مجلس عالی انتصابی بودند. در آموزش و پرورش و صنعت ژاپن هم تحولات اساسی صورت گرفت؛ در نتیجه، کارخانه‌های صنعتی، احداث و یک ارتش و نیروی دریایی تازه و مدرن تشکیل شد. کارشناسانی از خارج کشور دعوت شدند و، دانشجویانی از ژاپن به اروپا اعزام شدند تا علوم جدید را بیاموزند و کارشناس فنی شوند؛ بدین ترتیب، ژاپن عقب‌مانده و منزوی، به تدریج، به یک قدرت صنعتی و مهاجم تبدیل شد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چرا اروپایی‌ها به فکر یافتن راه دریایی شرق برآمدند؟ حاصل این جست و جو چه بود؟
- ۲- فرمانداران کل استعمار انگلستان، برای حفظ هندوستان چه اقداماتی انجام دادند؟
- ۳- پیامدهای سرکوب جنبش سپاهیان در هند چه بود؟
- ۴- جنگ اول تریاک در چین چگونه رخ داد و چه پیامدی داشت؟
- ۵- نتایج و پیامدهای اقتصادی و سیاسی انقلاب میجی برای ژاپن چه بود؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- دلایل پیشرفت و ترقی سریع ژاپن را در مقایسه با چین بیان کنید.
- ۲- به نظر شما، آیا میراث‌های تاریخی و پیشینهٔ تمدنی ملت‌های آسیایی برای رهایی کامل از دولت‌های غربی کافی است؟ در این باره مطالعه کنید و نتیجهٔ آن را به صورت مقاله‌ای بنویسید.

درس ۸

جنگ جهانی اول^۱ (۱۹۱۴-۱۹۱۸)

مقدمه

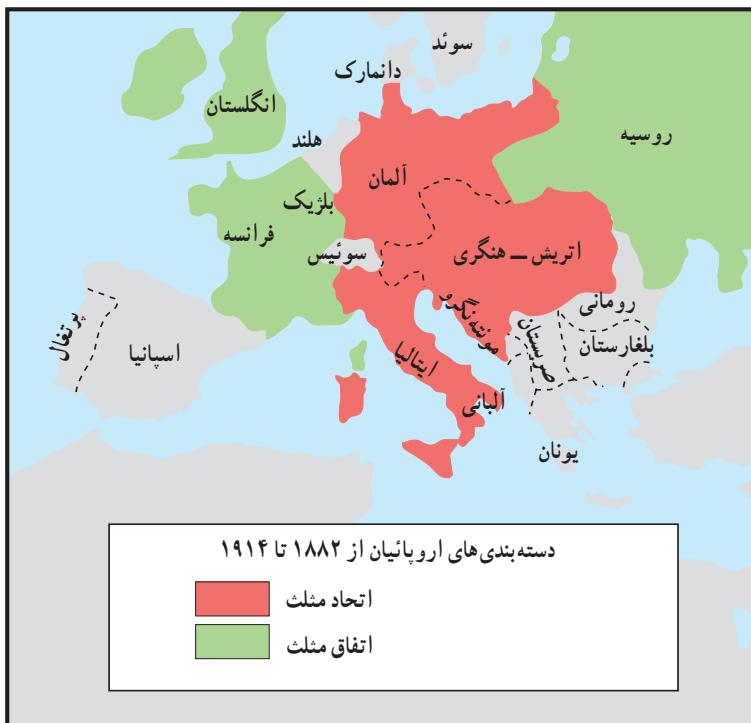
دولت مقندری که بیسمارک در آلمان به وجود آورد تا اوایل قرن بیستم سیاستی توسعه طلبانه را دنبال کرد. این دولت در کشمکش‌های اروپایی نقش چشمگیری داشت. همین کشمکش‌ها عاقبت آتش جنگ جهانی اول را روشن کرد. در این درس با علت‌ها و پیامدهای این جنگ آشنا می‌شویم.

زمینه‌های بروز جنگ

جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م. آغاز شد و بروز آن در نتیجه عوامل متعددی بود که در اینجا به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- رقابت امپراتوری‌های روسیه، اتریش - مجارستان و عثمانی بر سر شبه‌جزیره بالکان: عثمانی‌ها در شبه‌جزیره بالکان همواره با قدرت‌هایی چون اتریش و روسیه رو بودند. روس‌ها که از تزاد اسلام‌بودند و خود را برادرخوانده ملت‌های اسلام‌جنوبی - یعنی ملت‌های بالکان - می‌دانستند، همیشه بر سر تصاحب این منطقه با دولت عثمانی در حال جنگ بودند. اتریشی‌ها هم که بالکان را دروازه اروپا می‌دانستند، نمی‌خواستند عثمانی‌ها بر این دروازه مسلط باشند. درواقع، آنان خاطرۀ تلح محاصرة اروپا می‌دانستند، نمی‌خواستند عثمانی‌ها را فراموش نکرده بودند و از این رو، به مخالفان دولت عثمانی کمک می‌کردند. شورش صرب‌ها، یونانی‌ها، اهالی مونته‌نگرو، بوسنی و هرزه‌گوین و استقلال آنها از سیطره عثمانی نتیجه رقابت این امپراتوری‌ها بود. بحران بالکان و سایر بحران‌ها، عثمانی را آن قدر ضعیف کرد که به مرد بیمار اروپا معروف شد؛ از این‌رو، برای نجات خود مجبور شد به آلمان تزدیک شود.

۱- به این جنگ «جنگ بزرگ» نیز گفته‌اند؛ زیرا تا آن زمان (۱۹۱۴) در اروپا جنگی با این ابعاد وسیع و خسارت زیاد به وقوع پیوسته بود.



۲— اختلافات شدید آلمان و فرانسه : از سال ۱۸۷۱ م. به بعد، دو کشور آلمان و فرانسه به ظاهر در حال صلح اما در واقع آماده جنگ باهم بودند؛ زیرا آلمان‌ها آلاس^۱ و لُرن^۲ را که به فرانسه تعلق داشت، اشغال کرده بودند؛ بنابراین، فاصله زمانی ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۴ م. را که طرفین در حال مسلح کردن خود بودند، «دوره صلح مسلح» می‌گویند. این دو دولت که منتظر بهانه‌ای برای آغاز جنگ بودند، سعی داشتند، در دسته‌بندی‌های بین‌المللی علیه یکدیگر شرکت کنند؛ سرانجام فرانسه، روسیه و انگلستان «اتفاق مثلث» را تشکیل دادند و آلمان، اتریش-مجارستان، ایتالیا نیز، «اتحاد مثلث» را به وجود آورdenد. البته ایتالیا به سبب اختلافاتی که با اتریش داشت، یک سال پس از شروع جنگ به متفقین یا اتفاق مثلث پیوست.

۳— رقابت شدید آلمان با انگلستان : در همین زمان قیصر ویلهلم^۳ دوم، امپراتور آلمان، اعلام کرد که کشور او باید «مکانی زیر آفتاب» داشته باشد. از آنجا که انگلستان با نیروی دریایی خویش به بزرگ‌ترین کشور استعمارگر تبدیل شده بود، در رقابت با این کشور، قیصر دستور داد تا نیروی دریایی

۱— Alsace

۲— Lorraine

۳— Wilhelm

آلمن نیز از نظر تعداد ناوگان و ظرفیت به حدی برسد که بتواند ضمن اعمال قدرت در اروپا، در کشورهای آسیا و آفریقا مستعمراتی به دست آورد تا در عین حال فضای حیاتی^۱ نیز برای خود دست و پا کرده باشد.

آغاز جنگ بزرگ

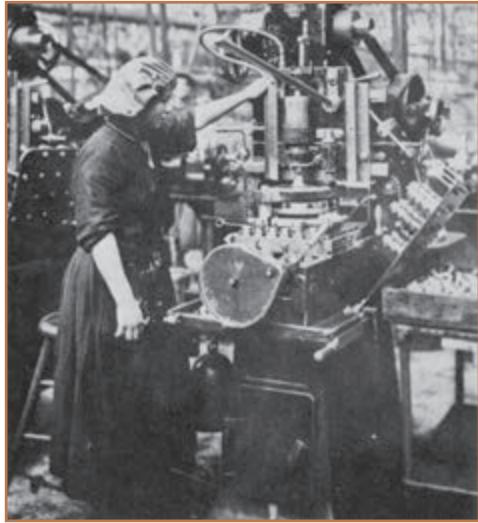
در ژوئن ۱۹۱۴م. با کشته شدن ولیعهد اتریش^۲ به دست یک جوان صرب در شهر سارایوو، جنگ اول جهانی آغاز شد و کشورهای عضو اتحاد و اتفاق مثلث به جان هم افتادند. این جنگ به مدت چهار سال، یعنی تا سال ۱۹۱۸م. ادامه یافت و تلفات و خسارات زیادی به بسیاری از کشورها وارد آورد.

به محض شروع جنگ در سال ۱۹۱۴م. کشورهای چین، ژاپن، رومانی، بر قبال و سپس ایالات متحده آمریکا نیز به اتفاق مثلث پیوستند. کشورهای بلغارستان و عثمانی نیز جانب آلمن و اتریش – مجارستان را گرفتند. ایتالیا هم بعد از یک سال که از جنگ می‌گذشت، به متفقین پیوست. روسیه، که در اثر شکست از ژاپن در سال ۱۹۰۵م. گرفتار انقلاب ضد سلطنتی شد که در نتیجه آن، تزار روسیه مجبور به استعفای داد و دولتی موقت در روسیه روی کار آمد. «لنین»^۳ که رهبر انقلاب بود، دولت وقت را نیز برانداخت و یک جمهوری کمونیستی را در این کشور بر سر کار آورد. وی برای آنکه بتواند با ضد انقلاب داخلی مبارزه کند، با آلمن صلح کرد و امتیازات زیادی به این کشور داد؛ بنابراین، آلمن با خیال آسوده در جبههٔ غرب با فرانسه جنگ را به شدت ادامه داد ولی به دو علت از فرانسه و در نهایت، در جنگ بزرگ شکست خورد. یکی اینکه انگلیسی‌ها از تانک که سلاح جدیدی بود، علیه آلمنی‌ها استفاده کردند، و دیگر اینکه در سال ۱۹۱۷م. آمریکا با قوای تازه نفس به کمک فرانسه آمد و به همین جهت متفقین توانستند آلمن را شکست دهند. سرانجام در نوامبر ۱۹۱۸م. آلمن بدون قید و شرط تسليم شد.

در جبهه عثمانی (متحد آلمن) نیز وضع جنگ به ضرر عثمانی بود؛ زیرا انگلیسی‌ها در هر گوشه اعراب را تشویق به قیام علیه عثمانی کرده بودند؛ در نتیجه، سپاه عثمانی شکست خورد.

۱- فضای حیاتی: سرزمین مورد نیاز برای زندگی و پیشرفت یک ملت

۲- فراتس فردیناند، فرزند فرانسوا زوف



اشتغال مردان به امور نظامی در دوران جنگ جهانی اول باعث حضور بیش از پیش زنان اروپایی در فعالیت‌های اقتصادی شد.

یک توضیح

بیرون از دایرهٔ جنگ!

در همان هنگام که اکثر دولتمردان در اروپا و آمریکا در تدارک آغاز جنگ بودند، فعالیت‌های دیگری نیز جریان داشت. در اوایل قرن بیستم، نخستین بازی فوتبال به نام «تورنمنت گل‌سرخ‌ها» قبل از جنگ در شهر «پاسادنا» در ایالت کالیفرنیا آمریکا برگزار شد که در آن، تیم میشیگان بر تیم استانفورد پیروز شد. در انگلستان، اقتصاددان بزرگی به نام «کینز»^۱ برای پایان دادن به بحران اقتصادی بعد از جنگ نظریاتی داد و «صلاح و رسای» را به «صلاح کارتاژ» تشبیه کرد؛ زیرا رومی‌ها نیز با تحمیل صلح ظالمانه توافق نهادند کارتاژ را نابود کنند. در آلمان آلبرت انیشتین^۲ طی مقاله‌ای ثابت کرد که نور از ذرات بسیار ریزی به نام «فوتون» تشکیل شده و در مورد انرژی حاصل از شکافته شدن اتم نظریه‌ای داد که در حکم انقلاب در علم فیزیک بود.

۱— Keynes

۲— Albert Einstein

نتایج و پیامدهای جنگ جهانی اول

۱—**کشتار و ویرانی گسترده** : جنگی که بر اثر زیاده خواهی های سیاسی و نظامی و سیطره جویی رهبران و دولتمردان اروپایی رخ داد، ده میلیون انسان اعم از نظامی و غیر نظامی را در سراسر جهان کشت و مجرح کرد؛ صدها هزار نفر را آواره و بی خانمان ساخت و خسارت و ویرانی های بسیاری به بار آورد.

۲—**تسليم آلمان و خلع سلاح آن کشور** : پس از پایان جنگ، متفقین به خلع سلاح کامل آلمان پرداختند و کلیه تجهیزات نظامی و صنعتی این کشور را به نفع خود مصادره کردند.

۳—**قرارداد و رسای** : شرکت کنندگان اصلی در کنفرانس ورسای (در پاریس) عبارت بودند از : ویلسون^۱، رئیس جمهور آمریکا، لوید جرج^۲، نخست وزیر انگلیس، کلمانسو^۳، نخست وزیر فرانسه و اورلاندو^۴، نخست وزیر ایتالیا. در این کنفرانس، متفقین مستعمرات آلمان را بین خود تقسیم کردند و علاوه بر آن، بخشی از قلمرو آلمان را به انضمام بندر «داتزیگ»^۵ به لهستان دادند. همچنین قرار شد که آلمان به متفقین غرامت بپردازد.

بعد از صلح ورسای، متفقین مجارستان را از اتریش جدا کردند و به آن استقلال دادند. امپراتوری عثمانی نیز تجزیه شد. انگلستان و فرانسه، سرزمین های عربنشین آن امپراتوری را میان خود تقسیم کردند و از باقیمانده قلمرو عثمانی، کشور ترکیه به وجود آمد.



صحنه‌ای از کنفرانس ورسای

۱—Wilson

۲—Leloyd George

۳—Clemenceau

۴—Orlando

۵—Danzig

گراسک کونی

به نظر شما، علل و عوامل فروپاشی امپراتوری عثمانی چه بود؟

۴- تشکیل جامعه ملل : ویلسون، رئیس جمهور آمریکا، در کنفرانس ورسای، چهارده اصل را مطرح کرد که اصل چهاردهم آن درباره تشکیل جامعه ملل، با هدف تأمین استقلال کشورهای جهان و حفظ صلح و امنیت بین المللی بود. جامعه ملل در «ژنو» تشکیل شد ولی بعدها به علت خروج رژیم ایتالیا و آلمان از آن وجودش بی اثر شد. با این حال، مقدمه‌ای بر تأسیس سازمان ملل متحد بود که در سال ۱۹۴۶ م. شروع به کار کرد.

بیشتر بدانیم

سیطره انگلستان و فرانسه بر سرزمین‌های اسلامی خاورمیانه

پاریس و لندن در جریان جنگ جهانی اول و پس از آن، در مورد تقسیم امپراتوری عثمانی میان خود به توافق رسیده بودند و تصمیم جامعه ملل در ۱۹۲۱ م. برای واگذاری قیومیّت سرزمین‌های اسلامی خاورمیانه به انگلستان و فرانسه، در واقع فقط به این تقسیم جنبهٔ قانونی بخشید. براساس تصمیم جامعه ملل، سرزمین‌های لبنان و سوریه تحت قیومیّت فرانسه قرار گرفت و عراق، فلسطین و اردن تحت سیطرهٔ انگلستان درآمد. اگرچه سپردن حاکمیت سرزمین‌های اسلامی به فرانسه و انگلیس، خشم مردم مسلمان منطقه را برانگیخت، اما این دو کشور، سلطهٔ خود را بر سوریه، لبنان، عراق، اردن، عربستان و نواحی ساحلی جنوب خلیج فارس تحکیم بخشیدند و به ویژه انگلیسی‌ها، زمینهٔ لازم را برای تشکیل شیخنشین‌های عرب وابسته در مناطق جنوبی خلیج فارس و دولت نامشروع صهیونیستی در فلسطین، فراهم کردند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چرا سال‌های ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۴ م. «دوران صلح مسلح» می‌گویند؟
- ۲- بعد از شکست آلمان در جنگ جهانی اول، چه قرار دادی بر آلمان تحمیل شد؟ جزئیات آن را شرح دهید.
- ۳- چرا جامعهٔ ملل نتوانست به اهداف خود دست یابد؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- دربارهٔ یکی از شخصیت‌های تاریخی این درس، به طور خلاصه، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- دربارهٔ موقعیت ایران در جنگ جهانی اول تحقیق کنید و به کلاس گزارش دهید.

درس ۹

جهان در میان دو جنگ (۱۹۱۸-۱۹۴۵)

مقدمه

بسیاری از کشورهای اروپایی از نتایج جنگ جهانی اول و قرارداد ورسای ناراضی بودند و جهان همچنان درگیر بحران‌هایی بود که قبل از این جنگ هم با آن روبرو بود؛ به همین جهت، پس از پایان جنگ اول دسته‌بندی‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای ادامه یافت. یکی از ویژگی‌های این دوره هم ظهور دیکتاتورهای قدرتمند در عرصه جهان بود. در این درس با دسته‌بندی دولتها بین دو جنگ و بحران‌های ناشی از آن آشنا می‌شویم.

اروپا

۱- روسیه و حاکمیت کمونیست‌ها : دولت وقت روسیه با کودتای بلشویک‌ها در نوامبر ۱۹۱۷م. سقوط کرد و لینین رهبر بلشویک‌ها زمامدار روسیه شد و حکومت کمونیستی تشکیل داد. چون حکومت کمونیستی بر پایهٔ تشکیل شوراهای کارگران و کشاورزان پا گرفت (به این شوراهای «ساویت»^۱ گفته می‌شد) از آن پس، روسیه «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی»^۲ خوانده شد. لینین پایخت را از پتروگراد^۳ به مسکو انتقال داد و مزارع کشاورزی اشتراکی به نام «کالخوز»^۴ تشکیل داد تا مالکیت فردی را از میان بردارد. اما چون در سال ۱۹۲۱م. قحطی بروز کرد و بهره‌وری کالخوزها بسیار کم شد، سیاست جدید اقتصادی مشهور به نپ^۵ را در پیش گرفت که طی آن، مالکیت خصوصی تا حدی مجاز شمرده می‌شد. لینین در سال ۱۹۲۴م. درگذشت و استالین به رهبری شوروی رسید. استالین به کمک «سازمان امنیت دولتی»^۶ همهٔ رقیبان خود را از میدان به در کرد و به دهقانان خرد مالک

۱_Soviet

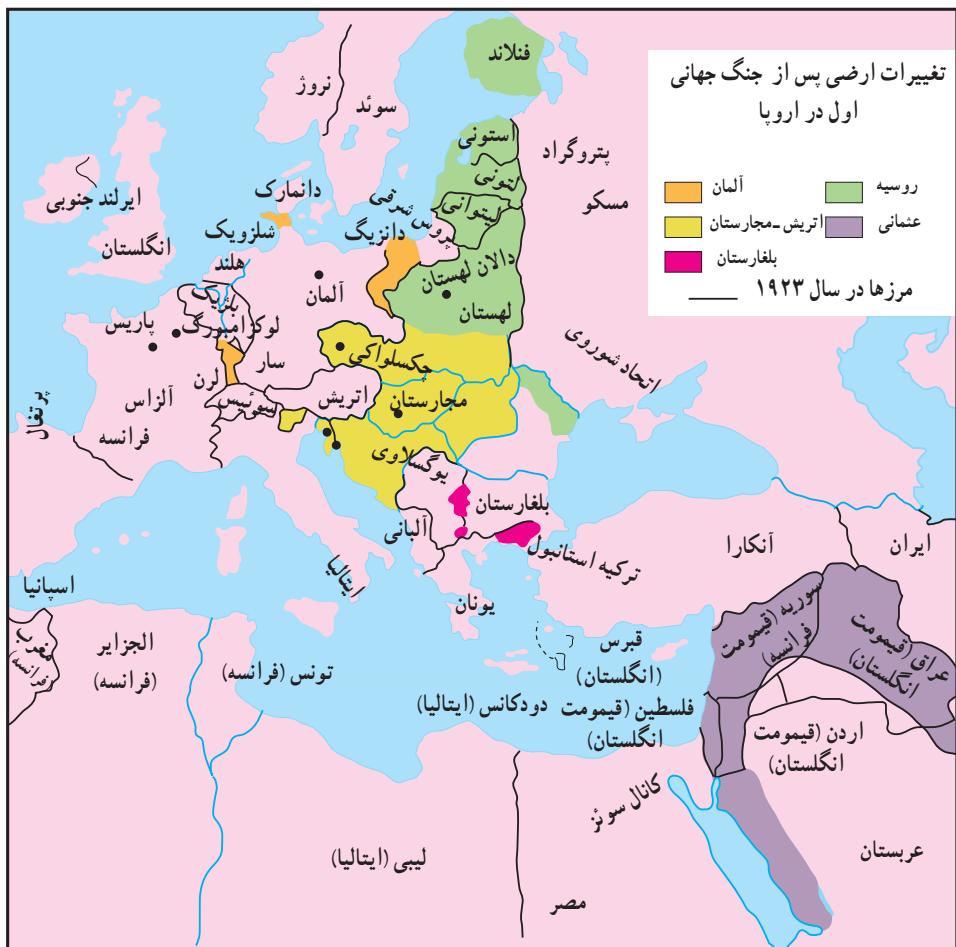
۲_Union of Soviet Socialist Republics

۳_Petrograd

۴_Kolkhose

۵_NEP

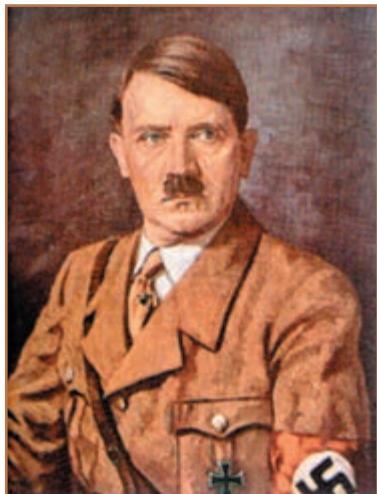
۶_K – G – B



نیز فشار آورد که املاک خود را به مزارع اشتراکی تحویل دهند و به عنوان کارگر کار کنند اما چون آنها از این کار خودداری کردند، حدود ده میلیون نفر از آنها را کشت و عده زیادی را نیز به سبیری تبعید کرد. استالین در اوایل سال ۱۹۳۹م. پیش از شروع جنگ دوم جهانی، تصمیم گرفت که با هیتلر بر سر لهستان سازش کند؛ در نتیجه، شوروی و آلمان ضمن عقد قرارداد محربمانه عدم تجاوز، لهستان را بین خود تقسیم کردند و مقرر شد که بعد از حمله هیتلر به لهستان، ارتش شوروی نیز از سمت شرق به این کشور حمله کند.

۲- ایتالیا و حکومت فاشیستی : در سال‌های میان دو جنگ، روزنامه‌نگاری به نام موسولینی^۱ از نارضایتی مردم ایتالیا استفاده کرد و حزب «فاشیسم» را تشکیل داد. او ادعایی کرد که می‌خواهد عظمت روم باستان را برای ایتالیا احیا کند. موسولینی توانست فرمان نخست وزیری را از پادشاه ایتالیا بگیرد و به خود لقب «دوچه»^۲ یا پیشوای بددهد و مانند هیتلر با توسل به شیوه‌های تزادپرستانه حکومت کند. او به همراه رهبران آلمان و ژاپن به بهانه مبارزه با کمونیسم، «دولت‌های محور» را به وجود آوردند.

۳- آلمان و ظهور هیتلر : در سال‌های پس از جنگ جهانی اول، میهن برستان، سرمایه‌داران، و صاحبان صنایع در آلمان به این فکر بودند که کشور خود را از غرامات‌های قرارداد ورسای و خطر کمونیسم رها کنند. یکی از اعضای حزب ناسیونال سوسیالیست (نازی)، به نام آدولف هیتلر^۳ با شعار برتری تزاد ژرمن و با شور و حرارت خاصی ادعایی کرد که این خواسته‌هارا برآورده خواهد کرد. حزب نازی در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۳۳ م. اکثر کرسی‌های مجلس آلمان را به دست آورد؛ در نتیجه هیتلر به دستور رئیس جمهور آلمان^۴، صدراعظم شد و بعد از مرگ رئیس جمهور به خود لقب پیشوای^۵ داد. او نخست قرارداد ورسای را لغو کرد، سپس دو منطقه مورد اختلاف در مرز آلمان و فرانسه را به تصرف درآورد^۶ و برای دفاع از آلمان در برابر حمله احتمالی فرانسه یک خط دفاعی^۷ ساخت؛ همچنین به کمک وزیر اقتصاد آلمان^۸ تورم را مهار و به کمک کمپانی «کروب» صنایع آلمان را احیا کرد. هیتلر تا سال ۱۹۳۹ م. آلمان را آماده ورود به جنگی بزرگ کرد.



آدولف هیتلر

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، چه شباهت‌هایی میان حکومت هیتلر و حکومت موسولینی وجود دارد؟

۱- Mussolini ۲- Duce

۳- Adolf Hitler

۴- Hindenburg ۵- Fuhrer

۶- ناحیه رنائی و ناحیه سار

۷- SigFried زیگفرید

۸- دکتر شاخت

قهمانی یک سیاهپوست و خشم هیتلر

در تابستان ۱۹۳۶، بازی‌های المپیک برلین با تبلیغات نازیسم توأم شد. نازی‌ها طرفدار

برتری نژاد ژرمن بر دیگر نژادها بودند، اما در جریان این بازی‌ها و در جلوی چشم هیتلر، دونده

سیاهپوست آمریکایی جسی اوونس با آوردن چهار مدال طلا در مسابقات دو و میدانی، خط‌بطلانی

بر ادعای نازیست‌ها کشید؛ از این جهت، هیتلر خشمگین شد و با این ورزشکار دست نداد.

بحران‌های جهان در میان دو جنگ

اسپانیا و جنگ داخلی : در سال ۱۹۳۱ م. آلفونس سیزدهم^۱، پادشاه اسپانیا در اثر سورش جمهوری خواهان از کشور گریخت و حکومت جمهوری در کشور برقرار شد. چندی بعد، یکی از سلطنت طلبان اسپانیا به نام مارشال فرانکو^۲ با پشتیبانی هیتلر و موسولینی و به قصد تصاحب قدرت به اسپانیا رفت. سوروی و فرانسه که طرفدار جمهوری خواهان بودند، با فرستادن سلاح به اسپانیا، چریک‌های کمونیست را تقویت می‌کردند و در مقابل، آلمان نیز، مدرن‌ترین سلاح‌ها را به طرفداران فرانکو می‌داد. بالاخره بعد از آن که یک میلیون نفر در اسپانیا کشته شدند، مارشال فرانکو در اکتبر ۱۹۳۹ م. قدرت را به دست گرفت و با زاپن، آلمان و ایتالیا پیمان دوستی بست.

اتریش و چک اسلواکی : از آن‌جا که هیتلر اصالت اتریشی داشت، در صدد برآمد اتریش را به آلمان الحاق کند. به دستور او، زمامداران اتریش یک همه‌پرسی برگزار کردند که نتیجه آن موافقت با الحاق اتریش به آلمان بود.^۳ به دنبال آن اتریش توسط ارتش نازی اشغال شد. هیتلر سپس در کنفرانس مونیخ (۱۹۳۸ م.) موافقت ایتالیا، فرانسه و انگلستان را با الحاق منطقه سودت^۴ (که ساکنان آن آلمانی بودند) به آلمان، جلب کرد. اما وی علاوه بر سودت، تمام خاک چک اسلواکی را به تصرف خود درآورد.

۱— Alfonso XIII

۲— M – Franco

۳— م. ۱۹۳۸

۴— Sudetes

آسیا و آفریقا

در ابتدای دهه چهارم قرن بیستم، ژاپن، به بهانه پیدا کردن فضای حیاتی، به منحوری لشکر کشید و بخشی از چین را اشغال کرد. در این حال چیان کای شک^۱، رئیس جمهور وقت چین، مجبور بود در دو جبهه با ژاپنی‌ها و با نیروهای «ماشو» رهبر حزب کمونیست چین بجنگد. در هندوستان نیز گاندی برای آزادی و استقلال هند تلاش می‌کرد.

در خاور میانه عربی، کشورهای منطقه بین فرانسه و انگلستان تقسیم شدند، ولی به تدریج عراق، به رهبری فیصل اول، با سپردن تعهداتی به انگلستان، مستقل شد. در اردن ملک عبدالله، فرزند شریف حسین، هنوز تحت سلطه انگلستان حکومت می‌کرد. در نجد و حجاز، تحت نظارت انگلستان حکومت آل سعود تشکیل شد.

در فاصله دو جنگ، در قاره آفریقا فقط سه کشور مستقل^۲ وجود داشت و بقیه مستعمره فرانسه، انگلستان و دیگر دولت‌های اروپایی بودند. در شمال آفریقا، کشور مصر در زمان ملک فؤاد اول با شرایطی خود را از قید استعمار انگلستان رهاند ولی لیبی همچنان تحت سلطه استعمار ایتالیا بود و عمر مختار در راه آزادی لیبی در سال ۱۹۳۱ م. به شهادت رسید. تونس و مراکش نیز که تحت سلطه فرانسه بودند، بعد از جنگ جهانی دوم به استقلال رسیدند.

تجاوز لشکریان موسولینی به ایتالی^۳ و فرار امپراتور این کشور^۴، مهم‌ترین رویدادی بود که در فاصله بین دو جنگ در قاره آفریقا اتفاق افتاد. بی‌اعتنایی دیکتاتور ایتالیا به جامعه ملل و خروج این کشور از آن جامعه موجب بی‌اعتباری بیش از پیش جامعه ملل شد.

۱ – Chiang – Kai Shek

۲ – لیبریا، ایتالی^۵ و آفریقای جنوبی

۳ – هیلاس لاسی

پرسش‌های نمونه

- ۱ - لینین چگونه قدرت را در روسیه به دست گرفت؟
- ۲ - استالین چگونه رقیبان خود را از میان برداشت؟
- ۳ - رفتار استالین نسبت به خرد هاچگونه بود؟
- ۴ - هیتلر تحت چه شرایطی در آلمان به حکومت رسید؟
- ۵ - بحران اسپانیا را در میان دو جنگ اول و دوم جهانی شرح دهید.

اندیشه و جستجو

- ۱ - در مورد دیکتاتورهایی که در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم به قدرت رسیدند و مهم‌ترین ویژگی‌های هریک مطلبی تهیه کنید.
- ۲ - فهرستی از اصطلاحات سیاسی درس را بنویسید و در مورد هریک به اختصار توضیح دهید.

جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵)

مقدمه

در درس قبل با اوضاع جهان بعد از جنگ جهانی اول آشنا شدید و دریافتید که در این سال‌ها، چگونه بحران‌های بین‌المللی، جهان را در معرض یک جنگ بزرگ دیگر قرار داده بود. در این درس با چگونگی جنگ جهانی دوم و برخی از پیامدهای آن آشنا می‌شویم.

حمله آلمان به لهستان و آغاز جنگ

در اول سپتامبر ۱۹۳۹ ارتش آلمان با یک حمله برق‌آسا به لهستان، توانست ورشو، پایتخت این کشور، را فتح کند؛ در همان زمان، قواهای سوروی نیز از سمت شرق وارد لهستان شدند و طبق توافق قبلی، لهستان بین آنها تقسیم شد. فرانسه و انگلستان که استقلال لهستان را تضمین کرده بودند، آماده مقابله با آلمان شدند. ارتش آلمان در ۱۹۴۰م، از طریق تسخیر بلژیک، وارد خاک فرانسه شد و با تصرف آن کشور، دولتی دست‌نشانده بر سر کار آورد.^۱

جنگ در جبهه غرب و بالکان

ارتش آلمان بعد از تسلیم فرانسه، هلند و بلژیک، به سرعت لوگزامبورگ و نروژ را تسخیر کرد و به کمک ایتالیا به بالکان لشکر کشید. در این لشکرکشی آلبانی نصیب ایتالیا شد و آلمان نیز پس از تصرف یوگسلاوی، رومانی را به چنگ آورد؛ زیرا به نفت رومانی احتیاج داشت. از جانب دیگر، لشکریان آلمان و ایتالیا به شمال آفریقا حمله کردند. از سال ۱۹۴۰م. به بعد، جنگ شدید

۱- باورود ارتش نازی به فرانسه، دولت فرانسه به رهبری ژنرال دوگل سقوط کرد و مارشال پتن نخست وزیر شد. پس از آن دوگل تا ۱۹۴۴م. که پاریس فتح و از دست نازی‌ها خارج شد، خود را رئیس دولت فرانسه آزاد می‌دانست.

هوایی بین آلمان و انگلستان آغاز شد که در جریان آن، شهرهای انگلستان هر روز بمباران می‌شد؛ علاوه بر این، زیردریایی‌های آلمان برای محاصره انگلستان حتی به کشتی‌های کشورهای بی‌طرف نیز هجوم می‌بردند.



جنگ در جبههٔ شرق

ارتش آلمان با اینکه در جبههٔ غرب با انگلستان درگیر یک نبرد سنگین هوا بی بود، در ۱۹۴۱م. به طور ناگهانی و غیرمنتظره به شوروی حمله^۱ برد و به سوی مسکو حرکت کرد ولی مسکو، پایتخت شوروی، سرسرخانه ایستادگی کرد. استالین به رغم اینکه کمونیست و اصولاً با دین مخالف بود، کلیساها را باز کرد و مردم را در اجرای مراسم دینی آزاد گذاشت. او این جنگ را یک جنگ میهندی اعلام کرد تا همه مردم برضد آلمان بسیج شوند. در همین سال دو حادثه روی داد که به نفع شوروی تمام شد. نخست اینکه نیروی دریایی آلمان به کشتی‌های آمریکایی حمله کرد؛ دوم اینکه ناوگان آمریکا در بندر پرل هاربور^۲ توسط ژانپنی‌ها که متحد آلمان بودند، مورد حمله قرار گرفت؛ بنابراین، آمریکا مستقیماً علیه دولت‌های محور وارد جنگ شد. متفقین از طریق اشغال نظامی ایران^۳، کمک‌های تسليحاتی و تدارکاتی زیادی را روانهٔ شوروی کردند^۴. ابتدا پیشروی نیروهای آلمان در خاک شوروی متوقف و سپس شکست و عقب‌نشینی آنان آغاز شد. مقاومت مردم شوروی و جانبازی آنها در راه میهن نیز در این پیروزی نقش مؤثری داشت.



محاصرهٔ روسیهٔ توسط ارتش هیتلر

۱— ۲۲ زوئن ۱۹۴۱م.

۲— Pearl Harbor

۳— اوت ۱۹۴۱/ شهریور ۱۳۲۰.

۴— به همین دلیل، متفقین به ایران لقب بل پیروزی دادند.

پیروزی در جبهه نُرماندی

استالین بارها از متفقین خواسته بود که نیروهای خود را در ساحل فرانسه پیاده کنند تا فشار ارتش آلمان بر نیروهای شوروی کمتر شود؛ اما متفقین قبل از این کار، ابتدا نیروهای خود را در ساحل آفریقا پیاده کردند و نیروهای مشترک ایتالیا و آلمان را شکست دادند. نیروهای متفقین سپس در ساحل نُرماندی در شمال فرانسه پیاده شدند و بعد از شکست خطوط دفاعی آلمان در فرانسه، پاریس را آزاد کردند. سپس زنزال دوگل به رهبری حکومت وقت فرانسه رسید.

شکست آلمان و ژاپن

متفقین پس از آزاد کردن فرانسه، به مرزهای آلمان رسیدند. در جبهه شرقی اروپا نیز، ارتش شوروی به سمت برلین پیشروی کرد. نیروهای هر دو جبهه در کنار رود ال^۱ به هم رسیدند. هیتلر هنگامی که متوجه شد نیروهای روسی در یک کیلومتری محل اقامت او هستند، در ۳۰ آوریل ۱۹۴۵ خودکشی کرد. جانشین او، دریا سالار دونیتس^۲، به فرماندهان آلمان دستور داد تا تسلیم متفقین شوند.

در جبهه اقیانوس آرام، ژاپن (متحد آلمان) در حالی که بخش‌هایی از استرالیا و چین را تصرف کرده بود، با حمله نیروهای آمریکایی مواجه شد. در حالی که ژاپنی‌ها در آستانه تسلیم شدن بودند، آمریکایی‌ها در ماه اوت ۱۹۴۵ چندین بمب اتمی را بر سر ساکنان شهرهای هیروشیما^۳ و ناگازاکی^۴ فرو ریختند و صدها هزار نفر از ساکنان غیرنظمی و بی‌گناه این دو شهر را نابود کردند. پس از این واقعه، ژاپن نیز تسلیم شد و جنگ جهانی دوم پایان یافت.^۵

آثار و نتایج جنگ جهانی دوم

جنگی که به واسطه رقابت‌های استعماری و اندیشه و افکار فاشیستی و نژاد پرستانه دولتمردان اروپایی درگرفت، قریب شش سال جهان را در کام خود فرو برد؛ درنتیجه این جنگ افرون بر پنجاه میلیون نفر کشته شدند. بیشتر از نصف کشته‌شدگان را غیرنظمیان تشکیل می‌دادند. شمار زیادی نیز بر اثر پیامدهای اقتصادی و بهداشتی جنگ مانند قحطی، گرسنگی و شیوع بیماری‌های مسری، جان باختند. افزون بر آن، میلیون‌ها نفر مجرح، معلول و آواره شدند.

۱—Elbe

۲—Donitz

۳—Hiroshima

۴—Nagasaki

۵—پیش از پایان جنگ جهانی، در ایتالیا شورشی روی داد. شورشیان به مسوولینی دست یافتدند و او را اعدام کردند. پس از حمله متفقین به ایتالیا، پادشاه آن کن سور در جنگ اعلام بی‌طرفی کرد.

جنگ جهانی دوم، ویرانی‌های اقتصادی عظیمی نیز در سراسر جهان به بار آورد، عمدتاً منابع و مراکز تولید مناطق درگیر در جنگ نابود شد.



به نظر شما، علل شکست آلمان در جنگ جهانی دوم چه بود؟

یک توضیح

بعد اتمی چگونه ساخته و به کار گرفته شد؟!

در سال ۱۹۳۸م. دو تن از دانشمندان بزرگ فیزیک در آلمان به نام‌های اتوهahn^۱ و فریتس اشترازمن^۲ دریافتند که می‌توان از ماده‌ای به نام اورانیوم بمب اتمی ساخت. اینشتنین که همکار آنها بود، از آلمان به آمریکا رفت و به روزولت رئیس جمهور آمریکا اطلاع داد که بهزودی آلمان صاحب بمب اتمی خواهد شد. بهدلیل این ماجرای بدستور رئیس جمهور آمریکا دانشمندی به نام اوپن‌هایمر^۳ که قبل از دانشگاه‌های آلمان تحصیل کرده بود و با دو فیزیکدان فوق و نظریاتشان آشنایی کامل داشت، در قالب یک طرح سری به نام «مانهاتان»، شروع به کار کرد تا آن‌که توانست اولین بمب اتمی را در ژوئیه ۱۹۴۵م. در نزدیک نیومکزیکو آزمایش کند. اوپن‌هایمر دو بمب اتمی دیگر نیز ساخت که ارتش آمریکا آنها را روی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی انداخت و این دو شهر را به کلی ویران کرد. گفتنی است آمریکایی‌ها در سال ۱۹۴۶م. پایگاه‌های تحقیقاتی اتمی آلمان را بمباران کرده بودند.



هیروشیما پس از اصابت بمب اتمی آمریکا

۱— Otto hahn

۲— Fritz strassmann

۳— Oppen heimer

تأسیس سازمان ملل متحد

سران دولت‌های متفق در جریان کنفرانس‌های تهران، یالتا^۱ و پوتسدام^۲، ضمن مذاکره درباره آینده آلمان، تصمیم گرفتند با هدف تأمین صلح جهانی، سازمان ملل متحد را تأسیس کنند تا جانشین جامعه ملل سابق شود. بدین منظور، در جریان کنفرانسی در سانفرانسیسکو، نمایندگان ۵۰ کشور که علیه آلمان اعلام جنگ داده بودند، اساس نامه «منتشرور ملل متحد» را به تصویب رساندند و مرکز سازمان را نیز در نیویورک تعیین کردند. بدین ترتیب، سازمان ملل متحد تأسیس شد. این سازمان شامل مؤسساتی چون دبیرخانه، مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومت و دادگاه بین‌المللی است.

اولین موضوعی که در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح شد، شکایت ایران از شوروی در مورد خودداری آن کشور از تخلیه ایران بود.

پرسش‌های نمونه

- ۱ - دلایل آغاز جنگ جهانی دوم را بیان کنید.
- ۲ - فرانسه چگونه به تصرف آلمان درآمد؟
- ۳ - چرا و چگونه آمریکا وارد جنگ جهانی دوم شد؟
- ۴ - اروپا و آمریکا چه نقشی در شکست آلمان در جبهه شوروی داشتند؟
- ۵ - به نظر شما، علت اصلی شکست آلمان در جنگ جهانی دوم چه بود؟

اندیشه و جستجو

- ۱ - درباره اوضاع ایران در زمان جنگ جهانی دوم مقاله‌ای تهیه کنید.
- ۲ - درباره نقش شورای امنیت در روابط میان ملت‌ها، مقاله‌ای تهیه کنید. در مقاله خود با استفاده از بیانات امام خمینی (ره) به نقد جایگاه فعلی شورای امنیت پردازید.

درس ۱۱

عصر جنگ سرد (۱۹۴۵-۱۹۸۹)

مقدمه

در درس قبل با جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن آشنا شدید. پس از پایان این جنگ دوبلوک شرق (کمونیسم) و غرب (کاپیتالیسم) بار دیگر در برابر هم قرار گرفتند. آنها این بار، بدون درگیری نظامی، دسته‌بندی جدیدی را در جهان به وجود آورده‌اند که مهم‌ترین ویژگی آن، رقابت‌های نظامی و هسته‌ای بود. در این درس با اوضاع جهان در این دوره که به عصر جنگ سرد معروف است، آشنا می‌شویم.

کنفرانس یالتا^۱ و سهم خواهی متفقین

حدود سه ماه پیش از پایان جنگ و در حالی که نشانه‌های شکست آلمان و متحداش آشکار شده بود، سران دولت‌های متفق^۲ در یالتا گرد هم آمدند تا درباره آینده جهان و به ویژه سرنوشت آلمان مذاکره کنند. در این نشست توافق شد که آلمان خلع سلاح و از داشتن نیروی نظامی محروم گردد و هریک از دولت‌های متفق به علاوه فرانسه، بر بخشی از خاک آن کشور تسلط یابند.

در واقع کنفرانس یالتا رقابت زودهنگام فاتحان جنگ جهانی دوم برای سهم خواهی از غنائم جنگی و تقسیم جهان میان خود بود و سرآغازی بر بروز اختلاف میان متفقین و شکل گیری بلوک‌های متخاصم شرق و غرب شد. در این کنفرانس، روس‌ها خواهان محاکمه و اعدام تمامی سران و فرماندهان آلمانی و ژاپنی به عنوان جنایتکار جنگی بودند، اماً آمریکا و انگلستان با این تقاضا مخالفت کردند و در نتیجه دادگاه نورنبرگ فقط تعدادی را به مرگ و شماری را به حبس محکوم کرد، عده‌ای نیز تبرئه شدند.

۱- شهری در شبۀ جزیرۀ کریمه واقع در کشور کنونی اوکراین

۲- استالین رهبر شوروی، روزولت رئیس جمهور آمریکا و چرچیل نخست وزیر انگلستان



تحولات ارضی در اروپا پس از جنگ جهانی دوم

دوران جنگ سرد

جنگ سرد به حالتی از روابط دو یا چند کشور گفته می شود که در آن دو طرف در حال کشمکش و رقابت سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی (عقیدتی) و نظامی هستند و بدون آن که از طریق جنگ افزارهای نظامی با هم درگیر شوند، در جنگ روانی و تبلیغاتی با هم درگیرند.

درواقع جنگ سرد بعد از پایان جنگ جهانی دوم بین شوروی و کشورهای کمونیستی (بلوک شرق) از یک طرف و آمریکا و دولت‌های غربی (بلوک غرب) از طرف دیگر آغاز شد و تا انهدام دیوار برلین در ۱۹۸۹ م. به طول انجامید. در طی این دوره، ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای، جنگ رادیویی، ایجاد بلوک بندی‌های نظامی علیه یکدیگر، مسابقه تسليحاتی و سعی در ایجاد توازن وحشت بین قدرت‌های شرق و غرب همه در قالب جنگ سرد مطرح است.

یک توضیح

دیوار برلین

در آخرین روزهای جنگ جهانی دوم، در جریان محاصره و اشغال برلین پایتخت آلمان توسط متفقین، شهر به دو قسمت تقسیم شد؛ بخشی را شوروی و بخش دیگر را کشورهای غربی اشغال کردند. سپس با تقسیم خاک آلمان، دو حکومت در آن کشور شکل گرفت؛ در بخش شرقی آن یک حکومت کمونیستی و طرفدار شوروی، و در بخش غربی جمهوری فدرال که طرفدار کشورهای غربی بود، شهر برلین هم با احداث دیوار به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد. در پی تحولات سال ۱۹۸۹، دیوار برلین با ضربه‌چکش آلمان‌ها فرو ریخت و مقدمات یکپارچه شدن آلمان فراهم شد.

«طرح مارشال» و اصول چهارگانه تروممن

پس از جنگ جهانی دوم دولت آمریکا با استفاده از برتری اقتصادی، سرمدایی کشورهای سرمایه‌داری را در رقابت با کشورهای کمونیستی عهده‌دار شد. از آنجا که، بیشتر، اروپای غربی در اثر جنگ خراب شده و آسیب دیده بود، آمریکا تصمیم گرفت از طریق کمک‌های مالی، این کشورها را به نحوی بازسازی و سپس آنها را وارد پیمان‌های نظامی ضد شوروی کند؛ بدین منظور، جرج مارشال وزیر خارجه آمریکا در زمان ریاست جمهوری «ترومن» طرحی را ارائه کرد که طبق آن، برای مقابله با نفوذ کمونیزم و همچنین بازسازی اروپا، به کشورهای اروپای غربی کمک‌های فنی و مالی پرداخت شود.

ترومن، رئیس جمهور آمریکا به منظور توسعه نفوذ و تحمیل سلطه آن کشور بر سایر کشورها،

چهار برنامه مهم را به اجرا درآورد:

اصل اول: کمک به سازمان ملل و تقویت آن

اصل دوم: کمک اقتصادی به کشورهای جهان آزاد (غیر کمونیست)

اصل سوم: نیرومند ساختن ملل آزادی خواه (منظور جهان آزاد) در برابر نفوذ و گسترش کمونیزم

اصل چهارم: کمک به کشورهای کم رشد در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی برای جلوگیری

از نفوذ کمونیسم

اصل چهارم در کشورهای خاورمیانه اجرا شد، و بر اساس آن در زمینه‌های اقتصادی، بهداشتی و فرهنگی به کشورهای این منطقه کمک‌هایی صورت گرفت. برای اجرای این برنامه، در وزارت خارجه آمریکا، اداره‌ای به نام اداره خاور نزدیک تأسیس شد.

یک توضیح

پرده آهنین و پرده خیزان

پس از آن‌که شوروی کشورهای اروپای شرقی را از تسلط نازی‌ها رها کرد، خود آنها را

به بند کشید و رژیم‌های دیکتاتوری کمونیستی را بر آنها مسلط کرد؛ به‌گونه‌ای که نه از جهان

غیر کمونیستی می‌توانست وارد آنها شود و نه کسی از دنیا کمونیست، قادر به خروج و رفتن

به جهان غیر کمونیست بود؛ گویی که استالین پرده‌ای آهنین به دور آنها کشیده بود؛ به همین

دلیل، پس از جنگ جهانی دوم چرچیل در ضمن سفر به آمریکا با به کار بردن واژه «پرده آهنین»^۱

گفت که استالین به دور جهان کمونیست پرده‌ای از آهن کشیده است، بعدها روزنامه‌نگاران

غربی در مورد مائو، رهبر سابق چین نیز اصطلاح «پرده خیزان»^۲ را به کار برندند، در واقع

از سال ۱۹۴۹ م. که انقلاب مائو تسه تنگ در چین به پیروزی رسید، مائو نیز، چون استالین،

چنان درهای چین را به روی جهان خارج بست که گویی به دور مرزهای این کشور، پرده خیزان

کشیده‌اند (به علت آن‌که در شرق آسیا گیاه خیزان بسیار می‌روید).

بلوک بندی های نظامی در دوره جنگ سرد

در سال ۱۹۴۹ م. دولت ایالات متحده آمریکا به همراه متحدانش از کشورهای اروپایی، پیمان ناتو^۱ را بنیان نهاد. پس از آن، پیمان «سیتو»^۲ (پیمان جنوب شرقی آسیا) و سپس پیمان «بغداد» با شرکت عراق، ایران، پاکستان، ترکیه، انگلستان و آمریکا شکل گرفت. بعدها عراق از این پیمان خارج شد و پیمان بغداد به پیمان «سنتو»^۳ تغییر نام داد. همه این پیمانها با هدف محاصره نظامی شوروی و بلوك کمونیست یا بلوك شرق بود. در مقابل این گروه بندی‌ها، شوروی پیمان ورشو را با کشورهای اروپای شرقی ایجاد کرد.

در این میان کشورهایی نیز بودند که عضویت هیچ یک از بلوك بندی‌های نظامی شرق و غرب را قبول نکردند و به جنبش غیرمعهد معروف شدند. هدف کشورهای غیرمعهد مبارزه با هرگونه سلطه استعماری در جهان بود. پایه‌گذاران این جنبش جمال عبدالناصر از مصر، احمد سوکارنو از اندونزی و جواهر لعل نهرو از هندوستان بودند که در کنفرانس «باندونگ»^۴ در اندونزی، اصولی را که باید غیرمعهدها رعایت کنند، انتشار دادند. پس از مدتی مارشال تیتو – با آن که کمونیست بود، خود را از سلطه شوروی خلاص کرد – و فیدل کاسترو رهبر کوبا، نیز به این جنبش پیوستند.



ناصر رئیس جمهوری مصر (سمت راست) و نهرو نخست وزیر هند از پایه‌گذاران جنبش غیرمعهدها

۱—NATO = North Atlantic Treaty Organization

۲—SEATO = South East Asian Treaty Organization

۳—CENTO = Central Treaty Organization

۴—م. ۱۹۵۵

مسئله خلع سلاح^۱

بعد از آن که دولت‌های آمریکا، سوروی، انگلستان و فرانسه به سلاح اتمی دست یافتند، ترس از پیش‌دستی یکی از قدرت‌ها علیه دیگری، آنها را بر آن داشت که به مسئله خلع سلاح هسته‌ای توجه کنند. آنها می‌دانستند مخارج مسابقه تسليحاتی و موشکی برای آنها بسیار زیاد خواهد بود و در صورت وقوع یک جنگ اتمی دولت فاتحی وجود نخواهد داشت.

نخستین بار در سال ۱۹۶۳م. کشورهای سوروی، آمریکا و انگلستان پیمان منع آزمایش‌های هسته‌ای – در زیر دریا، بالای جو و روی زمین – را امضا کردند. سپس ۹۸ کشور دیگر به این قرارداد پیوستند ولی آزمایش‌های زیرزمینی همچنان انجام می‌شد. بعد از سال ۱۹۶۹م. که آمریکا توانست به کمک موشک بالستیک، انسانی را در کره ماه پیاده کند، سوروی و آمریکا مذاکرات محدود کردن و کاهش سلاح‌های استراتژیک (بین قاره‌ای نظامی) مانند موشک‌های بالستیک را آغاز کردند. این مذاکرات به نام‌های سالت (SALT)^۲ و استارت (START)^۳ شناخته و قراردادهای هر یک نیز طی چند مرحله منعقد شدند. در سال ۱۹۷۲م. نیکسون و برزنف قرارداد سالت را امضا کردند. مذاکرات استارت نیز در چند مرحله بود که آخرین مرحله آن بین یلتسین و جرج بوش (پدر) در سال ۱۹۹۳م. به امضا رسید.

یک توضیح

جنگ‌های هند و پاکستان و تولد بنگلادش

در سال ۱۹۴۷م. در تیجه مبارزات مردم هندوستان، کشور هند به رهبری گاندی و کشور پاکستان به رهبری محمدعلی جناح به استقلال دست یافتند. چنان‌که می‌دانید، قبل از هند و پاکستان یک کشور را تشکیل می‌دادند. کشوری که هم‌اکنون بنگلادش نام دارد نیز، با نام «پاکستان شرقی» جزو پاکستان بود ولی مردم آن در اطاعت از حکام پاکستان غربی (پاکستان کنونی) اکراه داشتند و گهگاهی شورش‌هایی برپا می‌کردند تا این‌که در سال ۱۹۷۱م. مردم پاکستان شرقی به رهبری شیخ مجیب‌الرحمان علیه پاکستان غربی شوریدند. این شورش به استقلال پاکستان شرقی و تولد کشور جدیدی به نام بنگلادش منجر شد. از طرفی، هند و پاکستان یک بار در سال ۱۹۴۸م. و بار دیگر در سال ۱۹۶۵م. بر سر موضوع کشمیر بایکدیگر به جنگ پرداختند. این اختلافات هنوز ادامه دارد.

۱— Disarmament

۲— SALT = Strategic Arms Limitation Talks

(گفت و گوهای محدود کردن سلاح‌های استراتژیک)

۳— START = Strategic Arms Reduction Talks

(گفت و گوهای کاهش سلاح‌های استراتژیک)

فلسطین

سرزمین فلسطین پیش از جنگ جهانی اول، جزئی از قلمرو امپراتوری عثمانی بود. در سال ۱۹۱۷ م. وزارت خارجه انگلستان در اعلامیه بالفور، با نظر صهیونیست‌ها^۱ موافقت کرد. امپراتوری عثمانی و مسلمانان فلسطین با این اعلامیه مخالفت کردند، اما نتوانستند اقدام مؤثری در این زمینه انجام دهند. جامعه ملل در سال ۱۹۲۰ م. قیوموت فلسطین را به انگلستان واگذار کرد. با حمایت انگلستان و صهیونیسم جهانی، مهاجرت گسترده یهودیان به سرزمین فلسطین آغاز شد و تا سال‌ها ادامه یافت. با استقرار یهودیان، زد و خوردگاهی بین مسلمانان و یهودیان روی داد، اما حمایت انگلستان از یهودیان موجب شکست مقاومت فلسطینی‌ها از جمله شکست قیام شیخ عزالدین قسام شد.

پس از جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۷ م. شورای امنیت سازمان ملل متحد، به تقسیم سرزمین فلسطین بین مسلمانان و یهودیان رأی داد و بدین ترتیب دولت غاصب اسرائیل تشکیل شد. از آن پس جنگ‌هایی بین اسرائیل و کشورهای عربی، که به حمایت فلسطینی‌ها برخاسته بودند، درگرفت.^۲ در طی این جنگ‌ها، نیروهای اسرائیلی با حمایت کشورهای غربی به ویژه امریکا و انگلستان، اعراب را شکست دادند و بخش‌هایی از مصر، سوریه و اردن را اشغال کردند.

حدود ۳۰ سال پس از تشکیل حکومت غاصب اسرائیل، سازش برخی رهبران کشورهای عربی با اسرائیل آغاز شد. انور سادات، رئیس جمهور مصر با وساطت جیمی کارتر، رئیس جمهور آمریکا، پیمان کمپ دیوید را امضا و با اسرائیل صلح کرد. یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین نیز به تشویق ملک حسین پادشاه اردن، به تدریج با اسرائیل سازش کرد و سرانجام در کنفرانس اسلو^۳ موجودیت اسرائیل را رسماً پذیرفت. یاسر عرفات پس از این سازش، نوار غزه و کرانهٔ غربی رود اردن را به عنوان قلمرو حکومت خودگردان فلسطین در اختیار گرفت. او خواهان آن بود که بیت المقدس به عنوان پایتخت حکومت فلسطین در اختیار حکومت خودگردان قرار گیرد، اما اسرائیل با آن موافقت نکرد. با وجود این سازش‌ها، قیام مردم فلسطین علیه اسرائیل، که اتفاقاً نامیده می‌شد، اسرائیل را

۱- صهیونیسم (Zionism)، اندیشه‌ای است که مهاجرت همه یهودیان جهان را به فلسطین در اطراف کوه صهیون، برای تشکیل یک دولت توصیه می‌کند و برای اکریت مسلمانان ساکن آنجا حقوقی قائل نیست.

۲- جنگ ۱۹۵۶ م.، جنگ شش روزه ۱۹۶۷ م. و جنگ اکبر ۱۹۷۳.

۳- ۱۹۹۳.

۴- به قیام مردمی و سراسری مردم فلسطین که از سال ۱۹۸۷ م. شروع شده است، اتفاقاً می‌گویند. اتفاقاً از لحاظ معنایی، معنی قیام علیه رخدوت و رکود، و مرحله قبل از انقلاب است.



آیا می‌دانید این تصویر مردبوط به چیست؟



«انتفاضه» جلوه امید و ایمان جوانان فلسطینی



فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، با وجود مخالفت‌های جدی فلسطینیان با مذاکرات سازش، سرنوشت

فلسطین چه خواهد شد؟

بحران در جهان کمونیست

با روی کار آمدن گوربაچف در شوروی^۱، تحولات زیادی در شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی ایجاد شد. گوربაچف براین نیت بود که با سیاست‌هایی چون «گلاسنوسٹ» (ازادی سیاسی) و «پروستریکا» (اصلاحات اقتصادی) وارد عمل شود ولی اقتصاد شوروی آن قدر بیمار بود که این سیاست‌ها نتوانست

۱۹۸۵-م.

شوروی را نجات دهد. گورباچف ضمن آزاد گذاشتن مالکیت خصوصی به طور محدود، گامی به جلو برداشت ولی نتیجه معکوس دید. کشورهای غربی هم که او را تشویق به این کار می کردند، به او کمکی نکردند تا آن که گورباچف تصمیم گرفت کشورهای اروپای شرقی را به حال خود رها سازد و بارسنگینی را که بر دوش شوروی بود، سبک تر سازد؛ همچنین، جمهوری های داخلی اتحاد جماهیر شوروی در آسیای مرکزی و قفقاز را نیز به حال خود گذاشت تا مستقل شوند. گورباچف در سال ۱۹۸۹ م. به رئاسی کشورهای کمونیست دستور داد استعفا کند و ملت های اروپای شرقی را در پذیرش رژیم دلخواه خود آزاد گذارند؛ بدین ترتیب، همه رهبران اروپای شرقی کنار رفند و کشورهایشان به دست ضد کمونیست ها افتاد^۱ و در داخل مرز های اتحاد شوروی نیز کشورهای جدیدی متولد شدند. بدین ترتیب، اتحاد شوروی از هم فرو پاشید و جمهوری های واقع در قفقاز و آسیای مرکزی از آن جدا و به کشورهایی مستقل تبدیل شدند. به دنبال فروپاشی شوروی، در یوگسلاوی نیز نهضت های ناسیونالیستی به پاشد که به جدایی جمهوری های آن از یکدیگر منجر شد.

گورباچف، در نتیجه اعمال این سیاست ها، در داخل کشورش دچار طغیان یلتسین شد. یلتسین اصرار داشت که چون گورباچف در سیاست های خود شکست خورده است، باید استعفا دهد. لذا در شب ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ گورباچف استعفا کرد.



گورباچف (سمت چپ) رئیس جمهور روسیه در ملاقات با هلموت کهل صدراعظم آلمان

۱- فقط چاؤتیسکو، رهبر رومانی، مقاومت کرد که در اثر قیام مردم و ارتش در ۱۹۸۹ م. دستگیر و اعدام شد.

بیشتر بدانیم

پیام تاریخی حضرت امام خمینی (ره) به گورباقف

روز ۱۱ دی ماه ۱۳۶۷، حضرت امام خمینی (ره) پیام مهمن و تاریخی خود را خطاب به گورباقف رهبر شوروی سابق صادر کردند. نامه تاریخی امام (ره) در شرایطی خطاب به گورباقف نگاشته شده بود که تحلیل گران سیاسی نظاره‌گر تجدید نظر طلبی و آغاز تحولات دنیای کمونیسم بودند، ولی قادر به اظهارنظر در این باره نبودند. بخش‌هایی از آن نامه نقل می‌شود:

«... جناب آقای گورباقف باید به حقیقت روآورد. مشکل اصلی کشور شما مستله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتدا و بنبست کشیده و با خواهد کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است. جناب آقای گورباقف، برای همه روشی است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جست و جو کرد؛ چراکه مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است مادی، و با مادیت نمی‌توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت، که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است، به درآورد ... از شما جداً می‌خواهیم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم، گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ نشود. امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید که آخرین لایه‌های پوسیده هفتاد سال کڑی جهان کمونیسم را از چهره تاریخ و کشور خود بزداید».

پرسش‌های نمونه

۱- هدف از تشکیل کنفرانس یالتا چه بود؟

۲- جنگ سرد را تعریف کنید.

۳- پایه گذاران جنش غیرمعهدها به دنبال چه اهدافی بودند؟

۴- موضوع قراردادهای سالت و استارت چه بود؟

اندیشه و جستجو

۱- در مورد اقداماتی که براساس اصل چهار در ایران انجام گرفت، مطلبی تهیه کنید.

۲- فهرستی از سازمان‌های مخالف صهیونیست‌ها در لبنان و فلسطین با مختصه از فعالیت‌ها و اقدامات آنان تهیه کنید.

بخش دوم

تاریخ ایران در قرون جدید و معاصر

ایران در عصر صفویه

مقدمه

تشکیل حکومت صفوی در ابتدای قرن دهم هجری قمری، رویدادی بسیار مهم و تعیین‌کننده در تاریخ ایران به شمار می‌رود. حکومتی که بیش از دو قرن دوام آورد و آثار و نتایج اساسی آن عبارت بود از: تمرکز و ثبات سیاسی؛ فرآگیر شدن تشیع به عنوان مذهب رسمی؛ رونق و شکوفایی اقتصادی و فرهنگی و برقراری روابط سیاسی و اقتصادی پایدار با همسایگان و دولتهای اروپایی. در این درس مهتمم‌ترین تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در دوران حکومت صفویان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

زمینه‌های تشکیل حکومت صفوی

هجوم مغولان و تشکیل حکومت ایلخانان در ایران دو پامد مذهبی و اجتماعی مهم را به همراه داشت که در درازمدت زمینه را برای تشکیل سلسله صفویه فراهم کرد:

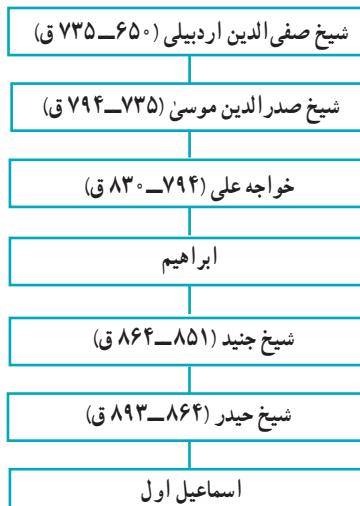
- (الف) هرج و مرج اجتماعی و ناسامانی اقتصادی زمینه گسترش دنیاگریزی و رونق جریان تصوف را فراهم آورد.

- (ب) درنتیجه دگرگونی سیاسی و فرهنگی، شیعیان فرصت یافتند تا اندیشه‌های شیعه را در ایران تبلیغ و ترویج کنند.



بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی در شهر اردبیل

طريقت^۱ صفوی از جمله طريقت‌های صوفیانه بود که توسط شیخ صفی‌الدین اردبیلی در شهر اردبیل تأسیس شد. هدایت صوفیان پس از شیخ صفی‌الدین به شکل موروثی در خاندان او باقی ماند. طريقت صفوی در زمان جانشینان شیخ صفی در سراسر ایران، آسیای صغیر و سوریه گسترش یافت و مریدان زیادی را جذب کرد. رهبران طريقت صفوی به واسطه مقام معنوی و نفوذ اجتماعی، مورد احترام و تکریم فرمانروایان و حاکمان بودند؛^۲ البته در مواردی نیز مورد غضب و حсадت آنان قرار می‌گرفتند. طريقت صفویان در دوران رهبری شیخ جنید و پسرش شیخ حیدر (نیمة دوم قرن ۹ ق.)، متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی ایران، به نهضتی سیاسی و مذهبی تبدیل شد. پیروان طريقت صفوی، برخلاف رویه معمول صوفیان که از امور دنیا و سیاست گریزان بودند، خانقه را ترک کردند و وارد رقابت‌های سیاسی و نظامی شدند. بیشتر آنان را اعضای چندین قبیله ترک و ترکمان تشکیل می‌دادند که به قزلباش^۳ معروف شدند. در همین دوران بود که صوفیان آشکارا به مذهب تشیع گراش نشان دادند.



نمودار رهبران طريقت صفوی پیش از تشکیل حکومت

- ۱- طريقت به تشکیلات مذهبی - اجتماعی گفته می‌شد که مرکب از تعدادی صوفی بود که در خانقه به گرد رهبری معنوی (مراد) جمع می‌شدند و به انجام و اجرای اعمال خاصی مانند ریاضت، عبادت و ذکر می‌پرداختند.
- ۲- تیمور بعد از جنگ آنقوله و پیروزی بر سپاه عثمانی، به دیدار شیخ علی رهبر طريقت صفویان در اردبیل رفت و به درخواست وی اسرای این جنگ را آزاد کرد.
- ۳- قزلباش به زبان ترکی یعنی سرخ سر. شیخ حیدر برای مریدان ترک زبان خویش، کلاه سرخ رنگی با دوازده تُرك - به شانه دوازده امام شیعیان - ابداع کرد و به همین جهت به قزلباش معروف شدند. هاداران خاندان صفویه با افتخار این لقب را پذیرفتند. قبایل روملو، شاملو، تکلو، استاجلو، دوالقدیر، قاجار و افشار مهمن زین قبایلی بودند که هسته اصلی نیروی قزلباشان را تشکیل می‌دادند.

تأسیس حکومت صفویه



شاه اسماعیل اول صفوی

اگرچه نخستین کوشش‌های سیاسی و نظامی صفویان به بهای قتل شیخ جنید، شیخ حیدر و شماری از مریدان آنان در صحنه جنگ انجامید، اما تجربه خوبی برای نهضت صفوی در راه کسب قدرت سیاسی بود. اندکی بعد، قزلباشان، به دور اسماعیل فرزند شیخ حیدر گرد آمدند. آنان پس از پیروزی در چند جنگ

مهم، تبریز پایتحت آق قویونلوها را تصرف کردند و اسماعیل در آنجا به تخت نشست و به طور رسمی سلسله صفوی را تأسیس کرد.

اولین اقدام شاه اسماعیل بعد از تاج‌گذاری در سال ۹۰۷ ق. رسمی کردن مذهب شیعه بود. وی سپس با تصرف قسمت‌های زیادی از فلات ایران، حکومتی متمرک و قدرتمند را بنیان نهاد. این حکومت در عرصه خارجی با دو رقیب سرسخت روبرو بود :

۱- ازبکان در منطقه ماوراءالنهر؛ شاه اسماعیل بر آنها پیروز شد و مرزهای شرقی ایران را تثبیت کرد.

۲- امپراتوری عثمانی در غرب ایران؛ اولین رویارویی نظامی صفویان با عثمانیان در منطقه چالدران^۱ رخ داد که درنتیجه آن سپاه صفوی به سختی از لشکر عثمانی به فرماندهی سلطان سلیمان شکست خورد و تبریز، پایتحت صفویان برای مدتی به اشغال نیروهای عثمانی درآمد. اتخاذ تدابیر رزمی نامناسب، مجهز بودن سپاه دشمن به سلاح‌های آتشین و شمار کمتر سپاهیان صفوی، علل اصلی شکست ایران در آن جنگ بودند. ضریبه روحی ناشی از این شکست برای شاه اسماعیل خردکننده بود، به طوری که پس از آن در هیچ جنگی، فرماندهی را به عهده نگرفت و حتی از کارهای روزمره حکومت نیز کناره گرفت.

دوران تثبیت حاکمیت صفوی

بعد از مرگ شاه اسماعیل اول، پرسش تهماسب که یازده سال پیشتر نداشت، به سلطنت رسید. در ده سال اول سلطنت شاه تهماسب، اوضاع حکومت صفوی بسیار آشفته و نابسامان بود؛ زیرا از یک طرف، سران قزلباش با سوءاستفاده از خردسالی شاه، خودسری پیشه کرده، وارد رقابت و سنتیز با یکدیگر شدند و از طرف دیگر نیروهای ازبکان و سپاه عثمانی نیز از دو سمت به مرزهای ایران هجوم آوردند.

۱- جایی در حوالی شهر کنونی خوی در استان آذربایجان غربی.



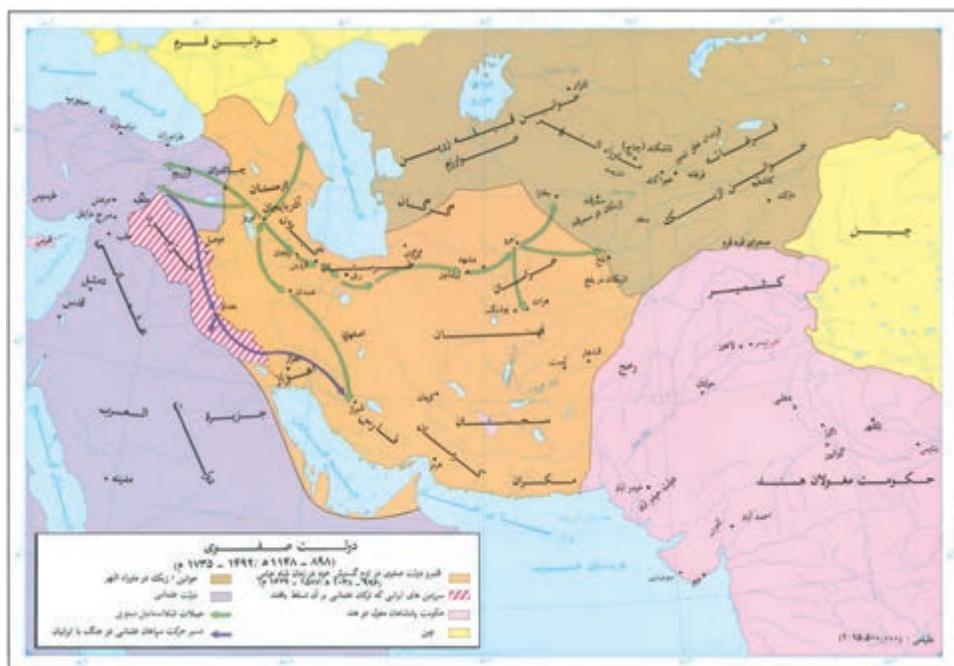
شاه تهماسب اول صفوی

مناسب در دوران پنجه و چهار ساله سلطنت خود، پایه‌های حکومت صفوی را تثبیت و تحکیم سازد.

شاه تهماسب به تدریج زمام قدرت را به دست گرفت و به خودسری سران قرباش پایان داد. او همچنین از بکان را شکست داد و با اتخاذ تدابیر مناسب، مانع موفقیت سپاه عثمانی در هجوم‌های مکرر به قلمرو ایران شد.^۱ در نتیجه چنین تدابیری بود که امپراتور عثمانی دست از جنگ برداشت و با انعقاد قرارداد آماسیه، برای مدتی میان دو کشور صلح برقرار شد. بدین‌گونه شاه تهماسب توانست با اتخاذ تدابیر

دوران اقتدار حکومت صفویه

پس از مرگ شاه تهماسب، در دوران کوتاه سلطنت شاه اسماعیل دوم و سلطان محمد خدابندۀ، بار دیگر حکومت صفوی دچار بی ثباتی سیاسی و اجتماعی شد. از این‌رو، هنگامی که نوجوان دیگری از خاندان صفوی به نام عباس اول به سلطنت رسید، اوضاع داخلی و خارجی ایران پریشان بود.



۱- انتقال پا بخت از تبریز به قزوین با هدف دوری از دسترس دشمن و در پیش گرفتن سیاست زمین‌های سوخته از جمله آن تدابیر بود.

شاهزاده خوش اقبال

شاه اسماعیل دوم در ادامه سیاست نایبودی و قتل عام فرزندان ذکور خاندان صفوی، علیقلی خان شاملو را مأمور کشتن عباس میرزا کرد. وی که چندان تمایلی به انجام این کار نداشت، به هرات آمد و موقتاً شاهزاده را زندانی کرد. پس از دوازده روز قاصد شاه اسماعیل دوم از راه رسید و دستور اکید شاه را مبنی بر قتل عباس میرزا به علیقلی خان ابلاغ کرد، ظاهراً با وساطت مادر علیقلی خان که قتل در ماه رمضان و شب جمعه را بدین من می‌شمرد، خان شاملو اجرای فرمان را به صبح روز بعد موكول کرد. اما چون صبح فرا رسید، خورشید اقبال عباس میرزا نیز طلوع کرد و قاصدی از قزوین خبر مرگ اسماعیل دوم و جلوس محمد خدابنده را به اطلاع رسانید و عباس میرزا از مرگ حتمی نجات یافت. خان شاملو نیز سرپرستی عباس میرزا را بر عهده گرفت.

ولی قلی بیگ شاملو، قصص الخاقانی، ترجمه سیدحسن سادات ناصری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۳۷۵، ص ۱۲۰

از یک سو سران قزلباش به جان یکدیگر افتاده بودند و تلاش می‌کردند که شاه را بازیچه اغراض و اهداف طایفه‌ای و قبیله‌ای خود قرار دهند و از سوی دیگر، عثمانی‌ها و ازبکان نیز بخش‌هایی از نواحی غربی و شرقی کشور را اشغال کرده بودند. شاه عباس اول برای سامان بخشیدن به اوضاع آشفته کشور اقدامات زیر را انجام داد:

۱- پایان دادن به سرکشی و طغیان امرای قزلباش؛

۲- انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان به منظور تسلط بیشتر بر

نواحی مختلف ایران؛

۳- نوسازی سازمان سپاه صفوی؛

شاه عباس اول با استفاده از غلامان گرجی یک سپاه مستقل به وجود آورد که تنها به شخص شاه وابسته و وفادار بود. سپاه جدید به توب و تفنگ نیز مجهر شد.

شاه عباس اول صفوی





سکه دوره شاه عباس

- ۴- بهبود اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از طریق ایجاد امنیت، آرامش و ثبات سیاسی؛
- ۵- انتصاف افراد با کفایت و در عین حال گمنام به سمت‌های سیاسی، اداری و نظامی.

شاه عباس پس از سامان دادن به اوضاع داخلی، آماده مقابله با دشمنان خارجی شد. از آنجایی که در گیری همزمان با دو دشمن در شرق و غرب ایران، احتمال موفقیت را کاهش می‌داد، ابتدا با عثمانی صلح کرد. پس از آن به خراسان لشکر کشید و با وارد آوردن ضربه‌ای سنگین بر ازبکان، مناطق اشغالی را آزاد کرد. وی، سپس برق آسا سپاه صفوی را به آذربایجان برد و با غافل‌گیر کردن نیروهای عثمانی، سرزمین‌های اشغالی ایران را از آنان باز پس گرفت. این اقدامات سبب شهرت و محبوبیت شاه عباس اول در ادبیات عامیانه و خاطره تاریخی مردم ایران شده است. با این حال شاه عباس اول نیز عاری از خطأ و اشتباه نبود. بی اعتمادی او به اعضای خانواده، به‌ویژه پسرانش، کشتن و کور کردن شاهزادگان صفوی و محبوس کردن آنان در حرم‌سرا، سبب شد که بعد از مرگ وی، حکومت صفویه از وجود حاکمان با کفایت و مدبر محروم گردد و به تدریج زمینه سقوط این سلسله فراهم شود.

یک توضیح

رابطه رنگ لباس شاه و حالات روحی او

آن‌تونی و رابرث شرلی که در زمان پادشاهی شاه عباس اول به ایران آمد و مدتی در

خدمت وی بودند، در شرح حال این شاه صفوی نوشتند:

«حالات پادشاه از لباسی که هر روز می‌پوشد، قابل فهم است. روزی که لباس سیاه می‌پوشد، در حال فکر کردن بوده و معمولاً خوش‌رفتار است. اگر لباس سفید یا سبز یا زردیا الوان به تن کند، نیز نشان از بشاشت و نشاط روحی او دارد. اما زمانی که لباس سرخ رنگ می‌پوشد همه اطرافیان و درباریان در بیم و هر اسنده و هر لحظه منتظر مرگ هستند».

سفرنامه برادران شرلی، ترجمه آوانس، به کوشش علی دهباشی، انتشارات نگاه، ۱۳۶۲، ص ۹۷.

به نظر شما پیامد سیاسی اقدام شاه عباس در زندانی کردن شاهزادگان صفوی در حرم‌سرا چه بود؟

دوران ضعف و انحطاط صفویه

شاه صفوی، نوه و جانشین شاه عباس اول از تعادل روحی و سلامت عقل بهره کافی نداشت. در دوران پادشاهی او مناطقی مانند قندهار و بغداد از ایران جدا شد و سردار باکفایتی چون امام قلی خان حاکم فارس به فرمان وی به قتل رسید. شاه عباس دوم، پسر و جانشین شاه صفوی نیز اگر چه کاردانی و لیاقت بیشتری نسبت به پدر داشت و حتی موفق شد قندهار را باز پس گیرد، اما کم تجربگی و عدم تعادل شخصیتی، او را به انجام برخی کارهای نسنجد و اداداشت و روند ضعف حکمرانی صفویه شتاب بیشتری پیدا کرد.

شاه سلیمان نیز از کودکی در حرم‌سرا به سر برده و با امور و اصول کشورداری بیگانه بود. به همین دلیل در زمان سلطنت او، زنان و خواجہ‌سرايان نفوذ زیادی داشتند و در اداره امور کشور دخالت می‌کردند. درنتیجه نفوذ و دخالت آنان، شاهزاده حسین‌میرزا که فاقد کفایت و درایت لازم بود، به عنوان جانشین وی انتخاب شد.

در دوران زمامداری شاه سلطان حسین، حکومت صفویان به نهایت ضعف و انحطاط رسید. از این رو، گروهی از افغانان فرست را مغتنم شمردند و در قندهار سر به شورش برداشتند. سورشیان با آگاهی از بی‌کفایتی شاه و اختلاف و درگیری میان مقام‌های کشوری و لشکری، راهی اصفهان شدند و پایتحت صفوی را به محاصرة خود درآوردند. شاه صفوی، بهناچار، تاج از سر خود برداشت و بر سر محمود افغان، سرdestه سورشیان نهاد و چندی بعد به دست اشرف افغان، جانشین محمود، به قتل رسید.

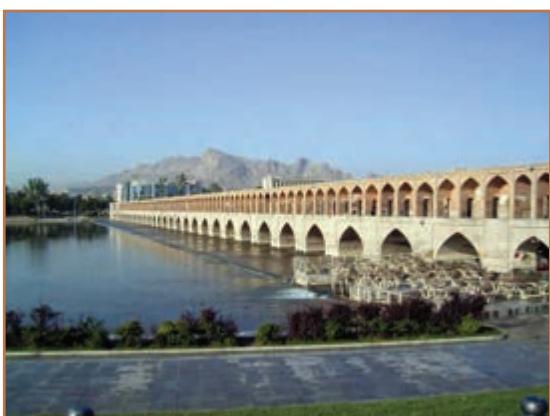
جدول شاهان سلسله صفوی و دوران حکومت آنان

دوران پادشاهی	نام شاهان
۹۰۷-۹۳۰ ق	شاه اسماعیل اول
۹۳۰-۹۸۴ ق	شاه تهماسب اول
۹۸۴-۹۸۵ ق	شاه اسماعیل دوم
۹۸۵-۹۹۶ ق	شاه محمد خدابندہ
۹۹۶-۱۰۳۸ ق	شاه عباس اول
۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق	شاه صفی
۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق	شاه عباس دوم
۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق	شاه سلیمان
۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق	شاه سلطان حسین

فرهنگ و تمدن دوره صفویه

صفویان وارث میراث غنی فکری و فرهنگی گذشته ایران بودند. وجود امنیت و ثبات سیاسی، بهبود اوضاع اقتصادی بهویژه در عصر شاه عباس اول، و نیز حمایت مادی و معنوی شاهان و حاکمان از عالمان، دانشمندان و هنرمندان، زمینه و شرایط لازم را برای شکوفایی علم و هنر در آن دوره فراهم آورد.

مذهب تشیع نیز در عصر صفوی، تأثیر اساسی بر حیات فرهنگی و تمدنی ایران گذاشت. بر اثر حمایت و تشویق حکومت صفوی، مجتهدان شیعه از جبل عامل لبنان و عراق به ایران مهاجرت کردند. درنتیجه کوشش عالمان دین، مدارس و مراکز علمی متعددی در ایران به وجود آمد و آموزدها و معارف مکتب تشیع، تبلیغ و ترویج شد. همچنین در آن



سی و سه پل اصفهان

دوره، کتاب‌های ارزشمندی به رشتۀ تحریر درآمد؛ شیخ بهائی کتاب «جامع عباسی» و علامه مجلسی مجموعه عظیم «بحار الانوار» را تألیف و تدوین کردند. حکمت و فلسفه نیز سیر تعالی پیمود؛ میرداماد، فلسفه‌ای بن‌سینا را در قالب تازه‌ای احیاء کرد و ملاصدرای شیرازی نیز فلسفه و حکمت را روتق بخشید. شعر و ادب فارسی نیز در ایران و فراتر از آن در هندوستان و عثمانی شکوفا شد. همچنین در این دوره، کتاب‌های تاریخی فراوانی با تأثیرپذیری از تاریخ‌نویسی عهد تیموری نوشته شد.

در عصر صفوی، هنر ایرانی نیز روتق و شکوفایی یافت. معماری از جلوه‌های اصلی هنر آن دوره بود. ساخت کاخ‌ها، پل‌ها، کاروانسراها، مدارس، مساجد، مقبره‌ها، کلیساها و باغ‌ها نه تنها به عمران و آبادانی کشور کمک کرد، بلکه سبک و شیوه جدیدی در هنر معماری پدید آورد. اوج شکوفایی معماری صفوی در اصفهان، پایتخت صفویان متجلی شد و خاطره و شکوه شهرهایی چون تخت جمشید، تیسفون و سمرقند را زنده کرد. هنر نقاشی نیز مورد حمایت جدی دربار صفوی بود. در آن دوره، هنرمندان بر جسته‌ای نظری کمال الدین بهزاد، رضا عباسی و میرعماد پرورش یافتدند و آثار ارزشده‌ای در رشتۀ‌های مختلف هنری خلق کردند. هنرهای کتاب‌سازی، جلدسازی، تذهیب، خطاطی، خوشنویسی، سفال‌سازی، فلزکاری، فرش‌بافی نیز از دیگر هنرهایی بودند که در عصر صفوی روتق بسزایی داشتند.



نمونه‌ای از خط میرعماد خوشنویس دوره صفوی



قالی اردبیل مربوط به دوره صفوی

روابط خارجی صفویان

در آستانه پیدایش سلسله صفویه تحولات مختلفی در سطح منطقه‌ای و جهانی در حال وقوع بود که بر روابط ایران با همسایگان و سایر کشورها اثر گذاشت. در آن زمان، امپراتوری عثمانی در اوج قدرت قرار داشت و با ادعای جانشینی خلافت اسلامی، بهدلیل حاکمیت بر جهان اسلام و گسترش قلمرو خود در قاره اروپا بود. عثمانیان سنی مذهب از تشکیل حکومت قدرتمند شیعی در ایران، بسیار ناخشنود بودند. به همین دلیل روابط امپراتوری عثمانی با حکومت صفوی در بیشتر اوقات خصوصت‌آمیز بود و از همان سال‌های نخست تأسیس حکومت صفوی تا زمان سقوط صفویان، بارها میان دو حکومت، جنگ‌های بزرگی درگرفت.

روابط صفویان با همسایه دیگر خود در شمال شرق ایران (ماوراء النهر) یعنی حکومت ازبکان نیز خصم‌مانه بود. هر زمان که ارتش عثمانی از غرب به ایران هجوم می‌آورد، ازبکان نیز از شرق ایران را مورد تاخت و تاز قرار می‌دادند و با ویران کردن شهرهای خراسان، مردم آنجا را قتل عام می‌کردند. شاه عباس اول چنان ضریبه مهلهکی بر آنان وارد آورد که تا اواخر حکومت صفوی جرئت نکردند به قلمرو ایران دست‌اندازی کنند. برخلاف حکومت‌های عثمانی و ازبکان، رابطه صفویان با حکومت گورکانی هند بسیار دوستانه بود و دو کشور روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترشده‌ای با یکدیگر داشتند.

در دوره صفویه روابط ایران و کشورهای اروپایی وارد مرحله تازه‌ای شد. همزمان با تشکیل حکومت صفوی در ایران، دولت‌های اروپایی فعالیت‌های استعماری خود را آغاز کرده و بهدلیل تحقق اهداف اقتصادی و سیاسی خود در سایر قاره‌ها از جمله آسیا بودند. در این اوضاع و احوال، فتوحات امپراتوری عثمانی در خاک اروپا، علاوه بر آن که موجودیت برخی از کشورهای اروپایی را تهدید می‌کرد، مانع اساسی برای رسیدن اروپاییان به آسیا بود. از این‌رو، دولت‌های استعمارگر اروپایی که در اندیشه دست‌یابی به مواد خام و بازار فروش کالاهای خود در شرق بودند، با دور زدن قاره آفریقا، خود را به اقیانوس هند و خلیج فارس رساندند. برخلاف‌ها اولین استعمارگرانی بودند که به خلیج فارس رسیدند. آنان اندکی پیش از تشکیل حکومت صفوی، جزیره هرمز را اشغال کردند و کوشش‌های شاه اسماعیل اول برای پیرون راندن آنان به نتیجه نرسید. شاه عباس اول با کمک کشتی‌های انگلیسی، موفق به اخراج برخلاف‌ها از خلیج فارس شد. البته اولین برخورد حکومت صفوی با انگلیسی‌ها چندان دوستانه نبود و شاه تهماسب اول، آنتونی جنکینسون نماینده تجاری آن کشور را با توهین و تحفیر از ایران اخراج کرد.^۱ پس از آمدن

۱- انگلیزه برخورد شاه تهماسب با آنتونی جنکینسون سیاسی بود تا مذهبی؛ زیرا در همان زمان نمایندگان سلطان سلیمان عثمانی نیز در دربار صفویه حضور داشتند و رفتار توہین آمیز شاه صفوی با فرستاده انگلیس صحنه‌سازی برای جلب فرستادگان عثمانی بوده است.

برادران شرلی^۱ به دربار شاه عباس اول، تمایل شاه ایران برای ایجاد ارتباط سیاسی و اقتصادی با انگلستان پیشتر شد و بازرگانان آن کشور اجازه پیدا کردند تا در ایران به تجارت بپردازند. در اواخر حکومت صفوی هلنلندیان و فرانسویان نیز در خلیج فارس به رقابت تجاری پرداختند، اما در نهایت این انگلیسی‌ها بودند که رقبای خود را کنار زدند و انحصار تجارت در خلیج فارس را از آن خود کردند.

روابط ایران و روسیه نیز در دوره صفوی با فراز و فرود همراه بود. شاه عباس اول خواهان ایجاد ارتباط بازرگانی با روسیه شد و تزار روسیه نیز از این مسئله استقبال کرد. اما در زمان شاه عباس دوم حضور مأموران سیاسی روسیه به عنوان بازرگان و هجوم گروهی از قزاق‌ها به مازندران، روابط دو کشور را تیره کرد. در دوران حکومت پطرکبیر در روسیه که مقارن با فرمانروایی شاه سلطان حسین بود، روس‌ها سیاست توسعه طلبانه خود را طراحی کردند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- روند تبدیل طریقت صفوی را به نهضتی سیاسی و مذهبی در سه سطر توضیح دهید.
- ۲- شاه اسماعیل اول برای ثبت مرزهای ایران چه اقداماتی انجام داد؟
- ۳- سیر تغییر پایتخت در دوران حکومت صفویه چگونه بود؟
- ۴- مهم‌ترین اقدامات شاه عباس اول را برای بهبود اوضاع داخلی ایران بنویسید.
- ۵- دلایل ناکامی جانشینان شاه عباس اول در زمینه حکمرانی چه بود؟
- ۶- روابط خارجی صفویان را با همسایگان شرقی و غربی آن مقایسه کنید.

اندیشه و جستجو

- ۱- به نظر شما مهم‌ترین دلایل و عوامل سقوط صفویه کدام‌اند؟
- ۲- درباره هنر نقاشی در دوره صفویه مطلبی تهیه کنید.

۱- در پیشتر منابع و تحقیقات دوره صفویه گفته شده است که آتنونی و رایرت شرلی با انگلیزهای شخصی و اغراض ماجراجویانه به ایران آمدند. اما تأمل دقیق‌تر در زندگی این دو برادر و بهویژه آتنونی، نشان می‌دهد که آنها به طور غیررسمی سفيران انگلستان بودند.

درس ۱۳

ایران از سقوط صفویه تا پایان حکومت زندیه

مقدمه

سقوط سلسله صفویه، پیامدهای ناگواری برای جامعه ایرانی داشت. حکمرانی جنون‌آمیز محمود و اشرف افغان هم بر وحامت اوضاع افزود. در آن شرایط، نیروهای روسیه و عثمانی بخش‌هایی از سرزمین ایران در شمال و غرب را اشغال کردند در شرایطی که از تهماسب دوم شاهزاده صفوی به تنها یک کاری برنمی‌آمد، نادر افشار به او پیوست تا ایران را از آن شرایط سخت و دشوار برهاشد.

دوران سلطنت نادرشاه

نادر از افراد ایل افشار بود که قبیله‌اش نقش مهمی در به قدرت رسیدن صفویه داشت. او دوران جوانی خود را در خدمت حاکم ابیورد گذرانیده بود و مقارن شورش افغانان و سقوط اصفهان، بر بخشی از خراسان حکومت می‌کرد. هنگامی که تهماسب، شاهزاده صفوی از نادر درخواست کمک کرد، به همراه سپاهیان خود به خدمت وی درآمد. مهم‌ترین رویدادهای زندگی نادر در این مرحله عبارت است از:



نادرشاه افشار

- ۱- از میان برداشتن فتحعلی خان رئیس ایل قاجار و رسیدن به مقام فرماندهی سپاه تهماسب دوم
- ۲- شکست دادن اشرف افغان و پراکنده کردن

نیروهای او



کاخ نادر در کلات مشهد

۳- پس گرفتن سرزمین‌های اشغالی ایران از روسیه و عثمانی نادر پس از آن، همه سران قبایل و حکمرانان محلی را به دشت مغان در آذربایجان دعوت کرد تا تکلیف سلطنت ایران را مشخص کنند. او به شرط موروثی بودن پادشاهی در خاندان خویش و عدم حمایت بزرگان و قبایل از خاندان صفویه، به سلطنت رسید.

نادرشاه بعد از سر و سامان دادن به اوضاع داخلی و جانشینی کردن فرزندش رضاقلی میرزا، به طرف قندهار لشکر کشید تا آرامش را در مرازهای شرقی ایران برقرار سازد، اما دامنه این لشکرکشی به کشور هند نیز کشیده شد. وی با پیروزی بر هندیان در نبرد کرناال، شهر دهلی را تسخیر و با جواهرات و غنایم فراوان به ایران بازگشت. شاه افشار بعد از ذخیره کردن غنایم هند در منطقه کلات خراسان، برای سرکوب شورشیان عازم نواحی ترکستان و ماوراءالنهر شد. لیکن بدینی که بر وجود او مستولی شده بود، بسیاری از آرزوهای وی و جامعه ایرانی را بر باد داد. بنیانگذار سلسله افشاریه، سرانجام با توطئه برادرزاده و همکاری چند تن از امرا و سرداران خویش به قتل رسید.

بدون شک نادرشاه آرزوهای بزرگی داشت و در زمان خویش فرماندهی زده و شجاع بهشمار می‌آمد. او قصد داشت تا زمینه رشد تجارت را در ایران فراهم کند. حتی می‌خواست بوشهر را به مرکز نیروی دریایی ایران تبدیل کند.



قلمرو افشاریان (نادرشاه)

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما چرا اخلاق و رفتار نادرشاه در طول فرمانروایی تغییر کرد؟

حکمرانی کریم خان زند

کریم خان یکی از افراد ایل زند بود که بعد از یک دوره بیست ساله جنگ و گریز بر دیگر مدعیان و رقیبان پیروز شد. او پس از اقامت کوتاه مدت در اصفهان و تهران، شیراز را به عنوان تختگاه حکمرانی خویش انتخاب کرد. کریم خان در این مرحله از حیات سیاسی خویش دست از جنگ و سیاست برداشت. وی برخلاف سنت معمول از پذیرفتن عنوان شاهی نیز امتناع کرد و خود را وکیل مردم ایران نامید.^۱



دربار کریم خان زند

۱- کریم خان در ابتدا خود را وکیل الدوله خواند که به منزله وکالت از طرف دولت صفوی بود، سپس لقب وکیل الرعایا را برگزید که به معنای نماینده مردم بود. ر. ک. سفرنامه نیبور، ص ۷۰۲ / رسمت‌التواریخ، ص ۳۸۳.

کریم خان برای بهبود شرایط اقتصادی و برقراری امنیت سیاسی و آرامش اجتماعی اقدامات زیر را انجام داد :

۱- سرکوب مدعیان و رقیبان داخلی

۲- ساختن اماکن تفریحی و مذهبی مانند باع دلگشا، حمام و کیل، بازار و مسجد و کیل

۳- تلاش برای بهبود تجارت خارجی از طریق بنادر خلیج فارس

۴- نظارت بر بازار و برقراری ثبات در قیمت کالاهای مورد نیاز مردم

۵- احترام به عالمان دینی و هنرمندان

کریم خان زند در حالی از دنیا رفت که به نقل یکی از معاصرانش، «خوبی او هزار بود و بدی او یک». ^۱ وی به دلایلی چون مدارا با رقیبان، همدردی با رعایا، ساده زیستی، رفتار مناسب با اقلیت‌های مذهبی و حمایت از عالمان، شاعران و هنرمندان، نام و نشان نیکی در تاریخ ایران از خود به جای گذاشت.



^۱- روزنامه میرزا محمد کلانتر، ص .۶۸

انقراض سلسله زنديه



بروز جدال و ستیر میان بازماندگان کریم خان، بر سر قدرت، توان نظامی و اقتصادی حکومت زنديه را کاهش داد و زمینه را برای قدرت یابی آقامحمدخان قاجار در نواحی شمالی ایران فراهم آورد. لطفعلی خان آخرین فرمانروای خاندان زند، اگر چه در جنگاوری و شجاعت و دلاوری سرآمد بزرگان روزگار خویش بود، اما به سبب جوانی و کم تجربگی، دوستان و اطرافيان خود را رنجیده خاطر کرد. همین امر، سبب رویگردانی بسیاری از بزرگان شیراز از جمله حاج ابراهیم خان کلانتر از وی شد. لذا هنگامی که او برای یافتن حامیان جدید در خارج از شیراز بسر می‌برد، آقا محمدخان در سومين حمله خود به پایتخت زنديه، شیراز را تصرف کرد. لطفعلی خان، ابتدا به کرمان و سپس به بم گریخت، اما در آن شهر به چنگ نیروهای خان قاجار افتاد و به طرز فجیعی کشته شد. با مرگ وی دوره فرمانروایی زنديه به پایان رسید.

ارگ کریم خانی

بیشتر بدانیم

خدمت و خیانت کلانتر به زنديان

بیشتر محققان و مورخان رویگردانی حاج ابراهیم خان کلانتر از لطفعلی خان زند را عامل مهم در سقوط سلسله زنديه می‌دانند. اما لازم است بدانیم که او نقش فراوانی در تثبیت و تحکیم سلسله زنديه بر عهده داشت. وی همچنین علاوه بر حمایت از چهارخان و کمک به لطفعلی خان برای رسیدن به قدرت، دو بار نیز در مقابل حمله آقامحمدخان به شیراز از لطفعلی خان زند حمایت کرد.

اوپرای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران افشاریه و زنديه

گرفتاری طولانی مدت ایران در جنگ‌های داخلی و خارجی بعد از سقوط اصفهان و بهویژه در دوران زمامداری نادر شاه، زندگی اقتصادی و اجتماعی ایرانیان را بسیار آشفته و نابسامان کرد. از یک سو،

نامنی و بی ثباتی و از سوی دیگر افزایش مالیات‌ها برای تأمین هزینه‌های سنگین جنگ، تولید و بازرگانی را از رونق انداخت.

بی‌مهری نادرشاه نسبت به عالمان شیعه و هنرمندان، باعث مهاجرت گسترده آنان به عتبات عالیات و هند، و در نتیجه رکود فعالیت‌های علمی و فرهنگی شد. مرگ نادر و سنتیز افراد و گروه‌های مختلف برای رسیدن به قدرت، نیز اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران را آشفته‌تر کرد.

آرامش، امنیت و ثبات نسبی که در دوران کریم خان زند بر بخش‌هایی از ایران حکم‌فرما گردید، موجب شد که اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کمی بهتر شود. بر اثر حمایت و تشویق کریم خان، فعالیت‌های عمرانی، کشاورزی و بازرگانی تا حدودی رونق یافت. گروهی از عالمان و هنرمندان مهاجر، به ایران بازگشتند و شهرهای شیراز و اصفهان بار دیگر کانون علم و ادب و هنر شدند.



بازار وکیل—شیراز

روابط خارجی ایران در عصر افشاریه و زندیه

همزمان با دوران حکومت نادرشاه، تکاپوهای استعماری دولت‌های اروپایی وارد مرحله جدیدی شده بود، اما گرفتاری نادر در جنگ‌های پیاپی، مانع از توجه او به مناسبات سیاسی و اقتصادی با کشورهای اروپایی به‌جز روسیه شد. روس‌ها که بعد از سقوط صفویه بخش‌هایی از شمال ایران را تصرف کرده بودند، با ملاحظه شجاعت و قدرت نظامی نادر و سپاهیانش، از مناطق اشغالی عقب نشستند و تلاش کردند روابط دوستانه‌ای با ایران برقرار کنند.

مناسبات نادر با عثمانی آمیزه‌ای از جنگ و مذاکره بود. سپاهیان تحت امر نادر، ارتش عثمانی را از مناطق وسیعی از سرزمین‌های اشغالی ایران عقب راندند، اما تلاش‌های نظامی و سیاسی نادر برای رفع اختلافات مذهبی با عثمانی و بازگرداندن عتبات عالیات به قلمرو ایران، نتیجه چندانی نداشت.

روابط ایران و عثمانی در دوران زنده نیز چندان دوستانه نبود و هنگامی که کریم خان زند بصره را تصرف کرد، مناسبات دو طرف خصمانه شد.

روابط خارجی ایران با کشورهای اروپایی در دوره زنده ثبات چندانی نداشت. کریم خان زند به دو منظور علاقه‌مند بود که با کشورهای اروپایی رابطه برقرار کند:

۱- استفاده از نیروی دریایی اروپاییان برای مقابله با شورش میرمهنا بnder ریگی و اعراب بنی کعب

در خلیج فارس

۲- علاقه به توسعه اقتصادی و رونق تجارت

بنابراین، کریم خان ابتدا از فرانسویان درخواست کمک کرد، اما وقتی با امتناع آنان روبه‌رو شد، با انگلیسی‌ها رابطه برقرار کرد و به آنان اجازه داد پایگاه تجاری خود را در بوشهر تأسیس کنند. تعلل و ناکامی انگلیسی‌ها در سرکوب شورش میرمهنا و تردیدی که کریم خان زند نسبت به انگیزه و اهداف آنان پیدا کرده بود،^۱ سبب شد که نه تنها با تأسیس دفاتر تجاری انگلیسی‌ها در دیگر شهرهای ایران مخالفت کند، بلکه نمایندگی آنها را در بوشهر نیز تعطیل کرد.

پرسش‌های نمونه

۱- نقش نظامی نادرشاه را در فرونماiden شورش‌های داخلی و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی ایران، در سه سطر توضیح دهید.

۲- حکمرانی کریم خان زند چه تفاوت‌هایی با حاکمان قبلی داشت؟

۳- اوضاع اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی عصر افشاریه را با زمان حکمرانی کریم خان زند مقایسه کنید.

۴- چرا کریم خان زند علاقه‌مند به برقراری رابطه با کشورهای اروپایی بود؟

۵- موقعیت سیاسی ایران را در دوران افشاریه و زنده با دوره صفویه مقایسه کنید.

اندیشه و جست‌وجو

۱- اگر شما به جای نادرشاه بودید، برای سربلندی ایران چه اقداماتی انجام می‌دادید؟

۲- نظر خود را درباره کریم خان زند در ۵ سطر توضیح دهید.

۱- آصف، رسم‌التواریخ، ص ۲۸۳.

درس ۱۴

اوپاع سیاسی و اداری ایران در عصر قاجار

(از تأسیس حکومت تا پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه)

مقدمه

قاجاریان از جمله طوایف ترک بودند که نیروی قزلباشان را تشکیل دادند و شاه اسماعیل اول صفوی را در رسیدن به قدرت یاری کردند. شاه عباس اول به منظور کاهش قدرت قزلباشان، ایل قاجار را در سه منطقه شمال خراسان، استرآباد (گرگان) و آذربایجان سکونت داد. بعد از مرگ شاه عباس و آغاز ضعف حکومت صفویه، قاجاریان ساکن استرآباد قدرت بیشتری یافتند و پس از تصرف اصفهان توسط افغانان، فتحعلی‌خان رئیس ایل قاجار به یاری تهماسب دوم شتافت. اما قتل وی، تلاش آن ایل را برای کسب قدرت سیاسی ناکام گذاشت. کشته شدن محمد حسن خان قاجار رئیس ایل قاجار در رقابت با کریم‌خان زند نیز آرزوی قاجارها را برای رسیدن به پادشاهی ایران تا زمان آقامحمدخان به تأخیر انداخت.

تأسیس سلسله قاجاریه

آقامحمدخان پسر بزرگ محمدحسن خان بود. او بعد از مرگ پدر، به عنوان گروگان در شیراز به سر می‌برد. مرگ کریم‌خان زند، فرصتی را در اختیارش نهاد که خود را به استرآباد برساند و با متعدد کردن ایل قاجار، آمده رویارویی با خاندان زندیه گردد. نزاع بازماندگان کریم‌خان با یکدیگر این فرصت را برای آقامحمدخان فراهم آورد که نواحی شمالی و مرکزی ایران را تصرف کند و تهران را به عنوان مرکز فرمانروایی خویش، برگزیند. خان قاجار پس از پیروزی



آقا محمدخان قاجار

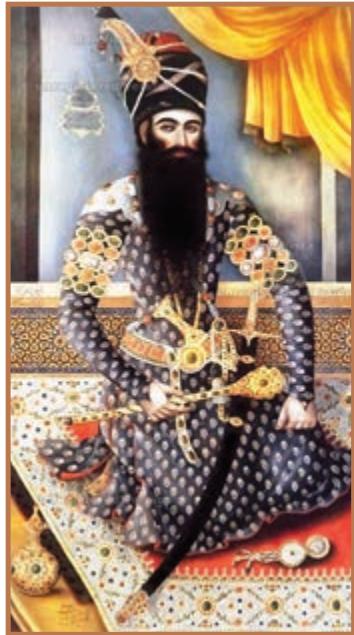
بر لطفعی خان زند و سرکوب طغیان حاکم گرجستان، به طور رسمی در سال ۱۲۱۰ق/۱۷۴۱ش. در تهران تاج گذاری کرد. سپس به بهانه زیارت مرقد امام رضا (ع) عازم مشهد شد؛ هدف اصلی او از این سفر، پایان بخشنیدن به حکومت خاندان افشاریه در خراسان و دستیابی به گنجینه غنائم و جواهر آلاتی بود که توسط نادرشاه در آنجا ذخیره شده بود.

آقامحمدخان در سال ۱۲۱۱ق/۱۷۵۱ش. بار دیگر برای برقراری نظم و امنیت عازم فقفاز شد، اما در جریان لشکرکشی به آن منطقه توسط چند تن از همراهان خویش به قتل رسید. بدون تردید تلاش و تکاپوهای بی‌وقفه آقامحمدخان قاجار برای اعادة حاکمیت دولت مرکزی بر سرتاسر قلمرو ایران و ایجاد یکپارچگی سیاسی، قابل تمجید است، اما از طرف دیگر بی رحمی و کینه‌توزی و قساوت قلب وی که ریشه در حوادث زمان کودکی و نوجوانی او داشت، سبب شده است که در تاریخ ایران از وی به نیکی یاد نشود.



قلم و ایران (در او ایا، قاجار به)

پادشاهی فتحعلی شاه



فتحعلی شاه قاجار

بعد از مرگ آقامحمدخان، برادرزاده‌وی، به کمک سران نظامی و بزرگان قاجار، به نام فتحعلی شاه تاجگذاری کرد. سال‌های نخست سلطنت فتحعلی شاه صرف سرکوب طغیان‌های داخلی و تحکیم پادشاهی در خاندان قاجار شد. تغییر اوضاع جهانی و تشدید تکاپوهای استعماری سبب شد تا دو میں شاه قاجار در مقابله با دشمنان خارجی و حفظ قلمرو ایران ناکام باشد. سهل‌انگاری در اداره کشور و واگذاری بخش‌هایی از ایران به بیگانگان سبب شده است که قضاوت عمومی نسبت به او با نوعی احساس تنفر همراه باشد. تقریباً همه منابع و تحقیقات تاریخی از دوران سلطنت وی به تلخی یاد می‌کنند. البته این سخن به معنای آن نیست که فتحعلی شاه، هیچ تلاشی برای حفظ یکپارچگی ایران انجام نداد و به عدم زمینه مداخله و حضور بیگانگان را در کشور فراهم کرد؛ بلکه می‌توان گفت که با وجود خواست عمومی و نظر مساعد علماء، شاه قاجار درایت لازم را برای بهره‌گیری از توان ملی در مقابله با تهاجم دشمنان خارجی نداشت. بخشی از این زبونی و ضعف ناشی از عدم آگاهی او و اطرا فیانش از اوضاع جهانی و بخشی نیز به سبب داشتن خوبی تجمل‌گرایی و علاقه‌وی به جمع‌آوری ثروت بود.

یک توضیح

پادشاهی ناآگاه نسبت به اوضاع جهان

اوج عدم آگاهی و بی‌خبری فتحعلی شاه از اوضاع جهانی و دلخوشی به قدرت خویش را می‌توان در این طنز سیاسی یافت که مستوفی در کتاب خود درباره شاه قاجار به هنگام جنگ‌های ایران و روسیه بیان کرده است. به نقل این نویسنده که خود نیز از دودمان قاجار است، فتحعلی شاه در زمان امضای قرارداد ترکمنچای برای نشان دادن قدرت و شوکت خویش شمشیر از نیام کشید و فریاد برآورد که:

کشم شمشیر مینایی که شیر از بیشه بگریزد

زنم بر فرق پسکیویچ که دود از پطر برخیزد

عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه، ج ۱، ص ۵۱.

حکمرانی محمد شاہ

فتحعلی شاه در زمان حیات خویش عباس میرزا را به عنوان ولیعهد خود معرفی کرده بود، اما مرگ ناگهانی این شاهزاده لایق باعث شد تا مقام ولیعهدی به فرزند وی، محمد میرزا برسد. بعد از مرگ فتحعلی شاه، محمد میرزا به کمک میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی بر مسند پادشاهی تکیه زد. قائم مقام فراهانی به منصب صدارت منصوب شد. او با تدبیر، مدعیان تاج و تخت را به جای خود نشاند و اوضاع اجتماعی و فرهنگی را بهبود بخشد. ایستادگی وی در برابر دخالت و زیاده خواهی های دولت انگلستان، موجب شد که سفیر و عوامل داخلی آن کشور علیه آن وزیر ادیب دیسسه کنند و مه حیات بکنای و قتابه، افاهه آورند.

محمد شاه نیز محبوبیت چندانی در تاریخ ایران ندارد و او را به دلیل کشتن قائم مقام، انتصاف فردی در ویش، مسلک حون



محمد شاہ قاحل

حجی میرزا آقا سی به صدارت اعظم و ضعف و سستی در مقابل قدرت‌های استعماری نکوھش کرده‌اند. گرچه گفته شده که رفتار مؤدبانه‌ای داشته است. این شاه قاجار به سبب بیماری، چندان دخالتی در امور حکومتی نمی‌کرد و پیشتر اوقات خود را با نقاشی، سرودهای رزمی و مطالعه کتاب می‌گذراند.

یک توضیح

سیاستمداری باهوش و میهن‌دوست

قائم مقام مردی فوق العاده باهوش و صاحب فکر و عزم ثابت بود، او به واسطه اطلاعات و تجارب خود، اوضاع و احوال همسایگان ایران و دولت‌های اروپایی را به خوبی می‌شناخت. دولت‌های استعمارگر اطمینان داشتند که او مانع جدی برای توسعه نفوذ و دخالت آنان در ایران است، از این‌رو نویسنده‌گان انگلیسی که در آن تاریخ در ایران سیاحت می‌کردند، قائم مقام را به سریپیچی از نصایح دولت انگلستان و طرح نقشه تصرف هرات متهم می‌کنند و حس بدینی و دشمنی فوق العاده خود را نسبت به این مرد بزرگ، پنهان نمی‌کنند. اونمونه بارز تدبیر و تیزبینی آمیخته با انسان دوستی می‌باشد، بر سلطانه بود که در آن شر اطمیحانی و توانست ایران را به خوبی اداره کند.



سلطنت ناصرالدین شاه



میرزا تقی خان امیرکبیر



ناصرالدین شاه قاجار

با مرگ محمد شاه، ولیعهد او ناصرالدین میرزا با حمایت میرزا تقی خان فراهانی به عنوان چهارمین پادشاه قاجار بر تخت سلطنت نشست. میرزا تقی خان به مقام صدراعظم منصوب و به امیرکبیر ملقب شد. صدراعظم ابتدا به سرکشی و طغيان گردنشان داخلی پایان داد و نظم و امنیت را برقرار کرد. او سپس بر پایه شناختی که از دیگر کشورها داشت، برنامه منسجمی را با هدف اصلاح امور و جبران عقب‌ماندگی ایران طراحی کرد و به اجرا گذاشت. اصلاحات موردنظر امیرکبیر به سرانجام مطلوب نرسید؛ زیرا مدتها بعد قربانی توطئه درباریان نالایق و طماع و دسیسه‌های روسیه و انگلستان شد. ناصرالدین شاه با وجود علاقه‌ای که به وزیرش داشت، تحت تأثیر دشمنان امیرکبیر، فرمان برکناری، تبعید و سرانجام قتل او را صادر کرد.

ناصرالدین شاه در دوران پادشاهی خود طی سه سفر به اروپا، از چندین کشور دیدن کرد و تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غربی قرار گرفت. وی اگرچه ضرورت اصلاحات را برای جبران عقب‌ماندگی درک کرده بود، اما از تایخ سیاسی آن که کاهش قدرت و اختیارات نامحدود شاه بود، به شدت وحشت داشت. برای مثال او دارالفنون را نماد ترقی و پیشرفت ایران قلمداد می‌کرد، اما در عین حال نگران آثار و نتایج انتشار افکار سیاسی اروپاییان در ایران بود.

از این‌رو، اصلاحاتی که در دوران پادشاهی او آغاز شد، تایخ چندان مؤثر و مفیدی برای ایران نداشت. در دوران سلطنت ناصرالدین شاه، قدرت‌های استعماری نفوذ و سلطه اقتصادی خود را بر ایران افزایش دادند. دولتهای روسیه و انگلستان و یا اتباع آنان رقابت تنگاتنگی را برای کسب امتیازات اقتصادی در کشور ما آغاز کردند. ناصرالدین شاه و درباریان در دادن امتیازات اقتصادی بیشتر به منافع شخصی خود می‌اندیشیدند و کمتر به منافع ملی توجه می‌کردند. در درس‌های بعدی امتیازات اقتصادی



نظر شما در مورد شخصیت و اعمال و رفتار ناصرالدین‌شاه چیست؟

سازمان سیاسی و اداری حکومت قاجار

(الف) جایگاه شاه: نظام سیاسی ایران تا قبل از انقلاب مشروطیت به صورت سلطنت استبدادی بود. در چنین ساختار سیاسی، شاه به عنوان بالاترین مقام، قدرت و اختیارات نامحدودی داشت. عزل و نصب مقامات کشوری و لشکری و اعلام جنگ و صلح از جمله اختیارات مهم او بود. شاهان قاجار با عنوانی و القابی مثل ظل الله، وارث تاج کیانی، شاهنشاه جهان و قبله عالم، خود را مالک جان و مال همه ایرانیان می‌دانستند. آنان انتظار داشتند همگان از صدراعظم تا مردم عادی، بی‌چون و چرا فرمانشان را اطاعت کنند.

با این حال در دوران قاجار، به سبب نفوذ و دخالت قدرت‌های استعماری، جایگاه و اقتدار دینی و اجتماعی روحانیت و نیز قدرت نظامی ایلات، این امکان همیشه برای شاهان وجود نداشت که از قدرت استبدادی و مطلقه خود بهره کامل ببرند. بنابراین، در بعضی مواقع ناچار می‌شدند از خواسته‌های خود صرف نظر کنند.

(ب) شاهزادگان: از زمان پادشاهی فتحعلی شاه حکمرانی ایالات و ولایات ایران به شاهزادگان قاجار سپرده شد. ایالت آذربایجان به مرکزیت تبریز اهمیت ویژه‌ای داشت؛ زیرا اداره این ایالت به شاهزاده‌ای سپرده می‌شد که وليعهد پادشاه بهشمار می‌آمد. شاهزادگان نیز به نوبه خود با استبداد تمام رفتار می‌کردند. استقرار شاهزادگان در نواحی مختلف ایران، اگرچه موجب استحکام سلطنت خاندان قاجار شد، اما پیامدهای سیاسی و اجتماعی نامطلوبی نیز داشت؛ از آن جمله است:



مسعودمیرزا ظل‌السلطان پسر بزرگ ناصرالدین شاه که ۳۴ سال متولی حاکم اصفهان و قریب ۴۵ سال به طور متناوب حاکم مازندران و اصفهان و فارس بود.

- ۱- رقابت آشکار و پنهان شاهزادگان با ولیعهد نتایج زیانباری برای کشور داشت.^۱
- ۲- انحصار حکومت بیشتر ولایات، بهویژه ولایات مهم به شاهزادگانی که اغلب آنان فاقد لیاقت و کفایت لازم برای اداره امور بودند، موجب نابسامانی اوضاع ولایات می‌شد.
- ۳- شورش شاهزادگان حاکم بر ولایات بعد از مرگ پادشاه، برای مدتی کشور را دچار بی‌ثباتی و جنگ داخلی می‌کرد.

بیشتر بدانیم

آذربایجان

آذربایجان ناحیه‌ای در شمال غربی ایران است که اکنون در تقسیمات کشوری به سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل تقسیم شده است. نام آذربایجان از نام آتروپات، سردار ایرانی، اخذ شده که پس از مرگ اسکندر بر آن منطقه که به «ماد کوچک» معروف شده بود، حکومت داشت. نام آذربایجان و در منابع قدیمی به شکل آتروپاتنه، آتروپاتکان، آذربایگان، آذربایجان، آذربادگان، آذربادگان آمده است. آذربایگان که تلفظ مردم عصر ساسانی بوده است، در زبان عربی به آذبیجان و آذریجان تغییر یافته و در فارسی

۱- نمونه بارز آن عدم همکاری شاهزادگان قاجار با عباس‌میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه در جریان جنگ‌های ایران و روس بود.

امروز تبدیل به آذربایجان شده است. از سرزمین‌هایی که در شمال رود ارس واقع بوده و در خلال جنگ‌های ایران و روسیه از کشور ما جدا شده‌اند، در منابع تاریخی با نام‌های ازان، آلبانیا و آلبانیای قفقاز یاد می‌شود. ازان یا سرزمین‌های شمال ارس از دیرباز به ایران تعلق داشته و قبل از ورود اسلام به ایران آلبانیا خوانده می‌شده است. یکی از نتایج دردناک جنگ‌های ایران و روس، اشغال و جدا کردن این مناطق از ایران بود. با سقوط رژیم تزاری، سران حزب مساوات که در قفقاز تشکیل شده بود، با سوسیالیست‌ها متحد شدند اما مدتی بعد بین آنها اختلاف افتاد و آنان ضمن اعلام استقلال نام جمهوری آذربایجان را برای دولت خود برگزیدند و از حمایت ترکان عثمانی برخوردار شدند. تغییر نام ازان به آذربایجان که به اصرار ترکان عثمانی صورت گرفت، تحریفی تاریخی بود که برای به دست آوردن آذربایجان ایران انجام شد. با پیروزی دولت سوسیالیستی بر ترکان عثمانی و مساواتی‌ها در ازان، آنان نیز همچنان به طمعی خام نام آن منطقه را جمهوری آذربایجان باقی گذاشتند. این امر اعتراض مردم وطن خواه و متدين آذربایجان را برانگیخت، بعدها تلاش دولت سوسیالیستی سوروی برای جدا کردن آذربایجان از خاک ایران در سال ۱۳۲۴ ش. به دلیل همبستگی‌های دینی و فرهنگی موجود در سراسر ایران و با مقاومت مردم قهرمان آن خطه از خاک کشورمان با شکست مواجه شد.

تشکیلات اداری

(الف) صدارت اعظم : در نظام حکومتی قاجار بعد از شاه، صدراعظم (وزیر اعظم) قرار داشت. صدراعظم می‌توانست به راحتی به حضور شاه برسد و یا برای وی نامه بنویسد. او همچنین اجازه داشت که در امور کشور اظهار نظر کند و در صورت تمایل از قدرت سلطنت در جهت بهبود وضع مردم و اصلاح امور کشور بهره ببرد. البته صدراعظم نیز امنیت جانی و مالی نداشت و به یک اشاره شاه موقعیت او دگرگون می‌شد. تاریخ قاجار آکنده از نام وزیرانی است که گرفتار سوءظن و خشم شاهان شدند و جان و مال و مقام خویش را از دست دادند.

صدراعظم‌های ایران در دوره قاجار^۱

نام پادشاه	نام صدراعظم	وقایع مهم زمان صدراعظم	عقاید کار صدر اعظم
آقۀ محمدخان	حاج ابراهیم‌خان کلاتر	رویگردانی از خاندان زنده و کمک به آقامحمدخان برای تأسیس سلسله قاجاریه	تا پایان پادشاهی آقامحمدخان منصب خود را حفظ کرد.
فتحعلی‌شاه	۱- حاج ابراهیم‌خان کلاتر	۱- سرکوب مدعیان پادشاهی و کمک به فتحعلی‌شاه برای رسیدن به پادشاهی ۲- جلوگیری از ششکرکنی فتحعلی‌شاه به افغانستان	در سال ۱۲۱۵ق/۱۷۹۰ش. به فرمان فتحعلی‌شاه به همراه خانواده و تزدیکانش به شکل و حشتناکی به قتل رسید.
محمدشاه	۲- میرزا شفیع مازندرانی	۱- وقوع جنگ‌های ایران و روس ۲- نلاش برای ایجاد روابط خارجی ۳- توجه به اماکن متبرکه و شعائر اسلامی	در سال ۱۲۲۴ق/۱۹۸ش. به مرگ طبیعی از دنیا رفت.
ناصرالدین‌شاه	۳- حاجی محمدحسین صدراصفهانی	۱- انقاد عهدنامه ارزنه‌الروم اول با حکومت عثمانی ۲- تشکیل وزارت امور خارجه	در سال ۱۲۳۹ق/۱۲۰ش. به مرگ طبیعی از دنیا رفت.
میرزا تقی خان فراهانی	۴- عبدالله‌خان امین‌الدوله	۱- افزایش نارضایتی به سبب شکست از روسیه ۲- قتل گریابادوف سفير روس در تهران	در سال ۱۲۶۳ق/۱۲۲۶ش. بعد از دوبار صدارت در نجف به مرگ طبیعی از دنیا رفت.
ناصرالدین‌شاه	۵- الهیارخان آصف‌الدوله (اولین وزیر از خاندان قاجار)	۱- شروع دوره دوم جنگ‌های ایران و روس ۲- انقاد فرارداد ننگین ترکمنچای	به دلیل کارشکنی در جریان جنگ‌های ایران و روس تنبیه و در زمان محمدشاه به عراق تبعید شد و در آنجا از دنیا رفت.
میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی	۱- میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام ۲- حاجی میرزا آقسی ایروانی	۱- کمک به محمدشاه برای رسیدن به پادشاهی ۲- اصلاح امور مالی کشور ۳- مخالفت با سیاست‌های استعماری روسیه و انگلیس	در سال ۱۲۵۱ق/۱۲۱ش. به فرمان محمدشاه در باغ نگارستان تهران به قتل رسید.
ناصرالدین‌شاه	۱- میرزا تقی خان فراهانی (امیرکبیر) ۲- میرزا آقاخان نوری	۱- بروز فتنه علی محمدباب و آقاخان محلاتی ۲- طغیان سالارالدوله ۳- انقاد عهدنامه ارزنه‌الروم دوم با عثمانی	در سال ۱۲۶۵ق/۱۲۲۸ش. در عراق به مرگ طبیعی از دنیا رفت.
میرزا حسین‌خان سپهسالار	۳- میرزا محمد‌خان سپهسالار	۱- انقاد فرارداد پارس و جدایی افغانستان از ایران ۲- ایجاد روابط دوستانه با انگلستان	در سال ۱۲۸۱ق/۱۲۳۱ش. در نهایت فلاکت و بدینختی در شهر قم از دنیا رفت.
ناصرالدین‌شاه	۴- میرزا حسین‌خان سپهسالار (مشیرالدوله)	۱- دادن امتیازات شیلات به روسیه ۲- احداث سیم تالگراف	در سال ۱۲۸۴ق/۱۲۴۶ش. به مرگ طبیعی در مشهد از دنیا رفت.
مستوفی‌المالک	۵- میرزا یوسف	۱- شویق ناصرالدین‌شاه برای سفر به اروپا ۲- دادن امتیاز رویت به یک فرد انگلیسی	در سال ۱۲۹۸ق/۱۲۶۰ش. به مرگ طبیعی در مشهد از دنیا رفت.
امین‌السلطان	۶- میرزا علی‌اصغرخان اتابک (امین‌السلطان)	۱- سفر دوم ناصرالدین‌شاه به اروپا ۲- اختلاف ایران و انگلیس بر سر تاجه کوهک سیستان	در سال ۱۳۰۳ق/۱۲۶۵ش. از دنیا رفت.
		۱- سفر سوم ناصرالدین‌شاه به اروپا ۲- دادن امتیاز لاتاری ۳- واکذاری امتیاز تالبوت	در سال ۱۳۲۵ق/۱۲۸۶ش. به دلیل همکاری با محمدعلی‌شاه، توسط انقلابیون مشروطه ترور شد.

۱- برای مطالعه بیشترن. ک: محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، صدرالتواریخ، بروز افساری، صدراعظم‌های سلسله قاجاریه

ب) سایر مناصب اداری : بعد از صدراعظم، نایب وی قرار داشت که در غیبت وزیر کارهای او را انجام می‌داد. وزیر جنگ نیز منصب مهمی محسوب می‌شد و معمولاً در اختیار بزرگان ایل قاجار قرار داشت. مستوفی‌الممالک به عنوان وزیر دارایی به همراه عده‌ای مستوفی، بر درآمدها و هزینه‌ها و به خصوص دریافت مالیات نظارت داشت؛ منشی‌الممالک نیز به کمک تعدادی منشی فرامین و دستورات پادشاه را می‌نوشت. تشکیلات اداری حکومت قاجار در اوایل آن بسیار محدود بود، اما به تدریج نظام دیوان‌سالاری قاجار تحت تأثیر فرهنگ و تمدن اروپایی توسعه یافت و وزارت‌خانه‌هایی مانند داخله (وزارت کشور کنونی)، خارجه، مالیه و عواید (وزارت دارایی کنونی) و عدلیه اعظم (وزارت دادگستری کنونی) به وجود آمدند که همگی تحت نظارت صدراعظم قرار داشتند.

در دوره قاجار دو نظام قضایی وجود داشت :

۱- محاکم گرفتار کنونی می‌گردند. این محاکم، تشکیلاتی حکومتی بودند و توسط قضات و مأمورانی که از حکومت حقوق می‌گرفتند، اداره می‌شدند.

۲- محاکم شرع که بیشتر دعاوی حقوقی و مدنی مانند دعواهای ملکی، خانوادگی و ارث را حل و فصل می‌کرد. قضات این محاکم، روحا نیون بودند و طرفین دعوی هزینه‌های رسیدگی را پرداخت می‌کردند.

امیرکبیر در نظام قضایی اصلاحاتی به وجود آورد. با تأسیس وزارت عدله، محاکم عرف نفوذ بیشتری پیدا کردند.

برقراری نظم و امنیت در شهرها بر عهده کلانتر بود که به کمک داروغه و میرشب امنیت و آرامش را در شهرها برقرار می‌کرد. همچنین وی بر چگونگی گرفتن مالیات و نحوه خرید و فروش اهل بازار نیز نظارت داشت. منصب کلانتر در بیشتر شهرها موروثی بود و او برای نظارت بهتر در هر محله یک نفر را به عنوان کدخداباشی منصوب می‌کرد. افرادی نیز با عنوان محتسب، داروغه و گزمه زیرنظر کلانتر مشغول فعالیت بودند. وظایف کلانتر، بعد از تشکیل نیروی نظمیه در زمان ناصرالدین شاه، به رئیس نظمیه سپرده شد.

- ۱- انگیزه آقامحمدخان قاجار از سفر به مشهد بعد از تاج‌گذاری چه بود؟
- ۲- چرا فتحعلی‌شاه در مقابله با دخالت بیگانگان عاجز ماند؟
- ۳- علت آنکه قائم مقام فراهانی از صدارت معزول شد و به قتل رسید، چه بود؟
- ۴- چرا شاهان قاجار همیشه نمی‌توانستند از قدرت استبدادی خود استفاده کنند؟
- ۵- دلایل واگذاری امتیازات اقتصادی به بیگانگان در زمان ناصرالدین‌شاه چه بود؟
- ۶- جایگاه صدراعظم را در دیوان‌سالاری عصر قاجار شرح دهید.

اندیشه و جستجو

- ۱- به نظر شما چرا مقام صدارت در ایران عصر قاجار متزلزل بود و کارآیی لازم را نداشت؟
- ۲- درباره یکی از سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا مطلبی تهیه کنید.

درس ۱۵

روابط خارجی ایران در دوره قاجار (از آغاز تا پایان عصر ناصرالدین‌شاه)

مقدمه

همزمان با تشکیل حکومت قاجار در ایران قدرت‌های اروپایی بر تکاپوهای استعماری خود افزودند. به طور مشخص دولتهای انگلستان، روسیه و فرانسه رقابت سیاسی، نظامی و اقتصادی شدیدی را برای تسلط بر دیگر کشورها از جمله ایران آغاز کردند. شاهان قاجار که شناخت چندانی از اهداف و اغراض قدرت‌های استعماری نداشتند، اسیر مکر و مهارت سیاسی سیاستمداران بیگانه شدند و با پذیرش شکست و دادن امتیازات متعدد سیاسی و اقتصادی، غرور ملی ایرانیان را جریحه دار کردند. در این درس روابط خارجی ایران در عصر قاجار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) روابط ایران و انگلستان

تلاش برای توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی در ایران: رقابت‌های استعماری روسیه، انگلستان و فرانسه در قرن ۱۹/۱۳ ق. ایران را به کانون توجه سیاستمداران انگلیسی تبدیل کرد. انگلستان به منظور تحقق اهداف زیر، پیاپی سفیرانی را روانه دربار قاجار کرد:

۱- ایران را از اتحاد با رقیبان و دشمنان انگلستان باز دارد.

۲- از ایران به عنوان پایگاه دفاعی برای حفظ هندوستان استفاده کند.

۳- با تسلط بر بازار ایران، زمینه وابستگی اقتصادی کشور ما را فراهم آورد.

انگلستان برای نفوذ به دربار ایران از سفیرانی بهره می‌برد که با اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران آشنا بودند و نقاط ضعف و قوت دولتمردان ایرانی را به خوبی می‌شناختند. سِر جان ملکم^۱ که سه بار

۱- Sir John Malkom

به ایران آمد، به زبان فارسی سلطنت داشت و با دادن هدیه‌های زیادی به درباریان و شخصیت‌های متنفذ حکومت قاجار، نظر مساعد آنان را جلب کرد. سر هاردموردنز^۱ نیز باذل و بخشش فراوان، قرارداد مجمل را با فتحعلی شاه منعقد کرد. سر گوراوزلی^۲ سفیر بعدی انگلستان نیز بازیرکی و چاپلوسی فراوان، نه تنها ایران را به تسليم شدن در برابر روسیه واداشت، بلکه زمینه انعقاد قرارداد مفصل را فراهم آورد.

مهم‌ترین تعهدات دوکشور در قرارداد مفصل عبارت بودند از :

- ۱- ایران به هیچ کشور اروپایی اجازه عبور از خاک خود را برای رفتن به هندوستان ندهد.
- ۲- ایران از حمله افغانان به هندوستان جلوگیری کند.
- ۳- در صورت حمله یک کشور اروپایی به ایران، انگلستان به ایران کمک مالی و نظامی نماید. اما گذشت زمان نشان داد که انگلستان به هیچ یک از تعهدات خود نسبت به ایران پایبند نیست. این کشور در جریان دور دوم جنگ‌های ایران و روس از هر نوع مساعدتی به ایران خودداری ورزید و وزیر مختار آن کشور، فتحعلی شاه را به صلح با روس‌ها و امضای قرارداد ننگین ترکمانچای وادار کرد.

یک توضیح

تزویر و نفاق انگلیسیان

بعد از آنکه ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۱۴/۹/۱۲ م. ق. از نیروهای متحدین شکست خورد و به جزیره الب تبعید شد، سر گوراوزلی به دولت متتابع خود نوشت: «اکنون که ناپلئون تبعید و سرحدات هندوستان تأمین شده است، بهتر است ایران در همان حال توحش و بربریت باقی بماند».

هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران (از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی)، ص ۲۴۰.

دیسیسه برای جداسازی سرزمین‌های شرق ایران : دولت انگلستان در اوآخر دوران سلطنت فتحعلی شاه، برخلاف تعهدات خود در قراردادهای مفصل و تهران، در صدد برآمد افغانستان و بخشی از سیستان و بلوچستان را از ایران جدا کند. هدف آن کشور از این اقدام، ایجاد منطقه‌ای تحت نفوذ

۱- Sir Hardford Jones

۲- Sir Gore ouseley

و سلطه خود در مرزهای هندوستان بود. به همین منظور انگلیسی‌ها به تحریک افغانان پرداختند و حاکم هرات را تشویق کردند که از فرمان حکومت ایران سریع‌چی کند. گرچه عباس میرزا با قاطعیت یاغیان را سرکوب و فرزند خود محمدمیرزا را مأمور تسخیر هرات کرد، اما با مرگ ناگهانی ولی‌عهد ایران، کار فتح هرات ناتمام باقی ماند.

محمدشاه سه سال بعد از تاج‌گذاری، عازم فتح هرات شد و این شهر را به مدت ۱۰ ماه محاصره کرد. انگلستان برای جلوگیری از تصرف هرات توسط سپاه قاجار، به جنوب ایران حمله و جزیره خارک را اشغال کرد. شاه قاجار مأیوس از کمک روسیه، ناگزیر به محاصره هرات پایان داد و انگلیسی‌ها با انعقاد قراردادی، حاکم آنجا را تحت حمایت مستقیم خود گرفتند.

روابط ایران و انگلستان در عصر ناصرالدین‌شاه نیز بار دیگر به سبب مسئله هرات تیره شد. هنگامی که سپاه ایران آن شهر را محاصره کرد، نیروهای انگلیسی به بوشهر و خرمشهر هجوم آوردند و شاه قاجار را وادر به قبول معاہده پاریس و جدا شدن افغانستان و هرات از ایران کردند. افزون بر آن، انگلستان با هدف تثبیت مرزهای غربی هندوستان، بخش‌هایی از سرزمین‌های ایرانی در مناطق بلوچستان و سیستان را تصرف کرد. سپس ژنرال گلدا سمیت را روانه ایران کرد که درباره تعیین خطوط مرزی در مناطق مذکور با حکومت قاجار مذاکره کند. با موافقت ناصرالدین‌شاه، گلدا سمیت به عنوان حکم تعیین شد و او بلوچستان و سیستان را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرد که بخش شرقی نصیب انگلستان شد.

انگلستان همچنین از طریق تسلط نظامی بر خلیج فارس، بحرین را نیز عملاً از ایران جدا کرد و تحت الحمایه خود درآورد.

اخذ امتیازات اقتصادی: عزل میرزا آقاخان نوری از صدارت اعظمی در دوران ناصرالدین‌شاه، نفوذ انگلستان را در ایران کاهش داد، اما انتصاب میرزا حسین‌خان سپهسالار به صدارت که همکاری با انگلیس را راهی پیشرفت ایران می‌دانست، باعث شد که چند امتیاز مهم اقتصادی به انگلیسی‌ها واگذار شود. مهم‌ترین اینها، امتیاز رویتر بود که به موجب آن حق احداث راه‌آهن، بهره‌برداری از معادن (به‌جز طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی) و جنگل‌ها و احداث کانال‌های آبیاری به مدت ۷۰ سال و اداره گمرکات به مدت ۲۵ سال به بارون جولیوس رویتر^۱ واگذار گردید.

همچنین در سفر سوم ناصرالدین‌شاه به اروپا، امتیاز انحصار خرید و فروش توتوون و تباکوی ایران در برابر پائزده هزار لیره و یک چهارم سود سالانه به مدت ۵۰ سال، به یک فرد انگلیسی به نام

تالبوت^۱ واگذار شد.

ایران در دوره قاجار نه تنها از رابطه با انگلستان منفعتی به دست نیاورد، بلکه آن کشور با استفاده از سیاست تطمیع و تهدید بر دامنه نفوذ استعماری خود در کشور ما افزود. مهم‌ترین قاردادهای منعقد شده با انگلستان و امتیازات داده شده به انگلیسی‌ها در دوره قاجار

نام قرارداد	نام شاه ایران	تاریخ انعقاد قرارداد
قرارداد مجلل	فتحعلی‌شاه	۱۲۲۴ق. ۱۸۰۹ش./م.
قرارداد مفصل	فتحعلی‌شاه	۱۲۲۷ق. ۱۸۱۲ش./م.
قرارداد تهران	فتحعلی‌شاه	۱۲۲۹ق. ۱۸۱۴ش./م.
قرارداد پاریس	ناصرالدین‌شاه	۱۲۷۳ق. ۱۲۳۶ش./م. ۱۸۵۷
امتیاز تلگراف	ناصرالدین‌شاه	۱۲۷۹ق. ۱۲۴۱ش./م. ۱۸۶۲
امتیاز رویتر	ناصرالدین‌شاه	۱۲۸۹ق. ۱۲۵۰ش./م. ۱۸۷۲
امتیاز کشتیرانی در کارون	ناصرالدین‌شاه	۱۳۰۶ق. ۱۲۶۷ش./م. ۱۸۸۹
امتیاز لاتاری	ناصرالدین‌شاه	۱۳۰۶ق. ۱۲۶۷ش./م. ۱۸۸۹
امتیاز بانک شاهنشاهی	ناصرالدین‌شاه	۱۳۰۶ق. ۱۲۶۷ش./م. ۱۸۸۹
امتیاز توتون و تباکو	ناصرالدین‌شاه	۱۳۰۷ق. ۱۲۶۸ش./م. ۱۸۹۰

(ب) روابط ایران و روسیه

حکومت روسیه از زمان پطرکبیر^۲ (بنیانگذار روسیه نوین)، سیاست توسعه طلبانه همه‌جانبه‌ای را در پیش گرفت. هدف این سیاست تبدیل روسیه به یک قدرت برتر جهانی در رقابت با دیگر دولت‌های اروپایی بود. به همین منظور، دست‌یابی به آب‌های آزاد و گرم خلیج فارس و اقیانوس هند یکی از اهدافی بود که توسط پطر طراحی شد و در صدر برنامه‌های توسعه طلبانه فرمانروایان روس قرار گرفت.

ضعف حکومت مرکزی ایران از زمان شاه سلطان حسین آخرین شاه صفوی، انگیزه روس‌ها را برای تهاجم به نواحی شمالی ایران بیشتر کرد. اقتدار نظامی ایران در زمان نادرشاه افسار و سپس آقامحمدخان قاجار، برای مدت کوتاهی حاکمان روسی را از حمله به مرزهای ایران بازداشت. اما در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار و پس از آن که حاکم گرجستان خود را تحت حمایت روسیه قرار

۱— Talbot

۲— ۱۶۷۲م. ۱۷۲۵

داد، روس‌ها نیروهای نظامی خود را به منطقه فرقان اعزام و گرجستان را تصرف کردند. تهاجم نظامی روسیه به این منطقه که اهمیت حیاتی برای ایران داشت، باعث بروز دو دوره جنگ، میان دو کشور شد.

۱—دور اول جنگ‌های ایران و روسیه : دور اول جنگ‌های ایران و روسیه که تزدیک به ۱۰ سال طول کشید^۱، در نهایت به سبب ضعف سیاسی و نظامی ایران، به پیروزی روسیه انجامید و حکومت قاجار مجبور به امضای قرارداد گلستان شد. طبق مفاد آن قرارداد، نه تنها بخش‌هایی از نواحی شمالی میهن ما، شامل ولایات گرجستان، داغستان و اران و شهرهای چون تفلیس، دربند، باکو، گنجه، شکی، شیروان و ... به روسیه واگذار گردید، بلکه ایران از داشتن نیروی دریایی در دریای خزر نیز محروم شد.



یک نقاشی از صحنه جنگ ایران و روسیه

۲—دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه : مشخص نبودن خطوط مرزی در عهدنامه گلستان، نارضایتی مردم مسلمانی که زیر سلطه روس‌ها قرار گرفته بودند و در نهایت ناخشنودی و نارضایتی مردم ایران از مفاد قرارداد گلستان، موجب شروع دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه^۲ شد. فتوای جهاد علما نیز ایرانیان را مهیای نبرد کرد. در آغاز نیروهای ایرانی به فرماندهی عباس‌میرزا در کمتر از یک ماه تمام شهرهای اشغال شده را باز پس گرفتند؛ اما در ادامه، شرایط به سود روسیه و به ضرر ایران تغییر کرد. سرانجام این دور از جنگ‌ها نیز با شکست سپاه قاجار و پذیرش معاهده ننگین ترکمنچای پایان گرفت.

۱—از سال ۱۲۱۸ تا ۱۲۲۸ ق. ۱۱۹۲ تا ۱۲۰۳ ش. / ۱۸۱۳ تا ۱۸۰۳ م.

۲—از سال ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ ق. ۱۲۰۴ تا ۱۲۰۶ ش. / ۱۸۲۸ تا ۱۸۲۶ م.

مهم‌ترین دلایل شکست نظامی ایران از روسیه عبارت‌اند از :

- ۱- عدم حمایت مالی فتحعلی شاه از سپاه عباس‌میرزا
- ۲- کمبود تسلیحات و تجهیزات نظامی سپاهیان ایران
- ۳- عدم اطاعت و عدم حمایت شاهزادگان حاکم در ولایات از عباس‌میرزا
- ۴- بی‌کفایتی برخی فرماندهان سپاه ایران مانند آصف‌الدوله
- ۵- پایان یافتن جنگ‌های روسیه و عثمانی و آمدن ژنرال پاسکویچ^۱ فرمانده کل سپاه روس به جبهه ایران

به موجب عهدنامهٔ ترکمانچای، افزودن بر مناطق و شهرهایی که در عهدنامهٔ گلستان از ایران جدا شده بودند، شهرهای ایروان و نجوان و بخشی از دشت مغان نیز به روسیه داده شد. همچنین ایران متعهد شد که ۵ میلیون تومان غرامت به روسیه پرداخت کند و به اتباع آن کشور در ایران، حق مصونیت قضایی (کاپیتو لاسیون)^۲ بدهد. علاوه بر آن، روس‌ها یک قرارداد تجاری را نیز ضمیمهٔ عهدنامهٔ ترکمانچای کردند که اقتصاد و بازار ایران را عملاً در اختیار آنان قرار می‌داد.



ملاقات عباس‌میرزا با فرمانده نیروهای روسیه

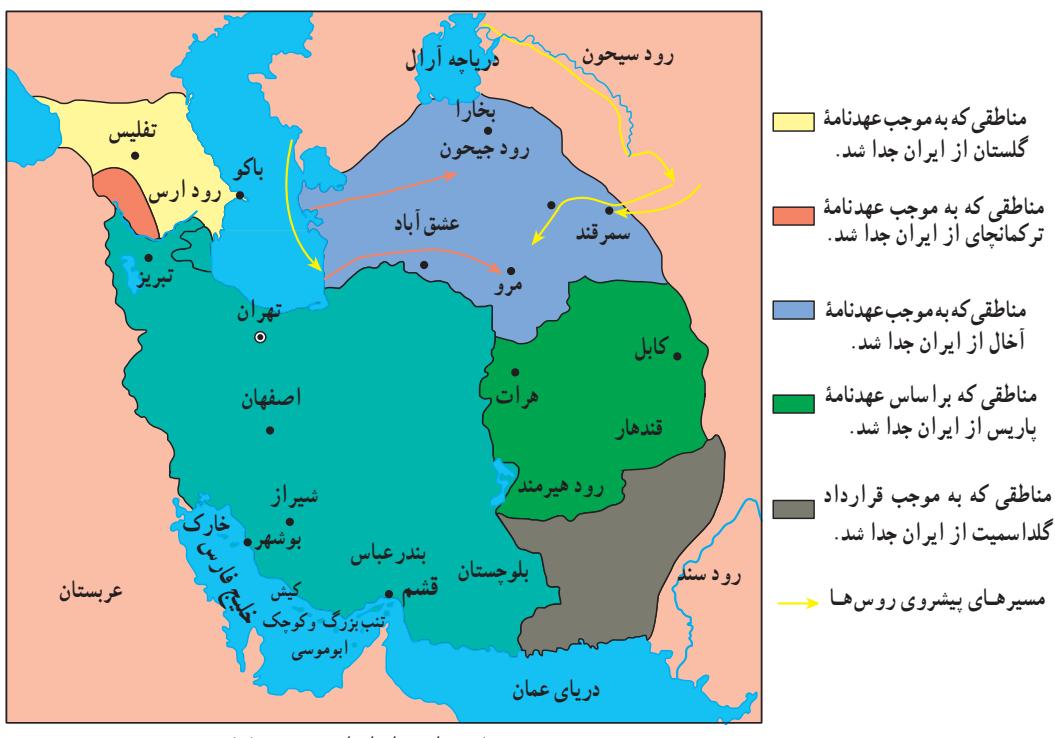
این قرارداد در ایران پیامدهای متفاوتی را به همراه داشت. شاه و سیاستمداران ایرانی دچار یأس و سرخوردگی شدند، اما مردم خشم و کینه خود را تئارالکساندر گریبایدوف سفیر روسیه کردند که با کبر و غرور فراوان به تهران آمده بود تا ناظر اجرای مفاد قرارداد ترکمانچای باشد. پیامد بلندمدت

۱- Ivan. G. Paskiewitch

۲- Capitulation

قرارداد ترکمانچای، افزایش نفوذ و دخالت سیاسی و اقتصادی روسیه در ایران بود. روسیه در زمان محمدشاه قاجار به ظاهر رابطه دوستانه‌ای با ایران برقرار کرد. روس‌ها برای منحرف کردن توجه زمامداران ایران از سرزمین‌هایی که در دو عهدنامه گلستان و ترکمانچای به آن کشور واگذار شده بود، شاه قاجار را برای لشکرکشی به هرات تشویق می‌کردند. این سیاست در زمان ناصرالدین شاه نیز ادامه یافت، اما هنگامی که کشور ما به دلیل محاصره هرات، مورد هجوم نظامی انگلستان قرار گرفت، روسیه هیچ کمکی به ایران نکرد.

روسیه سرزمین‌های ایرانی، شرق دریای خزر (خوارزم و ماوراءالنهر) را نیز بدون مذاہمت جدی تسخیر و تصرف کرد و با انعقاد قرارداد آخال^۱ میان روسیه و ایران، حکومت قاجار حاکمیت روس‌ها بر مناطق مذکور را به رسمیت شناخت و رود اترک مرز میان دو کشور تعیین شد. امیازهای تأسیس بانک استقراضی، تشکیل نیروی قزاق و شیلات شمال، مهم‌ترین امیازاتی بودند که روس‌ها در دوران ناصرالدین شاه از ایران گرفتند.



. م ۱۲۹۹ – ق. ۱۸۸۱

به نظر شما تأثیر قراردادهای گلستان، ترکمنچای و آخال بر موقعیت ایران در دریای

خزر چگونه بوده است؟

ج) روابط ایران و فرانسه

همان‌گونه که در درس پنجم خواندید، ناپلئون بناپارت پس از رسیدن به مقام امپراتوری فرانسه با دولت‌های بزرگ اروپایی وارد جنگ شد. او به سبب آن که قادر به شکست دادن انگلستان در اروپا نبود، تصمیم گرفت که مستعمرات آن کشور را مورد هجوم قرار دهد. به همین منظور حمله به مصر و هندوستان در اولویت برنامه‌های او قرار گرفت. ایران تنها راه زمینی برای رسیدن به هندوستان بود و ناپلئون برای تحقق این هدف خواهان برقراری روابط سیاسی با دربار قاجار شد. هیئت اعزامی ناپلئون هنگامی وارد ایران شد که آقامحمدخان به قتل رسیده بود و حاج ابراهیم خان کلانتر نیز حاضر به مذاکره با آن هیئت نشد. امپراتور فرانسه مجدداً سفیران دیگری را برای ایجاد ارتباط سیاسی به ایران فرستاد. این اقدامات فتحعلی‌شاه را قانع کرد که فرانسه می‌تواند متحد خوبی برای ایران در جنگ با روسیه باشد. از این‌رو، نماینده خود را برای انعقاد پیمان دوستی نزد ناپلئون در لهستان فرستاد و قرارداد فین‌کشتاین^۱ را با فرانسه امضاء کرد. طبق مفاد آن قرارداد، ناپلئون متعهد شد به ایران کمک نظامی کند و فتحعلی‌شاه نیز تعهد کرد که به فرانسه اجازه دهد از خاک ایران برای حمله به هندوستان استفاده نماید. شاه قاجار در اولین اقدام، دستور داد تا انگلیسی‌ها خاک ایران را ترک کنند و جزیره خارک به فرانسه واگذار شود. هیئتی نظامی از فرانسه به ایران آمد و آموزش نظامی سپاهیان ایران را به‌عهده گرفت؛ ناپلئون، همچنین مقداری تجهیزات نظامی به ایران فرستاد. اتحاد سیاسی و نظامی ایران و فرانسه کوتاه مدت بود؛ زیرا ناپلئون برخلاف تعهداتی که به ایران داده بود، با روسیه صلح کرد و فتحعلی‌شاه برای مقابله نظامی با روس‌ها، ناگزیر بار دیگر به انگلستان متossl شد. در زمان سلطنت محمدشا، دو کشور ایران و فرانسه برای برقراری مناسبات و توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گام‌هایی برداشتند، اما در اثر تحریکات روسیه و انگلستان، توفیقی حاصل نشد. روابط ایران و فرانسه در زمان ناصرالدین‌شا و صدرارت امیرکبیر نیز به سبب اصرار صدراعظم

بر حفظ منافع ایران و لجاجت سفير فرانسه به سردی گرایید. لیکن در زمان ناپلئون سوم روابط میان دو کشور دوستانه شد و دولت فرانسه در جریان سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا، به گرمی از او استقبال و پذیرایی کرد. پس از آن روابط ایران و فرانسه بیشتر جنبه فرهنگی داشت. امتیاز حفاری در شوش به یک گروه باستانشناس فرانسوی داده شد. همچنین این کشور پذیرای دانشجویان ایرانی بود که برای تحصیل به خارج می‌رفتند.

بیشتر بدانیم

قرارداد فروش آثار باستانی!

قراردادهای ایران با دولتهای استعماری تنها به مسائل سیاسی و اقتصادی منحصر نبود؛ بلکه از اواخر دوران ناصرالدین شاه به حوزه فرهنگی نیز کشیده شد. در این زمان ژان دیولاوفوا^۱ فرانسوی به کمک سفير فرانسه در تهران، قراردادی برای حفاری و استخراج آثار باستانی در شوش با دولت ایران منعقد کرد. وی به همراه همسرش و عده‌ای از متخصصان باستانشناس فرانسوی به ایران آمد و مدت دو سال به کاوش‌های علمی در شوش پرداخت. طی این مدت، دیولاوفوا قسمت مهمی از آثار ارزشمند دوره‌های تاریخی پیش از اسلام (ایلام – هخامنشی) را کشف کرد و به فرانسه انتقال داد. همسر او مدام دیولاوفوا در سفرنامه‌خود، مقدار این آثار را ۲۵۰ صندوق نوشته است. این آثار امروزه در موزه‌های اروپایی، به ویژه «موزه لوور»^۲ پاریس نگهداری می‌شوند.

د) روابط ایران و عثمانی

در دوره قاجار به سبب گفتاری ایران در مراتزهای شمالی و مشکلات عثمانی در شرق اروپا، تنش و درگیری میان دو حکومت نسبت به دوران قبل به طرز محسوسی کاهش یافت. تنها در اواخر سلطنت فتحعلی شاه، عباس‌میرزا برای تثبیت مراتزهای غربی ایران به آن سمت لشکر کشید و تا بغداد پیش روی کرد. گرچه با درخواست عثمانی، قرارداد ارزنة‌الروم اول میان دو کشور منعقد شد اما اختلافات مرزی

در زمان سلطنت محمدشاه نیز ادامه پیدا کرد و بی احترامی عثمانی‌ها به مقابر ائمه اطهار علیهم السلام و کشتار شیعیان در کربلا، زمینه تیرگی روابط میان دو کشور را فراهم کرد. سرانجام با وساطت روسیه و انگلستان و تلاش نماینده ایران (میرزا تقی خان امیرکبیر)، قرارداد ارزنه‌الروم دوم میان دو کشور منعقد شد و اختلافات مرزی ایران و عثمانی فروکش کرد.

ه) روابط ایران و سایر کشورها

حکومت قاجار به منظور کاستن از فشارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی روسیه و انگلستان، تلاش‌های محدودی، را برای ایجاد رابطه با چندین کشور آغاز کرد. به همین منظور سفیرانی به آمریکا، اتریش، ایتالیا، بلژیک اعزام شدند و تمایل حکومت ایران را برای برقراری روابط ابراز کردند، اما به دلایلی چون بُعد مسافت و بی‌رغبتی این کشورها، ایران قادر به ایجاد رابطه سیاسی جدی با آنها نشد. بنابراین، روز به روز بر دامنه نفوذ و مداخله روسیه و انگلیس در ایران افزوده شد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- انگلستان در دوره قاجار چه اهدافی را در ایران دنبال می‌کرد؟
- ۲- شهر هرات چگونه از ایران جدا شد؟
- ۳- کدام یک از امتیازات واگذار شده به انگلستان تأثیر زیادی بر رویدادهای بعدی ایران داشت؟ چرا؟
- ۴- چرا ایران در دور دوم جنگ با روسیه شکست خورد؟
- ۵- روابط ایران و فرانسه در عصر فتحعلی شاه را در سه سطر خلاصه کنید.

اندیشه و جستجو

- به نظر شما عکس العمل حکومت قاجار در برابر تهاجم سیاسی و نظامی دولتهای روسیه و انگلستان به ایران چگونه بود؟ تحلیل خود را در پنج سطر بنویسید.

درس ۱۶

اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران قاجار (از آغاز حکومت تا انقلاب مشروطه)

مقدمه

ایرانیان دارای پیشینهٔ فرهنگی و تمدنی عظیم و برجسته‌ای هستند. برخورد و ارتباط گسترده‌ای که در عصر قاجار میان کشور ما و کشورهای اروپایی رخ داد، شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار داد. در این درس اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران و دگرگونی‌های آن، از تشکیل حکومت قاجار تا انقلاب مشروطه بررسی و تحلیل می‌شود.

اوضاع اجتماعی

(الف) ترکیب جمعیتی: جمعیت ایران که در ابتدای دوران قاجار، در حدود ۵ تا ۶ میلیون نفر تخمین زده می‌شود، در پایان آن دوره به حدود ۱۲ میلیون نفر رسید. حدود ۴۰٪ این جمعیت را ایلات و عشایر، ۴۰٪ دیگر آن را روستاییان و ۲۰٪ باقیمانده را شهرنشینان تشکیل می‌دادند. از شهرهای مهم این دوره می‌توان تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز، کرمان و کاشان را نام برد.

در عصر قاجار نیز همانند دوران پیش از آن، ساکنان ایران زمین را گروه‌ها و اقوام گوناگونی تشکیل می‌دادند. اگرچه برخی تفاوت‌های زبانی و مذهبی در میان این اقوام وجود داشت، اما همه آنها خود را ایرانی می‌دانستند و به فرهنگ و تاریخ ایران دلبستگی و علاقه بسیار داشتند.

(ب) قشرها و سلسله مراتب اجتماعی: در شهرها روحانیون، شاهزادگان، فرماندهان نظامی، زمینداران بزرگ، دیوانیان و بازرگانان از جایگاه و منزلت بالایی برخوردار بودند. در مرتبه بعدی اصناف و پیشه‌وران جای می‌گرفتند.

در رأس نهاد روحانیت، مجتهدان قرار داشتند که قدرت معنوی و نفوذ اجتماعی آنان حتی از پادشاهان قاجار نیز بزر بود. آنان در مقابل ظلم و ستم مأموران حکومتی از مردم دفاع می کردند و منزلشان پناهگاه افراد مظلوم و بی پناه بود. از مجتهدان معروف این دوره می توان میرزا ابوالقاسم قمی، میرزا محمد علی بهبهانی و میرزا حسن آشتیانی را نام برد.



خانواده‌ای زرتشتی در دوره قاجار

ایجاد کارخانه‌های صنعتی نیز قشر جدید کارگران را به جمیعت شهری ایران افزود. همچنین در برخی شهرها اقلیت‌های دینی زرتشتی، مسیحی و یهودی در محله‌های مخصوص به خود زندگی می کردند.

اگرچه مردان جایگاه و نقش اجتماعی و اقتصادی شاخص‌تری در خانواده و جامعه داشتند، اما این مطلب به معنای عدم حضور زنان در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی نبود. برخی زنان حرم‌سرا صاحب قدرت و نفوذ فراوان بودند. به علاوه زنان شهری در جنبش‌های اجتماعی و فکری و فرهنگی حضور مؤثری داشتند.

در روستاهای نیز بالاترین مرتبه و جایگاه اجتماعی از آن کم خدا بود که معمولاً از بین افراد با تجربه و متمول مورد تأیید حکومت انتخاب می شد. در جامعه عشايری نیز رؤسای ایل، قبیله، طایفه و خاندان‌ها، قدرت و نفوذ سیاسی و اجتماعی بسیاری داشتند و تقریباً همه امور عشاير زیر نظر مستقیم آنها انجام می شد.

ج) جنبش‌های اجتماعی : شکست‌های سیاسی و نظامی حکومت قاجار از دولت‌های روسیه و انگلستان، انعقاد قراردادهای تنگین و نیز دخالت‌های آشکار آنها در امور داخلی ایران، خشم و نفرت مردم ایران را برانگیخت. ایرانیان هرگاه بهانه و فرصت مناسبی به دست می آوردند، اعتراض و نارضایتی خود را نسبت به سیاست‌های استعماری انگلستان، روسیه و عوامل آنها نشان می دادند.

مهم‌ترین این جنبش‌ها، اعتراض‌هایی بود که نسبت به دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران و مخصوصاً واگذاری امتیازات اقتصادی به دولت‌های استعماری بروز کرد. اعتراض به امتیاز رویتر و نهضت تباکو از جمله چنین جنبش‌هایی است.

۱- اعتراض به امتیاز رویتر : در زمان ناصرالدین شاه و با تلاش میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم وقت، امتیاز بهره‌برداری از منابع طبیعی ایران به فردی انگلیسی به نام رویتر واگذار شد. مردم ایران به رهبری حاج ملا علی کنی به شدت نسبت به چنین امتیازی اعتراض کردند؛ دولت روسیه نیز در رقابت با انگلستان با آن امتیاز به مخالفت پرداخت. در نتیجه تشدید اعتراض‌ها و مخالفت‌ها، شاه، امتیاز را لغو و صدراعظم را نیز برکنار کرد.

۲- مخالفت با قرارداد تالبوت : در سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا، فردی انگلیسی به نام تالبوت، امتیاز خرید و فروش توتون و تباکوی ایران را با دادن هدایای بسیار به شاه و همراهان او به دست آورد.^۱ مأموران و کارمندان شرکتی که تالبوت به اسم رژی در ایران تأسیس کرده بود، علاوه بر بازاریابی، به تبلیغ مسیحیت و ساختن کلیسا پرداختند. آنان برخلاف مقاد قرارداد رفتار بسیار بدی را با کشاورزان و تجار ایرانی در پیش گرفتند. بازرگانان نیز از پیامدهای اقتصادی امتیاز رژی بسیار ناخشنود بودند. آیت الله سید علی اکبر فال اسیری در شیراز، آیت الله میرزا جواد آقا مجتهد در تبریز و میرزا حسن آشتیانی در تهران در مخالفت با واگذاری امتیاز قیام کردند. سید جمال الدین اسدآبادی نیز با نگارش نامه‌ای به آیت الله میرزا حسن شیرازی، مرجع نامدار شیعیان در نجف، خطر امتیاز رژی را به ایشان یادآور شد. این مرجع تقلید در ابتدا پیامدهای زیان‌بار امتیاز مذکور را به ناصرالدین شاه گوشزد کرد، اما به سبب بی‌اعتنایی شاه به آن موضوع، حکم تحریم توتون و تباکو را به این شرح صادر کرد :

**«اليوم استعمال توتون و تباکو بآی نحو کان در حکم محاربه با
امام زمان عج الله تعالی است.»**

این فتوای سرعت در نقاط مختلف ایران منتشر شد و همه اشار و گروه‌های اجتماعی از آن تبعیت کردند. حتی زنان حرم‌سرا نیز به تبعیت از حکم شرعی مرجع تقلید، قلیان‌ها را شکستند. با اوج گرفتن جنبش، ناصرالدین شاه مجبور به لغو امتیازنامه و برداخت غرامت و خسارت به تالبوت شد.

۱- امتیاز توتون و تباکو به دلیل نام گیرنده امتیاز، به امتیاز تالبوت و به سبب شرکت رژی که برای اجرای مقاد امتیازنامه تأسیس شد، به امتیاز رژی معروف شد.



تصرف مرکز رژی در تهران توسط تعدادی از روحانیون و تجار

جنبیش تباکو نتایج سیاسی و اجتماعی مهمی داشت :

- ۱- حضور اقشار مختلف، به ویژه زنان در جنبیش تباکو موجب اتحاد بیشتر قشرهای مختلف مردم شد.
- ۲- جنبیش تباکو اولین حرکت جدی مردم ایران در رهایی از استبداد داخلی و وابستگی خارجی بود.

۳- این جنبیش زمینه و شرایط را برای شکل‌گیری نهضت مشروطه فراهم آورد. افزون بر اعتراض‌ها و جنبیش‌های مذکور، کمبود و گرانی مواد غذایی از جمله نان نیز بارها موجب شورش‌های اجتماعی در شهرها شد. یکی از این اعتراض‌های مردمی در اصفهان، موقعیت شاهزاده ظل السلطان را به مخاطره انداخت.

علاوه بر اینها، در عصر قاجار برخی از فرقه‌های مذهبی نیز موجب آشوب و بلواهایی در کشور شدند. دولت‌های استعماری، مخصوصاً انگلستان در این آشوب‌ها نقش مستقیم یا غیرمستقیم داشتند. از آن جمله، آشوب رهبر فرقه اسماعیلیه (آفاخان محلاتی) و فتنه سید علی محمد باب بود که برای مدتی در زمان محمد شاه و ناصرالدین شاه، حکومت قاجار را به خود مشغول کرد.

اوپرای اقتصادی

(الف) فعالیت‌های اقتصادی

- ۱- کشاورزی : با وجود برخی اقدامات عمرانی مانند احداث قنات‌ها و نهرها در دوره قاجار، اوضاع کشاورزی ایران چندان مساعد نبود. جنگ‌های ایران و روسیه و از دست دادن بخشی از بهترین زمین‌های کشاورزی در قراردادهای گلستان و ترکمنچای نیز شرایط کشاورزی ایران را

بدتر کرد. با این حال کشاورزی مهم‌ترین فعالیت اقتصادی در ایران به شمار می‌رفت که عمدتاً توسط روستانشینان انجام می‌شد. عمدۀ محصولات کشاورزی شامل: گندم، جو، پنجه، انواع میوه، برنج، ابریشم، توتون و تنباقو بود.

بیشتر زمین‌های مرغوب و حاصلخیز در اختیار حکومت قاجار، خاندان سلطنتی، صاحب منصبان دولتی و فرماندهان نظامی بود. بخش وسیعی از زمین‌های کشاورزی نیز وقف شده بودند. کشاورزان به ندرت مالک زمین بودند، اکثر آنان روی زمین‌های حکومتی، اربابی و وقفی کار می‌کردند و سهم کمی از محصول نصیب آنان می‌شد.

کمبود سرمایه، نبود ماشین‌آلات کشاورزی مناسب، نظام آبیاری نامناسب، وقوع خشکسالی، بی‌قانونی و اجحافات مالیاتی، از مهم‌ترین علل کندی پیشرفت کشاورزی در عصر قاجار بود.

۲ - دامداری: شغل اصلی جامعه ایلیاتی و عشایری دامداری بود. عشایر علاوه بر تأمین نیازهای غذایی، از مو و پشم دام‌ها نیز فرش، پارچه و چادر می‌بافتند. آنها مازاد مصرف خود را به روستاییان و شهرنشینان می‌فروختند.

۳ - صنعت: پس از سقوط حکومت صفویه، صنایع دستی ایران نیز رو به افول نهاد. در دوران حکومت قاجار به دلیل ورود بی‌رویه کالاهای اروپایی، بخش مهمی از صنایع کارگاهی و دستی ایران، مخصوصاً صنایع بافندگی و نساجی دچار رکود و سپس نابودی شد. در این میان فقط صنعت قالی‌بافی ایران به دلیل کیفیت طرح و بافت و نبود نمونه خارجی مشابه، همچنان رونق و مشتریان داخلی و خارجی خود را حفظ کرد.



رونق صنعت قالی‌بافی در دوره قاجار

قالیچه ابریشمی نفیس بافت
کاشان متعلق به دوره قاجار

البته در نتیجه اقدامات امیرکبیر چندین کارخانه نساجی، کاغذسازی، شیشه‌گری، سفالسازی و تفنگسازی در ایران تأسیس شد.

۴- تجارت: بازرگانی و تجارت با ثبات و امنیت داخلی و بین‌المللی رابطه مستقیم داشت. در عصر قاجار، بازرگانی ایران به دلیل وجود امنیت نسبی در داخل کشور و گسترش انقلاب صنعتی اروپا روند صعودی یافت. در ابتدای دوره قاجار، انگلستان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران بود. در نیمه دوم قرن ۱۹ق. / ۱۳۰۰م. روسیه به سبب امتیازاتی که در فرارداد ترکمانچای و پس از آن از ایران گرفت، نفوذ اقتصادی خود را در کشور ما افزایش داد و تبدیل به شریک اصلی تجاری ایران شد. صادرات ایران در آن دوره بیشتر محصولات کشاورزی، تولیدات دامی، پارچه و قالی بود. تجهیزات نظامی، برخی فلزات مانند طلا و نقره، قند و چای، نیز از مهم‌ترین کالاهای وارداتی ایران به شمار می‌رفتند.

ب) راه‌ها و وسایل حمل و نقل

راه‌های اصلی ایران در دوره قاجار عبارت بود از:

۱- قسمتی از راه ابریشم یعنی راه تبریز به مشهد از طریق قزوین، تهران و نیشابور

۲- راه‌های ارتباطی تهران به خلیج فارس از طریق قم و کاشان، یزد به بندرعباس و دیگری از

طریق اصفهان و شیراز به بندر بوشهر

۳- راه ارتباطی تهران به دریای خزر از طریق قزوین و رشت

۴- راه ارتباطی تهران به بغداد از طریق همدان و کرمانشاه

ایران در دوره قاجار، فاقد راه آهن بود. رقابت‌های استعماری دولت‌های روسیه و انگلیس



حمل و نقل در عصر قاجار

مانع اساسی بر سر راه ایجاد و گسترش راه آهن در ایران به شمار می‌آمد. یکی از بزرگ‌ترین موانع و مشکلات حکومت قاجار در توسعه حمل و نقل دریایی، نداشتن کشتی و وضع نامساعد بنادر ایران بود. ناصرالدین شاه پنهان از چشم روس‌ها و انگلیسی‌ها، قرارداد ساخت دو کشتی به نام پرسپولیس و شوش را با یک شرکت آلمانی منعقد کرد.

ج) منابع درآمد حکومت قاجار

منابع درآمد حکومت قاجار را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد :

۱—مالیات

الف) مالیات بر زمین‌های کشاورزی

ب) مالیات بر احشام و اغنام و کسبه و اهل حرف

۲—درآمد‌های دیگر

الف) فروش حکومت ایالات و منصب‌های اداری

ب) عوارض گمرک، پستخانه و ضرابخانه

ج) دادن امتیازات اقتصادی به بیگانگان

د) مصادره اموال ثروتمندان و مقامات و مأموران حکومتی

بخشی از درآمدهای جمع‌آوری شده در ایالات مصرف و بقیه به مرکز فرستاده می‌شد که با کسر هزینه‌های حرمسرا، حقوق شاهزادگان، وزراء، دیوانیان و نظامیان، چیز زیادی از آن باقی نمی‌ماند تا در خزانه سلطنتی ذخیره شود. به همین دلیل حکومت قاجار همواره نیازمند وام گرفتن از بانک شاهنشاهی انگلستان و بانک استقراری روسیه بود.^۱

د) پول در دوره قاجار

در ابتدای عصر قاجار پول رایج در ایران سکه‌هایی از جنس طلا، نقره، مس و نیکل بود که بر پشت و روی آن تصویر و نام و لقب شاه وقت، حک می‌شد. امتیاز ضرب سکه طلا در اختیار شاه بود، اما سکه‌های نقره و مسی در شهرهای مانند شیراز، اصفهان، تبریز و مشهد هم ضرب می‌گردید و هر کدام ارزش و اعتبار خاصی داشت. با این حال ارزش پول در طول



سکه عصر محمد شاه قاجار

۱- عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ص ۵۸۵.

دوران حکومت قاجار سیر نزولی یافت و موجب رکود تجارت و فقر بیشتر مردم شد. واحد پولی نیز به ترتیب تoman، یوان و شاهی بود. یک تoman معادل ده یوان و یک یوان معادل بیست شاهی به حساب می‌آمد.

او ضاع فرهنگی

ایرانیان در طول تاریخ کهن خود به عنوان ملتی متمند، با فرهنگ و صاحب ادب و هنر شناخته شده‌اند. فرهنگ و ادب ایرانی همواره تابع اصول اخلاقی و باورهای دینی بوده و دین یکی از عوامل هویت بخش به شمار می‌رفته است.

الف) تربیت و پرورش

۱- خلق و خوی مردم : در عصر قاجار تربیت خانوادگی با هدف آشنا کردن کودکان با تکالیف شرعی، اصول اخلاقی و مهارت شغلی انعام می‌گرفت. پدر و مادر اولین آموزگاران فرزندان خود بودند. پسر علم و فن را از پدر می‌آموخت و دختر نیز رموز و فنون خانه‌داری را از مادر کسب می‌کرد. مساجد کانون تربیت اخلاقی و دینی به شمار می‌آمدند. بیشتر افراد جامعه علاوه‌مند بودند تا صفات خوب انسانی مانند رحم و مروت و حمایت از بینوایان را در خود شکوفا کنند. اعتماد مردم به یکدیگر نیز به حدی بود که معاملات کوچک و بزرگ فقط با قول و قرار زبانی انجام می‌شد. البته در کنار اعتقادات اصیل، باورهای غلط و اوهام و خرافات نیز رواج داشت.

۲- پوشاسک و لباس : لباس یکی از بارزترین جلوه‌های فرهنگی هر جامعه است. در دوره قاجار، لباس نه تنها یانگ شخصیت فرد بود، بلکه جایگاه و مرتبه اجتماعی او را نیز مشخص می‌کرد. پوشاسک ایرانیان در آن دوره عموماً شامل لباس‌های سنتی و بسیار زیبا و متنوع بود که از پارچه‌های داخلی تهیه می‌شد. در نتیجه گسترش ارتباط و رفت و آمد به اروپا، به تدریج مدل‌های لباس فرنگی در میان گروه‌هایی از مردم به ویژه در شهرها رواج پیدا کرد.

یک توضیح

لباس ایرانیان در دوره قاجار

لباس مردان ثروتمند شامل پیراهنی از پارچه حریر و ابریشم ریز بافت، شلوار گشاد و شال کشمیری بود. نظامیان و گاه افراد عادی دشنه‌ای را نیز در شال قرار می‌دادند. ولی بازارگانان و قاضیان و بازاریان به جای دشنه از قلمدان استفاده می‌کردند. پیراهن مردان فقیر از جنس پنبه و اغلب راه راه بود. روی پیراهن یک جلیقه می‌پوشیدند که از کتان ساده تهیه می‌شد.



بوشن زنان عصر قاجاری

عبایی نیز بر روی این جلیقه پوشیده می‌شد که تا قوزک پا می‌رسید. کفش مردان عادی نوعی نعلین بود که از چرم ساخته می‌شد و لی درباریان در زمستان از کفش ساخته شده از چرم اسب استفاده می‌کردند پیراهن خانم‌های از کتان و یا ابریشم بود که با بندهای متعدد و یادکمهای زرین بسته می‌شد در بیرون از خانه از چادر استفاده می‌شد و صورت نیز بار و بندی که به پیشانی گره می‌خورد پنهان می‌شد البته این سبک حجاب مخصوص زنان شهری بود و زنان روستایی و عشايری و اقلیت‌های دینی بدون چادر و روبند رفت و آمد می‌کردند.

۳— جلوه‌های شادی و غم : ایرانیان همواره به سنت‌های ملی و مذهبی خویش وفادار بوده‌اند. آنان علاوه بر گرامیداشت جشن نوروز و دیگر سنت‌های باستانی مانند شب یلدا که ریشه در گذشته باشکوه‌شان داشت، اعیاد مذهبی مانند عید فطر و عید قربان را نیز جشن می‌گرفتند. مجالس و مراسم عزا



جشن نیمة شعبان مردم کرمان در دوره قاجار



مراسم تعزیه‌خوانی در دوره قاجار

نیز با احترام انجام می‌شد. در عصر قاجار نیز همانند دوره‌های پیش از آن، مراسم سوگواری امام حسین (ع) در قالب روضه‌خوانی و تعزیه‌خوانی برگزار می‌گردید. حمایت علمای بزرگ و برخی از شاهان قاجار از تعزیه، موجب رونق آن آیین مذهبی در ایران شد. گسترش تعزیه و احیای مفاهیمی مانند شهادت، شجاعت و ایثار در راه خدا، نقش بسزایی در رشد فرهنگ دینی و پیوند آن با فرهنگ عامیانه داشت.



عزاداری مردم تهران در روز عاشورا در دوره قاجار

ب) آموزش و مراکز آموزشی

۱- مکتب خانه : مکتب خانه اولین مرکز یادگیری و آموزش در ایران بوده است. مکتب خانه های اولیه در مسجد، دکان و یا خانه دایر می شدند. عموماً کودکان از سنین ۶-۵ سالگی حق ورود به مکتب خانه را داشتند.

دوره تحصیل در مکتب خانه متفاوت بود. ولی عموماً کودکان و نوجوانان تا پانزده سالگی در مکتب خانه تعلیم می دیدند. در دوره قاجار دو نوع مکتب خانه وجود داشت :

الف) مکتب خانه های عمومی که پذیرای کودکان و نوجوانان از همه اقسام جامعه بود.

ب) مکتب خانه های خصوصی که در خدمت فرزندان افراد ثروتمند و صاحب مقام بود.



مکتب خانه دوره قاجار

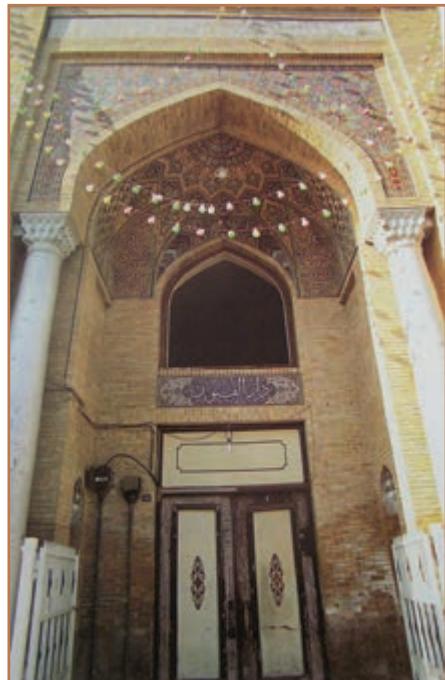
۲- اعزام دانشجو به خارج : پس از شکست های سیاسی و نظامی حکومت قاجار از دولت های اروپایی و بروز نشانه های عقب ماندگی علمی و فنی ایران نسبت به اروپا، عباس میرزا وی عهد فتحعلی شاه در صدد چاره گویی برآمد. بنابراین، در چندین نوبت تعدادی از فرزندان خانواده های سرشناس را برای تحصیل علوم و فنون نظامی، علوم طبیعی و پزشکی، مهندسی، کاغذسازی و چاپ به کشورهای انگلستان، فرانسه و روسیه اعزام کرد. محمد شاه نیز سیاست پدر را در اعزام دانشجویان ایرانی به اروپا برای کسب مهارت های علمی و فنی ادامه داد. در آن زمان برای اولین بار عده ای از خانواده های ثروتمند پسران خویش را با هزینه شخصی برای تحصیل به اروپا فرستادند.

۳- مدارس جدید : در دوره محمدشاه

نخستین مدارس به سبک جدید توسط میسیونرهاي^۱ آمریکایي و سپس فرانسوی در ایران تأسیس شد. به مرور تعداد این مدارس افزایش پیدا کرد.

۴- مدرسه دارالفنون : مدرسه دارالفنون

اولین مؤسسه آموزشی جدید بود که توسط حکومت قاجار در ایران تأسیس شد. امیرکبیر این مدرسه را بر اساس نمونه هایی که در روسیه و عثمانی دیده بود، طراحی کرد. وی به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ روسیه و انگلستان در ایران، چنان برنامه ریزی کرد که معلمان و استادان مدرسه مذکور از کشورهای اتریش و فرانسه استخدام شوند. مدرسه دارالفنون به طور رسمی کمی بعد از قتل امیرکبیر در تهران افتتاح شد. هدف از راه اندازی دارالفنون آن بود که دانشجویان



مدرسه دارالفنون

ایرانی، علوم جدید را در داخل ایران بیاموزند. شعبهٔ فرعی دارالفنون نیز در تبریز برباگردید. افزون بر مدرسه دارالفنون، مدارس دیگری نیز در دوره ناصرالدین شاه در ایران تأسیس شدند؛ از آن جمله است مدرسه مشیریه که توسط میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم ناصرالدین شاه و با همکاری اعتمادالسلطنه مورخ و مترجم دربار بنیانگذاری شد. در این مدرسه، تاریخ، جغرافیا، ریاضی و زبان‌های اروپایی آموزش داده می‌شد. میرزا حسن رشیده فرزند یکی از علمای تبریز نیز مدرسه رشیده را در تبریز برباگرد و اولین پایه‌های آموزش ابتدایی را به سبک امروزی بنا نهاد.

ج) علوم و فنون

- ۱- علوم نظامی : علوم نظامی به نسبت سایر علوم و فنون در عصر قاجار رشد و گسترش بیشتری یافت. عباس میرزا و امیرکبیر در این زمینه اقدامات زیادی انجام دادند. سپاهیان ایران با نظرارت برخی افسران اروپایی علوم و فنون رزمی را آموختند.
- ۲- ادبیات و تاریخ و هنر : آقا محمدخان، ذوق ادبی و هنری نداشت، اما فتحعلی شاه طبع شعر

۱- میسیونر به عضو یک هیئت مذهبی، به ویژه کسی که برای تبلیغ مسیحیت به کشورهای دیگر می‌رفت، گفته می‌شد.

داشت و به همین دلیل شاعران بزرگی در دوره پادشاهی وی به شعر فارسی غنا بخشیدند. قائم مقام فراهانی وزیر محمدشاه نیز ادیب و نویسنده‌ای زبردست بود. تاریخ‌نویسی نیز در این دوره روتق داشت و موزّخان مشهوری مانند محمدتقی خان لسان‌الملک سپهر، رضاقلی خان هدایت و محمد حسن خان اعتمادالسلطنه آثار ارزشمندی به وجود آوردند. هنر نقاشی و معماری نیز با تأثیر پذیری از دوره‌های قبل و هنر اروپایی به حیات خود ادامه داد. میرزا محمد خان غفاری، ملقب به کمال‌الملک نقاش مشهور عصر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، هنر نقاشی ایران را به اوج کمال و شکوفایی رساند.



تابلوی رنگ روغن، اردوگاه مبارک آباد تهران اثر محمد غفاری (کمال‌الملک)، سال ۱۲۹۱ ق.

۳—ترجمه و نشر کتاب و روزنامه : قائم مقام فراهانی با حمایت عباس میرزا، نخستین گام‌ها را برای ترجمه و نشر کتاب در ایران برداشت. امیرکبیر نیز در دوران صدارت کوتاه مدت خود، اقداماتی برای ترجمه و نشر کتاب و روزنامه انجام داد. در نتیجه تأسیس دارالفنون و سپس تشکیل دارالترجمه به ریاست محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، فن ترجمه گسترش پیدا کرد و آثار زیادی از زبان‌های اروپایی

به فارسی ترجمه شد. روزنامه نیز یکی دیگر از محصولات فرهنگی ایرانیان بود. اولین روزنامه با عنوان «کاغذ اخبار» توسط میرزا صالح شیرازی در زمان محمدشاه منتشر شد. روزنامه «واقعی اتفاقیه» نیز به همت امیرکبیر منتشر شد و بعداً با عنوان روزنامه «دولت علیه ایران» ادامه نشر یافت. روزنامه‌های «وطن»، «صدا ایران»، «دانش» و «شرف» از دیگر روزنامه‌های مهم دوران سلطنت ناصرالدین شاه و پس از او بودند که در تهران منتشر می‌شدند.

بیشتر بدانیم



روزنامه و قایع اتفاقیه

پس از روزنامه «کاغذ اخبار» که توسط میرزا صالح شیرازی در سال ۱۲۵۳ق. انتشار یافت؛ امیرکبیر روزنامه «واقعی اتفاقیه» را در سال ۱۲۶۷ق. منتشر کرد. در روزنامه «واقعی اتفاقیه» که از شماره ۴۷۲ با نام «روزنامه دولت علیه ایران» منتشر شد، اخبار داخلی شامل خبرهای مربوط به دربار و سفرهای ناصرالدین شاه، عزل و نصب‌ها و اعطای مقام‌ها، نشان‌ها و امتیازات چاپ می‌شد. در برخی شماره‌های آن اعلان‌های رسمی دولتی در ورقه‌ای جداگانه چاپ و همراه روزنامه توزیع می‌شد، که به آن «اشتهرنامه» می‌گفتند. در بعضی شماره‌ها نیز اخبار و قایع شهرهای مختلف ایران به چاپ می‌رسید. در بخش اخبار خارجی، بیشتر اخبار مربوط به کشورهای اروپایی به چاپ می‌رسید. این اخبار از روزنامه‌های اروپایی گرفته می‌شد و با ترجمه روان فارسی در روزنامه منتشر می‌شد.

در بیشتر شماره‌های روزنامه، صورت قیمت اجناس موردنیاز مردم به نرخ رسمی دولتی چاپ می‌شد و در برخی شماره‌های آن، اعلان فروش کتاب‌های تازه چاپ شده منتشر می‌شد. تعداد صفحات روزنامه از چهار تا دوازده صفحه متغیر بود و با چاپ سنگی و خط نستعلیق به چاپ می‌رسید.

پرسش‌های نمونه

- ۱- روحانیون چه جایگاهی در سلسله مراتب اجتماعی ایران در عصر قاجار داشتند؟
- ۲- نقش و جایگاه زنان را در دوره قاجار شرح دهید.
- ۳- دلایل و عوامل بروز جنبش‌های اجتماعی را در دوران حکومت ناصرالدین شاه توضیح دهید.
- ۴- درآمد حکومت قاجار از چه راه‌هایی تأمین می‌شد؟
- ۵- در دوره قاجار چه تغییر و دگرگونی در امر آموزش به وجود آمد؟

اندیشه و جستجو

- ۱- درباره برگزاری جشن نوروز در دوره قاجار مطلبی تهیه کنید.
- ۲- به نظر شما کدام یک از تجربه‌های تاریخی دوران قاجار برای زمان فعلی ما مفید است؟

درس ۱۷

زمینه‌های انقلاب مشروطیت ایران

مقدمه

یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران که در اوایل سلطنت مظفر الدین شاه اتفاق افتاده، «انقلاب مشروطیت» است.

مشروطیت چیست؟ چرا انقلاب مشروطه در ایران رخ داد؟ زمینه‌های فکری، اجتماعی و اقتصادی این انقلاب کدامند؟ اینها پرسش‌هایی هستند که در این درس به دنبال پاسخی برای آنها هستیم.

مشروطیت چیست؟

«مشروطیت» از نظر لغوی به معنای شرط‌دار شدن یا شرط گذاشتن برای چیزی است. براین اساس، حکومت مشروطه به نوعی از حکومت سلطنتی گفته می‌شود که در آن، برای حکومت کردن شرایطی پیش‌بینی شده باشد. در حکومت مشروطه، حاکم یا پادشاه نمی‌تواند هر کاری را که می‌خواهد به میل خود انجام دهد. در چنین حکومتی، تصمیم‌گیری درباره امور کشور بر مبنای شرایطی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، انجام می‌شود. در نظام مشروطه، مجلسی مرکب از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و به کار قانون گذاری می‌پردازد. نخست وزیر و وزیران (هیئت وزیران) که با رأی نمایندگان مجلس انتخاب می‌شوند، اداره امور کشور را در دست می‌گیرند. در واقع، حکومت مشروطه نقطه مقابل حکومت استبدادی یا فردی است که در آن، پادشاه همه کاره است و خود را مالک جان و مال مردم می‌داند.

۱- در این درس، دو اصطلاح «مشروطه» و «مشروطیت» به یک معنا آمدند.

کدام علل و زمینه‌ها موجب وقوع انقلاب مشروطیت شد؟

انقلاب مشروطیت ایران در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه به وقوع پیوست اما زمینه‌های آن از مدت‌ها پیش به ویژه از دوران سلطنت ناصرالدین شاه فراهم شده بود. برای شناخت بهتر این علل و زمینه‌ها، آنها را در چند محور بررسی می‌کنیم.

۱- زمینه‌های فکری انقلاب مشروطه

(الف) آموزه‌های ضداستبدادی و ضداستعماری اسلام

(ب) پیدایش اندیشه‌های نو درباره حکومت

(پ) انتشار آثار انتقادی در مورد اوضاع ایران

(ت) تأثیر حوادث جهانی بر افکار ایرانیان.

(الف) آموزه‌های ضداستبدادی و ضداستعماری اسلام : در طول تاریخ، جنبش‌های سیاسی- اجتماعی متعددی متأثر از تعالیم نجات بخش اسلام و تحت رهبری علماء و مراجع تقليد شکل گرفته است. آموزه‌های اسلام و به خصوص خاطره کربلا نقش بسیار مؤثری در برانگیختن روحیه ظلم‌ستیزی مردم ایران و مبارزة آنان با سلطه طلبی بیگانگان داشته است.

جنبش تباکو، انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی سه رویداد عظیم تاریخ معاصر ایران بهشمار می‌روند که دارای زمینه‌ها و ریشه‌های دینی عمیقی هستند. در واقع اسلام، مردم و روحانیت سه رکن اصلی این رویدادها را تشکیل می‌دادند. ماه محرم و یادآوری حماسه کربلا و شهادت حضرت امام حسین(ع) و ۷۲ تن از یارانش تأثیر زیادی بر تحولات تاریخ معاصر نهاده و ادبیات سیاسی این دوران را با مفاهیم عاشورا و شهادت پیوند زده است. از این‌رو، زمزمه‌های اولیه انقلاب مشروطه از محرم^۱ آغاز شد و قایع مهم این انقلاب به نحو بارزی از انگیزه و اهداف اعتقادی و مذهبی تأثیر پذیرفته است.

(ب) پیدایش اندیشه‌های نو درباره حکومت : در عصری که شاهان قاجار با خودکامگی و استبداد بر ایران فرمان می‌راندند، در تعدادی از کشورهای اروپایی و حتی محدودی کشورهای غیراروپایی مانند مصر و ژاپن نظام‌های حکومتی جمهوری و مشروطه حاکمیت داشت. برخی ایرانیان مهاجر و مسافر به اروپا که بیشتر آنان سیاستمدار و بازرگان بودند، با مقایسه اوضاع ایران با کشورهای مذکور به این نتیجه رسیدند که نوع نظام حکومتی عامل عقب‌ماندگی و یا پیشرفت کشورهای است. از جمله این افراد می‌توان میرزا افتحعلی خان آخوندزاده، میرزا ملکم خان و میرزا یوسف خان مستشارالدوله را نام برد که در زمان سلطنت ناصرالدین شاه می‌زیستند. اینان که غالباً عضویت در انجمن‌های فراماسونری را در کارنامه سیاسی

خود داشتند، در آثار و نوشه‌های خود ضمن تعریف و تمجید از نظام‌های مشروطه و جمهوری، حکومت مبتنی بر قانون را عامل پیشرفت اروپاییان می‌شمردند. ایراد وارد بر مبلغان اندیشه‌های سیاسی جدید، نادیده گرفتن و یا کم توجهی آنان به تفاوت‌های تاریخی جامعه ایرانی و جامعه اروپایی از حیث اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی بود. البته برخی از آنان مانند آخوندزاده چنان شیفتۀ اندیشه‌های غربی شده بود که پیشنهاد می‌کرد ایرانیان دین، اعتقادات، گذشتۀ تاریخی و فرهنگ خود را به فراموشی بسپارند و از فرهنگ و اندیشه‌های اروپاییان تبعیت کامل کنند.

پ) انتشار آثار انتقادی درباره اوضاع ایران : پابه‌پای تبلیغ و ترویج نظام‌های مشروطه و جمهوری، نوشه‌هایی انتقادی در قالب کتاب و روزنامه توسط ایرانیان در داخل و خارج از کشور انتشار می‌یافت. در این نوشه‌ها، وضع موجود مورد نقد و اعتراض قرار می‌گرفت و حکومت قاجار، عامل عقب‌ماندگی و بدینختی ایران شمرده می‌شد. یکی از این گونه نوشه‌ها، کتاب «سیاحت نامه ابراهیم بیگ» اثر بازرگان روشن فکر ایرانی، حاج زین‌العابدین مراغه‌ای بود که در عثمانی (ترکیه) اقامت داشت.

ت) تأثیر حوادث جهانی بر افکار ایرانیان : پیش از انقلاب مشروطیت، حوادث و تحولات مهمی در کشورهای دیگر به وقوع پیوست که رسیدن اخبار آنها به ایران در افزایش آگاهی و اصلاح طلبی ایرانیان نقش مؤثری داشت؛ از جمله این گونه رویدادها که ملت ایران را به تحرک و اداشت و در آنها خودبادوری ایجاد کرد، می‌توان به مشروطیت ژاپن، شکست روسیه از ژاپن و انقلاب ۱۹۰۵ م. روسیه اشاره کرد.

یک توضیح

رویدادهای بین‌المللی مؤثر بر انقلاب مشروطه

مشروطیت ژاپن: همزمان با دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، امپراتور ژاپن به ایجاد تحولی اساسی در نظام حکومتی و استقرار مشروطیت در این کشور تن داد. این تحولات که به نام انقلاب میجی معروف شد، سرآغاز دگرگونی اوضاع ژاپن بود و این کشور را به تدریج به مسیر ترقی کشاند. روزنامه‌هایی نظیر «حبل المتبین» و «حکمت» پیوسته از پیشرفت‌های ژاپن برای خوانندگان ایرانی خود مطالبی می‌نوشتند.

شکست روسیه از ژاپن: در سال ۱۹۰۴-۱۹۰۵ م. ش. میان دودولت روسیه و ژاپن که هر دو در پی توسعه نفوذ خود در شرق آسیا بودند، جنگی اتفاق افتاد. در این جنگ کشور قدرتمند و بزرگ روسیه که دارای نظام استبدادی بود، از کشور ژاپن، که تقریباً دو دهه

از عمر نظام مشروطه آن می‌گذشت، شکست خورد. این شکست از اعتبار روسیه در نظر ایرانیان کاسته مردم ایران پیروزی مزبور را نمایشی از عملکرد مناسب نظام حکومتی را پن می‌دانستند.

انقلاب ۱۹۰۵. روسیه : شکست روسیه از ژاپن، برای دولت استبدادی این کشور ضربه بزرگی بود آزادی خواهان روسیه با استفاده از این وضع، بر فعالیت‌های خود برای سرنگون کردن حکومت استبدادی این کشور افزودند؛ سرانجام، این مبارزات به تأسیس مجلس در این کشور انجامید.^۱ رسانید اخبار این حرکت انقلابی در برانگیختن ایرانیان علیه حکومت استبدادی قاجاریه نقش مؤثری داشت.

۲- زمینه‌های اقتصادی انقلاب مشروطه

زمینه‌های اقتصادی انقلاب مشروطیت دارای دو بعد خارجی و داخلی است. در بعد خارجی، نفوذ و سلطه کشورهای استعماری نظیر روس و انگلیس در دوره قاجاریه نقش بسیار مهمی در تضعیف توان اقتصادی ایران داشت.

عهدنامه‌هایی که در دوره قاجار با این دو کشور منعقد می‌شد، موجب تشدید نفوذ اقتصادی آنها در ایران می‌شد.^۲ ورود کالاهای خارجی به ایران افزایش یافت و این امر پیامدهای متعددی داشت؛ از جمله:

۱- محصولات داخلی قادر به رقابت با کالاهای خارجی نبودند و لذا تولید کالاهای داخلی به تدریج سیر نزولی یافت و کالاهای خارجی جایگزین آنها شد.

۲- صاحبان صنایع و حرفه‌ها در شهرهای مختلف ایران به تدریج مشاغل خود را از دست دادند و بی کار شدند.

در بعد داخلی، با گسترش بی‌کاری و فقر عمومی، درآمد دولت که از طریق مالیات تأمین می‌شد، کاهش یافت. مأموران مالیاتی بر شدت سختگیری و بی‌رحمی خود می‌افزودند. ظلم و ستم مأموران دولت نسبت به روستاییان، موجب شد که شمار زیادی از آنان ناچار به شهرها یا کشورهای همچو روسیه متواتر شوند. آواره شدن روستاییان و به غارت رفتن حاصل کار آنان، آثار منفی جبران ناپذیری بر کار و تولید گذاشت. از اواخر دوران ناصرالدین شاه، مالیات‌های دریافتی از مردم دیگر تأمین کننده مخارج و هزینه‌های دربار و دولت نبود؛ لذا دولت به فکر گرفتن وام (استقرار) از دو کشور روس و انگلیس افتاد.

۱- البته کمی بعد، پادشاه روسیه این مجلس را تعطیل و با سرکوب مشروطه‌خواهان، بار دیگر حکومت استبدادی را برقرار کرد. یازده سال بعد، بار دیگر انقلاب روسیه را فراگرفت و موجب سقوط حکومت این کشور شد.

۲- برای مثال نگاه کنید به قراردادهایی که در درس ۱۵ به برخی از آنها اشاره شده است.

در ازای وام‌های دریافتی که با بهره بالایی به ایران داده می‌شد، سرمایه و منابع اقتصادی ایران به عنوان پشتونه بیگانگان و آگذار می‌شد. وام‌های دریافتی به هیچ وجه صرف عمران و آبادی ایران نمی‌شد بلکه عمدتاً در سفرهای خارجی، صرف تفریح ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و اطرافیان آنها می‌شد. این در حالی بود که در بسیاری از شهرها، مردم قادر به تأمین نیازهای اولیه زندگی خود نبودند. وام‌های خارجی، ایران را بیش از پیش مقروض تر و به دولت‌های بیگانه وابسته‌تر می‌کرد.

شرايط دشوار و غیرقابل تحمل اقتصادی که معلول سلطنه اقتصادی بیگانگان و سوء سیاست دولتمردان ایران بود، زمینه‌های انتقاد و اعتراض مردم را نسبت به استبداد و استعمار فراهم آورد.

پادشاهی مظفرالدین شاه؛ ایران در آستانه تحول

ناصرالدین شاه در آستانه پنجاهمين سال سلطنت خود توسط میرزارضا کرمانی مورد هدف قرار گرفت و کشته شد. با قتل وی، پسرش مظفرالدین میرزا به سلطنت رسید. در دوره سلطنت ناصرالدین شاه، زمینه‌های بیداری مردم به تدریج فراهم شد و در دوره سلطنت مظفرالدین شاه، ایران دچار یک تحول سیاسی شد.

مظفرالدین شاه طبعی متفاوت با پدرش داشت. وی فردی نرم خو و ناتوان در اداره امور کشور بود. نرم خوبی مظفرالدین شاه بیشتر به سود مخالفان داخلی و سودجویان خارجی تمام شد و در عمل، گسیختگی بیشتری را در اداره کشور به وجود آورد. مخالفان داخلی، این وضع را برای تأمین خواسته‌های خود مناسب می‌دیدند و بیگانگان آن را زمینه‌ای مساعد برای گسترش حضور و سلطه خود در ایران تلقی می‌کردند.

مظفرالدین شاه حتی در جریان بسیاری از امور کشور قرار نمی‌گرفت و از بدین‌گهی های مردم آگاهی نداشت؛ چرا که نه خود پیگیر مسائل بود و نه اطرافیاش اجازه می‌دادند که



مظفرالدین شاه قاجار و جمعی از درباریان

اخبار به او برسد. گاهی هم که خبرهایی از نارضایتی مردم به او می‌رسید، به دادن بعضی وعده‌ها به مردم بسنده می‌کرد. عین‌الدوله که صدراعظم و داماد شاه بود، اعتقاد داشت که نباید به اعتراض‌های مردم توجه کرد. سرانجام، رفتارهای او وقوع انقلاب را اجتناب ناپذیر کرد. در ابتدا، چند حادثه که متأثر از زمینه‌ها و انگیزه‌های دینی بود، اتفاق افتاد اما برخورد استبدادی صدراعظم و دیگر عاملان حکومت، موجب گسترش این حوادث و فراگیر شدن حرکت مردم از سال ۱۳۲۳ق. ۱۲۸۴ش. شد.



عبدالمجید میرزا عین‌الدوله

بیشتر بدانیم

فراماسونری چیست؟

فراماسونری^۱ از لحاظ لغوی به معنای «بنای آزاد» است. این نام به جمعیت‌های مخفی‌ای اطلاق می‌شود که در قرن هجدهم در اروپا تأسیس شد و همگام با استعمار غرب در سراسر جهان گسترش یافت. فراماسونری به شکل منسجم و جدید در سال ۱۷۱۷م. ۱۲۱۷هـ از اتحاد چهار نز در لندن به وجود آمد. مؤسسان نز بزرگ لندن با درهم آمیختن آموزه‌های تحریف شده دین یهود و برخی از آموزه‌های جمعیت‌های صلیبی، به شکل علنی به مبارزه با دین پرداختند. جدایی دین از سیاست، نفی ادیان الهی و ترویج لیبرالیسم از جمله آموزش‌هایی بود که به اعضای فراماسونری ارائه می‌شد. به محل تشکیل جلسات

فراماسونری لژ می‌گفتند. ورود به لژ شرایطی داشت و ورود فرد غیرفراماسون به لژ ممنوع بود. فردی که به عضویت فراماسونری برگزیده می‌شد، تعهد می‌داد که از افشای اسرار فراماسونری و مذکرات لژ، خودداری نماید و آن‌چه را دیده یا شنیده است فراموش کند.

به همین دلیل، ایرانیان به لژ فراماسونری فراموش‌خانه نیز می‌گفتند.

فراماسون‌ها در هر کشوری سعی کردند رجال درجه اول سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به عضویت لژ درآورند: بنابراین، در اغلب کشورها افراد صاحب نفوذ به عضویت فراماسونری پذیرفته می‌شدند. به این ترتیب، همه ارکان حیاتی کشور در اختیار فراماسون‌ها بی‌قرار می‌گرفت که تعهد داشتند از یکدیگر و منافع لژ و نهایتاً استعمار انگلیس دفاع کنند. لزهای فراماسونری در جهان ملزم به هماهنگی با لژ بزرگ انگلستان بودند که در قاموس فراماسونری به عنوان لژ مادر – یعنی لژ تأسیس کننده فراماسونری – در جهان پذیرفته شده است.

سابقه آشنایی ایرانیان با فراماسونری به اوایل دوره قاجار برمی‌گردد. اولین فراماسون ایرانی «میرزا عسگرخان ارومی افشار» فرستاده فتحعلی شاه به دربار ناپلئون بود که در سال ۱۸۰۸ م. به عضویت انجمن فراماسونری انگلستان در فرانسه درآمد. از آن پس، تشکیلات فراماسونی متعددی در ایران پدید آمد. در دوران ناصرالدین شاه و اواخر دوره قاجار با تلاش سفارت انگلیس و عوامل آنها و ورود شاهزادگان به تشکیلات فراماسونری، این تشکیلات از حمایت دربار بخوردار شد و زمینه برای دخالت مستقیم سفارت خانه‌های بیگانه از طریق برگزاری جلسات مشترک و سری فراماسون‌ها فراهم گردید. افرادی مانند میرزا ملکم خان که از مؤسسان و فعالان این تشکیلات بودند، بعدها نقش مهمی در جریان‌های سیاسی ایران و دنباله‌روی از اروپاییان بر عهده گرفتند. همزمان، علمای دین به مقابله آنان و روشنگری مردم برخاستند. آیت‌الله ملا علی کنی فتوابه تکفیر فراماسون‌ها داد و مردم تهران فراموش‌خانه (مرکز تشکیل جلسات سری فراماسون‌ها) را به آتش کشیدند.

در دوران حکومت خاندان پهلوی نیز تشکیلات فراماسونری در کشور ما توسعه یافت تا آنجا که بسیاری از کارگزاران حکومتی و حتی گروهی از نمایندگان مجلس از اعضای انجمن‌های فراماسونری بودند. در این دوران، تشکیلات فراماسونری بیشتر در جهت ثبتیت حکومت پهلوی و تأمین منافع بیگانگان فعالیت می‌کرد و در عین حال موجب گسترش بی‌دینی می‌شد. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران اطلاعات تازه‌ای درباره وابستگی‌های فراماسون‌ها به بیگانگان و حتی همدستی بعضی از آنان با صهیونیست‌ها به دست آمد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- تأثیر آموزه‌های اسلام را بر اندیشه مشروطه خواهی ایرانیان در سه سطر توضیح دهید.
- ۲- دو تن از کسانی را که با گفته‌ها یا نوشته‌های خود در ترویج مشروطه خواهی نقشی داشته‌اند، نام ببرید.
- ۳- اوضاع و شرایط اقتصادی ایران چه تأثیری بر مشروطه خواهی ایرانیان داشت؟

اندیشه و جستجو

- ۱- با راهنمایی معلم خود، درباره دیگر افرادی که در انقلاب مشروطیت نقش فعال داشته‌اند، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- اگر از شما بخواهند سه مورد از حوادث یا جریان‌های تاریخی درس‌های ۱۴ تا ۱۷ را به عنوان مهم‌ترین حوادث انتخاب کنید، کدام‌ها را انتخاب خواهید کرد؟ با مروری بر درس‌ها، این موارد را بنویسید. باید توجه داشته باشید که تأثیرگذاری بر حوادث بعدی، اشخاص و اجتماع، مهم‌ترین ملاک این انتخاب است.

درس ۱۸

انقلاب مشروطیت ایران

مقدمه

در این درس روند تحولات و مهم‌ترین رویدادهای مربوط به انقلاب مشروطیت ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

مهاجرت صغرا

اعتراضات مردم نسبت به اوضاع نابسامان کشور با رهبری علماء که در رأس آنها آیت‌الله طباطبائی و آیت‌الله بهبهانی قرار داشتند، روز به روز گسترش می‌یافت. عین‌الدوله که خود از شاهزادگان قاجار بود و هرگونه عقب‌نشینی در برابر مردم را به زیان حکومت می‌دانست، کوشید مخالفان را سرکوب



آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری (سمت راست)
و آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی (سمت چپ)



آیت‌الله سید محمد طباطبائی

کند. از جمله اقداماتی که به اشاره او انجام گرفت، این بود که حاکم تهران تعدادی از تاجران قند را به این بهانه که قند را احتکار کرده و موجب کمبود و افزایش قیمت آن شده‌اند، دستگیر کرد و مورد آزار قرار داد. عین‌الدوله با چنین کارهایی می‌خواست مردم را بترساند و مانع از تداوم و تشدید مخالفت آنان با حکومت شود. در اعتراض به این اقدام حکومت، بازار تهران تعطیل شد و مردم برای شنبیدن سخنرانی یکی از روحا نیون به نام سیدجمال واعظ در یکی از مساجد شهر گرد آمدند. اندکی بعد با تصمیم آیت‌الله طباطبائی، جمعی از روحا نیون در اعتراض به اقدامات حکومت، برای تحصن در مرقد حضرت عبدالعظیم، به شهر ری هجرت کردند.



معنای تحصن چیست؟ و چرا مرقد حضرت عبدالعظیم به عنوان محل تحصن انتخاب شد؟

عین‌الدوله کوشید تا با تهدید و وعده، مهاجران را به شهر بازگرداند اما نتیجه‌ای نگرفت؛ سرانجام، مهاجران اعلام کردند که اگر شاه قاجار تقاضایشان را پذیرد، بازخواهند گشت. مهم‌ترین تقاضاهای آنها عبارت بودند از:

- ۱- ایجاد عدالت خانه در همه شهرها برای رسیدگی به شکایت‌های مردم و برقراری عدالت
- ۲- اجرای قوانین اسلامی به طور دقیق و به دور از ملاحظات شخصی
- ۳- عزل علاوه‌الدوله از حکومت تهران

عین‌الدوله که می‌کوشید از گسترش حرکت مردم جلوگیری کند، اعلام کرد که دولت با خواسته‌های مهاجران موافق است؛ بدین ترتیب، مهاجران به شهر بازگشتنند.

مهاجرت کبرا

بعد از مهاجرت صغرا، آیت‌الله طباطبائی چند بار به مظفرالدین شاه نامه نوشت و رفتار مستبدانه عین‌الدوله و خواسته‌های مردم را به او یادآوری کرد اما این نامه‌ها یا به دست شاه نرسید و یا او به آنها توجهی نکرد. چندی بعد، هنگامی که مأموران دولتی یکی از روحا نیون^۱ را دستگیر کردند، مردم با آنها درگیر شدند. در جریان این درگیری، چند نفر مجرح شدند و طلبه‌ای به نام سیدعبدالحمید نیز به

۱- نام او شیخ محمد واعظ بود.

شهادت رسید. این حادثه خشم مردم را نسبت به حکومت برانگیخت^۱. رهبران انقلاب تصمیم گرفتند این بار در اعتراض به اقدامات دولت، به نجف و کربلا مهاجرت کنند اما بعد از ترک تهران، در قم اقامت کردند. این مهاجرت که با حضور آیت الله طباطبائی، آیت الله شیخ فضل الله نوری و آیت الله بهبهانی حمایت می شد، هم از نظر گسترده‌گی و هم از نظر مسافت، مهم‌تر از مهاجرت قبل بود و به همین علت، به «مهاجرت کبرا» معروف شد.



صحنه‌ای از اجتماعات مردم در جریان انقلاب مشروطیت

انقلاب پیروز می‌شود

با رفتن عده‌ای از مردم و علمای تهران به قم، ترس و بلا تکلیفی شهر را فراگرفت. شایعه شد که مأموران دولت قصد دارند به اجتماع مردم و نیز به علمای مهاجر، حمله کنند. این شایعات که توسط عوامل مرتبط با سفارت انگلیس، پخش می‌شد، موجب شد که عاقبت هزاران نفر برای حفظ جان خود در باغ سفارت انگلستان جمع شوند.^۲ آنها از طریق تلگراف و نامه با مهاجران و حتی علمای بزرگ مذهبی در نجف ارتباط برقرار کردند. مهم‌ترین خواسته‌های انقلابیون، برکناری عین‌الدوله صدراعظم مستبد، فراهم کردن زمینه برای بازگشت مهاجران به تهران، ایجاد عدالت‌خانه و تشکیل «دارالشورا» (مجلس نمایندگان مردم) بود. سرانجام، مظفرالدین شاه تسلیم خواسته‌های مردم شد.

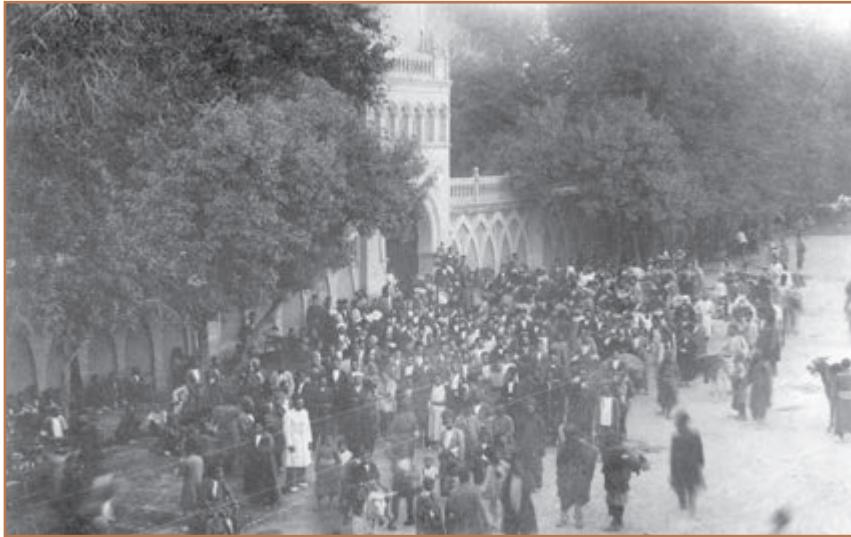
۱- مردم، این اقدام سربازان حکومتی را به اقدام بزید بن معاویه در کربلا تشبیه می‌کردند. دو بیت از شعرهایی که در سوگ سید عبدالحمید

سروده شد، چنین است :

عبدالحمید کشته زجور بزید شد
از نو حسین کشته زجور بزید شد

قریانی جدید تو یا ایهالرسول
بادا هزار مرتبه نزد خدا قبول

۲- براساس توافق میان دولت‌ها، هیچ دولتی حق نداشت به سفارتخانه‌های کشورهای خارجی در کشور خود تعزیز کند.



تجمع عده‌ای از مشروطه خواهان در مقابل سفارت انگلستان



عده‌ای از مردم در انتظار بازگشت مهاجران از مهاجرت کبرا

او در اولین قدم، صدراعظم مستبد (عین‌الدوله) را از کار برکنار کرد، سپس در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ فرمانی صادر کرد که به فرمان مشروطیت مشهور است. پس از صدور این فرمان، ایران در شمار کشورهای مشروطه درآمد و کمی بعد، مجلس شورای ملی تشکیل و قانون اساسی تدوین شد.



تعدادی از نمایندگان اولین دوره مجلس شورای ملی



ساختمان مجلس شورای ملی (میدان بهارستان)

محمدعلی شاه و مشروطیت

پس از مرگ مظفرالدین شاه^۱، فرزندش محمدعلی میرزا به سلطنت رسید. وی پس از رسیدن به سلطنت راه مخالفت با مشروطیت را در پیش گرفت و حتی نمایندگان مجلس را به مراسم تاج‌گذاری خود دعوت نکرد. محمدعلی شاه تصمیم داشت به تدریج نظام مشروطه را از میان بردارد و بار دیگر، حکومت خود کامئ پادشاهی را برقرار کند.

۱- ۲۴ ذی قعده ۱۳۲۴ / ۱۹ دی ۱۲۸۵

به نظر شما، موافقت اولیه محمدعلی شاه با مشروطیت و مخالفت وی با آن پس از رسیدن به سلطنت، چه دلایلی داشت؟



محمدعلی شاه و جمعی از رجال و درباریان هنگام استقرار در باغشاه

به توب بستن مجلس و دوره استبداد صغیر



در شرایطی که اختلاف محمدعلی شاه و مشروطه خواهان شدت گرفته بود، در یکی از خیابان‌های تهران نارنجکی به سمت کالسکه حامل شاه پرتاب شد. محمدعلی شاه این اقدام را به مشروطه خواهان منتبث کرد و آن را بهانه‌ای برای سرکوب مشروطه خواهان قرار داد. سرانجام، یعنی دو سال پس از استقرار مشروطیت^۱، محمدعلی شاه با همکاری مشاوران روسی خود برنامه از بین بردن مجلسی را که مظہر مشروطیت بود، به اجرا درآورد. طرفداران مشروطیت برای مقابله با سربازان شاه و دفاع از مجلس آماده شدند اما چون اسلحه و سازماندهی لازم را نداشتند، با وجود مقاومت‌های

صحنه‌ای از ساختمان مجلس شورای ملی بعد از به توب بسته شدن

^۱ - تابستان ۱۲۸۷ ش. / ۱۳۲۶ ق.

دلیرانه شکست خوردند. مأموران شاه مجلس را به توب بستند و تعدادی از نمایندگان مجلس از جمله آیت‌الله طباطبائی و آیت‌الله بهبهانی را به خارج از تهران تبعید کردند. شماری نیز به سفارت انگلستان پناهنده شدند. چند تن از مشروطه‌خواهان سرسخت از جمله میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل، ملک‌المتكلمين و سید جمال‌الدین واعظ نیز به دستور محمدعلی‌شاه به قتل رسیدند. بدین ترتیب، بار دیگر استبداد به جای مشروطیت نشست و این دوره که یک سال و یک ماه طول کشید، دوره «استبداد صغیر» نامیده شد.



باقرخان در میان جمعی از مشروطه‌خواهان تبریز

قیام ملی علیه محمدعلی‌شاه

اگرچه محمدعلی‌شاه با تعطیل کردن مجلس، در ظاهر توانست به هدف خود برسد اما مردم ایران که نمی‌خواستند دوباره حکومت استبدادی را بپذیرند، ساکت نشستند. مردم تبریز در مقابل نیروهای اعزامی از طرف محمد‌علی‌شاه، مقاومت کردند. در اصفهان نیز عشایر بختیاری و مردم شهر، تسلیم حکومت استبدادی محمدعلی‌شاه نشدند. در گیلان طرفداران مشروطه در شهر رشت گرد آمدند و مخالفت خود را با محمدعلی‌شاه اعلام کردند. سرانجام، مشروطه‌خواهان از گیلان و اصفهان به سوی تهران حرکت کردند. آنها با شکست نیروهای دولتی، تهران را به تصرف درآوردند^۱. محمدعلی‌شاه به سفارت روسیه پناه برد و با برچیده شدن استبداد صغیر، بار دیگر مشروطه استقرار یافت و مشروطه‌خواهان اداره امور را به دست گرفتند^۲.

۱- ۲۵ تیر ۱۳۲۷ / ۱۲۸۸ق.

۲- رهبران فاتحان تهران عبارت بودند از :

حاج علیقلی خان بختیاری (سدار اسعد)، نجفقلی خان بختیاری (صمصام‌السلطنه)، محمدولی خان تنکابنی (سیهدهار اعظم) و یفرم خان ارممنی. به علاوه میرزا علی محمدخان تربیت، میرزا حسین خان کسمائی، میرزا کریم خان رشتی و عبدالحسین خان معز‌السلطان (سدار محیی) نیز در فتح تهران نقش داشتند.

پادشاهی احمدشاه



احمدشاه در جوانی

بعد از پنهانده شدن محمدعلی شاه به سفارت روسیه، فاتحان تهران و سران مشروطه در میدان بهارستان تهران اجتماع بزرگی تشکیل دادند و برای اداره موقت کشور، ۲۲ نفر را به عنوان «هیئت مدیره» برگزیدند. یکی از اقدامات فاتحان تهران، انتصاب احمد میرزا، فرزند خردسال محمدعلی شاه به سلطنت بود. چون احمدشاه در هنگام انتصاب به سلطنت هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، عضدالملک رئیس ایل قاجار به نیابت سلطنت منصوب شد؛ بنابراین، احمدشاه در پنج سال اول سلطنت خود فقط اسم پادشاه را داشت و پس از آن هم به دلیل کم تجربگی نتوانست بر اوضاع کشور مسلط شود.

پادشاهان قاجار و دوره حکومت آنان

آقامحمدخان	۱۱۷۶–۱۲۱۰ ش. / ۱۲۱۲–۱۱۷۴ ق. (ق.).
فتحعلی شاه	۱۲۱۳–۱۲۵۰ ش. / ۱۱۷۶–۱۲۱۲ ق. (ق.).
محمدشاه	۱۲۱۳–۱۲۶۴ ش. / ۱۲۵۰–۱۲۱۳ ق. (ق.).
ناصرالدین شاه	۱۲۲۶–۱۲۷۴ ش. / ۱۳۱۳–۱۲۶۴ ق. (ق.).
مظفرالدین شاه	۱۲۷۴–۱۳۲۴ ش. / ۱۲۸۵–۱۲۷۴ ق. (ق.).
محمدعلی شاه	۱۳۲۴–۱۳۲۷ ش. / ۱۲۸۵–۱۲۸۷ ق. (ق.).
احمدشاه	۱۳۲۷–۱۳۴۴ ش. / ۱۳۴۴–۱۳۲۷ ق. (ق.).

شهادت شیخ فضل الله نوری

شیخ فضل الله نوری مجتهد برجسته پایتحت در جریان مهاجرت علماء به قم، در صف مشروطه خواهان بود و به قم رفت و تا زمان پیروزی مشروطیت همچنان به دفاع از آن پرداخت. او در جریان تدوین قانون اساسی و متمم آن نقش فعالی داشت؛ اصل دوم متمم قانون اساسی با پیشنهاد و اصرار وی به تصویب رسید تا گامی در جهت اسلامی کردن مصوبات مجلس شورای ملی برداشته شود. براساس این اصل می‌باشد پنج نفر از علماء زمان بر مصوبات مجلس نظارت کنند. علمای نجف از جمله دو تن از مراجع آن زمان، مرحوم آخوند خراسانی و حاج شیخ عبدالله مازندرانی، از پیشنهاد مرحوم شیخ فضل الله حمایت کردند.

پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، شیخ فضل الله با مشاهده نفوذ برخی افراد غرب زده در مجلس و رهبری انقلاب، به مخالفت برخاست و خواستار استقرار مشروطه مشروعه شد. وی می گفت که انقلاب مشروطه از مواضع خود منحرف شده است و افراد مخالف اسلام در پوشش مشروطه خواهی قصد دارند اندیشه های غربی را جایگین ارزش های اسلامی کنند؛ بنابراین، باید به اسلامی کردن مشروطه پرداخت. وی در یکی از نوشتہ هایش درخواست های خود را به طور مشروح منعکس کرده که خلاصه آن چنین است : «بکی آن که در نظام نامه مجلس بعد از لفظ مشروطه، لفظ مشروعه نوشته شود و دیگر آن که مطابقت قوانین مجلس با شرع مقدس و مراقبت هیئتی از مجتهدین در هر عصر بر مجلس شورا بر فضول نظام نامه افزوده شود دیگر آن که چون نظام نامه اساسی مجلس را از روی قوانین دول غربی نوشته اند، به منظور حفظ مشروعیت و اسلامیت آن، پاره ای تغییرات و اصلاحات مطابق نظر علماء در آن انجام شود». شیخ فضل الله با مشاهده ادامه نفوذ افراد طرفدار اندیشه های غربی در مجلس و احساس توطنی برای نفی اسلام و رواج فکر و فرهنگ غربی، بر مخالفت های خود افزود و اصولاً تصویب قانون را در چنان مجلس و نظامی به طور رسمی خلاف شرع اعلام کرد.

مخالفت های مرحوم شیخ فضل الله با مشروطیت و مشروطه خواهان تازمان فتح تهران ادامه داشت. فاتحان تهران، بسیاری از مستبدان را به حال خود گذاشتند و حتی آنان را به مناصب دولتی گماشتند؛ محمدعلی شاه را بدون محاکمه آزاد گذاشتند تا به روسیه برود و برای او مستمری نیز تعیین کردند اما چون وجود شیخ برایشان قابل تحمل نبود، او را دستگیر و پس از یک محاکمه در دادگاه، به اعدام محکوم کردند.

یک توضیح

پایداری بر سر دار

پیش از دستگیری شیخ فضل الله نوری توسط فاتحان تهران، عده ای به او پیشنهاد کردند که برای حفظ جانش به یکی از سفارتخانه های کشورهای خارجی پناه ببرد و یا پرچم یکی از کشورهای ابر با منزل خود افراد شهدارد ایشان پیشنهادهایی این چنینی را پذیرفت و در پاسخ گفت: «رواست که من پس از هفتاد سال که محسنت را برای اسلام سفید کرده ام حال بیایم و بروم زیر بیرق کفر». مرحوم جلال آن احمد اندیشمند و نویسنده معاصر در کتاب غرب زدگی ماهیت اقدام قاتلان شیخ فضل الله را این گونه توصیف کرده است: «... من نعش آن بزرگوار را بر سر دار همچون پرچمی می دانم که با عالمت استیلای غرب زدگی پس از دویست سال کشمکش بر با مسرای این مملکت افراد شده است».

جنبش مشروطه خواهی و نتایج آن

جنبش مشروطه خواهی موجب پیداری و آگاهی ایرانیان شد. اگر در سال‌های پیش از مشروطه تنها گروه کوچکی از نخبگان جامعه پیدار و نسبت به سرنوشت ایران حساس بودند، پیروزی نهضت مشروطیت موجب پیداری ملی (عمومی) ایرانیان شد. ادبیات و شعر سال‌های بعد از مشروطه بهترین گواه برای آگاهی از میزان پیداری عموم مردم ایران است. علاوه بر آن، نهضت مشروطیت دستاوردهای عملی و ملموسی نیز در بی داشت که برخی از آنها عبارتند از: تبدیل سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه، تشکیل مجلس شورای ملی، تدوین قانون اساسی، تشکیل هیئت دولت، گسترش مطبوعات، تشکیل انجمن‌ها و احزاب، و اصلاحات اقتصادی (نظیر حذف خزانه سلطنتی و جلوگیری از استفاده‌های نامشروع شاهزادگان و حکام) انقلاب مشروطه با وجود داشتن اهداف متعالی و جان‌فشنای انقلابیون اولیه در راه اهداف آن، در رسیدن به برخی از اهداف ناکام ماند. تلاش طرفداران حکومت استبدادی برای سلطه دوباره برکشور، بروز اختلاف نظر و چند دستگی میان مشروطه خواهان، دخالت‌های روسیه و انگلستان در امور داخلی ایران و سراحت آتش جنگ جهانی اول به خاک ایران، از جمله عوامل ناکامی انقلاب مشروطه در رسیدن به برخی اهداف، به شمار می‌رود.

بیشتر بدانیم

تبریز، سنگر مقاومت؛ نجف، پیام پایداری

محمدعلی‌شاه پس از ویران کردن مجلس در تهران، در صدد سرکوب مشروطه خواهان تبریز برآمد؛ چرا که این شهر از کانون‌های انقلاب به شمار می‌رفت. این مأموریت بر عهده گروهی از نیروهای دولتی و کسانی که در شهر با مشروطیت مخالف بودند، گذاشته شد. رحیم‌خان، فرمانده این نیروها، سرکوب مشروطه خواهان را کاری ساده می‌انگاشت و گمان می‌کرد که با یک حمله - همانند آنچه در تهران اتفاق افتاد (در به توب‌بستن مجلس) - می‌تواند انقلابیون تبریز را به تسليیم وادرد. در ظاهر نیز چنین به نظر می‌رسید؛ زیرا همه شرایط به نفع دولتیان بود. عده زیادی از مردم که اتفاقات تهران را به معنای تسلط دوباره محمدعلی‌شاه بر زندگی خود می‌دانستند، از مشروطه خواهی دست کشیدند و حتی بعضی از آنها به نیروهای حکومتی پیوستند؛ بنابراین، کسانی که هنوز طرفدار مشروطیت و آزادی بودند، می‌بايست سختی‌های فراوانی را تحمل کنند و برای دست‌یابی به آرمان‌های

خود تا پای جان بایستند. قوای دولتی به دلیل برخورداری از نیروها و تجهیزات فراوان، توانستند در مدت یک ماه نخست جنگ، شکست‌های سختی بر مجاهدان وارد آورند و بیشتر قسمت‌های شهر را تصرف کنند؛ به همین دلیل، حتی بسیاری از مجاهدان نامید و سرخورد شدند و تفنگ‌های خود را به زمین گذاشتند. در این میان، تنها عده‌ای محدودی به رهبری «ستارخان» دلوارانه در برابر نیروهای دولتی ایستادند و با مقاومت دلیرانه خود زمینه را برای پیروزی‌های بعدی آزادی خواهان و سرانجام، شکست محمدعلی‌شاه فراهم ساختند.

یکی از مورخان آن زمان در توصیف این وضع، چنین نوشته است:

«از ایران آذربایجان ماند، از آذربایجان تبریز، از تبریز کوی امیرخیز و از کوی امیرخیز یک کوچه که در آن ستارخان مقاومت می‌کرد، اما بعد، آن کوچه به کوی و آن کوی به شهر و شهر به ولایت و ولایت به کشور بدل شد».^۱

بارسیدن اخبار مقاومت ستارخان و یارانش (که یکی از معروف‌ترین آنها باقرخان بود) به تهران، محمدعلی‌شاه سپاهی را به فرماندهی عین الدوله برای سرکوب آنها به تبریز فرستاد اما این سپاه نیز نتوانست کاری از بیش ببرد. با وجود این که قحطی در شهر تبریز بیداد می‌کرد، مبارزان توانستند نیروهای دولتی را وادار به عقب‌نشینی کنند.



ستارخان و باقرخان به همراه جمعی از مجاهدان تبریز

۱- تاریخ مشروطه ایران، احمد کسری

به راستی این حرکت انقلابی چگونه روی داد؟ چه نیرویی ستارخان و یارانش را به حرکت و مقاومت وا می‌داشت؟

ستارخان به پشتواهه غیرت ملی و دینی توانست این حماسه عظیم را خلق کند. او خود، بارها گفته بود که من «حکم علمای نجف را اجرا می‌کنم». حتی انگیزه بیشتر تاجرانی که به مبارزان تبریز کمک مالی می‌کردند، پیروی از دستور علمای بود؛ بنابراین، بذل جان و مال و مجاهدت در راه آزادی و مشروطه انگیزه‌های دینی داشت. علمای مشروطه خواه نجف از جمله آیت‌الله خراسانی و آیت‌الله مازندرانی پس از شنیدن اخباری درباره وضع ایران، فتوای زیر را صادر کردند:

«به عموم ملت، حکم خدا را اعلام می‌داریم. ایام، همت در دفع این سفاک جبار (یعنی محمدعلی‌شاه) از اهم واجبات و دادن مالیات به گماشتنگان او، از اعظم محرمات و بذل توجه در استحکام و استقرار مشروطیت به منزله جهاد در رکاب امام‌زمان - ارواحنا فداه - و سرمویی مخالفت و مسامحه به منزله خذلان و محاربه با آن حضرت - صلوات‌الله و سلامه علیه - است».

شور انقلابی برخاسته از این دستورات مجاهدان تبریز را به پایداری بیشتر در مقابل قوای دولتی برانگیخت. آنها پس از ماه‌ها مقاومت و تحمل گرسنگی و سختی‌های بسیار، به مرور شکست‌هایی به قوای دولتی وارد آوردند و الگوی مردم سایر مناطق کشور شدند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- روند وقوع مهاجرت صgra را از آغاز تا پایان در سه سطر توضیح دهید.
- ۲- علت مهاجرت کبرا چه بود؟
- ۳- مهم‌ترین خواسته‌های انقلابیون هنگام مهاجرت کبرا چه بود؟
- ۴- انقلاب مشروطه چه دستاوردهایی داشت؟

اندیشه و جستجو

- درباره یکی از حوادث دوران انقلاب مشروطیت (جز آن‌چه در کتاب آمده است) مطلبی تهیه کنید.

دخالت‌های روسیه و انگلستان در ایران

(از انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹)

مقدمه

رقبات‌ها و توافق‌های روسیه و انگلیس در ایران، جنگ جهانی اول و کودتای ۱۲۹۹،

روند تحولات تاریخ ایران را کاملاً تحت تأثیر خود قرار داد. در این درس نقش دولتهای روسیه و انگلستان در مقطع بسیار مهمی از تاریخ ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روسیه و انگلستان و انقلاب مشروطه ایران

مخالفت روسیه با انقلاب مشروطه : دولت روسیه آشکارا با جنبش مشروطه‌خواهی و مشروطه‌خواهان ایران مخالفت کرد؛ زیرا :

۱- حکومت تزاری روسیه استبدادی بود و نسبت به هرگونه اندیشه آزادی خواهی و حکومت مشروطه دشمنی می‌ورزید.

۲- روسیه بر شاه و دربار ایران نفوذ زیادی داشت و چون انقلاب مشروطه موجب محدود شدن اختیارات و قدرت شاه و دربار می‌شد، این موضوع خوشایند روس‌ها نبود.

۳- دولتمردان روسی از گرایش و واپستگی مشروطه‌خواهان به دولت انگلستان نگران بودند. با این همه، حکومت تزاری روس در موقعیتی نبود که بتواند مانع پیروزی انقلاب مشروطه ایران شود؛ زیرا به تازگی در جنگ با زاپن به سختی شکست خورده و گرفتار جنبش مشروطه‌خواهی در داخل روسیه بود.

سیاست منفعت طلبانه انگلستان در برابر مشروطه : طبیعی است که دولتهای استعمارگر در اساس با هرگونه جنبش ملی و مردمی در کشورهای تحت نفوذ و سلطه خود مخالفت کنند، اما دشمنی آنها با چنین نهضت‌هایی در شکل‌های مختلف و گاهی در لباس دوستی جلوه می‌کرد. دولت انگلستان

در صدد برآمد از طریق نفوذ در رهبران و دست‌اندرکاران انقلاب مشروطه، این انقلاب را از مسیر اصلی خود منحرف کند و در جهت منافع استعماری خود سوق دهد. به همین منظور درهای سفارت انگلستان در تهران به روی مشروطه‌خواهان گشوده شد و مأموران انگلیسی به ظاهر از انقلاب پشتیبانی کردند. خیلی زود پرده از این سیاست متظاهرانه برداشته شد و دولت انگلستان در مقابل لشکرکشی محمد علی‌شاه و روسیه بر ضد مجلس شورای ملی و مشروطه‌خواهان سکوت کرد و سپس از طریق دسیسه و دخالت‌های گوناگون در امور داخلی ایران، نهضت مشروطه را از نفس انداخت.

۱۹۰۷ قرارداد

اختلافات کشورهای اروپایی بر سر منافع استعماری در اوایل قرن نوزدهم میلادی به اوج خود رسید و به تدریج زمینه را برای چندستگی و صفات آرای آنها در مقابل یکدیگر فراهم کرد. در این میان، دو



نقشه تقسیم ایران براساس قرارداد ۱۹۰۷

دولت انگلستان و روسیه که از قدرت یافتن آلمان و متحданش بیم داشتند، در سال ۱۹۰۷ م. ۱۲۸۷ ش. طی قراردادی با تقسیم کردن ایران میان خود، کوشیدند به اختلافات خوش پایان دهند.
براساس قرارداد ۱۹۰۷ که به طور پنهانی به امضا رسیده بود، ایران به سه منطقه تقسیم می‌شد : منطقه تحت نفوذ روسیه، منطقه تحت نفوذ انگلیس و منطقه بی طرف؛ اما به دلیل عدم اقتدار دولت ایران، این بی طرفی نیز معنای نداشت.

مشروطه نوپا و تجاوزهای بیگانگان

در گرماگرم نبرد میان مستبدان و آزادی خواهان (در دوره استبداد صغیر)، نیروهای نظامی روس براساس قرارداد ۱۹۰۷، از مرزهای شمالی گذشتند و با پیشروی در خاک ایران، وارد تبریز شدند. پس از چندی، نیروهای نظامی انگلستان نیز مناطق جنوبی ایران را تصرف کردند. روس‌ها در تبریز نقۀ اسلام تبریزی و عده‌ای دیگر را که به مخالفت با آنها برخاسته بودند، اعدام کردند و در مشهد، گنبد امام رضا (ع) را به توب بستند؛ بنابراین، مهم‌ترین و اساسی‌ترین مشکل مشروطه نوپا، حضور تجاوز کارانه انگلیسی‌ها و روس‌ها در ایران بود. با این حال، مشروطه خواهان که با فتح تهران پیروزی بزرگی به دست آورده بودند، در صدد برآمدند که با حل کردن مشکلات، اوضاع کشور را سر و سامان دهند. آنها برای دستیابی به این هدف، در گام نخست مقدمات بازگشایی مجلس شورای ملی را فراهم آورdenد (آبان ۱۲۸۸). مجلس دوم کار خود را در میان شور و شوق فراوان مردم آغاز کرد اما بعضی اقدامات آن، خشم و نارضایتی آشکار دولت روسیه را برانگیخت و موجب کارشکنی‌های پنهانی دولت انگلستان شد. این نارضایتی و کارشکنی‌ها سرانجام به تعطیلی مجلس انجامید.^۱.

ایران در جنگ جهانی اول

در آستانه جنگ جهانی اول، ایران اوضاعی آشفته و بحرانی داشت. وضعیت ناپایدار سیاسی، نابسامانی‌های اقتصادی و دخالت‌های گسترده قدرت‌های خارجی و اشغال بخش‌هایی از شمال و جنوب کشور توسط نیروهای روسی و انگلیسی، حکومت قاجار را ضعیف و متزلزل کرده بود.
اشغال ایران : اگرچه پس از شروع جنگ جهانی اول^۲، دولت ایران اعلام بی‌طرفی کرد، لیکن

۱- پس از پیروزی مشروطیت و به دنبال مشکلات اقتصادی، مجلس از فردی آمریکایی به نام مورگان شوستر (Morgan Shuster) دعوت کرد تا برای کمک به اصلاح اوضاع اقتصادی به ایران بیاید. اقدامات شوستر با اعتراض جدی روس‌ها مواجه شد و در بی فشارهای سیاسی آنان، دولت به ناچار شوستر را از ایران اخراج کرد.
۲- م. ۱۲۹۳ / ۱۹۱۴ ش.

دولت‌های درگیر در جنگ کمترین اعتمانی به آن نکردند. روسیه و انگلستان که از تنفر شدید ایرانیان نسبت به خود آگاه بودند و از فعالیت مأموران و جاسوسان آلمان در ایران واهمه داشتند، به سرعت بر شمار نیروهای اشان در کشور ما افزودند. سپاهیان روسیه بخش‌هایی از شمال و نیروهای انگلیسی قسمت‌هایی از جنوب ایران از جمله مناطق نفت خیز را به اشغال خود درآورده‌اند. این دو دولت طی قراردادی سری (قرارداد ۱۹۱۵) ایران را به دو قسمت میان خود تقسیم کردند. همزمان ارتضی عثمانی نیز مناطقی از غرب ایران را تسخیر کرد. به دنبال پیشروی نیروهای روسیه تا دروازه‌های پایتخت، جمعی از مشروطه‌خواهان، شامل تعدادی از نمایندگان مجلس شورای ملی، وزیران و شخصیت‌های مذهبی، ابتدا به قم، سپس به اصفهان و سرانجام به کرمانشاه مهاجرت کردند. مهاجران در آن شهر، تحت حمایت متحده‌ان (آلمن و عثمانی)، دولت موقت ملی را تشکیل دادند. با هجوم نیروهای متفقین به کرمانشاه و شکست سپاه عثمانی، دولت موقت ملی سقوط کرد و اعضای آن پراکنده شدند.



اعضای دولت موقت ملی در کرمانشاه، از راست: میرزا قاسم خان صوراسرا فیل، حسین سمیعی، محمدعلی فرزین، رضاقلی نظام مافی، آیت‌الله شهید سیدحسن مدرس، امان‌الله اردلان، محمدعلی نظام مافی

ایستادگی در برابر اشغالگران : برغم آن که حکومت قاجار فاقد توان و اراده لازم برای مقابله با نیروهای مت加وز و اشغالگر بود، اما در برخی مناطق، به ویژه نواحی فارس و بوشهر، نیروهای مردمی تحت تأثیر فتوای مراجع و هدایت و حمایت روحانیون نظر آیت‌الله شیخ جعفر محلاتی و آیت‌الله سید عبدالحسین لاری، با هدف دفاع از استقلال وطن در برابر قوا اشغالگر انگلیسی ایستادند. دلیران تنگستان و دشتستان به فرماندهی رئیسعلی دلواری تا آخرین قطره خون با نیروهای مت加وز جنگیدند و ضربات سختی بر آنها وارد کردند. مردم کازرون نیز به رهبری ناصر دیوان کازرونی با شجاعت و شهامت تمام رویارویی نیروهای انگلیسی شدند. عشایر عرب خوزستان نیز در «نبرد جهاد» تلفات سنگینی بر ارتضی اشغالگر وارد آورده‌اند.

آثار جنگ : جنگ جهانی اول برای مردم ایران بسیار فاجعه‌آمیز بود. کشوری که دولت و مردمش، هیچ نقش و دخالتی در شروع و ادامه جنگ نداشتند، تلفات جانی و خسارت‌های مالی هنگفتی را متحمل شد. افزون بر آن عده از ایرانیان که بر اثر درگیری‌های نظامی جان باختند، شمار بسیار زیادی از مردم ایران بر اثر قحطی، گرسنگی و بیماری‌های ناشی از جنگ و اشغال به طرز دلخراشی جان دادند. این در حالی بود که منابع اقتصادی و مواد غذایی کشورشان توسط اشغالگران مصادره شده بود.

یک توضیح

ره آورد جنگ جهانی اول برای ملت ایران

محمدعلی جمالزاده، تلفات و حشتناک شیراز را در زمان جنگ جهانی اول این‌گونه روایت کرده است: «جنگ جهانی اول در آستانه اتمام بود [پاییز ۱۹۱۸] که در دل شبی تاریک، و هولناک سه سوار ترستاک که هر کدام شمشیر و شلاقی به برداشتند به آرامی از دیوارهای شهر عبور کردند و به آن وارد شدند، یک سوار نامش قحطی، دیگری آنفلوانزا اسپانیایی و آخری وبا بود. طبقات فقیر، پیر و جوان، همچون برگ پاییزی در برابر حمله این سه سواران بی‌رحم فرو می‌ریختند، هیچ غذایی پیدا نمی‌شد، مردم مجبور بودند هر چه را که می‌توانستند بجند و بخورند. به زودی گربه و سگ و کلاغ را نمی‌شد یافت، حتی موش‌ها نسلشان برافتاده بود، برگ، علف و ریشه‌گیاه را مانند نان و گوشت معامله می‌کردند، در هر گوش و کنار، اجساد مردگان پراکنده بود. بعد از مدتی مردم به خوردن گوشت مردگان روی آوردند».

انقلاب روسیه و نقشه‌های جدید انگلستان

انقلاب اُکتبر روسیه^۱ در اوایل جنگ جهانی اول روی داد و بر اوضاع کشور ما بسیار تأثیر گذاشت. تغییر رژیم در روسیه، باعث بازگشت سپاهیان روس به کشورشان شد. دولت استعمارگر انگلیس با استفاده از این وضع، بالافاصله حضور نظامی خود را در مناطق شمالی ایران گسترش داد

۱- در سال ۱۹۱۷ م. / ۱۲۹۶ ش. مردم روسیه که از ستم حاکمان این کشور به سته آمده بودند، به مخالفت با حکومت برخاستند و سرانجام، خاندان پادشاهی این کشور (رومانوف‌ها) را برکنار کردند. انقلاب روسیه از دو جهت برای ایران اهمیت داشت؛ یکی این که موجب خروج نیروهای روسیه از ایران شد و دیگر این که انگلیسیون این کشور اعلام کردند که قصد تسليط مجدد بر ایران و دخالت در امور کشور ما را ندارند. این وعده بعدی نادیده گرفته شد اما در آن سال‌ها از بار مشکلات ایران کاست. از آن پس، نام این کشور از «روسیه» به «شوری» تغییر یافت.



وثوق الدوله

و بدین ترتیب، سراسر کشورمان را اشغال کرد.
انگلیسی‌ها در صدد بودند تا در غیاب رقیب خود
و با وجود تسلط بی‌چون و چراً نظامی که به دست
آورده بودند، با انعقاد قراردادهایی، منافع سیاسی-
اقتصادی خود را تأمین کنند.

قرارداد ۱۹۱۹ : با نخست وزیر شدن
وثوق الدوله^۱ تا حد زیادی زمینه مساعد برای
اهداف انگلستان در ایران فراهم شد. در دوره
نخست وزیری او (قرارداد ۱۹۱۹ م. ۱۲۹۸ ش.)
میان ایران و انگلیس امضا شد که بر اساس آن،
امتیاز ایجاد راه آهن و راه‌های شوشه در سراسر
کشور به انگلیسی‌ها واگذار می‌شد و ایران با گرفتن

وام از انگلستان، اداره امور مربوط به دارایی و ارتش خود را به مأموران و کارشناسان و فرماندهان
انگلیسی می‌سپرد. چنان که پیداست، در صورت اجرای این قرارداد، ایران به طور رسمی تحت نفوذ
و سلطهٔ کامل انگلستان قرار می‌گرفت.

پس از انتشار متن قرارداد، مردم و برخی از دولتمردان مخالفت خود را با آن ابراز کردند.
در رأس مخالفان این قرارداد، آیت‌الله مدرس قرار داشت و خانه او، از جمله مراکز تجمع مخالفان
بود. اعلامیه‌ها و شب‌نامه‌هایی^۲ در مخالفت با قرارداد در سراسر ایران منتشر شد. دولت، زیر فشار
انگلیسی‌ها به سرکوب مخالفان و تبعید و زندانی کردن آنها پرداخت. شیخ محمد خیابانی در مخالفت با
قرارداد یادشده، در تبریز قیام کرد. گسترش موج مخالفت‌ها و ثوق الدوله را به قبول شکست و ادار کرد.
شکست قرارداد ۱۹۱۹، در واقع شکست سیاست‌های انگلیس در ایران بود. در بی‌این شکست، دولت
انگلیس که چنین وضعی را ناشی از ضعف حکومت قاجار و از هم‌پاشیدگی اوضاع ایران می‌دانست،
در صدد برآمد که زمینه را برای تشکیل حکومت جدید از طریق کودتا فراهم کند.

۱- حسن وثوق معروف به وثوق الدوله از جمله سیاستمداران وابسته به انگلستان که در مجلس اول نماینده طبقه تجار بود و در چند کابینه، مقام وزارت یافت. او دو بار نیز به مقام نخست وزیری رسید.

۲- اطلاعیه‌هایی که به صورت مخفی نوشته و تکثیر می‌شد و شب‌ها توزیع یا به در و دیوارها چسبانده می‌شد. این اقدام در آگاهی مردم نقش مؤثری داشت.



شیخ محمد خیابانی



آیت‌الله شهید سیدحسن مدرس



سیدضیاءالدین طباطبائی

کودتای سیاه : دولت انگلستان برای دست یابی به اهداف خود، در صدد تغییر حکومت ایران برآمد؛ به این منظور، برنامه کودتا طرح ریزی و اجرای آن به سفارت انگلیس و نیروهای انگلیسی مستقر در ایران واگذار شد. آیرون ساید^۱، فرمانده نظامی نیروهای انگلیسی در ایران، به جستجو در میان نیروهای قزاق پرداخت و به کمک سیدضیاءالدین طباطبائی^۲ که از سیاستمداران وابسته به انگلستان بود، یکی از فرماندهان نظامی به نام رضاخان را برای این منظور، مناسب تشخیص داد.

آیرون ساید در قزوین با رضاخان ملاقات کرد و با توجه به اطلاعاتی

که سیدضیاءالدین درباره او جمع‌آوری کرده بود، توanst وی را با اهداف خود هماهنگ کند. آیرون ساید بعد از آماده کردن رضاخان برای انجام کودتا، به تهران آمد و به احمد شاه چنین القا کرد که حرکت نظامی رضاخان به سوی تهران، برای حفظ کشور و سلطنت ضروری است. با آماده شدن شرایط، قوای قزاق در بامداد روز سوم اسفند ۱۲۹۹ وارد تهران شدند و بی‌آنکه با مقاومت جدی رو به رو شوند، نقاط حساس پایتخت را تسخیر کردند. در بی‌این حادثه، شاه تحت فشار انگلیسی‌ها به ناچار سیدضیاءالدین طباطبائی را به نخست وزیری منصوب کرد. رضاخان نیز که مهره نظامی کودتا بود، به عنوان فرمانده ارتش، لقب «سردار سپه» گرفت. به فاصله کوتاهی، سیدضیاء (مهره سیاسی کودتا) استعفا کرد و به اروپا رفت؛ اما رضاخان (مهره نظامی کودتا) در مقام وزیر جنگ روزبه روز بر قدرت و نفوذ خود افزود.



احمد شاه قاجار به همراه رضاخان و سایر رجال درباری

بیشتر بدانیم

میرزا کوچک خان و نهضت جنگل



نهضت جنگل قیام مردمی بود که در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخی کشور ما، شکل گرفت. این نهضت از جنگل‌های گیلان آغاز شد و سپس، روستاهای و شهرهای این استان را دربر گرفت و هفت سال ادامه یافت^۱. رهبر نهضت جنگل، میرزا کوچک خان، طلبه آزادمنش و انقلابی و فردی مودب، متواضع، خوش برخورد و پای بند به اجرای دستورات دینی بود. او از همان ابتدای جوانی دارای صفات عالی و ممتاز بود و در میان همسالان خود شاگردی با استعداد، بی‌پروا و طرفدار عدل و حامی مظلومان به شمار می‌رفت؛ آن‌چنان که هرگاه کسی به دیگری ستم می‌کرد، مشت میرزا را بالای سر

^۱ از خرداد ۱۲۹۳ تا مهر ۱۳۰۰

خود می‌دید. میرزا کوچک خان ورزش را دوست می‌داشت و هر روز ورزش می‌کرد. او مردمی متفکر و آرام بود؛ زیاد حرف نمی‌زد و آهسته و سنجیده سخن می‌گفت و صحبت‌هایش اغلب با لطیفه و مزاح همراه بود. دارای جذبه‌ای خاص بود و به ندرت اتفاق می‌افتد که مخاطبتش مجذوب متأثر و بیان او نشود. میرزا یک مرد مذهبی تمام عبار بود و هیچ گاه واجباتش را ترک نمی‌کرد. او به اشعار فردوسی علاقهٔ خاصی داشت؛ به طوری که در مرکز فرماندهی خود در جنگل، جلسات منظمی برای خواندن شاهنامه ترتیب داده بود.

میرزا در آستانهٔ انقلاب مشروطیت، زمانی که بسیار جوان بود، در رشت دست به حرکت‌های انقلابی زد؛ در حرکت مشروطه خواهان شمال برای سرنگونی محمدعلی شاه، دلاوری‌های بسیاری از خود نشان داد و همراه با مشروطه خواهان به تهران رفت. او در جریان جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط روس و انگلیس، به فکر برپا کردن یک نهضت مسلحانه افتاد. اهداف او و یارانش در برپایی این نهضت عبارت بودند از: اخراج نیروهای بیگانه، رفع ناامنی و بی‌عدالتی و برقارای امنیت، مبارزه با خودکامگی و استبداد.

قیام جنگل در مقابله با متجاوزان و دولت‌های بی‌کفایتی که در تهران بر سر کار می‌آمدند، در طول هفت سال فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشت. این قیام، سرانجام به دنبال خیانت دولت شوروی، بروز اختلاف در میان سران نهضت جنگل و حمله نیروهای دولتی به فرماندهی رضاخان، سرکوب شد اما نام میرزا و مقاومت‌های مردانه‌اش در برابر ستم و تجاوز، در خاطر مردم ایران زنده و جاوید ماند و الگویی برای مبارزان بعدی شد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- جنگ جهانی اول چه اثری بر اوضاع ایران داشت؟
- ۲- قرارداد ۱۹۱۹ دربردارنده چه مسائل و مواردی بود و چه واکنش‌هایی را در پی داشت؟
- ۳- چرا در دوره احمدشاه، انگلیس‌ها سیاست تغییر حکومت ایران را در پیش گرفتند؟
- ۴- با توجه به آنچه در این درس خواندید، به نظر شما، مشکلات اصلی کشور ما در اواخر دوره سلطنت قاجار چه بود؟ توضیح دهید.

اندیشه و جستجو

- ۱- درباره مفاد قرارداد ۱۹۱۹ مطلبی تهیه کنید.
- ۲- با توجه به آنچه در درس‌های قبل آموخته‌اید، بیان کنید که به نظر شما، شرایط اجتماعی، به قدرت‌گیری رضاخان کمک کرد یا برعکس؟ چرا؟

ایران در دوران سلطنت رضا شاه

مقدمه

شما در این درس، با چگونگی تأسیس سلسله پهلوی، ماهیت اقدامات رضا شاه و نیز چگونگی برکناری او از سلطنت آشنا می‌شوید.

رضاخان از نخست وزیری تا پادشاهی

رضاخان در سمت وزارت جنگ از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ ش.، با دیسیسه چینی و حمایت انگلستان، موقعیت خود را ثبت کرد. سرانجام، شاه قاجار و مجلس به ناچار به نخست وزیری او رضایت دادند. احمد شاه بالا فاصله به سفر اروپا رفت^۱ و رضاخان با استفاده از این فرصت، اوضاع و شرایط داخلی را برای برداشتن قدم نهایی – یعنی رسیدن به سلطنت – آماده کرد. او برای رسیدن به اهدافش، ابتدا پیشنهاد کرد به جای حکومت سلطنتی، نظام «جمهوری» در کشور برقرار شود اما کسانی نظری آیت الله مدرس، مردم را به حرکت برضد این پیشنهاد تشویق کردند؛ به طوری که رضاخان، سرانجام حرف خود را پس گرفت. اما برای رسیدن به تاج و تخت سلطنت، دست از تکاپو برنداشت.

رضاخان در غیاب شاه که در اروپا به سر می‌برد، روز به روز موقعیت خود را بیشتر تحکیم می‌کرد و در عین حال، می‌کوشید تا با تبلیغاتی گسترده علیه احمدشاه، او را نسبت به سرنوشت مملکت بی‌اعتنایشان دهد. احمد شاه پس از مدتی، تصمیم به بازگشت به ایران و حفظ سلطنت گرفت. انگلیسی‌ها وقتی که از تصمیم شاه برای عزیمت به ایران مطلع شدند، نزد او رفتند و ضمن مبالغه‌گویی در اوضاع آشفته ایران، صلاح او را در این دانستند که مدتی از رفتن به ایران چشم پوشید تا رضاخان بتواند امنیت لازم

۱- انگلیسی‌ها و رضاخان چنین تبلیغ می‌کردند که وضع کشور بسیار آشفته است؛ بنابراین، به شاه پیشنهاد می‌کردند که مدتی به خارج از کشور برود و پس از برقراری امنیت، بازگردد. از سوی دیگر، آنها خروج شاه را نشانه بی‌علاقه‌گی او به کشور اعلام می‌کردند.

را برای حضورش در کشور فراهم آورد.

هرچه توقف شاه در اروپا بیشتر طول می‌کشید، تبلیغات طرفداران رضاخان مبنی بر این که شاه علاوه‌ای به سرنوشت ایران ندارد، بیشتر می‌شد و مردم نیز کم و بیش این نکته را باور می‌کردند. پس از سرکوبی شورش خرعل و بعضی شورش‌های پراکنده دیگر، با توجه به امنیتی که رضاخان به وجود آورده بود، محبوبیت او افزایش یافت؛ در همین حال، در اثر تبلیغات طرفداران رضاخان، بدینی مردم نسبت به احمد شاه و گرایش به رضاخان نیز پیشتر شد.

یک توضیح

شیخ خزعل

شیخ خزعل رئیس قبیله محبیسن شاخص‌ای، از قبیله بنی کعب ساکن در خوزستان و با نفوذترین فرد در آن منطقه بود؛ به طوری که همه مسئولان ادارات، با وجود او هیچ اختیاری نداشتند، شیخ خزعل با انگلیسی‌ها ارتباط داشت و انگلیسی‌ها از نفوذ و قدرت او برای ایجاد امنیت در خوزستان استفاده می‌کردند؛ زیرا آنان برای استخراج نفت در این منطقه‌ها وجود عشایر مختلف عرب و غیر عرب، به قدرتی محلی که امنیت را برایشان برقرار سازد نیازمند بودند. با ظهور رضاخان و قدرت‌گیری او، بر شیخ خزعل مسلم بود که او دیر یا زود با رضاخان درگیری خواهد داشت، عاقبت نیز چنین شد. انگلیسی‌ها شیخ خزعل را فدای رضاخان کردند تا اورادر میان مردم قهرمان جلوه دهدند. سرانجام، شیخ خزعل به دستور رضاشاه به تهران فراخوانده شد و خود و پسرش مخفیانه به قتل رسیدند.

به سلطنت رسیدن رضاخان

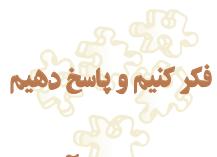
پس از آنکه عمال انگلیس از همان عموم مردم را به سود رضاخان آماده کردند، سرانجام در سال ۱۳۰۴ ش. ماده واحده‌ای به صورت طرح در مجلس شورای ملی مطرح شد که در آن، خلع قاجاریه از سلطنت و سپردن حکومت موقت به رضاخان خواسته شده بود. در این ماده واحده، پیش‌بینی شده بود که پس از خلع قاجاریه، مجلس مؤسسان برای تغییر چند ماده از قانون اساسی تشکیل خواهد شد و تکلیف قطعی سلطنت را تعیین خواهد کرد. جز چهار تن از نمایندگان مجلس – از جمله آیت‌الله مدرس و دکتر مصدق – سایر نمایندگان به این طرح رأی مثبت دادند.^۱

۱- دو تن دیگر عبارت بودند از: یحیی دولت‌آبادی و سید حسن تقی‌زاده.

با حمایت همه‌جانبه‌ای که از سوی دولت‌های بزرگ خارجی به عمل آمد، انتخابات مجلس فرمایشی مؤسسان برگزار شد. در آذر سال ۱۳۰۴ مجلس مؤسسان با نطق رضاخان افتتاح شد و پس از شش روز بحث و گفت‌وگو، رضاخان را به پادشاهی ایران انتخاب و سلطنت را در خانواده او موروثی اعلام کرد.

ماهیت برخی از اصلاحات و اقدامات رضاشاہ

آغاز سلطنت پهلوی، در واقع فصل جدیدی از تاریخ ایران است که همزمان با آن، دوره نوینی از غارت کشور ما به دست بیگانگان آغاز می‌شود که به «استعمار نو» شهرت دارد.



آیا می‌دانید تفاوت استعمار نو و استعمار کهن‌هه چیست؟ توضیح دهید.

رضاشاہ پس از رسیدن به سلطنت، در زمینه‌های داخلی و خارجی به اقداماتی دست زد. این اقدامات عبارت بودند از:

۱— بازگشت به حکومت استبدادی

وی از همان ابتدای کار، به حذف شخصیت‌های آزادی‌خواه، مستقل و مخالف با نفوذ بیگانگان اقدام کرد و شیوه حکومت استبدادی و رأی فردی را پیش گرفت. او به مجلس قانون‌گذاری و قانون اهمیت نمی‌داد و تصمیمات فردی خود را به اجرا درمی‌آورد.

۲— ایجاد ارش منظم

به وجود آوردن ارش منظم در ایران از جمله برنامه‌های اساسی انگلیسی‌ها بود. این ارش ضمن این که تمرکز قدرت سیاسی را در کشور ممکن می‌ساخت، قیام‌های مردمی را سرکوب می‌کرد و در موقع ضروری، به عنوان تأمین‌کننده اهداف نظامی انگلستان مورد استفاده قرار می‌گرفت. رضاشاہ نیروهای سه‌گانه ارش را با هدایت انگلیسی‌ها به وجود آورد. به نو کردن ارش پرداخت و در سال ۱۳۰۴ ش. قانون نظام وظیفه عمومی را به تصویب رساند.

۳— احداث خط آهن سراسری

از جمله اقدامات رضاشاہ، احداث راه آهنی بود که بندر ترکمن را به بندر شاهپور^۱ متصل می‌کرد.

۱— بندر امام خمینی فعلی

احداث این راه با تبلیغات فراوان انجام گرفت و درواقع، هدف آن ایجاد راهی سراسری برای انتقال سریع نیروهای انگلیسی از جنوب به شمال بود. در صورت پیشروی روس‌ها، انگلیسی‌ها با استفاده از این راه می‌توانستند نیروهای خود را به سرعت به شمال بفرستند و مانع نفوذ آنها به هندوستان شوند. در جنگ جهانی دوم همین راه به مهم‌ترین عامل ارتباطی نیروهای متفقین مبدل شد.

۴- اسکان عشایر

از دیگر اقدامات رضاشاه، اسکان اجباری عشایر بود. هدف آن، مهار کردن نیروی رزمی عشایر بود. این اقدام، از رونق دامداری کشور کاست و باعث شد که کشور ما از نظر دامی به بیگانه نیازمند شود.

۵- یک شکل کردن لباس‌ها و کشف حجاب

رضاشاه به نام تمدن و تجدد و مبارزه با کهنه‌پرستی، به یک شکل کردن لباس‌ها و نیز برداشتن حجاب بانوان اقدام کرد؛ اما



رضاشاه دانش‌آموزان را هم به استفاده از کلاه پهلوی مجبور کرد.

۶- تجدید امتیاز نفت

در دوره مظفرالدین‌شاه قاجار، امتیاز کشف و بهره‌برداری از منابع نفت ایران به مدت ۶۰ سال به فردی انگلیسی^۱ واگذار شد. بعد از دولت انگلستان بر این امتیاز چنگ انداخت. در حالی که ۳۲ سال از مدت امتیازنامه گذشته بود، رضاشاه به طور ناگهانی و یکجا به قرارداد مذکور را لغو کرد، اما اندکی بعد با انعقاد قرارداد جدیدی (قرارداد نفتی ۱۹۳۳/۱۳۱۲ ش.)، حق بهره‌برداری از منابع نفت جنوب ایران را به مدت ۶۰ سال به انگلستان داد. این قرارداد نسبت به امتیاز پیشین، به مراتب شرایط زیانبارتری برای منافع ملی ایران داشت.

۱- ویلیام ناکس دارسی

سیاست مذهبی رضا شاه

رضاشاه که تصور می‌کرد مهم‌ترین راه پیشرفت و توسعه کشور تقلید از غرب و اشاعه فرهنگ غربی است. پس از مسافرت به ترکیه و آشنازی با آتاتورک، رئیس جمهور آن کشور، به تقلید از او به مبارزه با همه سنت‌های اسلامی پرداخت. او در این راه حتی مأمورانی مخصوص در کوچه و خیابان شهر گماشت که وظیفه داشتند به زور چادر را از سر زنان بکشند. رضاشاه برای تضعیف روحانیت، دستور داد که روحانیون نیز لباس‌های مخصوص خود را کنار بگذارند. به دستور وی، دفترخانه‌های شرعی تعطیل شدند و دخالت روحانیون در مسائل اجتماعی اکیداً منوع اعلام شد. عزاداری سیدالشهدا قدغن شد و از انجام پذیرفتن بسیاری از آداب مذهبی به شدت جلوگیری به عمل آمد.



رضاشاه و آتاتورک

یک توضیح

حتی یک رأی!

معروف است که شهید مدرس در انتخابات مجلس هفتم، از جمله داوطلبان نمایندگی مردم تهران بود. پس از انجام انتخابات، اعلام شد که او حتی یک رأی هم نیاورده است. مدرس در این باره گفته بود: «به فرض که هیچ‌کس به من رأی نداده است؛ پس آن یک رأی که من به خودم داده بودم چه شد؟»

شهادت مدرس

مدرس، روحانی مبارز و خستگی ناپذیری که آرزویش نجات ایران از چنگال استبداد و استعمار بود، در دوران نخست وزیری رضاخان و پس از به سلطنت رسیدن او، یگانه دشمن سرسخت و جدی وی به شمار می رفت.

وجود مدرس در تهران خطری جدی برای ادامه حکومت رضاخان به حساب می آمد. از سوی دیگر، رضاشاه می دانست که نمی تواند مدرس را مانند دیگر مخالفان، بدون توجه به عکس العمل مردم به راحتی از بین ببرد؛ از این رو، در صدد برآمد که ابتدا او را تبعید کند و پس از آن که قدرت خویش را تثبیت کرد، به قتل وی اقدام کند؛ به این ترتیب، در مهرماه ۱۳۰۷ مأموران شهربانی به منزل این روحانی والامقام هجوم بردن و او را به خواف تبعید کردند.^۱ مدرس سال ها در خواف زندانی بود. سرانجام پس از فراهم شدن زمینه، وی را از خواف به کاشمر بردن و پس از مدت کوتاهی، در ۱۰ آذر ۱۳۱۶ او را در همانجا مسموم کردند و به شهادت رساندند.

رضاشاه و سیاست گرایش به آلمان

همزمان با آغاز سلطنت رضاشاه، انگلیسی ها تصمیم گرفتند با تقویت کشور آلمان که همچنان گرفتار مصائب جنگ جهانی اول بود، کمی از مشکلات اقتصادی کشور یاد شده بگاهند و با این همکاری، مانع از افتادن آلمانی ها به دام کمونیسم شوند. از نظر انگلیسی ها، در آن شرایط، بهترین راه مساعدت به آلمان این بود که سیاستمداران انگلیسی به رؤسای کشورهای تحت سلطه خویش دستور دهند تا امکان فعالیت های تجاری و صنعتی آلمان را در این کشورها فراهم سازند؛ به همین دلیل، رضاشاه درهای کشور ایران را به روی سرمایه های آلمانی گشود.

اشغال ایران توسط متفقین

چنان که در درس دهم خواندید، جنگ جهانی دوم با حمله آلمان به لهستان در شهریور ۱۳۱۸ سپتامبر ۱۹۳۹ آغاز شد. آلمان سپس فرانسه را اشغال کرد و دو سال بعد به شوروی نیز هجوم آورد. در ابتدا، پیشروی نیروهای آلمانی به سوی شوروی با خونسردی انگلستان و ایالات متحده و شاید شادی پنهان آنان همراه بود، اما با فاش شدن سیاست خاورمیانه ای هیتلر که هدف آن، توسعه نفوذ آلمان

۱- شهریانی خواف ماهانه مبلغ ۱۵۰ ریال برای ایشان تعیین کرده بود؛ چند سال بعد، مدرس از همان بول در گوشه ای از شهر خواف آب انباری ساخت.

در این منطقه و تصرف چاه‌های نفت و ضربه زدن به دولت‌های رقیب بود، یک باره وحشت سرپاپی سیاستمداران انگلستان را فراگرفت؛ بنابراین، کشورهایی که خود را دشمن شوروی می‌دانستند، تصمیم گرفتند استالین را یاری کنند. استالین، رهبر کشور شوروی نیز دست دوستی کشورهای سرمایه‌داری را فسرد.

در آغاز جنگ، دولت ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد و اظهار داشت که به قوای بیگانه اجازه عبور از خاک ایران را نخواهد داد. اتخاذ این سیاست در عمل به نفع آلمان بود؛ زیرا کشور ایران تنها راه تقویت جبهه شوروی به حساب می‌آمد. در این میان، متفقین که تصمیم خود را برای ورود به کشور ما گرفته بودند، در تیرماه ۱۳۲۰ از دولت ایران خواستند که آلمانی‌های مقیم ایران را اخراج کرده و در عوض، از کارشناسان متفقین استفاده کند. اما رضاشاه با تأکید بر بی‌طرفی، از این امر سر باز زد.

پیشروی آلمانی‌ها در شوروی به حدی رسید که اگر ادامه می‌یافتد، نیروهای آلمانی به چاه‌های نفت – یعنی رگ‌های حیاتی انگلستان – دست می‌یابند؛ بنابراین، در روز ۳ شهریور ۱۳۲۰، سفیران دو کشور انگلستان و شوروی به طور جداگانه یادداشت‌هایی را به دولت ایران تسلیم و اعلام کردند که چون ایران در مقابل متفقین سیاست مبهمی در پیش گرفته است، ارتضی‌های آنان ناگزیر وارد ایران خواهند شد.



اشغالگران از راه آهن ایران برای مقاصد نظامی خود استفاده می‌کردند.

ارتش رضاشاه و نیروهای متفقین



محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)

با ورود نیروهای متفقین به ایران، ارتش رضاشاه متلاشی شد. فرماندهان، سربازخانه‌ها را ترک کردند و سربازان نیز به غارت و سایل سربازخانه‌ها پرداختند. در نواحی کرمانشاه و بعضی بنادر شمالی و جنوب، بخشی از نیروهای ایرانی در مقابل قوای انگلستان مقاومت کردند اما سرانجام، در ۵ شهریور ۱۳۲۰، فرمان ترک مقاومت به کلیه نیروهای نظامی ابلاغ شد. نیروهای شوروی از شمال و انگلیسی‌ها از جنوب به پیشروی پرداختند و به هم پیوستند. کایenne علی منصور، نخست وزیر، سقوط کرد و ذکاءالملک فروغی به نخست وزیری رسید.

در روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰، نیروهای انگلستان و شوروی به سوی تهران حرکت کردند؛ آنها رضاشاه را مجبور به استعفا کردند و چون در آن شرایط، برای اعمال سیاست‌های خود کسی را مناسب‌تر از فرزند او نمی‌دیدند، وی را به پادشاهی رساندند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- رضاشاه برای حذف احمدشاه از صحنۀ سیاسی ایران چه کرد؟
- ۲- مجلس مؤسسان، تکلیف قطعی سلطنت قاجار را چگونه مشخص کرد؟
- ۳- اقدامات فرهنگی رضاشاه و پیامد آنها را توضیح دهید.
- ۴- چرا ایران در جنگ جهانی دوم مورد توجه انگلستان و شوروی قرار گرفت؟
- ۵- به نظر شما، مشکلات ایران از آغاز پیروزی انقلاب مشروطه تا قدرت گرفتن رضاشاه چه بود؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره تأسیس بانک ملی مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره قرارداد دارسی (که در زمان قاجارها بسته شد) و قرارداد ۱۹۳۳ م. مقاله‌ای تهیه کنید.

درس ۲۱

اوضاع ایران از اشغال متفقین تا کودتای ۲۸ مرداد

مقدمه

دوران دوازده ساله ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ ش. یکی از مقاطع مهم و حساس تاریخ ایران است.

آثار و نتایج سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین، چگونگی خروج نیروهای اشغالگر از سرزمین ما و موضوع بسیار مهم مبارزه ملت ایران با استعمار انگلستان و کوشش برای ملی شدن نفت، از مهم‌ترین حوادث این دوره‌اند که در این درس بررسی و تحلیل می‌شوند.

اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران در دوران اشغال

در درس قبل خوانید که دولت ایران در شروع جنگ جهانی دوم هیچ دخالتی نداشت و بی‌طرفی خود را در جنگ اعلام کرد، اما خاک ایران به اشغال نیروهای متفقین (انگلستان، شوروی و آمریکا) درآمد و تا پایان جنگ جهانی دوم نیز در اشغال ماند. مردم ایران در دوران اشغال، با مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی سیاری روی روسند و خسارت و آسیب‌های فراوانی را تحمل کردند. امکانات اقتصادی ایران از قبیل بنادر، راه‌ها، فرودگاه‌ها و کارخانه‌های مهم در اختیار اشغالگران قرار گرفت و حتی ذخیره مواد غذایی نیز به سربازان متفقین اختصاص یافت. در طول آن سال‌های سخت، عده زیادی از ایرانیان درنتیجه کمبود و گرانی مواد غذایی دچار سوء‌تغذیه و بیماری شدند و جان خود را از دست دادند. همچنین در اثر کمبود و کیفیت نامطلوب نان، آشوب‌های بزرگی در نقاط مختلف، از جمله در پایتخت به پاشد.

خروج نیروهای اشغالگر متفقین، از ایران

دولت ایران در پایان جنگ جهانی دوم، از دولت‌های متفق خواست که نیروهای نظامی خود را از ایران خارج کنند. آنها در طول جنگ نیز با اعلام اینکه استقلال و تمامیت ارضی ایران را به رسمیت می‌شناسند، قول داده بودند، حداکثر شش ماه پس از تسلیم ژاپن، نیروهای خود را از ایران خارج کنند. پس از خاتمه جنگ (شهریور ۱۳۲۴ / سپتامبر ۱۹۴۵) انگلستان و آمریکا نیروهای خود را از ایران خارج کردند و از شوروی نیز خواستند که همان کار را انجام دهد؛ اما روس‌ها که در صدد تحکیم نفوذ خود در ایران و اخذ امتیاز نفت شمال ایران بودند، نه تنها نظامیان خود را از ایران خارج نکردند، بلکه به حمایت از فرقهٔ دموکرات آذربایجان و فرقهٔ دموکرات کردستان پرداختند. در آن زمان اعضای فرقه‌های مذکور مسلح شده و به اقدامات مسلحانه روآورده بودند. حضور نیروهای اشغالگر شوروی مانع از مقابله نیروهای نظامی ایران با این فرقه‌ها می‌شد.

سرانجام پس از سفر احمد قوام نخست وزیر وقت ایران به مسکو^۱ و مذاکره با استالین رهبر شوروی و سایر مقام‌های آن کشور، نظامیان روسی خاک ایران را ترک کردند؛ البته فشارهای بین‌المللی برای خروج ارتش شوروی از ایران را نیز نباید نادیده گرفت. پس از آن ارتش ایران با حمایت مردم آذربایجان و کردستان به خودسری‌های فرقه‌های دموکرات آذربایجان و کردستان پایان داد.

مبارزه برای ملی کردن نفت ایران

انگلیسی‌ها که به اهمیت حیاتی نفت ایران آگاه بودند، برای تسلط بیشتر بر ذخایر نفت ایران و رقابت اقتصادی با آمریکا و شوروی و براساس قرارداد نفتی ۱۹۳۳ م. / ۱۳۱۲ ش. ایران و انگلیس، یک قرارداد الحقی را با دولت ساعد به امضاء رسانیدند.^۲

علی منصور نخست وزیر جدید قرارداد الحقی نفت را به مجلس شورای ملی برد تا موافقت نمایندگان را برای تصویب آن جلب کند. مجلس از تصویب آن امتناع کرد. با استعفای منصور، سپهبد رزم آرا به مقام نخست وزیری رسید.

۱- بهمن ۱۳۲۴

۲- بهدلیل آنکه این قرارداد به امضای گس نماینده دولت انگلیس و گلشائیان وزیر دارایی ایران رسیده بود، به قرارداد گس- گلشائیان معروف شده است.



دکتر محمد مصدق و آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی

دلیل انتخاب یک فرد نظامی به نخست وزیری تهدید نمایندگانی بود که خواهان لغو همه قراردادهای نفتی و ملی شدن صنعت نفت ایران بودند. اما این کار عزم نیروهای ملی – مذهبی به رهبری آیت الله کاشانی و دکتر مصدق را برای ملی کردن نفت بیشتر کرد.

فدایان اسلام و مسئله ملی شدن نفت

هنگامی که مخالفت سپهبد رزم آرا در مقابله با ملی شدن نفت شدت پیدا کرد و وی ملت و نمایندگان مجلس شورای ملی را مورد توهین و تحقیر قرار داد، فدایان اسلام به رهبری یک روحانی جوان معروف به نواب صفوی، رزم آرا را در شانزده اسفند ۱۳۲۹ ترور کردند. ضارب او خلیل طهماسبی یکی از اعضای فعال فدایان اسلام بود.

یک توضیح

شهید نواب صفوی



شهید نواب صفوی

سید مجتبی میرلوحی، مشهور به نواب صفوی، به سال ۱۳۵۳ ش. در خانی آباد تهران به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، به نجف رفت. سه سال بعد، به انگیزه مقابله با سخنان ضد اسلامی سید احمد کسری، به ایران بازگشت؛ نواب صفوی پس از آن که در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ کسری را مجروح کرد، بازداشت شد. پس از آزادی، جمعیت فدائیان اسلام را تأسیس کرد. دلایل و اهداف تأسیس این جمعیت، اجرای قوانین و احکام اسلامی، محرومیت استعمار و مخالف اسلام و مهیا ساختن زمینه تشکیل حکومت اسلامی

اعلام شده بود. اعضای جمیعت فدائیان اسلام در طول ۱۰ سال فعالیت خود، افرادی را ترور انقلابی کردند؛ عده‌ای از این افراد (مانند احمد کسری، عبدالحسین هژیر و علی رزم آرا) کشته و افرادی هم (مانند سید حسین فاطمی و حسین علا) مجروح شدند. سرانجام رهبر و تعدادی از اعضای فعال جمیعت فدائیان اسلام توسط مأموران حکومت پهلوی شناسایی و محبوس شدند؛ سپس حکومت آنان را محاکمه کرد و نواب صفوی و سه تن از یاران فعالش را در ۲۷ دی ماه ۱۳۴۱ به شهادت رساند.

یک روز بعد از کشته شدن رزم آرا، کمیسیون نفت لایحه ملی شدن نفت ایران را تصویب کرد و در ۲۴ اسفند نیز به تصویب مجلس شورای ملی رسید و مجلس سنا نیز در ۲۹ اسفند آن را تأیید کرد. به این ترتیب با کوشش تمامی نیروهای میهن دوست و ضد استعمار، نهضت ملت ایران برای ملی کردن نفت و قطع دست استعمار انگلستان از منابع عظیم نفت ایران به نتیجه رسید.

تلاش برای جلوگیری از ملی شدن نفت ایران

انگلیسی‌ها برای ممانعت از ملی شدن نفت در ایران اقدامات زیادی را انجام دادند که برخی از آنها عبارتند از :

- ۱- تعطیلی دو شعبه بانک انگلیس در ایران به منظور تخریب اقتصاد ایران
- ۲- فشار به دولت و بازارگانان ایران برای بازپرداخت سریع بدھی‌های خود
- ۳- خارج کردن سرمایه شرکت نفت جنوب از سیستم گردش پولی ایران
- ۴- تحریم اقتصادی و تهدید نظامی ایران
- ۵- طرح شکایت از ایران در دادگاه بین‌المللی لاهه

فراز و فرود نخست وزیری دکتر محمد مصدق

نخست وزیری دکتر مصدق به دو دوره قابل تقسیم است :

- ۱- دوره اول از ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ تا ۲۵ تیر ۱۳۳۱ : این دوره با حمایت قاطع آیت الله کاشانی و وحدت میان شخصیت‌های ملی و مذهبی همراه بود و دکتر مصدق تلاش کرد تا حقوقیت ایران



تعدادی از وزیران کابینه محمد مصدق

را در مجتمع بین‌المللی به اثبات برساند. دادگاه بین‌المللی لاھه نیز در موضوع نفت به نفع ایران رأی صادر کرد. با برگزاری انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی، اوضاع سیاسی کشور بهتر شد.

۲— دوره دوم از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ : دکتر مصدق که در داخل کشور با توطئه‌های دربار مواجه بود، برای سروسامان دادن به اوضاع، از محمدرضا شاه درخواست کرد تا وزارت جنگ و کنترل ارتش را نیز به وی بسپارد، اما مخالفت شاه با این تقاضا سبب شد تا دکتر مصدق بدون مشورت با آیت‌الله کاشانی در ۲۵ تیر ۱۳۳۱ استعفا دهد. محمدرضا شاه نیز با خوشحالی استعفای او را پذیرفت و احمد قوام را مأمور تشکیل کابینه کرد.

قیام ۳۰ تیر

آیت‌الله کاشانی بهشت با نخست‌وزیری قوام مخالفت کرد و مردم را به مبارزه فراخواند. وی همچنین تهدید کرد، اگر قوام ظرف چهل و هشت ساعت کنار نزود، دستور جهاد خواهد داد. با موضع گیری قاطع آیت‌الله کاشانی، مردم تهران و چندین شهر^۱ دیگر، روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ با تعطیل کردن بازار به خیابان‌ها ریختند و خواستار برکناری قوام از نخست‌وزیری شدند. به دستور قوام نیروهای نظامی مردم را به گلوله بستند، اما همان روز مقاومت ملت ایران نتیجه داد و با استعفای قوام، مصدق دولاره نخست‌وزیر شد و اختیارات وزارت جنگ و نیروهای مسلح را نیز به دست گرفت.

۱- شهرهای کرمانشاه، همدان، آبادان، خوشبهر، قزوین، رشت، اهواز، شیراز، اصفهان، کاشان و...

متأسفانه ثمره قیام ۳۰ تیر که حاصل مجاہدت ملت ایران و خون ده شهید بود، خیلی زود از دست رفت. اندکی پس از پیروزی قیام، نهضت گرفتار تفرقه و چندستگی شد. اختلاف میان رهبران نهضت که روزبه روز بر دامنه آن افزوده می شد، ضربه اساسی بر پیکر نهضت وارد آورد. قدرت طلبی، منفعت جویی فردی و حزبی و لجاجت برخی از دست اندر کاران نهضت از یک سو و دسیسه قدرت های استعماری، توطئه درباریان، شاه و سایر دشمنان ملت ایران از طرف دیگر، زمینه و شرایط را برای انجام کودتا و شکست نهضت ملی فراهم آورد.

کودتای ۲۸ مرداد

آمریکایی ها بعد از جنگ جهانی دوم حضور بیشتری در صحنه سیاسی و امور داخلی ایران پیدا کردند و علاقه مند بودند تا با گرفتن امتیازات سیاسی - اقتصادی، برای همیشه در ایران بمانند. اما هنگامی که در این راه ناکام شدند و با دکتر مصدق به توافق نرسیدند، همراه با انگلیسی ها و درباریان، مقدمات کودتایی را علیه دولت مصدق فراهم کردند. مرحله اول کودتا در ۲۵ مرداد با شکست مواجه شد و محمدرضا شاه به اتفاق همسرش از ایران فرار کرد. اما مرحله دوم کودتا در ۲۸ مرداد سبب سقوط دولت مصدق و سیطره آمریکایی ها بر ایران شد.



صحنه ای از کودتای ۲۸ مرداد در تهران



شاه در جمع عده ای از افسران نظامی شرکت کننده در کودتای ۲۸ مرداد

ادامه مبارزه در دوران خفغان آمیز پس از کودتا

با وجود پیروزی کودتای کوچک، جریان مقاومت در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی ادامه



یافت. تعدادی از شخصیت‌های ملی و مذهبی به همراه استادان دانشگاه تشکلی را با نام نهضت مقاومت ملی پایه‌گذاری کردند. آیت‌الله کاشانی نیز با صدور اعلامیه‌ای با قرارداد جدید نفتی مخالفت کرد. تعدادی از استادان دانشگاه نیز به دلیل اعتراض به مذاکرات نفت از دانشگاه اخراج شدند. دانشجویان دانشگاه تهران نیز در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در اعتراض به برقراری رابطه مجدد با انگلستان و سفر نیکسون^۱ به ایران تظاهراتی برپا کردند که در جریان آن سه تن از دانشجویان به شهادت رسیدند.^۲

محمد رضا شاه و سرلشگر فضل الله زاهدی عامل کودتای ۲۸ مرداد

بیشتر بدانیم

اوپرای ایران در فاصله سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۱ ش.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد شرایط سختی در کشور حکم‌فرما شد. دولت کودتادر تهران فرمانداری نظامی تشکیل داد. فرمانداری نظامی فعالیت‌های مخالفان را سرکوب کرد و آنها را تحت تعقیب، آزار و شکنجه قرار داد. در سال ۱۳۳۴ ش. دولت آمریکا برای تقویت حکومت پهلوی مبلغ ۴۵ میلیون دلار به صورت بلاغوض به دولت ایران پرداخت کرد. در همان سال ایران به «پیمان بغداد»^۳ پیوست. این پیمان به توصیه آمریکا ابتدا بین کشورهای ترکیه و عراق در سال ۱۳۳۳ ش. به امضای رسید. سپس

۱- معاون رئیس جمهور آمریکا

۲- به همین مناسبت در تقویم جمهوری اسلامی ایران این روز به نام روز دانشجو نام‌گذاری شده است.

۳- Baghdad Pact

دولت‌های انگلستان، پاکستان و ایران نیز به آن پیوستند. هدف از شکل‌گیری پیمان بغداد مقابله با گسترش نفوذ شوروی بود. با خروج عراق از پیمان بغداد در سال ۱۳۳۸ نام این پیمان به پیمان سنتو' (مرکزی) تغییر یافت و مرکز آن به آنکارا منتقل شد.

در سال ۱۳۳۵ قانون تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) به تصویب مجلس شورای ملی رسید و سازمان مذکور با هدف کشف و خنثی‌سازی مخالفت‌ها و تعقیب و دستگیری مخالفان رسماً در سال ۱۳۳۶ ش. شروع به کار کرد. در دوران نخست وزیری منوچهر اقبال (۱۳۳۹-۱۳۳۶ ش.) که از دوستان مورد اعتماد شاه بود، به تقلید از آمریکا، دو حزب سیاسی جدید ایجاد شد. حزب ملیون به رهبری منوچهر اقبال و حزب مردم به رهبری اسدالله عَلَم.

در شهریور ۱۳۳۹ اقبال از نخست وزیری کناره گیری کرد و جعفر شریف امامی به نخست وزیری منصوب شد. در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ در راهپیمایی اعتراض آمیز فرهنگیان در تهران، یکی از فرهنگیان به نام دکتر خانعلی توسط پلیس کشته شد. به دنبال این واقعه، بحران سیاسی مملکت را فراگرفت و گروه‌های سیاسی مخالف که از حاکمیت اختناق آمیز به تنگ آمده بودند، ندای اعتراض سر دادند. از سوی دیگر، در انتخابات سال ۱۹۶۱ م. ش. در آمریکا حزب دموکرات پیروز و جان، اف. کندی^۱ به ریاست جمهوری آن کشور انتخاب شد. دولت جدید آمریکا، ایران را برای اقداماتی که امکان نفوذ بیشتر آمریکا را در آینده فراهم کند، تحت فشار قرار داد. آنان نام این اقدامات را «برنامه‌های اصلاحی» گذاشتند. آمریکایی‌ها با این کار قصد داشتند زمینه‌های گرایش به کمونیسم را از بین ببرند. دولت آمریکا اعطای کمک‌های نظامی و مالی به ایران را مشروط به انجام اصلاحات کرد. شاه برای مهار بحران رو به گسترش داخلی و ایجاد همراهانگی با سیاست آمریکا، با استفاده از شریف امامی موافقت و علی امینی را به نخست وزیری منصوب کرد. امینی که مورد حمایت آمریکا بود، مأموریت داشت اصلاحات را در کشور به انجام برساند. نخست وزیر جدید برای جلوگیری از مخالفت مجلس شورای ملی که بسیاری از نماینده‌گان زمین‌داران در آن حضور داشتند، از شاه درخواست کرد مجلس را منحل کند. شاه در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ مجلس را منحل کرد و امینی با کمک وزیر کشاورزی خود برنامه اصلاحات را از «اصلاحات ارضی» (تقسیم زمین زمین‌داران بزرگ) آغاز کرد. اصلاحات ارضی موجب محبوبیت نسبی امینی شد اما با مقاومت و مخالفت زمین‌داران بزرگ که در حکومت نفوذ داشتند، مواجه شد. از سوی دیگر، شاه که شاهد افزایش محبوبیت نخست وزیر در جامعه بود، نگران شد و در صدد برکناری او برآمد. در اثر فضای سیاسی نسبتاً باز که به توصیه آمریکا در دوران نخست وزیری امینی برقرار شده

۱—Central Treaty Organization (CENTO)

۲—John, F. Kennedy

بود، گروه‌ها و احزاب سیاسی بعد از تحمل حدود یک دهه فشار و سرکوب، فعالیت خود را به ویژه در مدارس و دانشگاه‌ها از سر گرفتند. در جریان تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران در اول بهمن ۱۳۴۰، نیروهای نظامی به دانشگاه یورش بردند و به سرکوبی دانشجویان پرداختند. این واقعه پهانه لازم برای اثبات بی کفايتی امينی را به دست شاه داد؛ بنابراین او را برکnar و اسدالله عَلِم رهبر حزب مردم را به نخست وزیری منصوب کرد.

علم در ادامه اصلاحات، لایحه اصلاح قانون انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در دستور کار دولت خود قرار داد که سرانجام در نتیجه اعتراضات پیگیر امام خمینی (ره) لغو شد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- اشغال ایران در جنگ جهانی دوم از نظر اقتصادی و اجتماعی چه پیامدهایی داشت؟
- ۲- ادامه حضور نیروهای شوروی پس از جنگ جهانی دوم در ایران، چه مشکلاتی در کشور ما ایجاد کرد؟
- ۳- انگلیسی‌ها برای جلوگیری از ملی شدن نفت ایران به چه فعالیت‌هایی روی آوردند؟
- ۴- چه شخصیت‌ها و گروه‌هایی برای ملی شدن نفت تلاش کردند و چه کسانی خواستار واگذاری امتیاز جدید نفت به انگلستان بودند؟
- ۵- دکتر مصدق در دوره اول نخست وزیری خود چه اقداماتی انجام داد و در دوره دوم نخست وزیری با چه مشکلاتی مواجه شد؟
- ۶- علت وقوع قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ چه بود؟ رهبری قیام بر عهده چه کسی بود و چه دستاوردهای داشت؟
- ۷- پس از کودتای ۲۸ مرداد چه مقاومت‌ها و اعتراض‌هایی در مقابل دولت کودتا و سلطه بیگانگان، صورت گرفت؟

اندیشه و جستجو

- ۱- درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره نقش دکتر مصدق در دفاع از حقوق ایران در دیوان داوری لاهه، مطلبی تهیه کنید.

درس ۲۲

نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)

مقدمه

آمریکا در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۴۲، به منظور تحکیم نفوذ و موقعیت خود در ایران، حکومت شاه را وادار کرد تا در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی اصلاحاتی را انجام دهد. اجرای چنین برنامه‌هایی در ایران موجب شکل‌گیری نهضت اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) شد، که در این درس با آن آشنا می‌شوید.

اصلاحات آمریکایی در ایران

آمریکا برای حفظ سلطه خود در ایران از محمد رضا شاه خواست تا با انجام اصلاحات اجتماعی، مانع از بروز جنبش‌های اعتراضی و شکل‌گیری نهضت‌های مردمی شود. البته برنامه اصلاحات فقط به ایران محدود نمی‌شد، بلکه در سایر کشورهای تحت سلطه و نفوذ آمریکا نیز برای تحقق اهداف زیر، به اجرا درآمد.

- ۱- اعتبار بخشیدن به افراد دست‌نشانده خود در این کشورها
- ۲- کاهش فشار بر مردم زیر سلطه
- ۳- فربیض مردم و جلوگیری از شکل‌گیری حرکت‌های مردمی
- ۴- دین‌زادایی و زمینه‌سازی برای گسترش نفوذ آمریکا در ایران

الف) تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی

با رحلت آیت‌الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰، محمد رضا شاه فرصت را برای اجرای اصلاحات آمریکایی در ایران مناسب دید. ابتدا علی امینی مأمور اجرای اصلاحات موردنظر آمریکا شد، اما

رقابت شاه و امینی سرانجام به کناره‌گیری امینی انجامید و دولت اسدالله علم مأمور اجرای اصلاحات موردنظر شد.^۱

در آغاز، اصلاح لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بهانه مناسبی برای پیشبرد اهداف موردنظر بود. اساسی‌ترین اصلاحاتی که در قانون انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی صورت گرفت عبارت بود از:

۱- لغو شرط مسلمان و مرد بودن برای انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان

۲- لغو سوگند به قرآن مجید و تبدیل آن به سوگند به کتاب آسمانی

ب) اصول شش‌گانه

محمد رضا شاه در ادامه اجرای نیتات و اهداف آمریکا، اصول شش‌گانه‌ای را تحت عنوان انقلاب سفید، مطرح و دولت علم آن را تصویب کرد. شاه سپس همه‌پرسی فرمایشی اصول شش‌گانه را در ۶ بهمن ۱۳۴۱ برگزار کرد. این اقدام با استقبال دولت‌های آمریکا، انگلستان و حتی شوروی همراه شد.

ج) آغاز مبارزه و رهبری امام خمینی(ره)

۱- مخالفت با تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی: اولین فعالیت سیاسی



امام خمینی رهبر نهضت اسلامی ایران

امام خمینی(ره) در جایگاه مرجعیت شیعه، اعتراض به تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود. ایشان این قانون را مقدمه‌ای برای تضعیف اسلام و افزایش حضور بهاییان در ارکان حکومتی پهلوی می‌دانست. بنابراین با دعوت از علمای سرشناس قم به اظهارنظر درباره تصویب‌نامه مذکور پرداخت. سرانجام امام خمینی و یارانش با هوشیاری و مقاومت، دولت علم را وادار به عقب‌نشینی و لغو آن تصویب‌نامه در ۷ آذر ۱۳۴۱ کردند.

۲- مخالفت با اصول شش‌گانه: امام خمینی هنگام طرح انقلاب سفید، مراجع دینی را به یاری فراخواند و از محمد رضا شاه در این باره توضیح خواست.^۲

۱- به دلیل انحلال مجلس شورای ملی در اردیبهشت ۱۳۴۰، قانون جدید انجمن‌های ایالتی و ولایتی در هیئت دولت تصویب شد.

۲- نماینده امام خمینی و علماء برای رفتن تزد شاه، آیت‌الله کمالوند بود. اما محمد رضا شاه بهجای دادن باسخ صریح و روشن درباره انقلاب سفید از علمای دینی ایران خواست تا مانند دیگر کشورها دعاگوی پادشاه کشورشان باشند.

اما زمانی که با بی اعتمایی و توهین شاه مواجه شد، با انتشار اعلامیه‌ای در ۲ بهمن ۱۳۴۱، همه‌پرسی (رفراندوم) فرمایشی محمد رضا شاه را غیرقانونی اعلام کرد.^۱ بیشتر مراجع تقیید نیز به دعوت امام خمینی همه‌پرسی را تحریم کردند. در تهران و قم نیز تظاهرات گسترده‌ای برپا شد و رژیم پهلوی با استفاده از نیروی نظامی قیام مردم تهران و قم را سرکوب کرد و اوضاع را تحت کنترل درآورد.

۳—فاجعهٔ فیضیه و تحریم تقیه از سوی امام خمینی (ره) : امام خمینی (ره) به همراه مراجع تقیید، در اعتراض به عملکرد حکومت پهلوی، عید نوروز ۱۳۴۲ را عزای عمومی اعلام کردند و به افشاگری علیه اقدامات شاه پرداختند.

اوج این حرکت اعتراضی در مدرسهٔ فیضیه قم بود که با خسونت مأموران رژیم به یک فاجعهٔ تاریخی مبدل شد. در جریان حملهٔ وحشیانهٔ نیروهای امنیتی رژیم پهلوی به مدرسهٔ فیضیه قم^۲ و مدرسهٔ طالبیهٔ تبریز تعدادی از طلاب شهید و مجروح شدند. به دنبال این جنایت، امام خمینی (ره) با بیانات شدید‌الحنی شاه را مورد خطاب و عتاب قرار داد و تقیه و سکوت در مقابل ظلم و جور را حرام دانستند.

قیام با شکوه ۱۵ خرداد

در آستانهٔ ماه محرم ۱۳۴۲/۱۳۸۳ ش. امام خمینی (ره) در رهنمودهای خود به سخنرانان مذهبی سفارش کردند که خطراً سرائیل را به مردم تذکر دهید و در مراسم نوحه‌خوانی و سینه‌زنی از مصیبت‌های وارد شده به اسلام و مراکز دینی یاد کنید.



شرکت امام خمینی در هیئت‌های عزاداری قم (محرم ۱۳۸۳/۱۳۴۲ ش.).

۱—صحیفهٔ امام، ج ۱، ص ۱۴۳

۲—روز دوم فروردین ۱۳۴۲، مصادف با سالروز شهادت امام جعفر صادق علیه السلام

در عوض رژیم پهلوی نیز عده‌ای از سخنرانان را به ساواک برد و پس از تهدید، ادامه سخنرانی آنها را مشروط به رعایت موارد زیر کرد:

۱- علیه شخص اول مملکت سخن نگویند.

۲- علیه اسرائیل سخنی به میان نیاورند.

۳- مرتب به گوش مردم نخوانند که اسلام در خطر است.

لیکن برخلاف تصور و خواست حکومت پهلوی، عاشورای سال ۱۳۴۲ش. حال و هوای

دیگری داشت و مردم با شعار زیر به حمایت از امام خمینی به خیابان‌ها آمدند:

خمینی خمینی خدا نگهدار تو بمیرد بمیرد دشمن خونخوار تو

امام خمینی نیز علی‌رغم محدودیت‌های عمال پهلوی برای ایشان، در عصر روز عاشورا در قم به منبر رفت و در نقط تاریخی خود مستقیماً شاه را مورد خطاب قرار داد و با شجاعت تمام به افشاگری علیه خاندان پهلوی و سلطنت آمریکا و اسرائیل بر ایران پرداخت. این سخنان عاشورایی چنان محمد رضا شاه و عمالش را خشمگین کرد که دستور دستگیری امام و انتقال ایشان را به تهران صادر کرد.



امام خمینی(ره) در حال سخنرانی در مدرسه فیضیه قم

دستگیری امام واکنش‌های مختلفی را به همراه داشت. در قم مراجع و علمای دینی در منزل آیت‌الله سید‌احمد زنجانی جمع شدند و بعد از انتشار اعلامیه‌ای در تقبیح دستگیری امام خمینی، به حرم حضرت معصومه (س) رفند. این اجتماع عمومی که زنان مسلمان نیز در آن حضور چشمگیری داشتند، با بورش و حشیانه عمال رژیم پهلوی به خاک و خون کشیده شد.

در تهران نیز مردم با شنیدن خبر دستگیری امام، آماده قیام و حرکت شدند و اقسام مختلف اجتماعی با فریاد «یا مرگ یا خمینی» و «مرگ بر شاه» اعتراض خود را نسبت به این موضوع ابراز داشتند. در اثر هجوم نیروهای نظامی و امنیتی رژیم به تظاهرکنندگان تعدادی از مردم انقلابی تهران به خاک و خون کشیده شدند. مردم مسلمان و رامین نیز با شنیدن خبر دستگیری امام کفن پوشیدند و به سوی تهران حرکت کردند اما با بورش مأموران حکومتی تعدادی از آنها شهید و مجروح شدند. در دیگر شهرها از جمله شیراز، اصفهان و مشهد نیز تظاهراتی در اعتراض به دستگیری امام برپا شد. در نتیجه قیام پاتزده خرداد، علاوه بر آنکه جمع زیادی شهید و مجروح شدند، تعداد زیادی از مبارزان دستگیر و به اعدام، زندان و یا تبعید محکوم گردیدند.



قیام مردم تهران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

قسمتی از سخنرانی امام خمینی در روز عاشورا

بسم الله الرحمن الرحيم - الاَنْ عَصْرُ عَاشُورَةِ اَسْتَ... گاهی که وقایع روز عاشورا را از نظر می‌گذرانم، این سوال برایم پیش می‌آید که اگر بنی امیه و دستگاه بزرگ‌دین معاویه تنها با حسین، سر جنگ داشتند، آن رفتار وحشیانه و خلاف انسانی چه بود که در روز عاشورا با زن‌های بی‌پناه و اطفال بی‌گناه مرتكب شدند؟ بجهه خردسال چه تقصیر داشت؟ زن‌ها چه تقصیر داشتند؟ نظرم این است آنها با اساس سروکار داشتند، بنی هاشم را نمی‌خواستند، بنی امیه با بنی هاشم مخالفت داشتند، نمی‌خواستند شجره طیبه باشد. همین فکر در ایران [وجود] داشت. اینها با بچه‌های شانزده - هفده ساله ما چه کار داشتند؟ سید شانزده - هفده ساله^۱ به شاه چه کرده بود؟ به دولت چه کرده بود؟ به دستگاه‌های سفاک چه کرده بود؟ لکن این فکر پیش می‌آید که اینها با اساس مخالفند، با بچه مخالف نیستند. اینها نمی‌خواهند که اساس موجود باشد؛ اینها نمی‌خواهند صغير و كبير ما موجود باشد.

اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت دانشمند باشد؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت قرآن باشد؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت علمای دین باشند؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت احکام اسلام باشد. اسرائیل به دست عمال سیاه خود، مدرسه^۲ را کویید. مارا می‌کوبند؛ شما ملت را می‌کوبند. می‌خواهد اقتصاد شمارا قبضه کند؛ می‌خواهد زراعت و تجارت شما را از بین ببرد؛ می‌خواهد در این مملکت، دارای ثروتی نباشد، ثروت‌ها را تصاحب کند به دست عمال خود. این چیزهایی که مانع هستند، چیزهایی که سد راه هستند، این سدها را می‌شکند؛ قرآن سد راه است، باید شکسته شود؛ روحانیت سد راه است، باید شکسته شود؛ مدرسه فیضیه سد راه است، باید خراب شود؛ طلاب علوم دینیه ممکن است بعد‌ها سد راه بشوند، باید از پشت بام بیفتنند. باید سر و دست آنها شکسته شود برای اینکه اسرائیل به منافع خودش برسد؛ دولت ما به تعییت اسرائیل به ما اهانت می‌کند... .

۱- آقای سید یونس رودباری، یکی از شهدای فاجعه فیضیه

۲- مدرسه «فیضیه» قم و مدرسه «طالیله» تبریز که همزمان مورد بورش وحشیانه عمال شاه قرار گرفتند.

نتایج قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲

مهم‌ترین تأثیرات و نتایج قیام خونین پانزده خرداد ۱۳۴۲ را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱- تکامل جریان مبارزه و کم‌رنگ شدن جاذبه‌گروه‌های سیاسی؛ بعد از سخنرانی روشنگرانه امام خمینی، سرنگونی رژیم پهلوی به عنوان هدف نهایی مبارزه مطرح شد و احرازی که با پذیرش اساس سلطنت در چارچوب قانون اساسی پهلوی فعالیت سیاسی می‌کردند محبوبیت و جاذبه خود را از دست دادند.

۲- افزایش آگاهی سیاسی در حوزه‌های علمیه و میان روحانیون؛ حضور یک مرجع تقلید بر جسته مانند امام خمینی در صحنه سیاسی بسیاری از طلاب و روحانیون را به مسائل سیاسی و اجتماعی علاقه‌مند کرد.

۳- حضور فraigیر همه‌اشار اجتماعی در صحنه مبارزه بارزیم؛ تا قبل از قیام پانزده خرداد مبارزه با استبداد و استعمار به گروه‌های خاص مانند روحانیون، دانشجویان و بازاریان محدود می‌شد اما هنگامی که امام خمینی (ره) مبارزه با طاغوت زمان را یک تکلیف الهی و انسانی برای همه دانست، بیشتر اشار جامعه به صحنه مبارزه آمدند و میان قشر روحانی و دانشگاهی پیوند تازه‌ای برقرار شد.

۴- بر جسته شدن رهبری امام خمینی و مذهب به عنوان راهنمای مبارزه؛ بیانات آتشین امام خمینی درباره ارکان سلطنت و بساط شاهنشاهی، توجه بیشتر اشار درگیر مبارزه را بهسوی ایشان به عنوان یک رهبر قاطع و سازش‌ناپذیر جلب کرد. به علاوه حضور یک مرجع تقلید در رأس مبارزه با رژیم پهلوی توجه بسیاری از جوانان دانشگاهی و روشنگر را بهسوی عقاید دینی سوق داد.

۵- افشاری چهره منافقانه شاه و بر ملا شدن رابطه‌وى با آمریکا و رژیم صهیونیستی؛ سخنان روشنگرانه امام خمینی در عصر عاشورا (۱۳۴۲ خرداد ۱۳) هم چهره منافقانه محمدرضا شاه را که مدعی طرفداری از مذهب و دیانت بود، رسوا کرد و هم نقش پنهانی آمریکا و اسرائیل را در امور داخلی ایران برای همگان آشکار نمود.

۱- «محور اصلی و پیام حقیقی قیام ۱۵ خرداد، این سه عنصر بود: اسلام، امام و مردم و یا پیوند امت و امام به برکت اسلام و زیرساخت اسلام» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری: خطبهای نماز جمعه تهران: ۱۹/۱۳۶۳)

پرسش‌های نمونه

- ۱- اهداف آمریکا از طرح اصلاحات اجتماعی در کشورهای تحت سلطه‌اش چه بود؟
- ۲- چه کشورهایی از رفاندوم (همه‌پرسی) شاه در سال ۱۳۴۱ حمایت کردند؟
- ۳- سواک برای سخنرانی در ماه محرم ۱۳۴۲، چه شرایطی تعیین کرد؟
- ۴- قیام ۱۵ خرداد چه نتایج و پیامدهایی داشت؟

اندیشه و جستجو

- ۱- درباره زندگی و شخصیت اسدالله عَلَم، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- یکی از حوادث و جریانات درس‌های ۲۱ و ۲۲ را انتخاب کنید و درباره آن مطلبی در چند صفحه بنویسید.

درس ۲۳

تداوم مبارزه علیه رژیم پهلوی (۱۳۴۳-۱۳۵۶ ش.)

مقدمه

پس از آزادی امام خمینی (ره) از زندان و تبعید ایشان به ترکیه و عراق جریان مبارزه وارد مرحله تازه‌ای شد و در قالب مبارزه سیاسی، فرهنگی و مسلحانه ادامه پیدا کرد. حکومت پهلوی نیز برای مقابله با مبارزان اقدامات سرکوبگرانه را در زمینه سیاسی و فرهنگی انجام داد.



محمد رضاشاه و نیکسون رئیس جمهور آمریکا

ماجرای کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی (ره)
اعتراض مردم و علمای دینی به دستگیری امام خمینی سبب شد تا حکومت پهلوی بعد از ۱۰ ماه حبس و حصر رهبر نهضت، ایشان را در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۴۳ آزاد کند. حضور دوباره امام خمینی در شهر قم مبارزان را به ادامه مبارزه امیدوار کرد. امام نیز با صدور اعلامیه‌ای در سالگرد قیام ۱۵ خرداد تصمیم خود را برای تداوم مبارزه تا سرنگونی سلطنت پهلوی به همگان اعلام کرد.

اما آنچه سبب شد تا رهبر نهضت بار دیگر قاطعانه در مقابل رژیم پهلوی بایستد، تصویب قانون خفت‌بار کاپیتولاسیون بود.

براساس توافق‌نامه بین‌المللی در وین، مأموران سیاسی یک کشور در کشور دیگر از مصونیت سیاسی و قضایی برخوردار بودند و نه تنها نمی‌توان آنها را بازداشت کرد، بلکه محل اقامت‌شان نیز مورد حمایت و حراست بود. لیکن دولت آمریکا، حکومت پهلوی را واداشت تا دامنه این مصونیت سیاسی را به همه نظامیان و غیرنظامیان آمریکایی و خانواده‌های آنها در ایران تسری دهد. لذا قانون مصونیت قضایی آمریکاییان در سکوت خبری توسط مجلس سنا و مجلس شورای ملی به تصویب رسید و لکه ننگی بر دامن رژیم نشست.

امام خمینی که به دقت اعمال و رفتار رژیم را زیر نظر داشت، در تاریخ ۴ آبان ۱۳۴۳ در سخنرانی پرشوری در جمع مردم قم اعلام کردند که با تصویب این قانون استقلال ما را فروختند و عزت ما پایکوب شد و عظمت ایران از بین رفت.

مخالفت صریح و قاطعانه امام خمینی، رژیم پهلوی را چنان به وحشت انداخت که امام را در سحرگاه روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳ در قم دستگیر و با یک هوایی‌نمای نظامی به کشور ترکیه تبعید کرد. مکان تبعید بعد از ۱۱ ماه تغییر یافت و امام به عراق فرستاده شدند.

تداوی مبارزه پس از تبعید امام خمینی(ره)

(الف) فعالیت و مبارزه سیاسی : با تبعید امام خمینی و دور شدن رهبری از مردم، جریان مبارزه متوقف نشد و مردم ایران باید و ذکر نام امام، مبارزه را در قالب حمایت مادی و معنوی از ایشان ادامه دادند. ایشان نیز در نجف اشرف به مبارزه ادامه دادند و ضمن صدور اعلامیه به مناسبات‌های مختلف و فرستادن پیام به سران و مردم کشورهای اسلامی، با تدریس درس ولایت فقیه، مبانی حاکمیت دینی را برای آینده جامعه ایران ترسیم کردند. مساجد و دانشگاه‌ها نیز به همت شاگردان مبارز و آگاه و با بصیرت امام به کانون مبارزه علیه رژیم پهلوی تبدیل شد.

در سطح تشکیلاتی و حزبی نیز جبهه ملی و نهضت آزادی ایران در چارچوب قانون اساسی فعالیت سیاسی و مبارزاتی انجام می‌دادند.

حکومت پهلوی نیز با برگزاری جشن‌های مکرر به دنبال تأیید و تثبیت نظام شاهنشاهی بود. محمدرضا شاه در اوخر سال ۱۳۵۳ش. با تأسیس حزب رستاخیز ملت ایران به همه مردم دستور داد تا عضو این حزب شوند. امیرعباس هویدا نخست وزیر مطیع و بهایی مسلک شاه نیز مجری طرح‌ها و فعالیت‌های سیاسی این دوران بود.



امیرعباس هویدا در حال معرفی اعضای کابینه به شاه

ب) مبارزه فرهنگی : مبارزة فرهنگی با اتکا بر آگاهی دادن به مردم و تبلیغ و ترویج باورهای دینی به همراه روشنگری علیه اقدامات رژیم پهلوی، صورت می‌گرفت. امام خمینی به عنوان مرجع دینی و رهبر مبارزات اسلامی، الگوی عینی همه مبارزانی بودند که برای سرنگونی حکومت مبارزه می‌کردند. روحانیون، معلمان، استادان دانشگاه، دانشجویان و دانشآموزان در عرصه مبارزة فرهنگی با رژیم مشارکت فعال داشتند. اینان در مراکزی مانند مساجد، حسینیه‌ها و مدارس و دانشگاه‌ها به تبلیغ و ترویج فرهنگ دینی می‌پرداختند.

معروف‌ترین چهره‌های فرهنگی این جبهه کسانی مانند علامه محمدحسین طباطبائی، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله مطهری، آیت‌الله دکتر بهشتی، دکتر شریعتی، دکتر باهنر و دکتر مفتح بودند.

یک توضیح



استاد شهید مرتضی مطهری

استاد شهید مرتضی مطهری در ۱۲ بهمن ۱۳۹۸ در فریمان مشهد به دنیا آمد. پس از تحصیلات مکتب‌خانه‌ای و ابتدایی، عازم حوزه علمیه مشهد شد. چندی بعد برای تکمیل تحصیلات خود به حوزه علمیه قم رفت، از محضر آیت‌الله بروجردی، امام خمینی(ره)، علامه طباطبائی

استاد شهید مرتضی مطهری

و حاج میرزا علی‌آقا شیرازی بهره برد. در ۱۳۳۱ ش. به تهران نقل مکان کرد و در ۱۳۴۴ ش. فعالیت علمی خود را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران آغاز کرد. در جریان قیام ۱۵ خرداد، در روشنگری مردم تهران نقش داشت؛ به همین دلیل بازداشت و مدتی زندانی شد. در ۱۳۴۶ ش. با همراهی عده‌ای از فعالان مذهبی، حسینیه ارشاد را پایه‌گذاری کرد. باره اندازی حسینیه ارشاد، فعالیت‌های تبلیغی و روشنگری‌انه استاد افزایش یافت. او در ضمن به مشکلات جهان اسلام به ویژه مردم فلسطین توجهی خاص داشت و به همین دلیل در ۱۳۴۸ ش. مجدداً مدتی بازداشت شد. استاد مطهری با اوج گیری انقلاب، بر تلاش‌های خود افزود. با هجرت امام به پاریس، وی نیز به پاریس رفت. او از یاران و مشاوران نزدیک امام (ره) بود. استاد در شامگاه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ توسط گروه ترویریستی فرقان به شهادت رسید. آثار پر شمار و ارزشمندی که استاد تالیف کرد در تبیین مبانی نظری انقلاب و بیداری مسلمانان ورشد تعالی آنان و نیز مواجهه با انواع تهاجمات فرهنگی نقش بنیادی داشته است.

عمده فعالیت‌های فرهنگی رژیم پهلوی نیز در جهت اسلام‌زدایی و محوا اسلام از فرهنگ ایران بود. بر همین اساس مطالب کتاب‌های درسی و محتوای روزنامه‌ها و مجلات و برنامه‌های رادیو و تلویزیون در جهت تبلیغ و ترویج فرهنگ شاهنشاهی و تحقیر و تمسخر فرهنگ اسلامی طراحی و تدوین می‌شد. در همین جهت، حکومت پهلوی تاریخ هجری شمسی را به بناهه عدم همخوانی با فرهنگ ایرانی منسخ کرد و تاریخ شاهنشاهی را جایگزین آن نمود.

ج) مبارزة مسلحانه و واکنش رژیم پهلوی : در کنار مبارزة سیاسی و فرهنگی، گروه‌هایی از جوانان به سوی مبارزة مسلحانه روی آوردند. معروف‌ترین این گروه‌ها در این دوران عبارت بودند از :

۱- هیئت‌های مؤتلفه اسلامی : این هیئت‌ها بعد از تبعید امام خمینی با الهام از فرهنگ دینی، مبارزة مسلحانه و ترور سران حکومت پهلوی را محور کار خود قرار دادند. مهمترین اقدام آنان در این زمینه، ترور حسنعلی منصور نخست وزیر وقت بود که توسط محمد بخارایی از اعضای این گروه انجام شد. اما رژیم پهلوی نیز با تقویت سواواک و به کمک سازمان‌های جاسوسی آمریکا (سیا) و اسرائیل (موساد) بیشتر اعضای این گروه را دستگیر و چهار نفر از آنها^۱ را اعدام و کسانی مانند حاج مهدی عراقی را به حبس‌های طولانی مدت محکوم کرد. شمار دیگری از اعضای این تشكیل سیاسی

۱- حاج صادق امانی، محمد بخارایی، مرتضی نیکنژاد و رضا صفاره‌ندي

در فاصله ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ش. دستگیر و محکوم به زندان و یا اعدام شدند.

۲—**حزب ملل اسلامی**: این گروه نیز با نیت برقراری حکومت اسلامی به نبرد مسلحانه روی آوردند اما کمی بعد از اعدام مبارزان هیئت‌های مؤتلفه، اعضای حزب ملل اسلامی در کوههای شمال تهران دستگیر و به حبس‌های طولانی محکوم شدند.^۱

۳—**سازمان مجاهدین خلق**: گروهی از جوانان عضو نهضت آزادی بعد از قیام ۱۵ خرداد، فعالیت سیاسی را کنار گذاشتند و به نبرد مسلحانه روی آوردنند. آنها در آغاز دارای افکار و اندیشه‌های اسلامی بودند اما به مرور زمان دچار انحراف فکری شدند و به افکار مارکسیستی تمایل نشان دادند. در سال ۱۳۵۰ش. بیشتر اعضای مؤثر این سازمان یا توسط سواک دستگیر شدند و یا در تسویه حساب‌های درون گروهی از بین رفتند.

۴—**سازمان چریک‌های فدایی خلق**: این گروه از همان ابتدا با الهام از افکار مارکسیستی به مبارزه مسلحانه روی آوردنند و تعدادی از آنها در درگیری با مأموران رژیم و یا در زندان به قتل رسیدند.

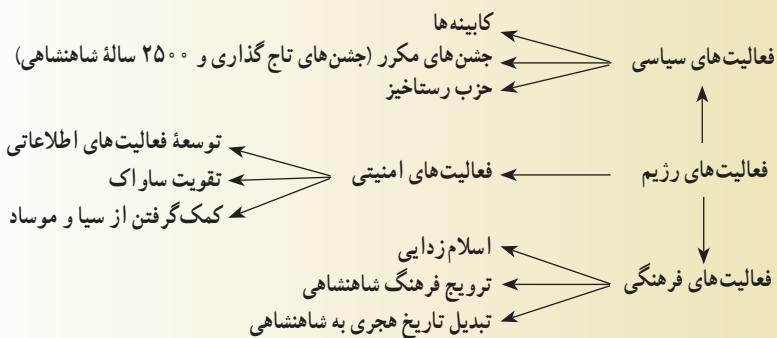
اقدامات سرکوبگرانه سواک تنها محدود به گروه‌ها و افرادی که مبارزه مسلحانه می‌کردند، نبود. بلکه بسیاری از مبارزان دیگر نیز حبس و شکنجه شدند و تعدادی از آنها مانند آیت‌الله سعیدی و آیت‌الله غفاری در زندان و تحت شکنجه به شهادت رسیدند و بسیاری نیز تا پیروزی انقلاب اسلامی در زندان بودند.



شهید آیت‌الله سعیدی

۱—رهبر این گروه محمد کاظم بجنوردی بود.

به نظر شما، چرا مبارزات مسلحانه موفقیت چندانی در پی نداشت؟



آیت‌الله طالقانی

آیت‌الله طالقانی در سال ۱۳۸۹ ش. در روستای گلبرد طالقان متولد شد. ابتدا او را به مکتب خانه روستا فرستادند. در سال ۱۳۹۸ ش. همراه پدر به تهران رفت. دو سال بعد برای ادامه تحصیل به قم رفت. در ۱۳۱۰ ش. به نجف اشرف رفت و پس از کسب علوم دینی از علمای بزرگ نجف از سوی آیت‌الله اصفهانی به عنوان مجتهد علوم دینی معروف شد. سپس به ایران بازگشت. در قم از آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری درجه اجتهاد گرفت. در سال ۱۳۱۸ ش. به دلیل مبارزه علیه حکومت رضاشاه دستگیر شد و مدتی را در زندان گذراند. در ۱۳۲۷ ش. فعالیت‌های خود را در مسجد هدایت تهران آغاز کرد. خیلی زود مسجد هدایت کانون توجه جوانان مسلمان و مبارزان شد. در ۱۳۳۴ ش. به نهضت مقاومت ملی که از سوی جمعی از استادان دانشگاه برای مبارزه با رژیم پهلوی به وجود آمده بود، پیوست. در سال‌های پس از کودتا که فدائیان اسلام به شدت مورد تعقیب مأموران رژیم بودند، آیت‌الله طالقانی با وجود خطرات این کار به نواب صفوی و یارانش پناه داد و آنان را پنهان کرد تا به دست مأموران رژیم نیافتدند. در ۱۳۳۸ ش. از طرف آیت‌الله بروجردی مرجع شیعیان، برای شرکت در کنگره اسلامی عازم مصر شد. در آنجا با شیخ شلتوت رئیس دانشگاه الازهر و جمال عبدالناصر، رئیس جمهور مصر، ملاقات کرد. در بازگشت به منظور تبادل نظر و



نخستین نماز جمعه تهران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

تحلیل مسائل کشور با شهید مطهری جلساتی تشکیل داد. در ۱۳۴۰ ش. به بیت المقدس سفر کرد و از نزدیک با وضع مردم فلسطین و ستم‌های صهیونیست‌ها آشنا شد. در بازگشت همراه با مهندس مهدی بازرگان و دکتر بلالله سحابی به تأسیس نهضت آزادی اقدام کرد. چندی بعد بازداشت و زندانی شد. در ۱۳۴۶ ش. از زندان آزاد شد اما در پی ادامه مبارزات علیه رژیم پهلوی در ۱۳۵۰ ش. به زابل تبعید شد. پس از پایان مدت تبعید، به تهران بازگشت و به فعالیت‌های خود و افشاگری علیه اعمال ضد انسانی و ضد اسلامی حکومت پهلوی ادامه داد. در ۱۳۵۲ ش. دوباره به زندان افتاد و تا آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در زندان بود. پس از آن، همواره در کنار امام خمینی (ره) برای تثبیت حکومت اسلامی تلاش می‌کرد. در ۱۳۵۸ ش. امامت نخستین نماز جمعه تهران بعد از پیروزی انقلاب را بنا بر حکم امام خمینی بر عهده گرفت. به علاوه، آن مرحوم از سوی امام عضو شورای انقلاب و نماینده مردم در مجلس خبرگان قانون اساسی بود.

پرسش‌های نمونه

- ۱- مصونیت مأموران سیاسی در توافق نامه وین را با مصونیتی که حکومت پهلوی به آمریکایی‌های مقیم ایران داد، مقایسه کنید.
- ۲- امام خمینی (ره) در دوران تبعید، با چه فعالیت‌هایی به مبارزه خود ادامه دادند؟
- ۳- منظور از مبارزه فرهنگی چیست و چه گروه‌ها و شخصیت‌هایی با حکومت پهلوی مبارزه فرهنگی می‌کردند؟
- ۴- حکومت پهلوی در جهت اسلام‌زدایی، به چه فعالیت‌هایی دست زد؟
- ۵- چه گروه‌ها و احزابی شیوه مبارزه مسلحانه با حکومت پهلوی را در پیش گرفتند و اندیشه و افکار هر گروه چگونه بود؟

ازدیشه و جستجو

- ۱- درباره زندگی و شخصیت علامه طباطبایی مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره فعالیت‌های امام خمینی (ره) در نجف مطلبی تهیه کنید.

درس ۲۴

انقلاب اسلامی ایران

مقدمه

نهضتی که با قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ علیه رژیم پهلوی به رهبری امام خمینی (ره) آغاز شد و با فراز و نشیب فراوان تا سال ۶۵ تداوم یافته بود، در سال ۱۳۵۶ چنان گستردگی فراگیر شد که در قالب یک انقلاب باشکوه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید.

وضعیت عمومی ایران در سال ۱۳۵۶ ش

فاصله روزافزونی که حکومت طاغوت را از ملت جدا ساخت، در سال ۱۳۵۶ ش. به حد اکثر خود رسیده بود. ضدیت این حکومت با اسلام و معنویت و اخلاق به اندازه‌ای آشکار شده بود که به اثبات نیازی نداشت. در میان مردم همه جا صحبت از دیکتاتوری شاه و ستمگری نظام شاهنشاهی بود. صدها روحانی مبارز در زندان بودند و بسیاری از استادان دانشگاه، گویندگان و داشمندان بزرگ از جمله استاد شهید مطهری اجازه سخن‌گفتن در مجالس و محافل را نداشتند. پول بی‌حساب نفت که به‌ویژه از سال ۱۳۵۰ یک‌باره به سرعت افزایش یافته بود، سرمایه‌داران وابسته به غرب و رژیم طاغوت را در عرض مدت کوتاهی چنان تقویت کرده بود که از حد انتظار خود آنان هم بیرون بود. در عوض، محرومان و مستضعفان، کارگران و روستاییان برای گذراندن زندگی به شهرها هجوم می‌آوردند. انقلاب سفید شاه نتیجه خود را نشان داده بود که عبارت بود از: نابودی اقتصاد ایران و وابستگی به بیگانگان. درحالی که بسیاری از روستاهای ایران راه، آب آشامیدنی، برق و حتی حمام نداشتند، سرمایه‌داران آمریکایی به تهران می‌آمدند تا برای غارت ثروت ملی ما با حکومت پهلوی قراردادهای کلان منعقد کنند. رژیم طاغوت با استفاده از سواک و نیروهای پلیسی و امنیتی خود توanstه بود تقریباً خود را از ناحیه گروههای مبارز مسلح آسوده خاطر سازد. زندان‌ها از زندانیان مبارز پر بود و در خارج از زندان نیز حرکت‌های پراکنده مسلحانه همچون سال‌های پیش دیده نمی‌شد.

فضای باز سیاسی

هنگامی که جیمی کارتر از حزب دمکرات در سال ۱۳۵۵ ش. رئیس جمهور آمریکا شد، برای کاهش تنفر عمومی از سیاست‌های آمریکا به شعار دفاع از حقوق بشر متولّ شد. او از محمد رضا شاه نیز خواست به تبعیت از سیاست فضای باز آمریکایی، اوضاع عمومی زندانیان را بهبود بخشد و با کم کردن شکنجه به مطبوعات اجازه دهد به طور ملایم و محدود از دولت انتقاد کند.

جمشید آموزگار جانشین هویدا شد و مأموریت یافته تا با انتقاد از گذشته، فضای باز سیاسی را در کشور ایجاد کند. اما پیام روشنگرانه امام خمینی و بروز چند حادثه دیگر، آتش انقلاب و اعتراض مردم مسلمان ایران را شعله‌ورتر ساخت.

مرگ مشکوک دو چهره محبوب



دکتر علی شریعتی

در خرداد ۱۳۵۶ دکتر علی شریعتی به طور ناگهانی و غیرمنتظره در لندن درگذشت. مرگ او بر اوضاع ایران در سال ۱۳۵۶ تأثیر گذاشت. دکتر شریعتی با انجام سخنرانی و نگارش کتاب‌های متعدد، نقش فراوانی در طرد افکار مارکسیستی و بیداری نسل جوان و گرایش آنان به سوی اسلام و ارزش‌های اسلامی داشت. مردم مرگ او را به عُمال ساواک نسبت دادند و با گرامیداشت نام و یاد او، تنفر بیشتری به رژیم پهلوی پیدا کردند.

درگذشت ناگهانی حاج آقا مصطفی پسر بزرگ امام خمینی در نجف در آبان ۱۳۵۶ نیز موج تازه‌ای از اعتراض و تنفر را نسبت به رژیم پهلوی در اذهان عمومی ایجاد کرد. حاج مصطفی روحانی دانشمند و مبارزی بود که از آغاز مبارزه امام خمینی در کنار پدر بود. با مرگ مشکوک وی، مجالس ترحیم در بسیاری از شهرهای ایران برگزار شد و بار دیگر یاد و خاطره امام خمینی جان تازه‌ای به جریان مبارزه علیه طاغوت زمان داد. رهبر انقلاب نیز به مناسبت درگذشت فرزند خویش سخنرانی کردند و مرگ او را از الطاف خفیه الهی دانستند و دو قشر روحانی و دانشگاهی را به وحدت دعوت نمودند.



حاج آقا مصطفی خمینی

انتشار مقاله توهین آمیز نسبت به امام خمینی و شروع انقلاب اسلامی

چند روز پس از مسافرت کارتر به ایران و حمایت صریح او از شاه، در ۱۷ دی ۱۳۵۶ مقاله‌ای توهین آمیز علیه امام خمینی (ره) با نام مستعار رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات منتشر شد. مردم که تاب تحمل توهین به رهبر و مرجع تقیید خود را نداشتند، تنفر بیشتری نسبت به عمال پهلوی پیدا کردند.



به نظر شما چرا رژیم پهلوی مقاله توهین آمیز نسبت به حضرت امام (ره) را چاپ کرد؟

قیام مردم قم

مردم قم در اعتراض به توهین به امام در روزنامه اطلاعات، روز ۱۹ دی ۱۳۵۶ به خیابان‌ها ریختند. طلاب و روحانیون نیز کلاس‌های درس را تعطیل و به سوی منزل‌های مراجع حركت کردند. رژیم پهلوی با وجود تظاهر به آزادی و فضای باز سیاسی، تاب تحمل صدای معتبرضان را نداشت، مردم را به رگبار گلوله بست و عده زیادی را شهید و مجرح کرد.

قیام مردم تبریز

در چهلم شهدای قم، مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ به پا خاستند و در یکی از مساجد بزرگ این شهر تجمع کردند. این اجتماع نیز با یورش دخیمان رژیم پهلوی به خاک و خون کشیده شد.

برپایی قیام در سایر شهرها

به مناسبت گرامیداشت چهلم شهدای تبریز – فروردین ۵۷ – مردم شهرهای یزد، جهرم و اهواز تظاهرات کردند که با خشونت سرکوب شدند. چهل روز بعد، مردم ۲۱ شهر ایران به پا خاستند. پیام همه این قیام‌ها، تجدید عهد با رهبری انقلاب و افزایش تنفر نسبت به نظام شاهنشاهی بود. به این جهت جمشید آموزگار مجبور شد تا در مرداد ۱۳۵۷ در اصفهان حکومت نظامی برقرار کند. این تدبیر نیز متمرث نبود و محمدرضا شاه مجبور شد وی را برکنار کند و جعفر شریف‌امامی را با شعار آشتی ملی به نخست وزیری بگمارد.



حضور گسترده زنان ایرانی در تظاهرات

لیکن امام خمینی با ارسال پیام و افشاری نیرنگ تازه رژیم پهلوی، خواهان ادامه مبارزه تا سرنگونی نظام پادشاهی در ایران شد. به همین جهت تظاهرات مردمی در شهرهای ایران ادامه پیدا کرد؛ اوج این راهپیمایی‌ها در تهران بعد از برگزاری نماز عید فطر (۱۳ شهریور) و تکرار آن در سه روز بعد با حضور گسترده و یکپارچه زنان مسلمان بود.

یک توضیح

سینما رکس آبادان

از جمله جنایات فجیعی که در ماه رمضان انجام گرفت، به آتش کشیدن سینما رکس آبادان بود. شاید جنایت کاران می‌خواستند بگویند که اگر حکومت اسلامی ایجاد شود، با مردمی که به سینما می‌روند، چه خشونت‌هایی می‌شود؛ هنوز به درستی معلوم نشده این جنایت، کار چه کسانی بوده است. امام خمینی درباره این حادثه فرمود: «من گمان نمی‌کنم هیچ مسلمانی بلکه انسانی دست به چنین فاجعهٔ وحشیانه‌ای بزند جز آنان که به نظایر آن عادت کرده‌اند».



آثار بازمانده از جنایت سینما رکس

قیام خونین ۱۷ شهریور

حکومت پهلوی برای جلوگیری از ادامه تظاهرات و اعتراض، در روز جمعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در تهران و یازده شهر دیگر^۱ حکومت نظامی برقرار کرد. اما مردم تهران بی اعتمادی اخطارها و هشدارهای رژیم در میدان شهدا (زاله سابق) تجمع کردند و شعار الله اکبر - خمینی رهبر - مرگ بر شاه سر دادند. دژ خیمنان پهلوی نیز مردان و زنان مسلمان را از زمین و هوای به رگبار گلوله بستند و جمع زیادی از آنان را به شهادت رسانیدند.

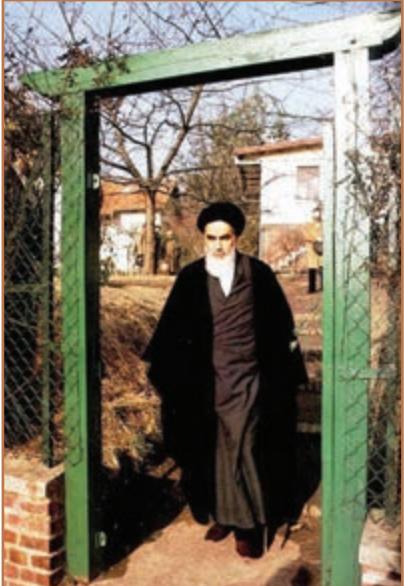


تظاهرات مردم تهران در شهریور ۱۳۵۷

به دنبال این جنایت
هولناک، رئیس جمهور
آمریکا بار دیگر به صراحت
از رژیم شاه حمایت کرد.

^۱- اصفهان، مشهد، شیراز، تبریز، اهواز، آبادان، جهرم، کازرون، قم، قزوین و کرج

هجرت امام خمینی از عراق به فرانسه



حضرت امام خمینی در نول لوشاتو

امام خمینی تحت فشار سیاسی و امنیتی سازمان امنیت عراق و سواواک، قصد عزیمت به کویت را داشت، اما دولت کویت حاضر به پذیرش ایشان نشد و امام به فرانسه رفت و در دهکده‌ای در حومهٔ پاریس به نام نوفل لوشاتو ساکن شد (آبان ۱۳۵۷).

اقامت چندماهه ایشان در فرانسه دو نتیجه مهم را برای انقلاب به همراه داشت :

۱- ایشان با استفاده از امکانات تبلیغی، انجام مصاحبه و سخنرانی به افسای جنایات رژیم پهلوی پرداخت و فریاد مظلومیت ملت ایران را به گوش جهانیان رسانید.

۲- امکان ملاقات مبارزان باره‌بری انقلاب فراهم آمد و پیام‌ها و بیانات امام با شتاب بیشتری در ایران منتشر شد.

حماسه ماه محرم

محمد رضا شاه یک روز بعد از سرکوب تظاهرات دانشجویان و دانش‌آموزان در دانشگاه تهران (آبان ۱۳۵۷)، رئیس ستاد ارشاد ارتشد از هاری را به جای شریف‌امامی نشاند تا با برقراری حکومت نظامی و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم، جریان انقلاب را کنده کند. اما شروع ماه محرم که یاد و خاطره حماسه عاشورا و قیام امام حسین (ع) را در اذهان مردم زنده می‌کرد، جریان مبارزه را وارد مرحلهٔ تازه‌ای کرد. مردم در شب اول محرم از پشت بام خانه‌ها فریاد الله اکبر، خمینی رهبر و نصر من الله و فتح قریب سردادند. ابراز اتزیجار و تنفر از شاه و خاندان پهلوی در روز تاسوعا و عاشورا به اوج خود رسید و میلیون‌ها نفر در سراسر ایران از جمله در تهران با شرکت در یک تظاهرات مسالمت‌آمیز سقوط رژیم پهلوی و برقراری حکومت اسلامی را فریاد زدند.

این تظاهرات عظیم، آمریکا را به این نتیجه رساند که :

۱- دولت نظامی ارتشد از هاری نتیجه‌ای به همراه نداشته است.

۲- مردم ایران متعدد، و در اطاعت از رهبر خویش مصمم و جدی هستند.

۳- آمریکا باید برای حفظ منافع خود در ایران به فکر مهره دیگری غیر از محمد رضا شاه باشد.



راهپیمایی میلیونی مردم تهران در تاسوعای ۱۳۵۷



شاپور بختیار

دولت شاپور بختیار

محمد رضا به دستور آمریکا برای جلوگیری از ایجاد حکومت اسلامی و ممانعت از پیروزی انقلاب اسلامی، شاپور بختیار را که قبلاً عضو جبهه ملی و از مخالفان بود مأمور تشکیل کابینه کرد. لیکن این دسیسه نیز با هوشیاری امام و غیرقانونی خواندن دولت بختیار ناکام ماند و مردم با شعار – بختیار بختیار نوکر بی اختیار –، بصیرت و آگاهی انقلابی خود را به نمایش گذاشتند.

تشکیل شورای انقلاب

امام خمینی در ۲۳ دی ۱۳۵۷ با ارسال پیامی تشکیل شورای انقلاب را به گوش مردم رسانیدند. این شورا که از افراد شایسته و مسلمان و معهود و مورد اعتماد امام انتخاب شده بود، وظیفه

داشت تا زمینه را برای انتقال قدرت فراهم کند. این خبر شان از پایان حاکمیت نظام ستم شاهی و آغاز دوره جدیدی در تاریخ ایران داشت و همگان را برای وارد کردن ضربات نهایی بر حکومت پوسیده پهلوی مصمم تر کرد.

فرار محمدرضا شاه و بازگشت پیروزمندانه امام خمینی به ایران

ده روز بعد از تشکیل دولت بختیار، محمدرضا شاه از ایران پیرون رفت (۲۶ دی ۱۳۵۷). فرار وی، شور و شعف مردم مسلمان ایران را بیشتر کرد. این خوشحالی با اعلام خبر بازگشت امام خمینی به ایران دو چندان شد.

ورود امام خمینی به ایران و تشکیل دولت موقت

در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، رهبر انقلاب با شکوه فراوان و با استقبال بی نظیر وارد ایران شد و در بهشت زهراء در جوار شهیدان به خون خفته انقلاب اعلام کرد که:

«من دولت تعیین می کنم من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می کنم من تو دهان این دولت می زنم.» سپس در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ به پیشنهاد شورای انقلاب، آقای مهندس مهدی بازرگان را به عنوان اولین نخست وزیر دولت موقت انقلاب معرفی کرد و از همه تقاضا کرد تا از وی حمایت کنند. مردم نیز با بریایی راهپیمایی، اقدام رهبر خویش را با جان و دل پذیرفتند.



استقبال باشکوه از امام خمینی به هنگام ورود به میهن اسلامی

۱- در فاصله روزهای ۱۵ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، دو دولت در کشور وجود داشت: یکی دولت موقت انقلاب اسلامی که مشروعیت و قانونی بودن خود را از حکم امام به دست آورد و مورد تأیید ملت بود، و دیگری دولت بختیار که مردم و کارمندان انقلابی ادارات حتی اجازه نمی دادند که وزیران کابینه او به ساختمان وزارت خانهها وارد شوند.

پیروزی نهایی انقلاب

با حمله گارد شاهنشاهی به افراد نیروی هوایی که به انقلاب پیوسته بودند، تهران به یک شهر نظامی مبدل شد. رژیم پهلوی قصد داشت با برقراری حکومت نظامی در بعد از ظهر ۲۱ بهمن و شب ۲۲ بهمن به کمک نظامیان واپسیه به خود و نظارت زنال هایزر آمریکایی با انجام یک کودتای نظامی رهبر انقلاب و اعضای شورای انقلاب را دستگیر و انقلاب را سرکوب کند. اما امام با توکل به الطاف خداوند بزرگ، حکومت نظامی را غیرقانونی اعلام کرد و مردم با کمک ارشیانی که به انقلاب پیوسته بودند، مراکز نظامی را در تهران و شهرهای بزرگ به تصرف خود درآوردند. رادیو و تلویزیون نیز در اختیار مردم انقلابی قرار گرفت و با اعلام صدای انقلاب و پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن، زنگ سقوط نظام شاهنشاهی به صدا درآمد و مرحله جدیدی را در تاریخ این سرزمین و همه مستضعفان و مسلمانان جهان رقم زد.



شادی مردم در روز پیروزی انقلاب

پرسش‌های نمونه

- ۱- علت مطرح شدن فضای باز سیاسی از سوی رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۶ چه بود؟
- ۲- رحلت حاج آقا مصطفی خمینی چه پیامدی در میان اقشار مختلف مردم و ادامه مبارزه با حکومت پهلوی داشت؟
- ۳- انتشار مقالهٔ توهین‌آمیز روزنامهٔ اطلاعات چه پیامدی به دنبال داشت؟
- ۴- هجرت امام خمینی از عراق به فرانسه چه نتایجی برای انقلاب داشت؟
- ۵- ادامه مبارزات مردم با حکومت پهلوی در روزهای تاسوعاً و عاشورای سال ۱۳۵۷، آمریکا را به چه نتایجی رساند؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- با مراجعته به شاهدان و قایع دوران انقلاب اسلامی، دربارهٔ یکی از اتفاقات آن دوران مطلبی تهییه کنید.
- ۲- از شعارهای انقلابی سال ۱۳۵۷ مجموعه‌ای گردآوری کنید و توضیح دهید که هر شعار نشانگر چه مسائلی بوده است.

ایران در دوران جمهوری اسلامی

مقدمه

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با فرمان و تأکید امام خمینی (ره)، شورای انقلاب و دولت موقت مأموریت یافتن دتاهر چه زودتر اقدامات لازم را برای تعیین و تأسیس نظام سیاسی جدید انجام دهنده. در این درس روند مهم‌ترین فعالیت‌هایی که به تأسیس و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران انجامید و نیز توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمنان برای ضربه زدن به ملت ایران و نظام نوپای اسلامی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

الف) استقرار نظام جمهوری اسلامی

- ۱- فراز و فرود دولت موقت انقلاب : مهندس مهدی بازرگان که به پیشنهاد شورای انقلاب و موافق امام خمینی به نخست وزیری منصوب شده بود، در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ رسماً کار خود را شروع کرد و موظف شد تا امور زیر را به انجام برساند :
- برگزاری همه‌پرسی برای تعیین نظام سیاسی کشور
- برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی
- اداره امور کشور با مساعدت و نظارت شورای انقلاب

برهمین مبنای دولت موقت همه‌پرسی تعیین نظام سیاسی ایران را در روزهای ۱۱ و ۱۰ فروردین ۱۳۵۸ برگزار کرد و نتیجه آن در ۱۲ فروردین اعلام شد. طبق این نتیجه $\frac{۹۸}{۳}$ % مردم به جمهوری اسلامی رأی مثبت داده بودند. به همین دلیل این روز در تقویم به عنوان روز جمهوری اسلامی نام‌گذاری شد. چندماه بعد نیز انتخابات دیگری برای تعیین اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی برگزار گردید. و این مجلس با ۷۲ نماینده در مرداد ۱۳۵۸ تشکیل شد تا کار تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را آغاز کند.



مراسم تنفیذ حکم بازرگان



استقبال مردم از همه‌پرسی جمهوری اسلامی ایران

در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام تسخیر شد اما مهندس بازرگان که از این اقدام ناخشنود بود، استعفا کرد و امام (ره) نیز استعفای وی را پذیرفت. دانشجویان تداوم دشمنی دولت آمریکا با انقلاب اسلامی، ورود محمد رضا شاه به آمریکا و افزایش دخالت سفیر و سایر مأموران سفارت آمریکا در امور داخلی ایران را از دلایل تسخیر سفارت آن کشور اعلام کردند و پس از آن سفارت آمریکا در تهران، لانه جاسوسی نامیده شد. امام خمینی (ره)

این حرکت دانشجویان را تأیید کرد و آن را انقلاب دوم خواند. مجلس خبرگان قانون اساسی نیز از اقدام دانشجویان حمایت کرد.

۲— دولت شورای انقلاب : پس از استعفای دولت وقت انقلاب، اعضای شورای انقلاب در رأس وزارت خانه‌ها قرار گرفتند. دولت شورای انقلاب که تا تیر ۱۳۵۹ بر سر کار بود، روند تأسیس و استقرار نظام جمهوری اسلامی را به انجام رساند. در آذر ۱۳۵۸ قانون اساسی جدید به همه‌پرسی گذاشته شد و با رأی مثبت اکثریت مردم ایران به تصویب رسید. در بهمن همان سال انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری و یک ماه بعد انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی نیز برگزار شد. شورای نگهبان نیز مطابق قانون اساسی در کنار مجلس شکل گرفت. پس از آنکه مجلس شورای اسلامی کار خود را آغاز کرد و دولت رسمی بر سر کار آمد، شورای انقلاب در تیرماه ۱۳۵۹ منحل شد.

یک توضیح

شورای نگهبان

مطابق قانون اساسی، شورای نگهبان دوازده عضو دارد؛ شش نفر فقیه عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز که از سوی رهبر انقلاب تعیین می‌شوند و شش نفر حقوقدان در رشته‌های مختلف حقوقی که با معرفی رئیس قوه قضائیه و انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عضویت آن شورادر می‌آیند. اولین فقهای شورای نگهبان در اول اسفند ۱۳۵۸ توسط حضرت امام خمینی(ره) رهبر فقید انقلاب اسلامی منصوب شدند و اعضای حقوقدان آن شورا نیز در تیر ۱۳۵۹ توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی انتخاب شدند. اعضای شورای نگهبان در ۹ تیر ۱۳۵۹ با حضور در مجلس شورای اسلامی به طور رسمی فعالیت خود را آغاز کردند.

مطابق اصول قانون اساسی اهم وظایف شورای نگهبان به شرح زیر است:

- ۱- تشخیص عدم مغایرت و تعارض کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی و کمیسیون‌های داخلی آن با احکام اسلام و قانون اساسی
- ۲- تفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۳- نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی (همه‌پرسی)

۳- تشکیل نهادهای انقلابی : یک روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به فرمان امام خمینی(ره) کمیته انقلاب اسلامی به عنوان نخستین نهاد انقلابی تأسیس شد. این کمیته وظیفه حفظ نظم و امنیت و دستگیری سران جنایتکار رژیم پهلوی را بر عهده داشت.

کمی بعد از آن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دست جوانان شجاع و قهرمان ایرانی تأسیس شد تا از آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب صیانت و پاسداری کند. جهاد سازندگی نیز برای ایجاد عمران و آبادانی و رفع فقر و محرومیت به وجود آمد.

کمیته امداد امام خمینی نیز به منظور حمایت از محروم‌مان و مستضعفان جامعه و نهضت سوادآموزی هم برای ترویج فرهنگ سوادآموزی و کاهش و رفع بی‌سوادی آغاز به کار کردند. کمی بعد نیز بنیاد شهید، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفان به فرمان امام تأسیس شدند. همچنین در مرداد ۱۳۵۸، اولین نماز جمعه در تهران به امامت آیت الله طالقانی برگزار شد و نخستین راهپیمایی و تظاهرات روز قدس نیز انجام گرفت و جمهوری اسلامی به مسلمانان جهان اعلام کرد که پرچم مبارزه با رژیم صهیونیستی را به اهتزاز درآورده است.

ب) توطنهای و تلاش‌های دشمنان داخلی و خارجی علیه انقلاب

پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران دشمنان خارجی و مغرضان داخلی را بسیار آشفته و ناراحت کرد. با تسخیر لانه جاسوسی و افشا شدن نقش آمریکاییان در توطئه علیه انقلاب اسلامی نیز خشم آمریکا دو چندان شد. در یک نگاه کلی واکنش‌ها و حرکت‌های ضد انقلابی را در این دوران می‌توان این گونه دسته‌بندی کرد:

۱- ایجاد آشوب و ناامنی : گروهک‌های ضد انقلاب با حمایت دشمنان خارجی انقلاب اسلامی در مناطقی مانند کردستان، خوزستان و ترکمن صحرا اقدام به ایجاد فتنه و آشوب کردند و مسائل و مشکلات زیادی برای کشور و مردم آن مناطق به وجود آوردند.

۲- ترور شخصیت‌های مؤثر در انقلاب و اعضای شورای انقلاب : کسانی مانند سرلشکر قرنی، آیت الله مطهری، دکتر مفتح، حاج مهدی عراقی، آیت الله قاضی طباطبائی و حاج تقی طرخانی توسط گروهک فرقان به شهادت رسیدند و آقایان هاشمی رفسنجانی و ربانی شیرازی نیز مجرح شدند. با دستگیری اعضای فعال گروه فرقان، مجاهدین خلق علم ترور را برپا کردند و ابتدا در تاریخ ۶ تیر ماه ۱۳۶۰ به جان حضرت آیت الله خامنه‌ای سوء قصد کردند؛ سپس یک روز بعد مرکز حزب جمهوری اسلامی در تهران را منفجر کردند که در جریان آن ۷۲ تن از مسئولان کشور که آیت الله دکتر بهشتی رئیس قوه قضائیه، چهار تن از وزیران کابینه و بیست و هفت نماینده مجلس شورای اسلامی در میان آنها بودند، به شهادت

رسیدند. در ادامه آیت الله قدوسی دادستان کل کشور و امامان جمعه چندین شهر؛ آیت الله مدنی، آیت الله دستغیب، آیت الله صدوقی و آیت الله اشرفی اصفهانی توسط مجاهدین خلق به شهادت رسیدند. افزون بر مسئولان نظام، هزاران نفر از مردم عادی نیز به دست اعضای این سازمان توریستی به شهادت رسیدند.



شهید آیت الله قدوسی



شهید آیت الله دستغیب



شهید آیت الله بهشتی

۳—حمله نظامی آمریکا به ایران : تسخیر سفارت آمریکا در تهران و دستگیری و بازداشت مأموران آمریکایی در ایران، دولت آمریکا را در شرایط نامناسبی قرار داد. از این رو در اردیبهشت ۱۳۵۹ آمریکا با طراحی یک عملیات پیچیده نظامی، اقدام به پیاده کردن نیروی نظامی در صحراي طبس کرد. مأموریت این گروه زیده نظامی تسخیر چند مرکز در تهران و بیرون بردن آمریکاییان بازداشتی از ایران بود. اما با عنایت خداوند، طوفان شن و کاهش دید خلبانان آمریکایی باعث سقوط چند فروند بالگرد نظامی و کشته شدن تعدادی از نیروهای مهاجم شد. بقیه نیز با به جای گذاشتن استناد و مدارک مجبور به فرار شدند.^۱

۴—طراحی کودتا : در تیر ۱۳۵۹ تعدادی از افسران وابسته به رژیم پهلوی و هوادار شاپور بختیار موسوم به «سازمان نقاب» با پشتیبانی سازمان جاسوسی سیا و حکومت عشی عراق، کودتایی را طراحی کردند. کودتاییان قصد داشتند با بهره‌گیری از امکانات نظامی پایگاه هوایی شهید نوژه همدان، محل سکونت حضرت امام (ره) و برخی مراکز مهم را بمباران و نظام جمهوری اسلامی را ساقط نمایند. این توطئه اندکی پیش از اجرا، کشف و خنثی شد.

حزب توده نیز که به نفع دولت شوروی در ایران جاسوسی می‌کرد، در سال ۱۳۶۲ ش. قصد انجام کودتا را داشت که این توطئه نیز کشف و سران آن دستگیر شدند.

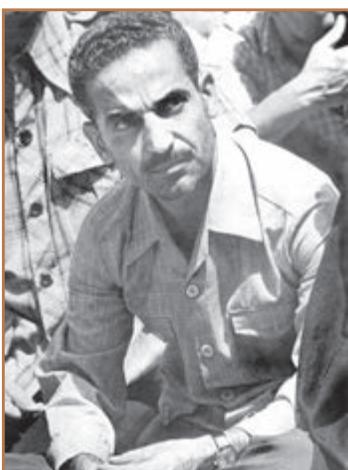
۱— محمد منتظر قائم فرمانده سپاه پاسداران بزد که به منظور گردآوری استناد باقیمانده به طبس رفته بود، با بمباران هوایی که به دستور بنی صدر انجام گرفت، به شهادت رسید.

پ) رئیسی جمهور نظام جمهوری اسلامی ایران

در بهمن ۱۳۵۸ انتخابات عمومی برای تعین اولین رئیس جمهور نظام جمهوری اسلامی برگزار شد و ابوالحسن بنی صدر به ریاست جمهوری رسید. حضرت امام، بعد از تنفیذ، فرماندهی کل قوا و ریاست شورای انقلاب را نیز به او واگذار کردند. اما قرار گرفتن در چنین موقعیت و مقامی بنی صدر را چنان مغور کرده بود که از پذیرش محمد علی رجایی چهره انقلابی و مورد اعتماد امام و مردم برای نخست وزیری امتناع کرد. اما با اصرار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رجایی نخست وزیر شد. بنی صدر روز به روز از خط امام فاصله گرفت و به منافقین نزدیک شد. با شروع جنگ تحملی نیز نیروهای سپاه پاسداران را در تنگنای مالی و سلیحاتی قرار داد و زمینه سقوط خرمشهر را فراهم کرد. این اعمال و رفتار سبب شد تا در خرداد ۱۳۶۰ از فرماندهی کل قوا عزل شود و چند روز بعد نیز با رأی نمایندگان مجلس شورای اسلامی از مقام ریاست جمهوری برکtar گردد.

با خلع بنی صدر، محمد علی رجایی در دوین دوره انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد و دکتر محمد جواد باهنر را مأمور تشکیل کابینه کرد. اما دوره ریاست جمهوری رجایی کوتاه بود و ایشان به همراه نخست وزیر انقلابی خود در ۸ شهریور ۱۳۶۰ در محل ساختمان نخست وزیری که به وسیله منافقین منفجر شد، به شهادت رسید و آیت الله مهدوی کنی از سوی مجلس به نخست وزیری انتخاب شد تا در اداره کشور و جنگ وقفه ای به وجود نیاید.

یک ماه بعد از شهادت رجایی و باهنر مردم ایران به پای صندوق های رأی رفتند و حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای را به عنوان سومین رئیس جمهوری نظام جمهوری اسلامی ایران انتخاب کردند. ایشان



شهید محمد علی رجایی



شهید دکتر محمد جواد باهنر

میرحسین موسوی را برای تصدی منصب نخست وزیری به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد. در این دوره ثبات سیاسی و امنیتی بیشتری ایجاد شد و اداره امور جنگ با دقت و توان بیشتری به انجام رسید. همچنین دانشگاه‌ها در مهر ۱۳۶۲ بازگشایی شدند و انتخابات مجلس خبرگان رهبری نیز برگزار گردید. مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در سال ۱۳۶۶ و به فرمان امام مرکب از مسئولان عالی رتبه کشور و صاحب نظران بر جسته به وجود آمد تا در صورت اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تصمیم‌گیری کند.

یک توضیح

بازنگری در قانون اساسی

در اواخر حیات حضرت امام خمینی (ره) عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای عالی قضایی از ایشان درخواست کردند که قانون اساسی بازنگری شود. حضرت امام (ره) در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۸، هیئتی متشکل از ۲۰ نفر از رجال مذهبی و سیاسی و ۵ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی را مأمور بازنگری و اصلاح قانون اساسی کردند. هنوز کار این هیئت به پایان نرسیده بود که بنیانگذار جمهوری اسلامی از دنیارفتند، اما روند بازنگری و اصلاح قانون اساسی ادامه یافت. سرانجام با نظر مساعد حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب، همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی در ۶ مرداد ۱۳۶۸ برگزار شد و مردم به آن رأی مثبت دادند.

ت) ارتحال امام خمینی (ره) و انتخاب حضرت آیت الله خامنه‌ای به رهبری



وداع باشکوه ملت با امام و رهبر خویش

امام خمینی (ره) در شامگاه ۱۳ خرداد ۱۳۶۸ بعد از یک دوره بیماری در ۸۷ سالگی دارفانی را وداع کرد و به دیدار حق شتافت. خبر ارتحال امام صبح روز بعد توسط حجت‌الاسلام و المسلمین سید احمد خمینی فرزند انقلابی ایشان به اطلاع مردم ایران و مسلمانان جهان رسید. دو روز بعد، پیکر مطهر امام شهیدان در میان حزن و اندوه میلیون‌ها نفر از تشییع کنندگان در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.

بلافاصله پس از عروج ملکوتی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، مجلس خبرگان رهبری تشکیل جلسه داد و به اتفاق آراء حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای را به دلیل داشتن شرایط و ویژگی‌های مندرج در اصل یکصدو نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۱ به مقام رهبری برگزید.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از ابتدای نهضت تا پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان شاگرد و پیرو حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) حضور و نقش فعالی در مبارزه با رژیم پهلوی داشتند؛ از این‌رو، بارها دستگیر، زندانی و تبعید شدند. ایشان در دوران جمهوری اسلامی و در شرایطی که کشور گرفتار توطئه‌های پیچیده دشمنان خارجی و ضدانقلاب داخلی و نیز جنگ تحملی بود، همچون یاوری بصیر و ثابت قدم در خدمت انقلاب و حضرت امام (رحمه‌الله‌علیه) بودند و مسئولیت‌های خطیری را از جمله دو دوره ریاست جمهوری عهده‌دار شدند. معظم‌له در تیر ۱۳۶۰، هدف حمله تروریستی گروه‌ک منافقین قرار گرفته، به شدت جراحت برداشتند و به شرف جانبازی انقلاب اسلامی نایل آمدند.

خبرگان ملت براساس چنین ویژگی‌ها و سوابقی، ایشان را برای رهبری انقلاب اسلامی، صالح، شایسته و لائق تشخیص دادند.



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی

۱- اجتهد، عدالت، تقوا، پیش صحیح سیاسی و اجتماعی، درایت، تدبیر، شجاعت و توانمندی‌های مدیریتی.

حجت‌الاسلام سید احمد خمینی



حجت‌الاسلام سید احمد خمینی در ۲۴ اسفند ۱۳۲۴ در قم متولد شد. تحصیلات دوره ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذرانید؛ در دوره دیبرستان، در کنار تحصیل، به ورزش فوتبال روی آورد. سرانجام از دیبرستان حکیم نظامی قم، در رشته طبیعی دپلم گرفت. آنگاه، تحصیلات حوزوی را پی‌گرفت. جریان قیام ۱۳۴۲ خرداد ۱۵، علاقه‌اش به

سیاست و عزمش به مبارزه با حکومت پهلوی را بیش از گذشته عیان ساخت. سید احمد از سال ۱۳۴۳، به دنبال دستگیری و تبعید رهبر نهضت اسلامی ایران (امام خمینی) و پسر بزرگ ایشان (حاج آقا مصطفی) به ترکیه و عراق، مسئولیت‌های سنگینی تری در خانواده امام و نیز عرصه مبارزه با حکومت ستم شاهی بر عهده گرفت؛ به همین دلیل، ساواک فعالیت‌های او را زیر نظر گرفته بود. با این حال، با تیزینی و درایت دستورات امام را انجام می‌داد. سید احمد در سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۶، برای پهله بدن از محضر پدر و انتقال پیام‌های لازم چندین بار محروم‌انه به عراق سفر کرد. در ضمن این سفرها، که اغلب به نجف اشرف بود، به پهله بدن از محضر مدرسان مقیم عتبات و تکمیل تحصیلات علوم دینی نیز همت گمارد. در جریان این رفت و آمد، چندبار توسط عوامل ساواک بازداشت و زندانی شد. او در مهرماه ۱۳۴۸، با دختر آیت‌الله سلطانی طباطبائی ازدواج کرد. در سال ۱۳۵۲، سفر کوتاهی به لبنان داشت و ضمن آن با امام موسی صدر، شهید مصطفی چمران و دیگر مبارزان به گفت‌وگو نشست. با گذشت ایام، نقش سید احمد در مبارزه با حکومت پهلوی بیشتر شد. در سال ۱۳۵۶، بار دیگر به عراق رفت و از آن جا همراه امام به پاریس رفت. در بهمن ۱۳۵۷، همراه امام به کشور بازگشت. در اوایل انقلاب و پس از آن، در تصمیم‌گیری‌های مهم و نیز انتقال اطلاعات مهم درباره اوضاع کشور به حضرت امام (ره) نقش بسزایی داشت.

حاج سید احمد آقا خمینی، روز ۱۲ اسفند ۱۳۷۳ دچار عارضه قلبی و تنفسی شد و چهار روز بعد، حان به جان آفربین تسلیم کرد. بیکر پاک آن عالم فرزانه در جوار تربت مطهر حضرت امام خمینی (ره) آرام گرفت.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چه وظایفی به دولت موقت (دولت بازارگان)، محول شده بود؟
- ۲- دلایل تسخیر سفارت آمریکا در تهران، توسط دانشجویان پیرو خط امام چه بود؟
- ۳- مهم‌ترین اقدامات دولت شورای انقلاب چه بود؟
- ۴- پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چه نهادهای انقلابی تشکیل شدند و هدف تشکیل هر کدام از این نهادها چه بود؟
- ۵- دشمنان داخلی و خارجی به چه توطئه‌هایی علیه انقلاب اسلامی دست زدند؟
- ۶- چه عواملی موجب برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری شد؟

اندیشه و جستجو

- وظایف و نقش شورای نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را با اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه مقایسه کنید.

هشت سال دفاع مقدس

مقدمه

جنگ تحمیلی صدام علیه ایران و دفاع جانانه مردم ایران از سرزمین خود، یکی از درخشان‌ترین دوران تاریخ ایران است. مردم ایران از هرگروه و قومی، متعدد و یکپارچه در برابر تهاجم بیگانگان به خاک کشورشان ایستادند. ایرانیان اعم از زن و مرد از خردسال تا پیر، در هشت سال دفاع مقدس، جان و مال خویش را برای پاسداری و حراست از سرزمین ایران و انقلاب اسلامی در طبق اخلاص نهادند. نتیجه این مجاهدت‌ها، حفظ سرزمین مقدس اسلامی از گزند دشمنان و آغاز مرحله جدیدی از عزت و اقتدار ملت ایران بود.

انگیزه و اهداف صدام از تحمیل جنگ بر ایران

رژیم بعضی عراق مدت‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تحولات ایران توجه داشت، اما به دنبال وقوع انقلاب اسلامی و سقوط نظام سلطنتی در ایران، صدام با تشویق آمریکا و برخی کشورهای عربی، رسمیاً در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، ایران را از زمین و هوای مورد تهاجم قرار داد.^۱ مهم‌ترین انگیزه و اهداف صدام از این اقدام عبارت بودند از :

۱- ترس و واهمه از انتشار افکار انقلاب اسلامی در میان شیعیان عراق و سایر مسلمانان

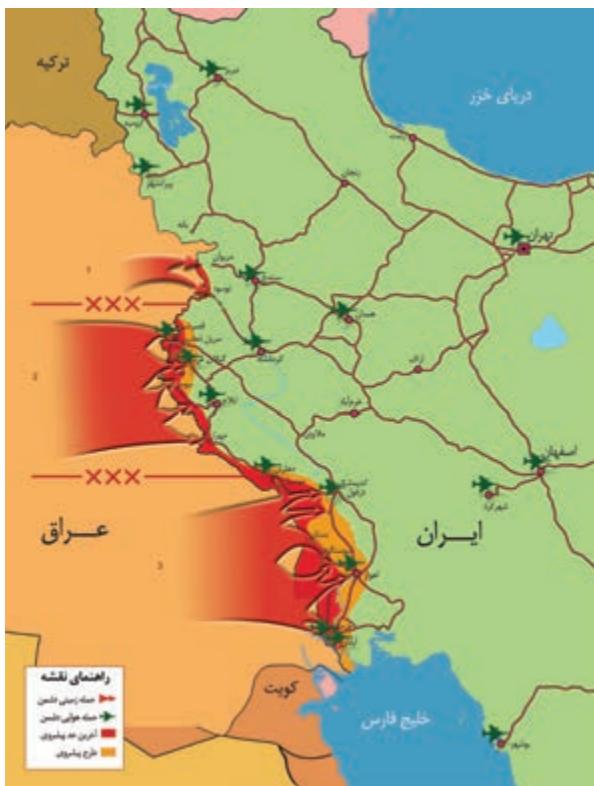
منظقه

۲- تسلط بر آبراه حیاتی اروندرود و تصرف استان خوزستان

۳- رسیدن به رهبری جهان عرب

۱- نیروهای بعضی عراق پیش از آن، از تاریخ ۱۳ فوریه ۱۳۵۸ تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در مجموع ۶۳۶ بار از زمین، هوا و دریا مرزهای جمهوری اسلامی ایران را مورد تعرض قرار داده بودند.

صدام اختلافات مرزی با ایران را بهانه شروع جنگ قرار داد. این در حالی بود که پنج سال پیش از آن، دو کشور با وساطت دولت الجزایر به اختلافات مرزی خود پایان داده و قرارداد الجزایر^۱ را امضا کرده بودند. تهاجم ارتش صدام به ایران با بمباران فرودگاه‌های تهران و چند شهر بزرگ آغاز شد و همزمان، نیروی زمینی عراق نیز در استان‌های خوزستان، ایلام، کردستان و کمانشاه شروع به پیشروی کرد. نکته قابل توجه این است که مجتمع بین‌المللی و در رأس آن شورای امنیت سازمان ملل متحد، در برابر یورش آشکار نیروهای صدام به خاک ایران، به ظایف‌رسمی و قانونی خود عمل نکردند. این شورا مدتی پس از آغاز جنگ، بدون آنکه تهاجم نیروهای بعضی را محکوم کند و خواستار عقب‌نشینی مت加وزان از مناطق اشغالی ایران شود، تنها دو کشور را به برقراری آتش‌بس دعوت کرد.



نقشه تهاجم هوایی و زمینی دشمن بعضی به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

مأخذ: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

۱- قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ م. ش. با وساطت دولت الجزایر میان ایران و عراق منعقد شد. صدام به عنوان نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق این قرارداد را به تماشندگی از حکومت وقت آن کشور امضا کرد. براساس قرارداد الجزایر، دو کشور توافق کردند که خط تالوگ - خطی که از عمیق‌ترین ژرفای رود می‌گذرد - مبنای تعیین مرز ایران و عراق در اروندرود باشد.



چرا واکنش شورای امنیت سازمان ملل در برابر تجاوز ارتش صدام به خاک ایران با حمله صدام به خاک کویت متفاوت بود؟

مقابله با تهاجم دشمن بعضی

بورش وحشیانه ارتش صدام به خاک ایران زمانی به وقوع پیوست که کشور ما شرایط حساس و دشوار پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط نظام سلطنتی را می‌گذرانید. از یک سو ارتش در حال بازسازی و تجدید سازمان بود و نیروی جوان سپاه پاسداران نیز درگیر مقابله با آشوب‌های ضدانقلاب داخلی بود. صدام با این توهمندی که نیروهای مسلح ایران آمادگی و توان مقابله با ارتش او را ندارند و نیز با پشتگرمی به حمایت سایر کشورها به ویژه آمریکا، فکر می‌کرد که در مدت کوتاهی به هدف‌های خود می‌رسد.

پرواز ۱۴۰ فروند جنگنده ایرانی چند روز بعد از شروع جنگ و بمباران مراکز نظامی و حساس عراق در بغداد و چند شهر دیگر، رئیسی ارتش صدام را به یک کابوس وحشتناک هشت ساله تبدیل کرد. نیروی زمینی ارتش و سپاه پاسداران نیز به کمک نیروهای جنگ‌های نامنظم که توسط دکتر مصطفی چمران فرماندهی می‌شدند، پیشروی نیروهای زمینی عراق را در خاک ایران متوقف کردند. دریادلان نیروی دریایی ارتش نیز با پشتیبانی نیروی هوایی در عملیاتی موسوم به مروارید با رشادت تمام، اسکله‌های عراق را منهدم و نیروی دریایی آن کشور را نابود کردند.^۱

یک توضیح :



شهید دکتر مصطفی چمران

مصطفی چمران بعد از پایان دوره دبیرستان وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و در رشته مهندسی برق به ادامه تحصیل پرداخت. او همزمان در کلاس‌های تفسیر و فلسفه و منطق آیت الله طالقانی و آیت الله مطهری شرکت می‌کرد. چمران بعد از اتمام دوره کارشناسی به عنوان دانشجوی ممتاز برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و از دانشگاه برکلی در

۱- عملیات مروارید طی روزهای پنجم تا هفتم آذر ۱۳۵۹ انجام شد و در پایان آن ناوجه پیکان، هدف اصابت موشک دشمن قرار گرفت و شماری از رزمدگان دریادل به شهادت رسیدند، روز هفتم آذر در تقویم ایران به نام روز نیروی دریایی ثبت شده است.

کالیفرنیا در رشته الکترونیک، دکتری گرفت. دکتر چمران در تداوم مبارزه خود انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را بنیانگذاری کرد و به کمک امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان، جمعیت محرومین و شاخه نظامی جنبش امل را تأسیس کرد و به مقابله با رژیم صهیونیستی پرداخت. دکتر چمران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به وطن بازگشت و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی شد. او کمی بعد به مقام وزیر دفاع رسید و با شروع جنگ تحمیلی با سازماندهی ستاد جنگ‌های نامنظم، در جلوگیری از پیشروی نیروهای عراقی در خوزستان نقش مؤثری داشت. دکتر چمران سرانجام در ۱۳۶۰ خرداد ۱۳۶۰ در جبهه دهلاویه به شهادت رسید.

رهبری امام خمینی (ره) در دوران دفاع مقدس

پس از عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا، امام خمینی خود فرماندهی کل قوا را بر عهده گرفت. ویژگی مهم فرماندهی ایشان در آن مقطع زمانی، تحقیر دشمن و ترغیب و تشویق مردم و مسئولان به مقابله با نیروهای مت加وز بود. امام با تمسمک به مفاهیم جهاد و شهادت و یادآوری حماسه عاشورا، میدان نبرد را به صحنه نمایش رشادت و شجاعت جوانان ایرانی تبدیل کرد. در نتیجه هدایت و رهبری حضرت امام، جلوه‌های زیبایی از ایثار و فداکاری در راه دین و میهن به نمایش گذاشته شد. امام خمینی شهادت طلبی جوانان را شناهای از عنایت خداوند بزرگ دانسته و با اشاره به احاطه اخلاقی دوران پهلوی، فرمودند: «جوان‌هایی که می‌رفت به کلی از دست اسلام و مسلمین برونده، خداوند به ما برگرداند و آنها را ... [چنان] متعهد کرد که الان برای شهادت داوطلب می‌روند و در جبهه‌ها در حال جنگ تکبیر می‌گویند و نماز می‌خوانند و در شب‌ها با خدا مناجات می‌کنند».^۱

رهبری حضرت امام (ره) در زمان جنگ

آثار و نتایج زیر را به همراه داشت:

- تبعیت کامل مردم و مسئولان از فرمانیں امام در روند جنگ
- تقویت انگیزه‌های جهادی و روحیه شهادت طلبی در میان جوانان ایرانی
- تقویت روحیه فرماندهان و سایر رزمندگان
- اولویت یافتن مسئله جنگ برای مردم و مسئولان

شور و صلابت در دفاع از میهن اسلامی

۱- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۳۶۹.



آزاد سازی سرزمین‌های اشغالی توسط رزمندگان ایرانی

پس از آن که با حضور مردم در صحنه، فتنه و آشوب‌های ضد انقلاب (بنی صدر، مجاهدین خلق و سایر گروهک‌های ضد انقلاب) در سال ۱۳۶۰ ش. فرونشانده شد و اوضاع سیاسی کشور ثبات و آرامش یافت، رزمندگان ایرانی با توکل بر خداوند و تکیه بر ایمان، عزم خود را برای بیرون راندن دشمن متجاوز از خاک میهن جزم کردند.

امام خمینی به عنوان فرمانده کل قوا، ابتدا فرمان شکستن محاصره آبادان را صادر کرد؛ نیروهای ارشتی به همراه رزمندگان سپاهی و بسیجی، با یک عملیات برق‌آسا، آبادان را از محاصره نیروهای متجاوز صدام نجات دادند.^۱ دلاور مردان ایران زمین سپس در چندین رشته عملیات غورآفرین که مهم‌ترین آنها فتح‌المبین^۲ و بیت‌المقدس^۳ بودند، صدها کیلومتر مربع از خاک ایران را از اشغال ارتش بعضی آزاد کردند. اوج حماسه شجاعت و رشادت ملت ایران در دوران دفاع مقدس، روز سوم خرداد ۱۳۶۱ در عملیات بیت‌المقدس تجلی یافت. روزی که رزمندگان ایران با درایت و شجاعت خود خرم‌شهر عزیز را از اشغال دشمنی که بر روی دیوار خرابه‌های آن نوشته بود «ما آمده‌ایم تا بمانیم»، آزاد کردند.



خرمشهر پس از آزادی از اسارت دشمن

۱- عملیات ثامن الائمه در تاریخ ۴ مهر ۱۳۶۰

۲- فروردین ۱۳۶۱

۳- اردیبهشت و خرداد ۱۳۶۱

رهایی خرمشهر علاوه بر تقویت وحدت ملی در داخل کشور، ابتکار عمل را در جنگ به ایران داد. پس از فتح خرمشهر، جنگ وارد مرحله تازه‌ای شد. از یک سو موقفیت‌های نظامی رزمندگان ایرانی ادامه یافت و از سوی دیگر حامیان خارجی صدام برای جلوگیری از سقوط حکومت او، انواع تجهیزات نظامی پیشرفت و سلاح‌های میکروبی و شیمیایی را در اختیار وی گذاشتند. نیروهای متجاوز که مکرر در جبهه از رزمندگان اسلام شکست می‌خوردند، بیشتر از گذشته مناطق مسکونی و مردم غیرنظمی را با هواپیما و موشک مورد هدف قرار می‌دادند.

نقش مردم در هشت سال دفاع مقدس

نقش مردم انقلابی ایران در طول هشت سال دفاع مقدس در دو زمینه قابل بررسی است :

- ۱- حضور مستقیم در خط مقدم جبهه و نبرد با دشمن متجاوز
- ۲- مشارکت در تأمین بخشی از هزینه‌های مادی جنگ از طریق کمک‌های داوطلبانه، به خصوص تهیه و تدارک پوشاش و خوراک برای رزمندگان

بیشترین حضور مردمی در صحنه‌های نبرد در قالب نیروهای بسیجی و جهاد سازندگی انجام می‌گرفت. نیروهای مردمی در کنار دیگر نیروهای نظامی کمک فراوانی در پیشبرد جنگ و کسب پیروزی در نبردهای زمینی داشتند.



پیر و جوان بسیجی مصمم در دفاع از ایران زمین

زنان ایرانی نیز نقش بسیار مهمی در هشت سال دفاع مقدس بر عهده گرفتند و کمک فراوانی به پیشبرد و موفقیت

عملیات‌های رزمندگان کردند. مهم‌ترین این خدمات عبارت بودند از :

- حضور مستقیم در خط مقدم جبهه در سال‌های اول جنگ
- تشویق فرزندان، برادران و همسران خویش برای حضور در جبهه
- تهیه مواد غذایی و مایحتاج رزمندگان
- امدادگری و پرستاری رزمندگان مجروح از خط مقدم نبرد تا بیمارستان‌ها
- پاسداری از حریم خانواده و تربیت فرزندان در غیاب همسران رزمnde

پایان جنگ

هنگامی که ارش صدام در آستانه شکست حتمی قرار گرفت، آمریکا و سایر کشورهای غربی با اعزام چندین ناو جنگی به طور آشکار در کنار نیروهای بعثی، وارد جنگ با رزمندگان ایرانی شدند. بندر فاو عراق که در عملیات والفجر ۸ به تصرف رزمندگان اسلام درآمده بود، با دخالت آمریکا و بمباران وسیع شیمیایی تخلیه شد.^۱ همچنین ناو آمریکایی، هوایی‌مای مسافربری ایران را بر فراز خلیج فارس مورد هدف قرار داد که در جریان آن تزدیک به سیصد مسافر بی‌گناه و بی‌دفاع، مظلوم‌مانه به شهادت رسیدند و فرمانده آن ناو به پاس این جنایت از کاخ سفید مдал افتخار گرفت.

شورای امنیت سازمان ملل متعدد نیز قطعنامه ۵۹۸ را تصویب کرد که برای نخستین بار پس از شروع جنگ تحملی، به دو خواسته ایران یعنی عقب نشینی به مرزهای بین‌المللی و تعیین متجاوزه، توجه کرده بود. سرانجام فرمانده کل قوا پس از مشورت با فرماندهان نظامی و مسئولان کشور، قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت^۲ و اندکی بعد آتش‌بس برقرار شد. پس از دو سال مذاکره میان وزرای خارجه ایران و عراق، صدام رئیس رژیم بعثی، طی نامه‌ای به رئیس جمهور وقت ایران حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، قرارداد الجزایر را بار دیگر به رسمیت شناخت. پس از آن، آزادگان عزیز با استقبال گرم مردم ایران به آغوش میهن اسلامی بازگشتد.

در سال ۱۳۷۰ ش. نیز سازمان ملل متعدد رسماً، صدام رئیس رژیم بعثی عراق را به عنوان متجاوز و آغاز‌کننده جنگ معرفی کرد. به این ترتیب جنگ هشت ساله‌ای که صدام به منظور سرنگونی جمهوری اسلامی آغاز کرده بود، با شکست مفترضانه خود او به پایان رسید.



بازگشت آزادگان به میهن اسلامی

رشادتی به گستره ایران اسلامی

شماری از امیران شهید					شماری از سرداران شهید					
ردیف	نام و خانوادگی	تاریخ و محل تولد	ردیف	تاریخ و محل تولد	ردیف	نام و خانوادگی	تاریخ و محل تولد	ردیف	تاریخ و محل تولد	
۱	حسن باقری	جانتین فرانه	۱	حسن	۱۳۱۵	فروی زینی سبلان	۱۳۴۹	تهران	۱۳۶۴	شهادت
۲	مهدي باكري	فرايمانه لشکر ۳۱	۲	آيشناسان	۱۳۲۹	فرايمانه لشکر ۳۱	۱۳۶۳	تهران	۱۳۶۶	شمال غرب
۳	محمد بروجردي	فرايمانه لشکر ۳۱	۳	عباس بالي	۱۳۲۹	فرايمانه لشکر ۳۱	۱۳۶۳	تهران	۱۳۶۶	منخصوص
۴	محمد علی جهان آر	فرايمانه فرازگاه	۴	علي اکبر	۱۳۲۹	فرايمانه فرازگاه	۱۳۶۲	عباس دوران	۱۳۶۱	ملووت هواي
۵	حسين جهان آر	فرايمانه سپاه خوشبهر	۵	علي	۱۳۳۴	فرايمانه سپاه خوشبهر	۱۳۶۲	شميراز	۱۳۶۰	ملووت هواي
۶	حاج حسین خرازي	فرايمانه لشکر ۱۴ امام حسنین (ع)	۶	صادق ازدي	۱۳۲۳	فرايمانه لشکر ۱۴ امام حسنین (ع)	۱۳۶۵	تکاب	۱۳۶۰	بلاري دراز
۷	زین الدین	فرايمانه لشکر ۱۷	۷	درگز	۱۳۲۳	فرايمانه لشکر ۱۷	۱۳۶۳	خابان طيزور	۱۳۶۰	ملووت هواي
۸	مهدي	فرايمانه لشکر ۱۷	۸	جواد نعکوري	۱۳۱۷	فرايمانه لشکر ۱۷	۱۳۶۳	علي بن ابيطالب (ع)	۱۳۶۰	فرايمانه هواي
۹	زین الدین	فرايمانه لشکر ۱۷	۹	باخران	۱۳۱۷	فرايمانه لشکر ۱۷	۱۳۶۳	تهران	۱۳۶۰	سازنده هواي
۱۰	محمود کاروه	فرايمانه لشکر ويره	۱۰	ولي الله	۱۳۱۰	فرايمانه لشکر ويره	۱۳۶۵	طلقان	۱۳۶۰	سازنده هواي
۱۱	يوسف كالاهان	مشهد	۱۱	فلاحي	۷	مشهد	۱۳۴۰	پيرامشهر	۱۳۶۰	رئيس سمتاد مشترک
۱۲	يوسف	مشهد	۱۲	فلاحي	۷	مشهد	۱۳۴۰	پيرامشهر	۱۳۶۰	آريش
۱۳	احمد کشوری	فرايمانه هواي	۱۳	فرايمانه هواي	۱۳۳۲	فرايمانه هواي	۱۳۶۷	خليان طيزور	۱۳۶۹	آريش
۱۴	کلاهان	قوچان	۱۴	قام مقام سپاه	۸	قام مقام سپاه	۱۳۶۵	آريش	۱۳۶۹	آريش
۱۵	علي هاشمي	آهار	۱۵	مسعود مندر	۱۳۰۸	فرايمانه فرازگاه هضرت	۱۳۶۷	جزر و جزئون	۱۳۶۶	فرمانده شکر ۹۲
۱۶	علي هاشمي	آهار	۱۶	آمل	۹	فرايمانه فرازگاه هضرت	۱۳۶۷	جزر و جزئون	۱۳۶۶	فرمانده شکر ۹۲
۱۷	حاج ابراهيم	آهار	۱۷	نياكي	۱۳۱۷	فرايمانه لشکر ۲۷	۱۳۶۷	موسى نامجو	۱۳۶۰	وزر رفاع
۱۸	هفت	آهار	۱۸	آرلي	۱۰	محمدرسول الله (ص)	۱۳۶۱	شهرضا	۱۳۶۰	سازنده هواي

عملیات مرصاد

گروهک مجاهدین خلق (منافقین) در طول هشت سال دفاع مقدس از هیچ اقدامی علیه کشور و ملت ایران خودداری نکرد. این گروهک در آغاز جنگ، علاوه بر ترور شمار زیادی از مسئولان و مردم عادی، موجب ایجاد فتنه و آشوب‌های بسیاری در داخل کشور شد که دشمن مت加وز نهایت استفاده را از آن برداشت. مجاهدین خلق همچنین از طریق جاسوسی، اطلاعات نظامی و تسليحاتی نیروهای ایرانی را برای عراقی‌ها ارسال می‌کردند. در نهایت نیز به صدام پیوستند و در کنار نیروهای بعضی، عملیات‌های نظامی و خرابکارانه زیادی را علیه مردم ایران و عراق انجام دادند.

به دنبال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، منافقین که این کار را نشانه ضعف و ناتوانی نظامی و سیاسی ایران قلمداد می‌کردند، به کمک نیروهای بعضی تهاجم گسترده‌ای را علیه ایران آغاز کردند و از سمت غرب وارد خاک ما شدند، اما رزم‌مندگان ایرانی در عملیاتی برق‌آسا با عنوان مرصاد (کمینگاه)، در حدفاصل شهرهای اسلام‌آباد و کرمانشاه، چنان شکست سنگینی بر آنان وارد آوردند که بسیاری از آنان به هلاکت رسیدند و تعدادی نیز اسیر شدند.

بیشتر بدایم

پسر ایران



«نورالدین پسر ایران» عنوان کتابی بسیار خواندنی و جذاب در شرح خاطرات رزمنده و جانبازی شجاع از خطه دلاورخیز آذربایجان است. راوی کتاب سیدنورالدین عافی فرزند سیدحسین است که در سال ۱۳۴۳ در خانواده‌ای متدين در یکی از روستاهای نزدیک تبریز به نام خلجان دیده به جهان گشود. سیدنورالدین دوره تحصیلی ابتدایی را در زادگاهش به پایان برد و مشغول کار شد. وی در جریان انقلاب اسلامی همگام با ملت ایران در راهپیمایی‌ها حضوری فعال داشت. هنوز سه ماه بیشتر از شروع جنگ تحمیلی نگذشته

بود که سید شانزده ساله همانند بسیاری از نوجوانان ایران اسلامی، با هزاران رحمت رضایت والدین و مسئولان اعزام نیرو را برای عزیمت به جبهه جلب کرد و لباس رزم پوشید. این رزم‌مند شوخ طبع و خوش‌بیان تبریزی که به بمب خنده رزم‌مندان معروف بود تا پایان جنگ، هرگز نتوانست از جبهه و جهاد دل برکند؛ سیدنورالدین قریب ۸۰ ماه از دوران دفاع مقدس را با عشق به اسلام، انقلاب، امام و ایران در خطوط مقدم جبهه از مهاباد تا اروندرود به دفاع از دین و میهن پرداخت و در عملیات‌های بسیاری شرکت کرد. وی در طول این مدت، شاهد و ناظر شهادت برادر، دوستان و شمار زیادی از هم‌زمانش بود؛ خود او نیز بارها مجروح شد و تا سرحد شهادت پیش رفت^۱. به قول خودش: «تقدیر من صبر بر همه دردها بود، درد زخم‌های تنم و درد جاماندن از شهداء».^۲ این سید بسیجی هیچ‌گاه دوره درمانش را در بیمارستان و یا منزل نمی‌گذراند و با بدنه سراپا زخمی که حتی قیافه‌اش را به هم ریخته بود، لحظه‌ای در بازگشت به جایی که «احساس می‌کرد به خدا نزدیک‌تر است» در نگ نمی‌کرد. از این‌رو، در برابر اصرار مادر برای درمان، می‌گفتة:

« حاج خانوم، من اگر این‌جا (منظور منزل) بمونم، شکم‌هیچ وقت خوب نمی‌شه، اما اگر اون‌جا (منظور جبهه) برم اول روحیه‌ام خوب می‌شه. بعدشم این‌زم جم و جور می‌شه».^۳ کتاب نورالدین پسر ایران، روایت دلکش و در عین حال صریح یک رزم‌مند معمولی، اما جسور و شلوغ است که ۸ سال در متن جنگ زیسته است؛ روایتی که با زیبایی هرچه تمام‌تر، صحنه‌های تکان‌دهنده کربلای جبهه‌ها و لحظه‌های اینار، از خود‌گذشتگی و عصاره همه فضیلت‌ها یعنی شهادت مردان خدا را به خوبی روایت می‌کند و چشم‌های از دریاچه جوشان ایمان، اخلاص، عشق و معرفت بسیجیان را نشان می‌دهد. خاطرات سیدنورالدین عافی، صرفًاً شرح خاطرات یک رزم‌مند بسیجی از یک گوشۀ ایران نیست، بلکه به تمام معنا، بیانگر ویژگی و خصایص «فرزند ایران بودن نورالدین» است.

کتاب نورالدین پسر ایران، به قلم مخصوصه سپهری در سال ۱۳۹۰ توسط انتشارات سوره مهر منتشر و در کمتر از یک سال چندین مرتبه تجدید چاپ شده است.

۱- اخیراً (آبان ۱۳۹۱) سی و ششمین جراحی بر روی بدن او انجام شد.

۲- همان ص ۱۴۸.

۳- نورالدین پسر ایران، ص ۱۲۷.

پرسش‌های نمونه

- ۱- انگیزه و اهداف صدام از تحمیل جنگ به ایران چه بود؟
- ۲- مجامع بین‌المللی در برابر تهاجم و تجاوز ارتش صدام به خاک ایران چه واکنشی نشان دادند؟
- ۳- امام خمینی (ره) در مقام فرماندهی کل قوا چه تأثیری بر روند جنگ تحمیلی داشت؟
- ۴- نقش مردم ایران را در دوران دفاع مقدس در سه سطر توضیح دهید.

اندیشه و جستجو

- ۱- خاطرات یکی از رزمندگان دوران مقدس را گردآوری و برای همکارانشای خود ارائه کنید.
- ۲- درباره زندگی و شهادت یکی از شهدای محله خود تحقیقی انجام دهید.

فهرست کتاب‌های مناسب و مرتبط با محتوای کتاب

عنوان کتاب	مؤلف	ناشر و تاریخ نشر
۱- پایی که جا ماند (یادداشت‌های روزانه سیدناصر حسینی پور از زندان‌های مخفی عراق)	سیدناصر حسینی پور	سوره مهر، ۱۳۹۱
۲- چلچراغ : آقا بزرگ تهرانی	فریدون حیدری ملک میان	مدرسه، ۱۳۸۸
۳- چلچراغ : شهید مهدی عراقی	شاهین رهنما	مدرسه، ۱۳۸۸
۴- چلچراغ : علامه امینی	محمد نه گودرز نیا	مدرسه، ۱۳۸۸
۵- چهره‌های درخشان : نسیم شمال	شهربانو صارمی	مدرسه، ۱۳۸۸
۶- چلچراغ : میرزا جواد آقا تبریزی	بتول زرکنده	مدرسه، ۱۳۸۸
۷- دا : خاطرات سیده زهرا حسینی	سیده اعظم حسینی	سوره مهر، ۱۳۸۷
۸- نورالدین پسر ایران (خاطرات سیدنورالدین عافی)	معصومه سپهری	سوره مهر، ۱۳۹۰

فهرست منابع و مآخذ*

- ۱- استوری، جورج؛ تاریخ معاصر ژاپن، فیروزه مهاجر، تهران، پایرسون، ۱۳۶۷.
- ۲- اسنایدر، لویس؛ جهان در قرن بیستم، محمد ابراهیم آیینی، تهران، فرانکلین، ۱۳۴۲.
- ۳- اصفهانیان، داود؛ تحولات اروپا در عصر رنسانس، تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۵.
- ۴- بازروا-ج-بک، اچ. ای؛ تاریخ اندیشه اجتماعی، جواد یوسفیان و علی اصغر مجیدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴.
- ۵- باومن، جان؛ تاریخ روزشمار قرن بیستم، یحیی افتخارزاده، تهران، هیرمند، ۱۳۷۷.
- ۶- پالمر، رابت روزول؛ تاریخ جهان نو، ۲، ج، ابوالقاسم طاهری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹.
- ۷- جاسمی، محمود و بهرام؛ فرهنگ علوم سیاسی، تهران، گوتبرگ، ۱۳۵۸.
- ۸- حقی، اسماعیل؛ تاریخ عثمانی، ج ۳-۱، ایرج نوبخت، تهران، کیهان، ۱۳۷۰.
- ۹- حکیمی، محمود؛ نگاهی به تاریخ معاصر جهان یا بحران‌های عصر ما، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- ۱۰- خیراندیش، عبدالرسول؛ تاریخ جهان (دوره کارданی تربیت معلم)، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۷۶.
- ۱۱- خیراندیش، عبدالرسول؛ تاریخ کشورهای اسلامی (دوره کاردانی تربیت معلم)، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۰.
- ۱۲- دورانت، ویلیام جیمز؛ تاریخ تمدن، ج ۱۱-۶، گروه مترجمان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۱۳- دولاندلن، شارل؛ تاریخ جهانی، جلد دوم، احمد بهمنش، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۴- راسل، برتراند؛ تاریخ فلسفه غرب، نجف دریابنده‌ی، تهران، پرواز، ۱۳۶۵.
- ۱۵- روسو، بی‌یر؛ تاریخ صنایع و اختراعات، حسن صفاری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- ۱۶- رونوون، بی‌یر؛ بحران‌های قرن بیستم، ج ۱-۲، احمد میرفندرسکی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۷.
- ۱۷- شوئل، فرانک ال؛ آمریکا چگونه آمریکا شد، ابراهیم صدقیانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- ۱۸- عنایت، حمید؛ بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
- ۱۹- عنایت، حمید؛ سیری در اندیشه سیاسی غرب، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.
- ۲۰- فوتن، آندره؛ تاریخ جنگ سرد، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۴.

* ذکر این منابع به معنای تأیید همه مطالب آنها نیست.

- ۲۱- فوتن، آندره؛ یک بستر و دو رؤیا (تاریخ تنش زدایی)، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲.
- ۲۲- کاسمنسکی، یوگنی آلکسیویچ؛ تاریخ قرون وسطی، صادق انصاری و باقر مؤمنی، تهران، اندیشه، ۱۳۵۴.
- ۲۳- لوکاس، هنری؛ تاریخ تمدن، جلد دوم : از نوزایی تا سده ما، عبدالحسین آذرنگ، تهران، کیهان، ۱۳۷۶.
- ۲۴- لینچافسکی، ژرژ؛ تاریخ خاورمیانه، هادی جزایری، تهران، اقبال، ۱۳۳۷.
- ۲۵- ماله، آلب؛ تاریخ قرن هیجدهم (انقلاب فرانسه و امپراتوری ناپلئون)، رشید یاسمی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ۲۶- مک ابودی، کالین؛ رویدادنگاری تاریخ جهان، حسن انشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۰.
- ۲۷- موروا، آندره؛ تاریخ آمریکا از پیدایش تا جنگ جهانی دوم، نجفقلی معزی، تهران، اقبال، ۱۳۴۰.
- ۲۸- میرفندرسکی، احمد؛ جنگ سرد، تهران، ۱۳۵۰.
- ۲۹- نخجوان، محمد (امیر موشق)؛ تاریخ جنگ جهانی اول، تهران، ۱۳۱۴.
- ۳۰- نخجوان، محمد (امیر موشق)؛ تاریخ جنگ جهانی دوم، تهران، علمی، ۱۳۴۱.
- ۳۱- نهرو، جواهر لعل؛ کشف ۱ هند، ۲ جلد، محمود تفضلی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۳۲- نهرو، جواهر لعل؛ نگاهی به تاریخ جهان، ۳ جلد، محمود تفضلی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱.
- ۳۳- وکیل، محمد صالح؛ تاریخ هندوستان از قرن هیجدهم تا آغاز استقلال، ۱۳۵۲.
- ۳۴- ولز، هربرت جرج؛ کلیات تاریخ، ۲ جلد، مسعود رجب‌نیا، تهران، سروش، ۱۳۶۶.
- 35 - Europa year book 1999.
- 36 - International Webster, 1996.
- 37 - Time and News week, June 2001.
- ۳۸- آبراهامیان، یرواند؛ ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷.
- ۳۹- آصف (رستم الحکما)، محمد هاشم، رستم التواریخ، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۸.
- ۴۰- آیرون ساید، سر ادموند؛ خاطرات و سفرنامه ژنرال آیرون ساید، ترجمه بهروز قزوینی، تهران، آینه، ۱۳۶۱.
- ۴۱- آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
- ۴۲- اتحادیه، منصوره؛ پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۱.
- ۴۳- استناد فراماسونری در ایران، ۲ جلد، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۰.
- ۴۴- اقبال آشتیانی، عباس؛ میرزا تقی خان امیرکبیر، به کوشش ایرج افسار، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- ۴۵- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان؛ روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افسار، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۵.

- ۴۶— صدرالتواریخ یا تاریخ صدور قاجار، تصحیح و تحسیله محمد مشیری، تهران، انتشارات روزبهان، ۱۳۵۷.
- ۴۷— الگار، حامد؛ دین و دولت در ایران (نقش علماء در دوره قاجار)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توسع، ۱۳۵۶.
- ۴۸— امام خمینی(ره)؛ استعمار و ابرقدرت‌ها (از بیانات و اعلامیه‌های امام خمینی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۱)، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۴۹— سلطنت و تاریخ ایران (از بیانات و اعلامیه‌های امام خمینی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۱)، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۵۰— صحیفه انقلاب (وصیت‌نامه سیاسی - الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۵۱— صحیفه نور : مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۵۲— کشف اسرار، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- ۵۳— کوثر (مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی همراه با شرح وقایع انقلاب اسلامی)، جلد ۱-۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱-۱۳۷۴.
- ۵۴— ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ۵۵— امین‌الدوله، میرزا علی خان؛ خاطرات سیاسی امین‌الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرما مایان، تهران، کتاب‌های ایران، ۱۳۴۱.
- ۵۶— انصاری، حمید؛ مهاجر قبیله ایمان (زندگی نامه یادگار امام، حضرت حجت‌الاسلام والملمین حاج سید احمد خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.
- ۵۷— اوری، پیتر؛ تاریخ معاصر ایران، ۳ جلد، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطانی، ۱۳۶۹.
- ۵۸— اولیویه، سفرنامه اولیویه، ترجمه صید طاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلام رضا و رهرام، اطلاعات، ۱۳۷۱.
- ۵۹— بامداد، مهدی؛ شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲، ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۴۷.
- ۶۰— بصیرت‌منش، حمید؛ نقش علماء در دوره رضائیان، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۷.
- ۶۱— بیل، جیمز ولویس، و ویلیام راجر؛ مصدق، نفت و ناسیونالیسم، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، نشر نو، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- ۶۲— بهار، محمد تقی (ملک الشعرا)؛ تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ۲ جلد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷ و ۱۳۶۳.
- ۶۳— پارسوتز، آنتونی (سفیر انگلیس در ایران قبل از انقلاب اسلامی)؛ غرور و سقوط، ترجمه منوچهر راستین، تهران، انتشارات هفته، ۱۳۶۳.

- ۶۴- ترکمان، محمد؛ استنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران (۱۲۸۷ تا ۱۲۹۱ ه.ش)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.
- ۶۵- نیمرمن، کنت. آر؛ سوداگری مرگ (ناگفته‌های جنگ ایران و عراق)، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳.
- ۶۶- تیموری، ابراهیم؛ عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۳۲.
- ۶۷- جامی؛ گذشته چراغ راه آینده است (تاریخ ایران در فاصله دو کودتا ۱۳۳۲-۱۲۹۹)، تهران، انتشارات قفقنوس، ۱۳۶۷.
- ۶۸- جوردن، همیلتون؛ بحران، تهران، کتاب‌سرا، ۱۳۶۲، (بدون ذکر نام مترجم).
- ۶۹- حائری، عبدالهادی؛ تشیع و مشروطیت در ایران (نقش ایرانیان مقیم عراق)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ۷۰- نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران مسلمان با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- ۷۱- حدیث بیداری (زنگی نامه آرمانی، علمی و سیاسی امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۱.
- ۷۲- حلبي، على اصغر؛ زندگي و سفرهای سیدجمال الدين اسدآبادی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۵۶.
- ۷۳- درودیان، محمد؛ آغاز تا پایان (سیری در جنگ ایران و عراق)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.
- ۷۴- دولت‌آبادی، یحیی؛ تاریخ معاصر ایران یا حیات یحیی، ۴ جلد، تهران، انتشارات ابن‌سینا، ۱۳۳۶-۱۳۲۸.
- ۷۵- ذوقی، ایرج؛ تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ، تهران، پازنگ، ۱۳۶۸.
- ۷۶- راجی، پرویز؛ خدمتگزار تخت طاووس، ترجمه ح.الف، مهران، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴.
- ۷۷- رحیم‌زاده صفوی، اسرار سقوط احمدشاه، به کوشش بهمن دهگان، فردوسی، ۱۳۶۲.
- ۷۸- رضوانی، محمدسامعیل؛ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، انتشارات ابن‌سینا، فرانکلین، ۱۳۴۵.
- ۷۹- روحانی، سیدحمید؛ بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، جلد ۱ و ۲، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۴.
- ۸۰- نهضت امام خمینی، ۲ جلد، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۴.
- ۸۱- روحانی، فؤاد؛ تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ دوم، ۱۳۵۳.
- ۸۲- زرگری نژاد، غلامحسین؛ رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۴.
- ۸۳- شریف کاشانی، محمدمهدی؛ واقعات اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
- ۸۴- سمیعی، علی؛ کارنامه توصیفی عملیات‌های هشت سال دفاع مقدس، نسل کوثر، چاپ سوم، ۱۳۸۲.

- ۸۵ - سیمونیچ، ای. او؛ خاطرات وزیر مختار از عهدنامه ترکمانچای تا جنگ هرات، ترجمه یحیی آرین پور، تهران، نشر پیام، ۱۳۵۳.
- ۸۶ - شمیم، علی اصغر؛ ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۲.
- ۸۷ - شوستر، مورگان؛ اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتاری، تهران، انتشارات صفحی علیشاه، ۱۳۵۱.
- ۸۸ - صالحی، نصرالله؛ استنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنه الروم (۱۲۶۴-۱۲۵۸ق.) دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۷.
- ۸۹ - طباطبائی مجد، غلامرضا؛ معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۳.
- ۹۰ - طلوعی، محمود؛ فرهنگ جامع سیاسی، نشر علم و انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۹۱ - عیسوی، چارلز؛ تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار: ۱۳۳۲-۱۲۱۵هـ.ق.)، ترجمه یعقوب آزاد، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۱.
- ۹۲ - غفاری، ابوالحسن؛ تاریخ روابط ایران و فرانسه، تهران، مرکز نشر داشگاهی، ۱۳۶۸.
- ۹۳ - غنی، سیروس؛ برآمدن رضاخان و برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ترجمه حسن کامشداد، تهران، نیلوفر، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- ۹۴ - فخرایی، ابراهیم؛ سردار جنگل، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۴.
- ۹۵ - فراشبندی، علیمراد؛ جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۵.
- ۹۶ - فردوست، حسین؛ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۶۹.
- ۹۷ - فصل نامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره‌های مختلف.
- ۹۸ - فلاخ تزاد، علی؛ مناسبات ایران و اسرائیل در دوره پهلوی دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۹۹ - فلور، ویلم؛ جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، ۲ جلد، تهران، انتشارات توسع، ۱۳۶۶.
- ۱۰۰ - فوران، جان؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
- ۱۰۱ - قاجار، علی؛ داستان قاجار، ترجمه نادعلی همدانی، تهران، نشر سیمرغ، ۱۳۷۳.
- ۱۰۲ - قادری، سیدعلی؛ خمینی روح الله (زندگی نامه امام خمینی براساس استناد و خاطرات و خیال)، جلد ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
- ۱۰۳ - کاتوزیان، محمدعلی؛ اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳.
- ۱۰۴ - کاظم زاده، فیروز؛ روس و انگلیس در ایران (۱۸۶۴-۱۹۱۴م.) پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۱۰۵ - لوایح شیخ فضل الله نوری، به کوشش هما رضوانی، تهران، نشر تاریخ، ۱۳۷۲.
- ۱۰۶ - محمود، محمود؛ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، جلد ۱، اقبال، چاپ چهارم.

- ۱۰۷ - محمدی، منوچهر؛ تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۱۰۸ - مدرسی، علی؛ مدرس شهید نابغه ملی ایران، اصفهان، بنیاد فرهنگی و انتشاراتی بدر، ۱۳۵۸.
- ۱۰۹ - مدنی، سید جلال الدین؛ تاریخ سیاسی معاصر ایران، ۲ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲.
- ۱۱۰ - مرادی نیا، محمدجواد؛ خاطرات آیت‌الله پسندیده، تهران، حدیث، ۱۳۷۴.
- ۱۱۱ - مرسلوند، حسن؛ زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران، ۴ جلد، تهران، نشر الهام، ۱۳۶۹ به بعد.
- ۱۱۲ - مرکز فرهنگی سپاه؛ کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، تهران، مرکز فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷.
- ۱۱۳ - مستوفی، عبدالله؛ شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار، ۲ جلد، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۴۳.
- ۱۱۴ - موسوی بجنوردی، سید کاظم؛ مسی به رنگ شفق، سرگذشت و خاطرات سید کاظم موسوی بجنوردی، به اهتمام علی اکبر رنجبر کرمانی، تهران، نشری، چاپ اول، ۱۳۶۱.
- ۱۱۵ - نظام‌الاسلام کرمانی، محمدبن علی؛ تاریخ بیداری ایرانیان، ۴ جلد، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- ۱۱۶ - نجاری راد، تقی؛ همکاری سواک و موساد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۱۱۷ - نفیسی، سعید؛ تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، تهران، انتشارات بنیاد، ۱۳۴۴.
- ۱۱۸ - نوابی، عبدالحسین؛ ایران و جهان، جلد ۳ (از مشروطیت تا پایان قاجاریه)، تهران، رهنما، ۱۳۷۵.
- ۱۱۹ - وحید مازندرانی، غلامعلی؛ قرارداد ۱۹۰۷ روسر و انگلیس راجع به ایران، تهران، کتابخانه سفراط، ۱۳۲۸.
- ۱۲۰ - وقایع نگار، محمدصادق؛ تاریخ جنگ‌های ایران و روس، بی‌نا، بی‌جا، ۱۳۶۹.
- ۱۲۱ - ولی‌قلی‌بیگ شاملو، قصص الخاقانی، ترجمه سید حسن‌سادات ناصری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۱۲۲ - هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر؛ امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
- ۱۲۳ -، دوران مبارزه، ۲ جلد، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶.
- ۱۲۴ - هایزر؛ مأموریت مخفی در تهران، ترجمه محمدحسین عادلی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۵.
- ۱۲۵ - هدایت، مهدی قلی‌خان؛ خاطرات و خطرات توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، کتابفروشی زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۱.
- ۱۲۶ -، گزارش ایران، به اهتمام محمدعلی صوتی، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۳.
- ۱۲۷ - هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روایت خارجی ایران (از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۰.

